نگارش :

اسمعیل نورزاده بوشهری

تهران - ۱۳۲۵

اسمعیل نوروزاده بوشهری

چاپخانهٔ روزنامهٔ امید

فهرست

موضوع — صفحه

دیباچه

پس از آنکه کتاب « نظری بایران و خلیج فارس » تألیف نگارنده انتشار یافت و مورد توجه مردان صاحبدل و صاحب نظر واقع گردید تشویق ارباب فضل و کمال مرا بر آن داشت که بنگارش کتابی جامع تر و کامل تر بنام (ایران کنونی و خلیج فارس) بپردازم .

این کتاب که بنظر خوانندگان گرامی میرسد حاوی یکرشته از مشاهدات آمیخته بمطالعات و تتبعات و حاصل چندین سال زحمت ورنج وسفرهای طولانی نویسنده میباشد که طی سیاحت های اخیر خود از شهرهای عمده و از آثار تاریخی و اوضاع سیاسی واقتصادی آنها یادداشتهای دقیق کرده بامجملی از سوابق تاریخی ووضع جغرافیائی بهم میهنان محترم تقدیم مینماید و امیدوار است مطالعه آن از لحاظ معلومات سیاسی و جغرافیائی سودمند افتد زیرا مادام که ما از اوضاع بلاد میهن خویش بی خبر باشیم چگونه اندیشه و نقشهٔ اصلاح آن شهر ها را توانیم داشت امیدوار است این کتاب برای سیاحان و مسافرین راهنمائی باشد و آرزومندم اهل فضل و دانش نواقص این اثر ناچیز را بدیدهٔ اغماض نگریسته و با اصلاح و تکمیل آن بر بنده منت نهند و بمصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از الطاف و مساعدت ادیب لبیب آقای یوسف اخوت مدیر جریده خلیج ایران تشکر کنم .

اسمعیل نورزاده بوشهری

ایران کنونی و خلیج فارس

پس از بازگشت از عراق عرب با راه آهن بغداد بخانقین رهسپار ایران شدم . مسافت بین بغداد تا خانقین درحدود ۱۸۶ کیلو متر است . دهستانهای یعقوبیه - شهربان - قزل رباط وقره‌خان درعرض این راه واقعشده است . لوکوموتیو غرش کنان قطار کوه پیکر را باخود میبرد وازدهستانها میگذشت تاریکی شب اطراف مارا فراگرفته بود و روشنائی برق واگونهای قطار مسیر راه آهن را روشن مینمود در این هنگام بتاریکی و سیاهی دشت و هامون نظر انداخته و دراین اندیشه فرو رفته بودم که چگونه نقاش روزگار با الوان سپید و سیاه نقش لیل ونهار را مینگارد وستاره‌های درخشان سحری با انوار خود درآسمان سربدرآورده وطلیعه صبح رااعلان میدارد و سپیده دم نمایان شده سپس شفق از دریچه افق طلوع خورشید را نوید میدهد وآفتاب جهانتاب باأشعه طلائیش روی‌زمین رازرین مینماید دراین ساعت قطار بسرعت از آبادیها میگذشت و باعبور آن‌منظرهٔ حیات مانندفیلم‌دواری‌از مدنظر ردمیشد وسرعت زمان‌را که‌چه‌زوددر گذر میباشد در خاطر مجسم میساخت . دراین موقع در بارهٔ فواید راه آهن از نظر اهمیت بین‌المللی و همچنین از لحاظ سیاسی و اقتصادی آن فکر میکردم که پس‌از اختراع راه آهن بسرعت فوق‌العاده درکلیهٔ ممالك راقیه بسط و توسعه یافته و هر کشوری بنا باستعداد خود از آن بهره مند شده بطوریکه در مدت یکقرن از تاریخ اختراع آن در حدود یك ملیون و پانصد هزار کیلومتر راه آهن درجهان دایر گردیده وکمك‌بزرك‌وموثری بتقویت بنیهٔ اقتصادی‌واحیای صنایع نمود ودرزندگانی‌بشر انقلابی‌تولید کرد

ونیز بیاد میآوردم که چگونه « لردکرزن » سیاستمدار انگلیسی معروف موفق گردید که نقشه‌راه‌آهن گویتهٔ سند و نوشکی را تا میرجاوه وزاهدان عملی کند و در نظر داشت که آنرا از راه بلوچستان از طریق کرانه جنوب خلیج فارس تاکویت و بصره امتداددهد و نیز تصمیم بابعالی درسال ۱۸۹۹ میلادی در دادن امتیاز ساختن راه‌آهن باآلمان از آناطولی ببغداد که ضمناً انگلیسی‌ها حاضر شدند که آلمانهادر آسیای صغیر تاقسمت شمال بغداد آزادی عمل داشته‌باشند بشرطی که‌نظیر این امتیاز را خوددرناحیه‌جنوب بین‌النهرین دارا باشند .

درقرارداد ۱۹۱۳ میلادی با ترکیه دولت انگلیس موفق گردید که اوضاع سیاسی خودرا درخلیج فارس ونیز برسمیت شناختن پیمان‌های بین آندولت را با شیوخ کویت وبحرین پابرجا نماید و انتهای نقطه راه آهن بغداد بپائین بدون رضایت دولت‌انگلیس امتداد نیابد و توسعه بندر بصره بدست آن‌دولت سپرده شود که بتواند سدی‌پولادین درجلو پیشروی‌های آلمان و روسیه برای ممانعت از رسیدن بدریای آزاد کشیده باشد . نماینده سیاسی انگلیس در بغداد طرح کاملی برای بسط موقعیت خود در بین النهرین تهیه نمود ونقشه آبیاری زمین‌های حاصلخیز آنجا را بوسیله سرویلیام«ویلکوك»ریخت وبوسیله‌شرکت‌انگلیسی‌اجرا گردیدونیز قرارداد کشتی رانی در رودخانه دجله بنام شرکت « نیتوس گریس نمرود» وبعداً شرکت‌کشتی رانی برادرای «لنیچ» مهمترین وسیله افزایش نفوذ انگلیسها در بین‌النهرین بود بعلاوه سهم مهمی از معادن نفت‌کرکوك بعدها‌نصیب انگلیسها گردید « لرد سالیس بوری » نخست وزیر فقید معروف انگلیسی میگوید « هرهیئت وزیرانی‌که برسرکارباشند هرگز نباید اجـازه‌بدهند

که نفوذ دولت دیگر در بین النهرین برقرار گردد ومنافع سیاسی مانباید در خلیج فارس محدود باشد بلکه تا بغداد میبایست توسعه یابد» . یکی دیگر ازرجال سیاسی میگوید که « موقعیت بغداد و بصره نظیر بنادرخلیج فارس میباشد ومیبایست جزء منطقه‌هائی قرار گیرد که تفوق نفوذما درآنجا غیر قابل مقاومت باشد بنا براین هر تغییری در وضعیت بین النهرین پیدا شود مانند تحولاتی در خلیج فارس خواهد بود ونفوذ سایر دول در بغداد بهمان اندازه که نفوذ آن در جنوب ایران باشد ناگوار میباشد » ـ در نتیجه ورود ترکیه درجنگ بین الملل اول و عملیات ترکها درتجهیزات و تمرکز قوائی در بغداد و بصره اولیاء مقامات نظامی و سیاسی انگلیس درصدد برآمدند که عملیات فوری نموده و عده نیرو بآبادان بفرستند که‌در ظاهر برای حفظ و حراست مؤسسات نفت آنجا باشد اداره امورسیاسی هندوستان در نامه خود بنایب السلطنه هندپس ازصدور حکم‌اعزام‌قشون مینویسد « ازجمله منظور مختلفی که برای بدست آوردن آنهااکنون سپاهی بخلیج فارس فرستاده میشود تأثر روحی که در رؤسای‌عرب مقیم سواحل خلیج‌فارس پیدامیشود دردرجه اول قرارمیگیردوحمایت‌مؤسسات و پالشگاه نفت آبادان در درجه دوم است حکومت هندوستان عقیده‌دارد که ارزش نفت آنجا آنقدرهانیست که بالنتیجه باعث اعزام قشون بخاک ایران بشود » سرلشکر « بارون» در پاسخ این نامه جواب میدهد « که‌در صورت حدوث جنگ با ترکیه منافع امپراطوری انگلیس در بین النهرین ازبین میرود و مشایخ خرمشهر و بندر کویت (مقصود شیخ‌خزعل وشیخ مبارك بن صباح است) که متحدین ما هستند تحت تهدید قرار گرفته ممکن است ازطرف ترکیه موردحمله واقع‌شوند ودرنتیجه تمام زحمات

وکوشش ما در این مدت چند سال بهدر خواهد رفت و نیز موقعیت ما درخلیج فارس متزلزل خواهد شد »

اعزام قشون انگلیس ببین النهرین نه تنها مخاطرات را ازبین برد بلکه آنهارابحفظ موقعیت سیاسی ونظامی خود درخلیج فارس‌قادرساخت باین طریق‌ازتمام خطرهای احتمالی مخصوصاًاز مخالفت اعراب‌جلوگیری نمود و پایه محکمی برای تأمین دفاع هندوستان و حفظ راه های سوق‌الجیشی استوارکرد و دست ترکیه ازبغداد وشامات قطع شد و اشغال نظامی موجب گردید که هرگاه درمدیترانه اختلافی بین دول اروپاخاصه ایتالیا ظهور نماید از راه‌خلیج فارس وبین‌النهرین تمام‌حرکات استراتیژی‌را بدون خطر میتوانندانجام بدهد و راه ارتباط نظامی کاملاً محفوظ گردید و نیز از گشودن راه عبور سایر دول در خلیج فارس و دریای هند جلوگیری‌شد وبنام اجرای‌وظیفه حفظ هندوستان اقتدار خودرا درخلیج فارس تأمین نمود .

خانقین

بامداد روز جمعه وارد خانقین شدم هوای این شهر بسیار گرم وپراز گردوخاك بود وکوچه‌های آنجا کثیف بنظرمیرسید ومردمش‌بیشتر ازنژاد کرد هستند اولین ساختمانی که جلب نظر میکرد بنای‌شرکت‌نفت ایران وانگلیس بود وپالشگاه نفت‌خانه در چند کیلومتری خانقین واقع شده و نفت این محل آنقدر نیست که بخارج فرستاده شود ولی تاحدی احتیاجات آنجا را تامین میکند امتیاز معدن نفت‌خانه و قسمت جنوبی آن جزء همان امتیاز معروف دارسی است که اکنون در دست شرکت نفت انگلیس و ایران میباشد .

دارسی نیوزلندی درسال ۱۹۰۱ میلادی در دوره مظفرالدین شاه امتیاز نفت وموم معدنی برای مدت شصت سال درتمام نقاط ایران باستثناء چهار استان شمال گیلان ـ مازندران ـ خراسان وآذربایجان بدست آورد و شروط عمده قرارداد یکی پس از شروع به بهره برداری صدی ۱٦ ازعایدات خالص بدولت ایران بدهد و دیگر پس ازمدت شصت سال تمام ابنیه وساختمانها وماشین‌آلات وغیره را بدولت ایران واگذار نماید ونیز هرگاه اختلافی بین صاحب امتیاز ودولت‌ایران پیدا شود طرفین درتهران بحکمیت نمایندگان خود حل وتصفیه نمایند ـ دارسی بعنوان حق‌الامتیاز مبلغ بیست هزار لیره نقد وبیست هزار لیره سهام بدولت ایران پرداخت نمود وبا سرمایه ششصد هزار لیره بنام شرکت استخراج اولیه در نقاط چاه سرخ درناحیه غرب و در دهاوران و دلیپری درپشت‌کوه مشغول کار گردید ولی موفقیتی در آن نقاط بدست نیاورد و چون سرمایه شرکت نامبرده بمصرف‌رسید باکمك مالی‌شرکت برمه‌اویل‌کمپانی درسال۱۹۰۷ میلادی در میدان نفتون « مسجد سلیمان » مشغول حفریات شد و برای تسهیل کار خود شرکتی دیگربنام بختیاری اویل کمپانی باسرمایه‌چهارصد هزار لیره تأسیس نمود پس ازموفقیت درتحصیل نفت دراین محل ناگهان دارسی بدون مراجعه بدولت‌ایران حق امتیاز خودرا بشرکت نفت‌ایران و انگلیس فروخت و از ایران رفت و شرکت نامبرده در مسجد سلیمان مشغول حفاری‌چاه نفت‌گردید پیش از جنك بین‌الملل اول دولت‌انگلیس برای تأمین نیازمندی سوخت کشتیهای خود قراردادی با شرکت نفت منعقد ساخت وصدی ۵۰ سهام شرکت نفت بدولت انگلیس تعلق یافت که بالغ بردو ملیون و دویست هزار لیره بوده و بعد مقداری سهام دیگر نیز

از خوانین بختیاری خریداری کرد و از آن پس معدن نفت مسجدسلیمان
زیر نظر دولت انگلیس قرار گرفت ـ علاوه از معدن نفت سرشار مسجد
سلیمان بعداً شرکت نفت در نقاط گچ ساران ـ هفت گل ـ آقا جری ـ و
در ناحیه سومار قرب طیروق نزدیك قصر شیرین بعملیات حفاری برای
استخراج نفت مشغول شد و اکنون نفت خام در آن نقاط بدست آمده
از گچ ساران و آقاجری و هفت گل لوله کشی بتصفیه خانه در آبادان شده
از گچساران یك لوله از آقاجری دو لوله و از هفت گل سه لوله مقادیر
زیادی نفت خام در آن پالشگاه تصفیه میگردد و در نظر است که بعداً
مرکز تصفیه خانه را در بندر معشور نزدیك خور موسی ساخته شود
از ناحیه آقاجری به بندرمعشور شصت کیلومتر مسافت است وعمق دریا
بحدی است که کشتی میتواند در آنجا لنگر انداخته و نفت حمل نماید
بعلاوه در ناحیه لالی نزدیك شوشتر درناحیه بختیاری و نیز درچشمه‌سفید
معدن نفت کشف شده و مشغول عملیات حفاری میباشند .

در مسجد سلیمان چندین چاه نفت وجود دارد که برخی هنوزدست
نخورده است و مشهورترین چاه نفت که اکنون مورد استفاده است چاه
ف نمره ۷ که سرشار ترین نفت را دارا میباشد .

از مسجد سلیمان نفت خام بوسیله چند رشته لوله های بزرك به
پالشگاه آبادان برای تصفیه وارد میشود و درمخازن آهنین درآنجا نگاه میدارند

اخیراً در خسروآباد نزدیك آبادان نیز بندری برای صادرات نفت
بنا گردیده که دارای چند مخزن وچند سده (اسکله) جهت کشتیهای
نفت کش تهیه شده است . عقیده پروفسور « بوخ » اطریشی که از مهندسین
عالی رتبهٔ طبقات‌الارضی بود اینست که معدن نفت مسجد سلیمان درحدود

پنجهزار پا نسبت بمعادن نفت شمال ایران پائین‌تر قرار گرفته ورشته‌هائی ازچشمه های نفت شمال بطرف جنوب جاریست .

درعهد رضا شاه پهلوی شرکت نفت انگلیس و ایران چند سال حق‌الامتیاز بدولت ایران نمیپرداخت وعلت مسامحه شرکت نامبرده از عدم پرداخت این بود که بهانه بدست دولت ایران برای لغو قرارداد دارسی داده باشدکه با شرایط جدید وبهتری مخصوصاً تمدیدمدت امتیاز و الغاء حکمیت در ایران‌که درقرارداد دارسی مقرر شده بود منعقدنماید (درقرارداد جدید هرگاه اختلافی بین دولت ایران وشرکت نفت‌پیداشود میبایست بحکمیت مجمع بین‌الملل احاله‌گردد) مدت قرارداد دارسی در سال ۱۹٦۱ میلادی خاتمه مییافت ولی در قرارداد جدید تا سال ۱۹۹۳ میلادی تمدید یافت بعد از جار وجنجال زیادی که جراید انگلیسی براه انداختندومشاجرات قلمی وجنگهای‌زرگری‌آنها عاقبت‌درخردادماه ۱۳۱۲ خورشیدی‌قرارداد جدیدمنعقدگردیدکه طبق موادزیر بامضاء طرفین‌رسید .

۱ـ حقوق شرکت نفت دراموز کشفیات و استخراج وتصفیه نفت ولوله‌کشی در این قرارداد تعیین شده ـ

۲ـ شرکت نفت باید تاسال ۱۹۳۸ میلادی اراضی مورد اکتشاف را که درحدود یکصد هزار میل مربع است مورد استفاده قرار دهد :

۳ـ زمین‌های دیگر که مورد احتیاج شرکت‌نفت واقع‌شود هرگاه لم یزرع باشد مجاناً بشرکت واگذار میشود و اگر زمین مزروعی باشد شرکت بهای آنرا بنرخ عادله پرداخت مینماید .

٤ـ احداث راه آهن ـ خطوط هوائی ـ بیسیم وتلگراف وتلفن باید باموافقت دولت ایران انجام‌گیرد .

۵ـ واردات شرکت نفت در ایران باستثنای اشیائیکه برای کارمندان وارد میشود از پرداخت حقوق گمرکی و عوارض و مالیات معاف باشد.

۶ـ تمام مواد نفتی که از ایران خارج میشود از هرگونه مالیات و حقوق گمرکی وعوارض بخشوده خواهد بود.

۷ـ دولت ایران از شرکت نفت و کارمندان آن حمایت قانونی نموده وتسهیلات لازمه فراهم خواهد ساخت.

۸ـ شرکت نفت ملزم نیست بهای صادرات نفت را بپول رایج ایران تبدیل نماید.

۹ـ شرکت نفت بلافاصله شروع باستخراج نفت در کرمانشاه نموده وتصفیه نفت را درهمان محل انجام بدهد.

۱۰ـ حق امتیاز که بدولت ایران پرداخت خواهد شد شامل دو رقم خواهد بود در اول سال ۱۹۳۳ میلادی تا آخر مدت قرارداد برای هرتن نفت که ازایران صادر میشود ویا در داخل کشور بمصرف میرسد چهار شلینگ بدولت ایران پرداخت نماید و نیز ازمجوع سودسهام که بین صاحبان سهام توزیع میگردد میبایست بیست درصد بدولت ایران تعلق گیرد و حد اقل مبلغی که شرکت نفت باید بپردازد نباید از مبلغ ۷۵۰،۰۰۰ لیره کمتر باشد.

۱۱ـ شرکت نفت ازپرداخت هرگونه مالیات بردرآمد معاف است ولی شرکت نامبرده تعهد مینماید در ۱۵ ساله اول ۲۲۵ هزار لیره و در ۱۵ سال دوم هرسال ۳۰۰ هزار لیره برای این منظور بپردازد.

۱۲ـ دولت ایران حق‌دارد که هرگاه لازم بداند درامور فنی شرکت نفت بررسی بنماید (متأسفانه تاکنون انجام نشده)

۱۳ـ شرکت نفت تعهد مینماید که هرساله مبلغ دوهزار لیره‌برای هزینه نماینده ایران درلندن پرداخت کند.

۱٤ـ شرکت نامبرده قبول مینماید که کارکنان فنی ایرانی را در کارها بگمارد و آنها را تربیت کند.

۱٥ـ نسبت به بهداشت کارگران طبق اصول جدید که در ایران معمول است بموقع اجرا بگذارد.

۱٦ـ هرزمان سهام جدیدی از طرف شرکت نفت بمعرض فروش برسد در ایران نیز فروخته شود.

۱۷ـ بهای نفت که درایران بفروش میرسد پایه قیمت مواد نفتی‌در کشور های رومانی و مکزیك میباشد و بشرکت نفت حق داده شده که هزینه حمل و نقل همچنین اگر مالیات و عوارضی را دولت ایران وضع نماید بقیمت مواد نفتی بیفزاید.

۱۸ـ پس ازخاتمه قرارداد تمام دارائی شرکت نفت در ایران مانند اراضی ـ ابنیه ـ کارخانها ـ چاه های نفتی ـ سده واسکله‌ها ـ راه‌ها ـ ولوله ها ـ بدولت ایران واگذار میگردد.

۱۹ـ اجرای این قرارداد باحسن نیت طرفین انجام میشود.

۲۰ـ این قرارداد از طرف دولت ایران لغو نمیشود و تغییرات در متن ومواد آن بوسیله آیین‌نامه ها داده نخواهد شد.

۲۱ـ حق‌الغای این‌قرارداد باشرکت نفت‌ایران‌وانگلیس‌خواهدبود.

۲۲ـ طرز تعیین حکم و صدور رأی حکمیت در صورت بروز

اختلاف بین طرفین باجامعه بین‌الملل خواهد بود.

۲۳ـ درمقابل ادعای دولت ایران بابت سالهای گذشته تاآخرسال ۱۹۳۰ میلادی یك ملیون لیره ازطرف شرکت نفت پرداخت خواهدشد

۲٤ـ حق امتیاز دولت ایران بابت سالهای ۱۹۳۱ و۱۹۳۲میلادی طبق این قرارداد جدید تادیه خواهدگردید.

۲۵ـ اعتبار قرارداد های جزء که مربوط بقرار داد دارسی بود در این قرارداد تعیین و برقرار میشود.

۲٦ـ تاقبل از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ میلادی این امتیاز خاتمه پیدا نمیکند مگر آنکه شرکت نفت آنرا لغو نماید یااینکه محکمه‌حکمیت در اثر ارتکاب تخلفی نسبت به اجرای مقررات ابطال آنرا اعلام نماید باین معنی که هرگاه مبلغی که برحسب رأی محکمه باید بدولت ایران پرداخت شود تا مدت یکماه بعد از تاریخ صدور رأی محکمه پرداخت نگردد یااینکه‌محکمه تصمیم برانحلال‌اختیاری یااجباری‌شرکت‌نفت‌بگیرد.

این قرارداد بعد ازتصویب مجلس شورای ملی ایران وصحه‌پادشاه بموقع اجرا گذارده میشود ودولت ایران تعهد مینماید که این قراردادرا به تصویب مجلس شورای ملی ایران برساند.

شرکت نفت ایران و انگلیس سالیانه در حدود ۱٤ملیون تن نفت خام ازمسجد سلیمان و سایر نقاط دیگر بدست می‌آورد بعلاوه سهام زیادی در معادن نفت عراق و بندر کویت ونقاط دیگر دارا میباشد ـ از اول‌بنای تأسیس شرکت نفت انگلیس وایران ازمعادن نفت مسجدسلیمان و ناحیه هفت گل تا سال ۱۹٤٤ میلادی مقدار ۱۷۰٬۰۰۰٬۰۰۰ تن نفت خام بدست آورده و درمعدن گچ ساران درحدود دوملیون تن نفت خام

استخراج شده نیز در ناحیه آقاجری نزدیك بهبهان همین مقدار محصول نفت
درسال داشته است و دستگاهها ئیکه میزان محصول نفت را بچهار ملیون
تن ببالا ببرد نصب و بر قرار گردیده ـ شرکت نامبرده برای افزودن
محصول بنزین سوخت هواپیمائی مساعی زیادی بکار برده و در جنك
بین الملل دوم مقدار ۱،۲۵۰،۰۰۰ تن بنزین سوخت طیاره در سال
اضافه برمیزان سالهای پیش ازجنك بدست آورده ودرجه حرارت نیروی
بنزین هواپیمائی به ۷۵ اکتان رسانید که کمك شایانی درجنك دوم نموده است.

ایستگاه مخزنهای نفت که هریك درحدود یك ملیون گلن ظرفیت
آنها است و نیز ایستگاه تجدید فشارجریان نفت را درنقاط درخزینه و ملاثانی
و کوت عبدالله ودارخوین احداث گردیده و پنج رشته اوله های نفت که از
مسجد سلیمان کشیده شده درقریه مارد بسایر لوله های دیگر متصل شده
و ازرودخانه بهمن شیر عبور نموده برای تصفیه بپالشگاه آبادان وارد
میگردد و هر روز چند کشتی نفت کش نفت بارگیری کرده و بخارجه
میبرند وعده کارگران بالغ بر ۲۹۰۰۰ نفر ایرانی وهندی وعرب میباشند
شرکت نفت انگلیس و ایران پیش ازجنك عمومی دوم دارای ۹۳ کشتی نفت کش
اقیانوس پیما بوده که ظرفیت آنها بالغ بر ۹۸۰،۰۰۰ تن بود از این تعداد
کشتیها ٤٤ آنها در جنك گذشته غرق یا خسارت دیده اکنون باز ٦٩
کشتی مشغول نفت کشی میباشد ودر صدد است برتعداد آنها اضافه نماید.

با درنظر گرفتن اهمیت نفت در زندگانی بشر وکم شدن این ماده
حیاتی درجهان معادن نفت ایران ازنقطه نظر سیاسی و اقتصادی در آتیه
سرلوحه سیاست کشورهای ذینفع خواهد بود .

پس ازدیدن تصفیه خانه نفت خانقین ظهر روز جمعه از این شهر

حرکت کرده بسرحد ایران وعراق درنقطه موسوم بکوچل کوچل رسیدم در این محل برج و قلعه کوچکی روی تپه قرار دارد و مأمورین مرزی عراق درآنجا نگهبانی میکنند از این محل گذشته وارد خسروی شدم در اینجا ادارهٔ گمرك سرحدی و پست امنیه ایران واقع شده ابنیه وانبارهای گمرك همه خراب و تعمیر زیاد لازم دارد و اکثر مال التجاره و کالا در حیاط گمرك ریخته شده بود که باعث خسارت صاحبان آنهاست از مرز عراق تاقصر شیرین در حدود ۳٦ کیلومتر است در اینجا درناحیه سومار نزدیك قصبه طیروق معدن نفت وجود دارد که بوسیله لوله تا کرمانشاه کشیده شده قصرشیرین دردامنه کوه بناگردیده وآثار قلعه ویرانه معروف بقلعه داریوش درآنجا دیده شد و رودخانه کوچکی نزدیك شهر نامبرده میگذرد که مزارع آنجارا مشروب میسازد محصول آنجا گندم وجواست و هوایش بسیار گرم در گمرك همه قسم کالا و مال التجاره بطور ترنزیت از راه عراق وارد ایران میشود از قصر شیرین تا کرمانشاه در حدود ۱۷۷ کیلو متر مسافت است و دهستانهای بین راه عبارت است از پل ذهاب ـ سرپل ـ کرند ـ حسن آباد ـ شاه آباد وماهی دشت ومحصول آنجا گندم وجو وخشکبار است اطراف جاده ودهستانها همه سبز وخرم بود خاصه در قصبه ماهی دشت که منظره با صفائی داشت این نقاط محل قشلاق عشایر کلهر و سنجابی است .

درپل ذهاب نقش یکی از پادشاهان اشکانی دیده شد که بر اسب سوار است ویکی ازرعایا دسته گلی را بپادشاه تقدیم میکند ونیز در سرپل یك دخمهٔ بنظر رسید که موسوم بدکان داوداست درآنجا نقشی درسنك کنده شده و تصویر مردی را در لباس ماد های قدیم نشان میدهد

در فصل زمستان قسمت بیشتر این جاده مستور از برف و عبور مسافرین دشوار است درراه چند برج و باروی مخروبه دیده شد که میگویند مرکز دزدها و راهزنهای عشایر باجیلانی بوده که خودرا تابع دولت عراق میدانند در گردنه پاطاق که اکنون طاق ویرانه است لوح سنگی بنظر رسید که بر آن نوشته بود « فوج پنجابی نمره ۲۸۹ سال ۱۹۲۰ و تاج سلطنتی انگلیس » در سمت بالای آن نقر شده بود گویا در جنگ بین الملل اول که زدوخوردهائی بین روسها وسپاهیان ترك وژاندارمری ایران دراین ناحیه واقع شده بود که بعداً منجر بقشون کشی انگلیسها از بغداد بسرداری ژنرال « دنسترویل » شده وازاین راه گذشته آنرا نوشته‌اند ژنرال نامبرده درفصل اول کتابش زیرعنوان « دروازه های بی‌پاسبان » مینویسد یکی از مسائل عمده نقشه سیادت جهانگیری آلمان قبل ازنایره جنگ عمومی این بود که آسیای صغیر را بتصرف درآورد و باایجاد راه‌آهن بغداد دراعماق آسیا نفوذ پیدا کند هنگامیکه آسیا تحت اشغال قوای انگلیس درآمد واحتمال استرداد آن ازطرف ترکیه ازبین رفت آلمانها ناگزیر شدند که خط سیر خودرا بطرف مرکز آسیا تغییر دهند و نقشه جدید آنها بامساعدت ترکها استیلا بر ممالك ماوراء قفقاز وبادکوبه وبحرخزر بود بعلاوه انقلاب روسیه وظهور بولشویکها برای پیشرفت ونفوذ قوای آلمان وترکیه راه شمال را برای آنها مفتوح ساخت .

افتخار این مأموریت نصیب من گردید وبادسته قوائی در دسامبر ۱۹۱۸ میلادی از بغداد بطرف ایران وقفقاز حرکت نمودیم وبمحض ورود بمحل مأموریت خود فوراً قشونی از قفقازی و گرجی وارامنه تشکیل داده و فرونتی در مقابل پیشرفت قوای خصم ایجاد شد و با آنکه دولت ایران اعلان بیطرفی داده بود معذالك اراضی آن ازهمان ابتدای جنگ عمومی

مبدل بعرصه کشمکش و جدال بین قوای ترك و روسیه گردیده بود و در تمام نواحی بین قزوین و کرمانشاه شروع بزدوخورد شده بود واکثر دهات و قصبات بین راه خراب و ویرانه و مردمش با حال پریشانی بسایر نقاط دیگر فرار کرده بودند این وضعیت تا موقعی ادامه داشت که ما بغداد را بتصرف در آوردیم و کفه ترازوی روسها بدون تزلزل سنگین تر شدو در سایه موفقیت و پیشرفت ما روسها توانستند کلیه خطوط و راه ارتباط سرحدی بین النهرین و ایران را بطرف شمال و بحرخزر تحت نظر بگیرند ولی بعداز عملیات بولشویكها وقتی که قوای روسیه شروع بتخلیه نواحی ایران نمودند معلوم شد که در جناح راست قوای انگلیس درفرونت مرزی عراق شکافی بمسافت ۴۵۰ میل مربع باز شده بود که از بین این شکاف قوای آلمان و ترك بدون مانع میتوانستند آسیای مرکزی را احاطه ومحاصره نمایند وممکن بود این شکاف را ازنفرات داوطلب قشون روس که مشغول عقب نشینی ازخاك ایران بودند باپرداخت حقوق گزاف که میبایست بدهیم گرفته شود ولی کمیته های انقلابی بولشویك حکم اعدام هر کسی را که باسم داوطلب برای خدمت ما حاضر بشود صادر نمودند که ما ناچارشدیم از این اقدام صرفنظر نمائیم وبا قوای نسبتاً کم خودمان تا چندی از این شکاف جلوگیری کنیم وعاقبت در نتیجه پیشرفت بولشویكها ازقفقاز وایران مجبور بعقب نشینی شدیم ».

پس از طی مسافت ۳۱۲ کیلومتر از خانقین وارد کرمانشاه شدیم راه کوهستانی ونشیب و فراز زیاد دارد.

کرمانشاه

بنای کرمانشاه را ببهرام چهارم پادشاه ساسانی نسبت میدهند این

شهر بواسطهٔ فراوانی آب و اشجار زیاد خوش آب و هوا میباشد ودارای چهار خیابان وسیع است نهر سراب بوسیله چندرشته وارد شهر میگردد وبمصرف آب‌مشروب اهالی کرمانشاه میرسد خانه های یك یا دو اشکوبه و باغات اطراف شهر بر منظره کرمانشاه افزوده است ولی اکثر کوچه‌ها کثیف و آبادی آنجا نسبت بچند سال پیش تفاوتی نکرده است جمعیت کرمانشاه را در حدود ۹٦۰۰۰ نفر میگویند واکثر مردمش‌ازنژادکلهر وسنجابی میباشند ودر عین حال خوش اخلاق ومهمان نواز هستنداوضاع این شهر از لحاظ بهداشت خوب نیست و اکثر مردمش بیکار و بسختی امرارمعاش مینمایند . رودخانه های گاماساب وقره‌سو ازنزدیك کرمانشاه میگذرد و بعضی مزارع اطراف آنجا را مشروب میسازد محصول اطراف کرمانشاه عبارت است از غله ـ حبوبات و صادرات این شهر گندم ـ حبوبات ـ روغن ـ تریاك ـ کتیرا وپشم‌است که‌مقدار زیادی‌برای‌بافتن‌قالی به اراك میبرند .

تجارت و داد و ستد آنجا اکثردر دست‌بازرگانان یهودبغدادیست وکالا و مال‌التجاره از راه بغداد وارد میگردد .

نفت شاه از ناحیه سومار درحوالی طیروق در چند کیلومتری قصر شیرین بوسیله لولهٔ بمسافت ۲٦۰ کیلومتر بکرمانشاه کشیده‌شده و پالشگاه (تصفیه‌خانه) در کنار رودخانه قره‌سو در٦ کیلومتری این‌شهر ساخته‌شده وپس از تصفیه نفت آن در داخل کشور بمصرف میرسد .

طاق بستان در ۷ کیلومتری کرمانشاه واقع شده کهدر عهدقدیم‌یکی از باغهای پادشاهان ساسانی‌بوده در دامنه کوهها نقوش زیادی‌بنظرمیرسد از جمله نقش دو نفر است که روی بدن شخصی ایستاده و یکی از آنها

دسته گلی بدیگری میدهد و نیز نقش نفر دیگری است که عصائی دردست خود دارد و نقش خسرو پرویز است که در کشتی نشسته و در جای دیگر در شکارگاه مشغول صید میباشد و درمحلی دیگر او با یکی از سرداران خود ایستاده و درجای دیگر با یکی ازسران لشکرخود وملکه اناهیدهامشاهده میگردد و در نقش دیگر آن پادشاه سوار بر اسب و تیر و کمان و سپر در دست دارد ولی قسمتی ازچهره او و یکسمت صورت اسب از بین رفته است .

خسرو پرویزدرطاق بستان کاخ مجللی رابناکردهبود که عربها آنرا بساط شبدیز میناميدند دراین محل نیز نقش شاپور اول بنظر میرسد که روی بدن شخصی ایستادهو تصویر « والرین » امپراتور روم که تاج خودرا بشاپور میدهد و یکنفر پشت سر« والرین » ایستاده است . یاقوت در معجم البلدان مینویسد که خسرو پرویز تختگاهی که در کاخ طاق بستان ساخته بودصد ذرع طول و صد ذرع عرض داشته و در آنجاجلوس مینمود ونمایندگان پادشاهانرا در آنجا بار میداده ودرسال ۱۲۲۰ میلادی طاق بستان بدست لشگریان مغول خراب و ویران شد و شهر کرمانشاه بتاراج رفت ولی دردوره صفویه این شهر مجدداً آباد گردید و درآنجا در مقابل حمله ترکها استحکاماتی ساخته شد .

در جنگهای بین ایران و عثمانی کرمانشاه چند نوبت دست بدست گردید و در سال ۱۶۳۹ میلادی طبق پیمان ذهاب مجدداً بایران دادهشد ودرسال ۱۷۲۳ میلادی پس از ضعف صفویه و تسلط افغانها مجدداً قشون ترك بسرداری حسن پاشا والی بغداد کرمانشاه رانصرف نمودند و سردار نامبرده در نظر داشت که همدان را نیز اشغال نماید ولی عمراووفا ننمود وبعدفرزندش احمدپاشا درسالدیگر آنجا را متصرف شد ـ درسال ۱۷۲۷

میلادی افغان‌ها بکرمانشاه هجوم آوردند ولی نادر شاه آنها را منکوب و مغلوب نمود وقهرمان ایران بایکصدهزار قشون بطرف بغداد پیشروی کرد ولی پس ازمرك اوباز کرمانشاه درمعرض هرج ومرج واقع شد.

در دوره فتحعلی شاه باز ترکها این شهرراتهدید کردند اونیزفرزند خود محمدعلی میرزا را بآنجا روانه نمود و دستور داد در اطراف شهر برج وبارو و استحکاماتی ساختند و محافظت آن حدود را بعهده گرفت وترکها را عقب نشانید و درزمان ناصرالدین شاه کرمانشاه باز دچارهرج و مرج گردید و دیگر عمران و آبادی بخود ندید ـ در طاق بستان علاوه برآثار باستانی یك بنای دو اشکوبه محمد علی میرزا دولت شاهی ساخته و آبی ازکوه جاری واز زیر این بنا میگذرد و درحوض میریزد نیزنقش او در آنجا ترسیم شده که روی صندلی نشسته و شخصی درعقب سر ودو نفر دیگر در جلو او ایستاده اند، میگویند بنای طاق بستان به امر شاپور سوم بوده است.

در جنك بین‌المللی اول‌سپاهیان ترك کرمانشاه را اشغال کردند ولی فتح کوت العماره وبغدادبدست انگلیسهاترکهارامجبور بتخلیه آنجا نمود.

بقراریکه درمحل شنیدم علت اینکه شهر کرمانشاه درعهد پهلوی نسبت بسایر شهرهای ایران از لحاظ آبادانی ترقی محسوسی ننموده‌است این بوده که رضاشاه میخواست تدریجا قصبهٔ شاه آباد غرب راکه ملك شخصی وی بود مرکز آنولایت سازد بنا برا ین هرگونه وسایل عمرانی وعمارات زیبادرآن نقطه کوچك بوجودمیآوردامادر کرمانشاه غیرازعمارت مخصوص آرتش بنائی نساختند.

درکوه بیستون چندکیلومتری کرمانشاه نیز نقوش وتصاویر قدیم دیده شد ازجمله نقش داریوش بزرك است که پشت‌سر او دونفر ایستاده

وزیر پای او شخصی بزمین افتاده و جلو آن پادشاه نه نفر اسیر که دست آنها ازعقب بیکدیگر بسته شده ایستاده اندودربالای سرداریوش نقش اهورا مزدا و تصاویر فرشته ها بنظر رسید و چند سطر بخط میخی درسنك نقر شده در آنجاداریوش نام خود و نیاکان خویش رانوشته گویا این نقوش در سال ششم پادشاهی او دراین محل ترسیم شده است ازدیدن این نقوش بیاد عظمت و اقتدار ایران باستان ومقایسه بااوضاع اسف آور کنونی افتاده افسرده شدم ـ بین راه دهستان های صحنه ـ کنگاور ـ نهاوند وچند قراءدیگر واقع شده که همه سبز وخرم وباصفابود درنزدیك صحنه دخمهٔ بنظررسید که درآنجانقش فروهر در سنك کنده شده ولوحهٔ بخط میخی بود که ازآثار دولت مادمیباشد ـ راه شوسه که خط سیر ماست درجنك بین الملل اول ابتدا روس ها و بعد انگلیسی ها آنرا ساخته و تعمیر کرده اند و جاده صاف وهمواری است درفصل زمستان بواسطه برف وکولاك صعب العبور وبعضی اوقات خطرناك است خاصه درگردنه اسدآباد ارتفاع کوه آن در حدود ۷٦۰۰ پاست و سخت ترین معبری است که بین کرمانشاه وهمدان واقع شده در قصبه اسدآباد آب فراوان و درخت های زیاد وجود دارد محصول آنجا غله ـ حبوبات ـ تریاك و میوه است مردمش اکثر کشاورز اند.

اسدآباد مسقط الرأس مرحوم سیدجمال الدین معروف است که یکی از شخصیت های برجسته ونابغه بزرك بود.

تاریخ زندگانی این سید جلیل را مورخین خارجه خاصه پروفسور « آرنست رنان» فرانسوی و پروفسور« ادوارد برون » انگلیسی نوشته اند پدرش سید صفدرابن سیدعلی بن میررضی الدین محمد الحسینی مشهور بشیخ الاسلام بود محل تولد او دراسدآباد همدان درکوی سیدان درسال

۱۲٤٥ هجری قمری بوده انتشار جریده عروة الوثقی که سید در پاریس منتشر نمود کلمه افغانی برخود نهاد و نیز کتاب الافغان فی تاریخ افغانستان باعث شد که در اروپا و آسیا اورا افغانی نامیدند اگرچه در موقعی کـه امیرعنایت الله خان افغانی به اسد آباد رفته بود و راجع بایرانی یا افغانی بودن سید پرسیده و بدلیل و برهان و مدارك کتبی ثابت گردید که سید جمال الدین ایرانی بوده او مدت چند سال درنجف درحوضه مرحوم شیخ مرتضی مشغول علوم دینی بود و در سال ۱۲۷۰ قمری از عـراق عرب به هندوستان رفت و با مرحوم سرسید احمدخان قاید بزرك اسلامی هند ومؤسس کالج مدرسه العلوم علیگده ملاقات و مباحثات نمود و ازآنجا به حیدرآباددکن مسافرت کرد سپس بحج بیت الله مشرف گردید وبعد بعراق عرب مراجعت نمود و پس از چندی بخراسان و بعد بافغانستان رفت وامیر دوست محمد خان مقدم او را گرامی داشت و از آنجا بهندوستان و سپس بمصر رفت و چند ماه در آنجا توقف نمود ودر سال ۱۲۸۰ قمری باسلامبول مسافرت کرد و از طرف عالی پاشا صدر اعظم ترکیه و فواد پاشـا مورد احترام واقع گردید در سال ۱۲۸۷ قمری مجدداً بمصر رفت و مدت ده سال درآنجا توقف نمود و در جامع الازهر مشغول تعلیم و تدریس فلسفه ابن-سینا بود و انجمن حزب الوطنی تأسیس کرد و جریده ضیاء الخافقین را منتشر ساخت و اشخاصی مانند شیخ امام محمد عبده مفتی قاهره و محمد احمد متمهدی سودانی و اعرابی پاشا وسعد ذغلول پاشـا وسایر رجال نامی مصری فریفته معلومات ونگارشات او شدند .

در سال ۱۲۹۹ قمری پیش از قشون کشی انگلیس ها بمصر حکومت هندوستان سید را بکلکته خواسته ودرآنجا اورا تحت نظر قرار داد تاغائله مصر خاتمه یافت و در سال ۱۳۰۰ قمری بانگلستان مسافرت نمود وازآنجا

بپاریس رفت در لندن « ویلفرد بلنت » سیاستمدار معروف انگلیسی او را بگرمی پذیرفت و در ایام قیام متمهدی سودانی در سودان که افکار انگلیس‌ها را بخود مشغول کرده‌بودورجال انگلیس مایل بودندکه سیدرا واسطه صلح قرار دهند حتی « لردگلادستون » نخست وزیر انگلیس باین امرراضی بود ولی وزیر خارجه انگلیس که از افکار سید نسبت به‌دولت‌خودباخبر بود مانع ازاین اقدام شد .

« ویلفرد بلنت » وزیر هندوستان در صدد بود که در میان ممالک اسلام اتحادی برقرار نماید که باز وزیر خارجه انگلیس مانع شد در سال ۱۳۰۲قمری‌سید جمال الدین‌بارجال مشهور انگلیس‌راجع بمصرمذاکرات مهمی نمود وانگلیس ها قول‌داده بودند که قشون خودرا ازمصرفراخوانده و آنجا را تخلیه کنندوضمناً بسید وعده کرده بودند که او راواسطه اتحادی بین ایران و افغانستان و ترکیه برای کاستن نفوذ روسیه در خاور میانه قراردهند و تهیه مقدمات آنرا فراهم‌نمایند وچون‌ازنفوذسیددردربارترکیه مطلع بودند بنا بود که او با « سردروموند » که بعد ها سفیر انگلیس در ایران شد برای انجام این مقصود بترکیه بروند ولی نماینده انگلیس به‌تنهائی‌باسلامبول رفت و سید از لندن‌بپاریس آمدوروزنامه‌عروةالوثقی‌را منتشر نمود از انتشار این روزنامه در عالم اسلام هیجانی تولید کرد که باعث وحشت رجال انگلیسی گردیدو ورود این روزنامه بمستعمرات و مستملکات خود ممنوع کردند و پس ازانتشار ۱۸ شماره اسباب توقیف آنرا فراهم ساختند .

مباحثات سید جمال‌الدین در پاریس باپروفسور « ارنست رنان » راجع بتوافق آئین اسلام با تمدن جدید اروپا بیش از تصور برشهرت او افزوددر سال ۱۳۰۳ قمری سید بقصد اتحاد دول اسلام بعربستان و نجد

رفت و در نظر داشت که خلافت اسلامی را در یمن متمرکز نماید در این بین ناصرالدین شاه بوسیله مرحوم میرزا حسن‌خان صنیع‌الدوله‌سیدرا بایران دعوت نمود بنابراین ازراه بندر بوشهر بتهران آمدوامین السلطان صدراعظم ازطرف ناصرالدین شاه بسید خیر مقدم گفت و ازجانب آن پادشاه یك قوطی انفیه‌دان‌الماس‌نشان وانگشتری با یك هزارتومان تقدیم سید نمودکه مورد قبول او واقع نگردید ولی درباریان خودخواه ناصری ذهن شاه را در باره سید مشوب نمودند و پس ازچندی اقامت با خاطری آزرده بامر آن پادشاه از تهران خارج و از راه روسیه بفرنگستان رفت وچند روز در پایتخت روسیه توقف و با رجال روسی ملاقات ومذاکرات نمود . در مسافرت اخیر ناصرالدین شاه بفرنك در شهر وین پای تخت اطریش سیدراملاقات کرده ومجدداً اورابایران دعوت نمودوخواهشخواهی اورابآمدن ایران راضی کرد .

بنابراین در سال ۱۳۰۷ قمری بار دیگر بایران آمد در این مرتبه نیز مانندپیش مغرضین و بداندیشان‌دسیسه هابکار برده‌تا اینکه‌سیدمجبور میشود در زاویه حضرت عبدالعظیم در زمستان سخت تحصن اختیارنماید و بامر ناصرالدین شاه از ایران تبعیدش نمودند در این هنگام‌بجز معین‌التجار کرمانی و میرزا رضا قاتل ناصرالدین شاه کسی دیگر نزد سید نبود پس ازآنکه از ایران خارج شد ببصره رفت و شرح مؤثری از اهانت ومظالم درباریان ناصری بمرحوم حاج میرزا حسن شیرازی وسایرعلمای بزرك درعراق عرب نوشت و ازبصره بلندن مسافرت نمود درآنجاروزنامه ضیاء الخافقین را منتشر ساخت که بعد انگلیس‌ها از انتشارآن ممانعت کردند در سال ۱۳۱۰ بار دوم بنا بدعوت دولت ترکیه باسلامبول رفت وازطرف سلطان‌عبدالحمید ودرباریان او مورداحترام واکرام واقع گردید

و از آنجا مراسلاتی بعلماء و پادشاهان اسلامی در اتحاد و اتفاق ملل اسلام نوشت ولی حسد و بغض حسن فهمی مفتی و شیخ الاسلام اسلامبول مانع اقدامات حسنه او گردید عاقبت سید جمال الدین در اثر صدمات روحی مریض شد و در یکی از بیمارستان های اسلامبول بستری شد و بدستور سری سلطان عبدالمجید در زیر عمل جراحی مسموم و شهید گردید و وفاتش درسال ۱۳۱٤ قمری و آرامگاه آن مرحوم در گورستان شیخلر مزارلقی بود اکنون پس از پنجاه سال افغان‌ها اسکلت آن مرحوم را از اسلامبول بافغانستان انتقال دادند اینکه افغانها مدعی هستند که سید جمال الدین اصلا افغانی بوده هیچ مدرك موثقی در دست ندارند گویا اشتباه آنها ناشی از آن باشد که چون در افغانستان نزدیك جلال آباد قصبه ای بنام اسد آباد وجود دارد ممکن است تصور کرده باشند که مرحوم سید در اسدآباد افغانستان متولد شده باشد و یا شرحی که سیدعیسی خان درسال ۱۲۹٤ قمری در اسلامبول تحت عنوان یك مجاهد بزرك اسلام انتشار داده بود و سید جمال الدین را افغانی معرفی کرده و یا کتابی که پروفسور آلمانی «گلازیپر» مورخ مشهور نوشته وسید را افغانی خوانده سبب اشتباه برادران افغانی ما شده باشد .

از پیروان سید یکی برهان الدین بلخی صاحب کتاب ینابیع المودة و میرزا رضای کرمانی و شیخ احمد روحی و میرزا آقا خان کرمانی ومحسن خان خبیرالملك وچند نفر دیگر بودند این سه نفر اخیر را محمود خان علاء الملك سفیر ایران در اسلامبول بوسیله مأمورین ترك گرفتار و تحت الحفظ آنها را بتبریز فرستادند و در آنجا بامر محمدعلی شاه مخلوع که درآن موقع ولیعهد ودرآذربایجان اقامت داشت هر سه نفررا کشتند .

اکنون در اسدآباد دبستان دولتی موسوم بجمالیه بنام مرحوم سید جمال الدین تأسیس شده است مسافت بین اسدآباد و همدان در حدود ۴۹ کیلومتر واز کرمانشاه بهمدان ۱۸۷ کیلومتر است اطراف جاده که راه مسیر ماست همه سبز وخرم ومنظره باصفائی دارد .

همدان

همدان در دامنه کوه الوند واقع شده شهریست خوش آب و هوا و حاصلخیز دارای باغها و آب فراوان و یکی از بهترین شهر های ایران بشمار میرود دره مراد بك و عباس آباد از بهترین مناظر فرح انگیز همدان است مقبره امام زاده کوه که در وسط کوه الوند واقع شده محلی است بسیار با صفا و نظر انداز خوبی دارا میباشد جمعیت این شهر رادر حدود ۹۰،۰۰۰ نفرمیگویند مردمش اکثرزحمتکش و درامورمذهب ثابت قدم و درعین حال بسیار متعصب هستند زدوخورد اهالی همدان با فرقه شیخها در عهد مظفرالدین شاه در تاریخ این شهر مشهور است . همدان دارای چند دبستان و یك دبیرستان میباشد ومدرسه آلیانس و مدرسه و مریضخانه آمریکائی چندسالیست که دراین شهر تأسیس شده تجارت و بازرگانی آنجا در دست بازرگانان یهود بغدادی است محصول همدان غله ـ حبوبات ـ تریاك ـ کتیرا و انواع میوه فراوان است و عمده صادرات آنجا خشکبار ـ روغن ـ پشم ـ قالی و پوست دباغی شده و کتیرا و تریاك و ظروف سفالی لعابدار بسیار ممتاز است که در قصبهٔ لالیجن میسازند که در ظرافت وخوبی کمتر ازچینی فرنك نیست ـ همدان همان شهرتاریخی و قدیم اکباتان است که مکرر مورد تهاجم مغول و اعراب و افغان واقع شده وزمانی پای تخت پادشاهان اشکانی و مادی بوده اکنون در برخی نقاط بیرون این شهر ظروف سفالی و سکه های قدیم یافت میشود یکی

مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی (افغانی)

ازآثار باستانی همدان سنك شیر است که ازدوره پارت‌ها باقیمانده که مجسمه شیر سنگی است که در قدیم در سردر قلعه اکباتان قرار داشته و قلعه دارای هفت حصار بزرك و دیوارهای بلندی بوده که مشرف بریکدیگر وهرحصاری رنك خاصی داشته‌است وبانی آنقلعه‌را دیوکوس ازپادشاهان مادی میدانند اکنون مجسمه شیرسنگی دربیرون این شهرخراب‌شده‌واثر کمی ازآن باقیمانده درسال ۹۳۱ میلادی مرداویچ نامی پاهای‌شیرسنگی را شکسته وخراب کرده است ـ ازآثار قدیم دیگر در همدان دولوحه سنگی است که بخط میخی نوشته شده وموسوم بگنج نامه میباشد در این دو لوحه داریوش بزرك شرح جنك ها و فتوحات خود را نوشته است دردوره قزل ارسلان درهمدان قلعه ونقاره خانه‌ساخته شده که تاچند سال پیش آثار دیوارهای آن باقی بوده وشیخ سعدی دردیوان خود میگوید :

قزل ارسلان قلعه سخت داشت ـ که گردن بر الوند برمیفراشت

میگویند که نقاره خانه قزل ارسلان دردوره آقا خداداد درسمت باغ‌خان در بیرون شهر واقع بوده و اکنون تپهٔ بیش نیست ـ ساختمان کاخ قلعه اکباتان از تیر و چوب سرو و کاج و اطاق و ایوانهای آن از کاشی که روی آنها از ورقهای طلا ونقره کشیده شده بود که بعداً آنرا خراب کرده و طلا و نقره ها را بردند نیز معبد آناهیتا و روی ستونهای این معبد از ورقهای طلا ونقره بوده درحمله اسکندر ویران شد وطلا ونقره آنرابرد و بقیه آثار این معبد را پادشاهان سلوکی‌ازبین بردند میگویند هاسیتون معشوق اسکندر در همدان فوت نمود و اسکندر از مرك محبوب خود چنان متأثر شد که دستور داد پزشك معالج هاسیتون را بدار زدند و امر نمود که لشکریان یال و دم اسبهای خودرا چیدند وساز ونوازرا درمیان سپاهیان قدغن کرد .

امیرتیمور که همدان را تصرف کرد قتل و کشتار عجیبی نمود که در تاریخ بی مانند است و دیالمه همدان را مدتی پایتخت خود قرار دادند در قرن ۱۱ چند سال ترکان در آنجا خرابی کردند اما بامر شاه عباس کبیر این شهر مجدداً رو بعمران و آبادی گذارد و پس از استیلای محمود افغان در ایران باز ترکان از ضعف ایران استفاده نموده احمد پاشا والی بغداد همدان را تصرف کرد شش سال بعد نادر شاه ترکها را از ایران بیرون نمود .
آرامگاه ابدی حکیم دانشمند شیخ ابوعلی سینا و مقبره بابا طاهر عریان که از عرفا و مرتاضین عهد خود بوده در این شهر واقع شده و نیز گنبد آل بویان در همدان از بناهای قدیم است که در نیمه دوم قرن چهارم هجری عهد آل بویه مسجد و مناری بود و بعداً در آنجا یکی از فرزندان حضرت سید سجاد در زیر زمین مدفون شده است محلی است تاریك و خالی از هوای آزاد و دیوار های شکسته در حقیقت جای وحشت ناکی است از آثار قدیم دیگر آرامگاه ابدی استر و مردخای که اکنون زیارتگاه یهودیان است استر ملکه یهودیه همسر خشایار شاه بوده و در تورات در حالات او مینویسد « اخشورش که از هند تا حبشه بر ۱۲۷ مملکت حکم رانی داشته و دارالسلطنه او در شهر شوشن بوده درسال سوم سلطنت خود ضیافتی بافتخار سرداران و امرای فارس و ماد داد و این ضیافت مدت هفت روز دوام داشت و عموم سکنه پای تخت از این ضیافت برخوردار شدند در این هنگام ملکه دشتی نیز زنان بزرگان دربار و همسران سرداران را بمهمانی دعوت نمود و چون اخشورش سر گرم باده نوشی شد دستور داد که ملکه دشتی همسر خود را با تاج ملوکانه بحضور پادشاه بیاورند تا زیبائی و حسن جمال اورا بمردم نشان دهد چون ملکه مایل نبود با آنصورت و کیفیت بوسیله خواجه سرایان بحضور پادشاه برود فرمان

اخشورش را اجابت نکرد و پادشاه از این نافرمانی ملکه درخشم وغضب شد و با مقربان و ندیمان خود در این موضوع مشورت نمود اطرافیانش عرضه داشتند که چون عدم اطاعت ملکه دشنی را زنهای بزرگان فارس و ماد که در مهمانی حضور داشتند شنیده اند ممکن است بسرداران ووالیان مملکت خبر دهند واین موضوع شایسته مقام پادشاه نباشد وبهتر است دیگر ملکه را بحضور خود بار ندهد اخشورش را این نظریه پسند آمد و دیگر با ملکه دشنی مراودهٔ نداشت وبحکام ولایات دستور داد که هر کجا دختران نیکومنظر و زیبائی راپیدا کنند بدارالسلطنه شوشن روانه نمایند که بجای ملکه دشنی بعقد پادشاه درآید - درآن زمان مردی یهودی بنام مردخای درپای تخت اقامت داشته و از جمله اسیرانی بود که بخت النصر همراه « بلنیا » پادشاه یهودیان از بیت المقدس باسارت آورده بود مردخای دختر عموی خود استر را نزد خود نگاهداری میکرد و چون فرمان پادشاه در فرستادن دختران نیکو و زیبا صادر گردید دوشیزگان زیادی به دارالسلطنه شوشن آمدند و تحت سرپرستی خواجه سرایان از جمله هیجان وشعشمان نگاهداری شدند که یکی از آنها استر بود که بدستور مردخای یهودی بودن خود را پنهان نمود چون نوبت شرفیابی بهر دوشیزهٔ میرسید با تشریفات خاصی اورا بحضور اخشورش میآوردند و هر کدام از آنها که مورد پسند بود پادشاه با عصای مرصع خود بطرف آندختر اشاره مینمود و آن دوشیزه را بنام میخواند تا آنکه نوبت باستر دختر اسبحابیل که عموی مردخای بود رسید و پادشاه ازحسن جمال استر زیاده ازحد خوشش آمد و تاج ملکه دشنی را بر سراو گذارد و استر را بهمسری خود قبول کرد و مجلس جشن و سرور در شوشن برپا نمود در روزهای جشن مردخای در بیرون کاخ شاهی ناظر این جشن و سرور بود در این بین دید که

دو نفر از ملازمان اخشورش خیال سوء قصدی نسبت بپادشاه دارند مردخای فوراً استررا از این قضیه خبرنمود واو ازطرف مردخای جریان این امررا بپادشـاه اطـلاع داد و پس از بازجوئی صحت این سوء قصـد را معلوم و اخشورش فرمان بکشتن آن دو نفر داد ـ در این موقع وزیر کشور شخصی موسوم به هامان بن همداتای آجاجی بود که پادشاه اورا احترام مینمود و درباریان و خواجه‌سرایان نیز نسبت باو احترام میکـردند ولی مردخای که بدربار آمدورفت داشت لازمه احترام نسبت بهامان بعمل نمی‌آورد و ضمناً یهودی بودن مردخای را بوی گفته بودند و او ازاین بی‌اعتنائی مردخای بسیارعصبانی بود و در پی فرصتی میگشت که انتقام‌ازاو کشد تا اینکه در سال دوازدهم پادشاهی اخشورش روزی بحضور پادشاه عرضه داشت که قومی در این‌مملکت‌هستند که آئین ومذهب آنهابرخلاف دین پادشاه است هرگاه این قوم رابهمین رویه آزاد گذارند موجب فساد و هرج و مرج درکشور باشند واین امر بصلاح سلطنت وآرامش کشور نباشد و اگر پادشاه قبول نماید این قوم را بقتل رسانند وضمناً تعهدنمود که ده هزار وزنه نقره برای اجرای اینکاربخزینه‌پادشاه بپردازداخشورش جواب داددر نظر تو هرچه پسند آید عمل کن پس هامان حکم قتل یهودیان را صادر نمود و سپاهیان عده زیادی از یهودیان راکشته و اموال آنها را غارت کردند در این گیرودارمردخای از ترس جان خود پنهان‌شد استر ملکه یهودیه از این قضیه بسیار افسرده و غمگین بود و بحضور اخشورش آمد و خواهش نمودکـه پادشاه بدفتر یادداشت روزانه خود مراجعه نماید که آنجا نوشته شده که مردخای موضوع سوء قصد نسبت بجان پادشاه را اطلاع داده و اورا از خطر حفظ نموده اخشورش پس از مطالعه دفتر یادداشت خود باستر گفت دراثراین حسن خدمت مردخای‌را

بخشیدم و فرمان داد که او را بحضور آوردند و این موقع استر
ومردخای از پادشاه استدعا نمودند که حیات و هستی یهودیان‌را ببخشد و از
کشتن آنها صرفنظر کند و ضمناً عرضه‌داشتند این مصیبت و کشتار یهودیان بدست
کسی انجام‌یافته که او دشمن مملکت پادشاه است و او هامان که نخست وزیر
میباشد اخشورش برای خاطر ملکه استر فرمان داد که هامان و فرزندانش را
بدار زدند و از آنوقت قتل یهودیان‌را منع نمود و مردخای‌را منصب وزارت داد.

بعد از این واقعه بحکم مردخای یهودیان انتقام خود را گرفته و عده
زیادی از مردم شوشن و سایر شهر ها کشتند ولی اموال کسی را غـارت
نکردند از آن ببعد همه ساله روز منع قتل یهود را جشن میگیرند
و آنرا عیـد فورفوریم مینامند و استر و مردخای را از مقدسین میدانند
ومقبره آنها زیارتگاه یهودیان است» نویسنده خود بآرامگـاه ابدی استر
ومردخای در همدان رفته وازدحام یهودیان‌را دیده‌ام ـ پس از دو روز توقف از
همـدان بقزوین رفتم وازدهستانهای رزن ومانیان که از بلوك درجزین است
گذشته وارد قصبه آوج شدم و شنیدم که بیماری حصبه و آبله در آنجا
پیدا شده و هیچگونه وسیله بهداشت و دارو وجود نداشت گردنه آوج در
فصل زمستان بواسطه برف و کولاك یخبندان میشود و آمد ورفت مسدود
میگردد ـ در ٢٤ کیلومتری آوج چندچشمه موسوم بآب گرم کـه آب
گوگرداست وجوددارد که مبتلایان بامراض خاصه پادرد برای معالجه در آنجا
استحمام میکنند ودر سمت شرق چشمه های آب گرم رودخانه کلنچین چای
واقع شده که زراعت بلوك خرقان‌را مشروب مینماید در کنار این رودخانه چشمه
موسوم بآب سار وجوددارد ومعروف است که آب این چشمه را برای دفع
آفت محصول و کشتن ملخ میبرند سار پرنده سیاه کوچکی است که آفت
جان ملخ میباشد و در هرمزرعه که آب چشمه سار پاشیده شود پرنده سار

بآن مزرعه هجوم آورده وملخ‌هارا میکشند ـ پس ازدیدن معدن آب گرم ازآنجا حرکت کرده وازدهستانهای نهاوند و تاکستان گذشته وارد قزوین شدم مسافت بین همدان و قزوین درحدود ۲۴۳ کیلومتراست .

قزوین

این شهر کهن سال زمانی پای‌تخت سلاطین صفوی بوده دارای‌بازار بزرك وچند خیابان وسیع با درختان تنومند است وبااینکه در چهار راه ومرکز ارتباط کشور واقع شده تاکنون ترقی محسوسی نکرده و بحال قدیم‌وکم آبی‌باقی‌مانده‌جمعیت قزوین‌را درحدود شصت‌هزار نفرمیگویند محصول‌اطراف‌قزوین‌عبارت‌از گندم وجووحبوبات‌وخشکبار‌است که مقدار زیادی صادرمیکنند آب مشروب آن از قنواتی است که بعضی ازآنها اکنون خراب شده چندی پیش درصدد ساختن سدی برای آب درخارج شهر بودند ولی بصورت عمل در نیامد قزوین در آغاز اسلام بسیار آباد و دارای مساجد ومدارس عالی بوده مسجد جامع این شهر در زمان هارون‌الرشید به نظارت زکریا قاضی این شهر بناشده بعضی از مورخین نوشته‌اند که قسمتی ازاین مسجدکه شامل گنبد و شبستان است ازآثار دوره سلاجقه میباشد وساختمان آن بوسیله خمارتاش بن عبدالله عمادی درسال ۵۰۹ هجری قمری بپایان‌رسیده ودارای عالیترین نمونه‌ازمجموعه خطوط کوفی میباشد در اطراف شبستان کتیبه‌های زیادی بخط نسخ وکوفی است که درمیان گل و بوته گچ بری شده ـ خمارتاش برای این مسجد موقوفاتی‌برقرارنموده ـ مسجد شاه درقزوین درسال ۱۲۲۲هجری قمری درزمان فتحعلی شاه ساخته شده ودیگر ازآثار قدیم این شهر مدرسه حیدریه‌است که یادگار دوره سلاجقه میباشد ودرعهد فتحعلی‌شاه تعمیر ومرمت گردیده‌ـ آرامگاه شاهزاده حسین‌ازبناهای قدیم‌این‌شهراست و محل اجتماع اهالی میباشد مقبره حمدالله مستوفی مورخ معروف

وصاحب کتاب نزهةالقلوب که ازمورخین ومشاهیر نامی ایران بوده درسمت شرقی قزوین واقع شده ونیزقلعه ویرانه‌ئی درنزدیك این شهر وجوددارد که در عهد خلفای عباسی بناگردیده و درسمت جنوبی عمارت عالی قاپو بنای مخروبه‌ایست بنام عمارت نادری که آثارآن تاکنون باقیمانده‌است .

در سال ۱۰۰۶ هجری قمری به امر شاه عباس بزرك پای تخت از قزوین به اصفهان انتقال یافت پیش از آن تاریخ شاه طهماسب اول شروع بساختمانهای مجللی درقزوین نموده که یکی ازآنها عمارت عالی قاپو میباشد و بعد شاه عباس آنرا به اتمام رسانید ـ در سال ۱۵۹۸ میلادی « انتونی شرلی » وبرادرش «ربرت شرلی» که شهرت نظامی داشتند باعده ۲۶ نفری از انگلستان درقزوین بحضور شاه عباس بار یافتند شرلی مینویسدمقصود اساسی از مأموریت من این بود که پادشاه ایران را وادار نمایم که بادولت انگلیس برعلیه عثمانی تشریك مساعی کند و نیز باب تجارت بین ایران و انگلستان بازشود شرلی وبرادرش برای آموختن فنون جنك بقشون ایران کوشش زیاد نمودند و ازطرف شاه عباس مأموریت یافت که بدربار سلاطین اروپا برود او باداشتن سفارش نامه و فرمان ازراه مسکو عازم اروپا گردید وپس ازمراجعت ازپای تخت ممالك اروپا بمادرید آمد وبعد ازچندی اقامت درآنجا فوت نمود ونتیجهٔ ازاین مسافرت اوبدست نیامد «ربرت‌شرلی» بعدازفوت برادرش‌ازطرف شاه عباس بسمت‌فرماندهی قشون ارتقاء یافت ودر جنگهائی که بین شاه‌عباس وسلطان عثمانی درگرفت وتاچند سال دوام داشت رشادت ازخود بروزدادتا اینکه‌زخمی گردیدوبعد شاه عباس اورابدربار پادشاهان اروپا فرستادکه روابط خود را با ممالك اروپا مستحکم کند و ضمناً آنها را ازشکست قشون عثمانی مستحضرنماید.

شاه عباس در نامه خود بنام سلاطین اروپامینویسد « که میل‌واراده

ما اینست که مملکت ما از این ببعد برروی کلیهٔ ملل اروپا گشوده باشد وچون روابط ما با سلاطین و امرای عیسوی مذهب ثابت ومستحکم است بموجب این فرمان بکلیه تجار مسیحی اجازه میدهیم که بدون هیچگونه بیم و تشویش وارد ایران شوندازطرف حکام وفرمانفرمایان لشکری وکشوری ما کمترین مزاحمتی برای بازرگانان خارجه فراهم نمیشود وهیچکس در هر مقام و رتبه نمیتواند بمال التجاره آنها دست درازی کند مگر آنکه قیمت عادلانه آنرا بپردازد علما و روحانیون ما حق ندارند در امور مذهبی آنها مداخله کنند و باعث زحمت آنها بشوند هرگاه یکی از اتباع خارجه در ایران فوت نماید اموال او بوارث حقیقی او داده خواهد شد مأمورین وصول مالیات و سرحدداران مملکت ما اجازه ندارند از تجار مسیحی باج و خراج مطالبه نمایند و هریك از بازرگانان اروپائی که قرضی بر عایای ما بدهند وادعائی داشته باشند میتوانند بموجب این فرمان بحکام وقضات مملکت ما تظلم کرده و تقاضای احقاق حق خود کنندوحکام ما حق ندارند در مقابل رسیدگی بتظلم تجار خارجه حق الزحمهٔ مطالبه نماید زیرا اراده ما اینست که تجار مسیحی با کمال رفاه و آسایش در مملکت ما زندگی کنند هر چند قاعده و رسوم مملکتی ما اینست که کلیه فرامین و احکام در اول هرسال تجدید می شود ولی میل و اراده ما بر آن قرار گرفته که این فرمان تاابد چه در عهد خودمان و چه در زمان جانشینان ما بموقع اجرا گذارده شود و تغییری در آن داده نمیشود »

« ربرت شرلی » پس از مسافرت در اروپا بمادرید رفت ومیخواست بهر تدبیر شده تجارت ابریشم ایران راکه صادرات مهم ایران بودازدست اسپانی‌ها خارج نماید ولی دربار مادرید روی خوشی بوی نشان نداد ضمناً پادشاه اسپانی نامهٔ بنایب السلطنه هندوستان نوشت که شرلی و هیئت

انتونی شرلی انگلیسی

انگلیسی را که عازم ایران هستند بهر وسیله که ممکن است دستگیر نماید «شرلی» از اسپانی بلندن آمد ونامهٔ شاه عباس را «چارلی» پادشاه انگلیس که در آن اظهار محبت و مودت شده بود و نیز تجار انگلیسی را دعوت بایران کرده بود تقدیم نمود نامبرده راجع بتمول و منابع ثروت در ایران چنان دردربار انگلستان مبالغه نمود که دولت انگلیس بطمع استفاده از ثروت ایران هیئتی باتفاق «سردورمون کاتون» بدربار ایران فرستاد و ربرت «شرلی» پس از اخذ رتبه شوالیه همراه این هیئت بایران مراجعت نمود و باکشتی «اکسیدشن» از دست مأمورین اسپانی با کمال مهارت نجات یافت و وارد بندر گوادر در کرانه بلوچستان گردید والی کلات از ورود عدهٔ انگلیسی مطلع میگردد سواران مسلح خود را مأمور گرفتاری یا کشتن آنها مینماید ولی «شرلی» بآنها میگوید در کمال سفیر فوق العاده شاه عباس است که ازدربار سلاطین اروپا بایران بازمیگردد.

بنابراین والی کلات جرئت گرفتاری و یااذیت آنهارا ننموده «شرلی» باتفاق هیئت انگلیسی بقزوین وارد شدند ـ بعضی از مورخین معتقدند که بنای قزوین را شاپور اول نموده و این شهر چندین مرتبه از طرف دیلمیان و مغول موردحمله واقع شده و عدهٔ از مردم آنجا کشته وعمارات و ابنیهٔ قزوین را خراب وویران نمودند شاه طهماسب اول در سال ۹۴۴ قمری پای تخت خود را از تبریز بقزوین انتقال داد و تا زمان شاه عباس بزرگ مرکز سلطنت صفوی بوده سپس باصفهان انتقال یافت. ازجانب ملکه «الیزابت» پادشاه انگلیس «جان کیمن» بدربار شاه طهماسب آمد وبعد از محاصرهٔ اصفهان و شکست شاه سلطان حسین افغانها بقزوین نیز حمله نمودند و خسارت زیادی براین شهر وارد آوردند. ظهورحسن صباح در قصبه الموت در شمال شرقی قزوین و بنای فردوس برین خود

داستان جداگانه ای دارد .

پس از دو روز توقف از قزوین بتهران حرکت نمودم دهستانهای بین راه عبارت از شریف آباد - ینگی امام و هشت گرد و کرج است درقصبه کرج دانشکده کشاورزی و کارخانه‌قندسازی تأسیس شده نیز ساختمان کارخانه‌ذوب آهن در آنجابنا گردیده ولی ناتمام مانده مقداری ازماشین‌ها و لوازم فنی این کارخانه که بالغ برچند ملیون ریال بودپیش ازجنگ بین‌الملل دوم از آلمان خریداری شد و وارد کرج گردید همین که جنگ جهانگیر شروع شد بعضی از بقایای ماشین و سایر اشیاء دیگر در بین راه‌ازمیان رفت و خسارت هنگفتی در این معامله‌بخزینه‌ایران وارد گردید . رودخانه کرج از این قصبه عبور میکند و بطرف شهریار و ورامین جریان دارد و زراعت اطراف را مشروب میسازد و نهری بتهران احداث‌شده مسافت‌بین قزوین و تهران ۱۴۷ کیلومتر است .

تهران

پس‌از ورود‌بتهران بزیارت حضرت عبدالعظیم مشرف شدم او فرزند زیدبن حضرت امام حسن میباشد و نیز امام زاده حمزه فرزند امام‌موسی کاظم(ع) و امام‌زاده طاهر فرزند امام زین‌العابدین(ع) در این‌مکان مدفون هستند شرح حال و زندگانی حضرت عبدالعظیم درکتاب روح و ریحان بتفصیل نوشته شده و آرامگاه آن حضرت در گورستان قدیم شهر ری واقع شده است .

مقبرهٔ ناصرالدین شاه نیز دریکی اززاویه های حرم واقع و دارای بنائی عالی و تصویر او روی سنك مرمر سفید بسیار ممتاز کنده شده وعکس قلمی او نیز در آنجا دیده شد بعضی ازعلمای بزرك تهران‌ازجمله مرحوم حاج ملاعلی کنی‌که از فقهای بزرك اسلام بود و مرحوم حاج

ابوالحسن میرزاشیخ الرئیس خطیب و شاعر مشهور در این محل مدفونند
از تهران تا قصبه حضرت عبدالعظیم در حدود ۸ کیلو متر است . هنگام
اقامت در تهران برای تماشای مهمانخانه لقانطه رفتم که ساختمان آنرا
نظام‌الملك نوری وزیر فرزند صدراعظم ناصرالدین‌شاه نموده دارای عمارت
عالی و مجللی میباشد اطاق حوضخانه آن از سنك مرمر ساخته شده
در تالار فوقانی این بنا تصاویر و نقاشی تاریخی بنظر میرسد از جمله در بارسلام
ناصرالدین شاه است که بر تخت طاوس جلوس نموده و فرزندان او مظفرالدین
شاه و مسعود میرزا ظل السلطان و سایر فرزندان در جلو ودرعقب تخت
ایستاده‌اند و نظام‌الملك بالباده ترمه وعصای مرصع وخواجه باشی حرمسرا
در حضور شاه ایستاده اند و امرا و رجال آن عصر همه با لباده ترمه
کشمیری و کلاه بلند و بعضی ها باشال و کلاه که معمول آنزمان بود در
دوصف درپیشگاه ناصرالدین شاه دست بسینه ایستاده‌اند و نیز تصویر وزیر
خارجه با سفرای روسیه وعثمانی وفرانسه مشاهده میشود تخت طاوس را
محمد شاه هندی با بعضی جواهرات نفیسه و گرانبها از جمله انفیه دان
زمردی و چند شمشیر مرصع وچندین فیل و الماس های معروف بکوه نور
و دریای نور بشهریار ایران نادر شاه در دهلی تقدیم نمود تخت طاوس
مکلل بجواهرات قیمتی است و باین جهت آن‌را تخت طاوس می گویند که
دو شکل طاوس در طرفین تخت قرار دارد در تاریخ هند که بزبان اردو
نوشته شده زمانی که نادر شاه دهلی را بتصرف در آورد و صلح نامه بین
او و محمدشاه هندی نوشته گردید صورت جواهرات خزینه‌را ازمحمدشاه
خواسته بود او نام الماس‌های کوه نور ودریای نوررا درصورت جواهرات
ننوشته بود ولی بعد آنها را تسلیم پادشاه ایران نمود پس از کشته شدن نادر
و دست برد جواهرات کوه نور بدست یکی ازامرای پنجاب رسید واو آنرا

بملکه « ویکتوریا » جده پادشاه کنونی انگلیس تقدیم نمود اکنون در موزهٔ لندن وجود دارد ولی دریای نور در خزینه ایران بود و فتحعلی شاه نام خودرا در گوشه آن حك کرده اکنون این الماس گرانبها وسایر جواهرات سلطنتی از جمله تاج جواهر نشان پهلوی با عصای مرصع و تاج کیانی که با مراوید های غلطان ترصیع شده ورشته های مروارید قیمتی که ازطرف مشایخ بحرین و والیان مسقط برای پادشاهان قاجاریه هدیه فرستاده‌اند و نیز انفیه دان زمردی وسایر اشیاء نفیسه دیگر دربانك ملی ایران بنام پشتوانه اسکناس نگاهداری میشود .

از ابنیه عالی درتهران مسجد جامع و مسجد شاه است که درزمان فتحعلی شاه بنا شده و دیگر مسجد سپهسالار است که در سال ۱۲۹۸ هجری قمری ساخته و دارای حیاط وسیع و سه ایوان کاشی کاری وچهار منار میباشد .

اکنون این مسجد محل دانشکده معقول و منقول است وتصویر مرحوم سپهسالار در کلاس درس نصب شده و از بناهای دیگر او عمارت بهارستان است که مجلس شورای ملی است که بیادگار آن مرحوم باقیمانده است . عمارت مسعودیه که محل وزارت فرهنك است از بنا های مسعود میرزا ظل السلطان است که رضاشاه پهلوی بمعارف ایران تقدیم کرده ودرسردرب این ساختمان با کاشی کاری نوشته شده : « هدیه سردار سپه ورئیس کل قوای بهمعارف ایران »

این بنادارای چند عمارت و اطاق و تالار های زیاد است واز بناهای دیگر درتهران در قصر گلستان حرم سرای پادشاهان قاجاریه میباشد که تصویر فتحعلی شاه که بر تخت نشسته و فرزندان او ورجال درحضور او ایستاده اند و دیگر در ایوان عمارت تخت مرمر چند تصاویر

فتحعلی شاه و محمد ساه و ناصرالدین شاه‌مشاهده شد و تخت مرمر که
پایه های آن بر دوش چهار مجسمه از سنك مرمر قرار دارد در این
ایوان گذارده شده‌و نیز ابنیه وعمارات دیگر از جمله قصر ابیض وعمارت
خورشید وقصر بریلیان‌وعمارت موزه که تخت طاوس در آنجاست‌وعمارت
بادگیر که در زمان فتحعلی شاه ساخته شده و تالار بزرك شاه نشین که
دارای تابلوهاو تصاویر بسیار ممتاز است و نیز حوض مرمر که بنام‌خلوت
کریم خانی معروف است میگویند آقا محمدخان‌خواجه‌اسکلت مرحوم
کریم خان زند را از شیراز بتهران‌آورده و درپای پله ایوان حوض‌مرمر
دفن نموده بود و بعد ها بامر رضا شاه پهلوی بجای دیگر منتقل و دفن
گردید - از ابنیه دیگر عهد قاجاریه شمس العماره و قصر باور که‌کف
تالار و دیوار های آن در زمان مظفرالدین شاه از سنك های باوری
ساخته شده بود و بقصر باور در شهر « وین » در اطریش شباهت داشته
اکنون این عمارت خراب شده - درخارج تهران ازعمارات قاجاریه قصر
سلطنت آباد است که از بناهای‌بسیار عالی است دارای تالار بزرك موسوم
بحوضخانه با چند نقاشی و تصاویر از سلاطین خارجه و سفرای دول
بیگانه و پادشاهان و رجال نامی ایران میباشد که از آثار هنر نمائی
و شاهکار نقاش معروف مرحوم کمال‌الملك‌است و نیز بنای‌صاحبقرانیه که
ناصرالدین شاه ساخته و تالار مزین و آینه کاری آن معروف بجهان‌نماست
و قصر دارا آباد (اکنون موسوم بشاه آباد) که مظفرالدین شاه‌بنا کرده
و قصر دوشان تپه درسابق‌وسط حیاط این قصر باغ وحش بوده ونیز کاخ
فرح آباد که قسمتی از باغ آن میدان اسب دوانی بوده و این قصور از
آثار تاریخی بشمار میرود - اکنون در تهران عمارات و بناهای بزرك از
جمله ساختمانهای چند اشکوبه وزارت امور خارجه و عمارت‌باشگاه

افسران وبنای چند اشکوب وزارت دادگستری از سنك سیاه و سفید بنا گردیده و نیز ساختمان عالی ومجلل وزارت دارائی وقصور رضا شاه پهلوی خاصه عمارت‌مرمر ازبناهای‌جدید تهران‌است مخصوصاًساختمانهای وزارت جنك وشهربانی که برابری با بناهای‌شهرهای بزرگ اروپا میکند ونیز چندخیابان بزرك بروسعت پایتخت نسبت بزمان قاجاریه افزوده شده‌است.

دبیرستان دارالفنون راکه از آثار نیك میرزا تقی خان امیر کبیر است دیدن نمودم و بروان پاك آنمرحوم درودفرستادم‌جا داردکه‌وزارت فرهنك مجسمه او را ساخته و برای یادگار از خدمات او درراه‌معارف ایران در حیاط دارالفنون نصب نماید یا آنکه یکی‌ازخیابانهای تهران را بنام امیر کبیر نام‌گذاری کند - مورخین قتل امیرکبیر را هریك طوری نوشته اند لسان الملك سپهر مؤلف ناسخ التواریخ در جلد ششم خود مینویسد که مرحوم امیر کبیر بمرض نقرس‌فوت نموده ولی اعتماد السلطنه و سایر مورخین قتل امیرکبیر راتصریح کرده اند و یکی ازآنهامینویسد سبب قتل امیرکبیر اثر رنجش درباریان ومتنفذین و دسیسه های میرزا آقاخان نوری که بعداً صدر اعظم شد و تحریك مهد علیا مادر ناصرالدین شاه بوده و نیز انتریك سفیر روسیه تزاری بود که فهمیده بود امیرکبیر زمینه را فراهم مینماید با حسن تدبیر و فکر صائب خود شهرهای قفقاز و ترکستان را بایران برگرداند ومقدمات آنرابا خان خیوه و امیربخارا در نظر گرفته بود سفیر روس از مخالفت‌درباریان ناصرالدین‌شاه‌بامرحوم امیرکبیر درموقع‌مناسب استفاده نموده و محرمانه با میرزا آقاخان نوری صدراعظم‌ومهدعلیابرعلیه آن‌مرحوم‌اقداماتی کردوهمچووانمود که‌امیرکبیر قصد ازبین بردن ناصرالدین شاه را دارد و گفته بودکه اوبعضی ازشب ها

باوی ملاقات و مذاکرات محرمانه میکند و برای اثبات این قضیه شبی از امیر کبیر وقت ملاقات میخواهد و بمنزل او میرود درباریان قضیه را به ناصرالدین شاه خبر میدهند و شاه در محلی نزدیك خانه امیر کبیر مخفی شده و آمدن سفیر روس راشب هنگام درخانه امیر مشاهده میکند و سبب سوء ظن شاه میشود که منجر بتبعید و کشتن آن مرحوم درقصبه فین کاشان میگردد

« لرد کرزن » معروف در کتاب خود مینویسد « در میان رجال درستکار و وطن پرست ایران یکی میرزا تقی خان امیر کبیر و دیگری میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی را نام میبرم که هر دوی آنها مصدر صدارت عظمی بودند و جدیتی برای اصلاح قشون ایران داشتند اما امیر کبیر بطور آشکارا و میرزا حسین خان سپهسالار محرمانه در نتیجه سوء سیاست ناصرالدین شاه کشته شدند وسفیر انگلیس رسما بدربار شاه از این قضیه اعتراض نمود » .

مرحوم حاج میرزا عبدالرحیم طالباف مشهور درکتاب سیاست طالبی خود مینویسد « اول وزیر دانا که در عهد قاجاریه بر سر کار آمد شخص مستعد و توانا امیر کبیر میرزا تقی خان بود که مدت چهار سال بصدارت عظمی و امارت کبری در زمان ناصرالدین شاه بود و او از قتل امیر کبیر نادم وپشیمان شد وهمیشه نام آن مرحوم را باحترام یادمیکرد و نیکلای اول امپراطور روس از شنیدن خبر قتل امیر کبیر در شهر یالتا از شدت خوشحالی دست شعف زد اگر سپهر بی مهر در تاریخ خود همه کارهای او را بعنوان میرزا آقا خان نوری بسته و ساحت کفایت ودرایت او را پاك شسته عرض خود را برده و زحمت مورخین را افزوده است وقتی میرسد که ابناء زمان و اخلاف در آینده مجسمه آن مرحوم راساخته

و آثار پرافتخار او را تمجید کنند و روز قتل آن مرحوم را احترام گذارند و بروح آن مظلوم فاتحه خوانند.»

بعد از امیر کبیر مرد تاریخی و رجل نامی در ایران ظهور ننمود نه اینکه نسل امیر منقطع شده و مادر ایران از تولید امثال او عقیم مانده بلکه تراکم اظلال مانع طلوع اینگونه شموس رجالیه بوده

نویسنده گوید خدمات امیر کبیر در زمان تصدی صدارت عظمی نسبت بمملکت زیاده بوده از جمله تنظیم و اصلاح بودجه ایران و تعادل کسری درآمد کشور و آوردن افسران اطریشی برای تعلیم فنون جنگ و نظم چاپار خانه ها و ترتیب وسائل پستی در تمام نقاط کشور و تشویق و ترغیب صنعتگران و ارباب فنون و رفع فتنه و اغتشاش در خراسان و فرستادن نمایندگان ایران به ترکستان و ملاقات و مذاکرات با امیر بخارا و حل تصفیه امور مرزی بین ایران و دولت عثمانی که در سال ۱۲۶۳ قمری عهد نامه موسوم به قرار داد ارزنة الروم را بست و استرداد بندر خرمشهر (محمره) و خلع ید علی رضا پاشا والی بغداد از تصرفات در سرحدات ایران اینها همه از اقدامات نیك مرحوم امیر کبیر بوده که در تاریخ ایران ثبت جاوید است.

در تهران بملاقات «بولن» معاون فنی مسیو «پولند» آمریکائی متخصص راه آهن ایران رفتم و رونوشت گزارش خود را راجع براه آهن از طریق بندر بوشهر از راه فیروز آباد بشیراز ارائه دادم و «کارل» آمریکائی مهندس فنی راه آهن نیز حضور داشت و اظهار داشتم که بسیاری از ایرانیان روشن فکر و طبقه بازرگانان بنادر جنوب تقاضا داشتند که راه آهن ایران از بندر بوشهر بداخله کشور احداث شود که باعث عمران و آبادی بندر بوشهر و نیز سایر شهر های مهم ایران گردد ولی خط آهن

مرحوم میرزا تقیخان امیر کبیر فرهانی

از بندر شاهپور که در نظر است فقط سه شهرهای اهواز - اراك وقم درمسیر راه واقع میگردد بعلاوه احداث بندری درخورموسی مستلزم هزینه هنگفتی است که میبایست اقدام نمود .

جاده بوشهر بشیراز از راه فیروز آباد

بهترین بندر برای ایستگاه راه آهن بندر حلیله است که در چند کیلومتری بوشهرواقع شده و خورحلیله برای کشتی هائیکه آبخورشان هفت متر یاکمی بیشتر باشد مناسب است و برای کشتیها بندری خوب و پناه گاه مناسبی میباشد از بندر حلیله تا قصبه چاه کوتاه ۳۰ کیلومتر و جاده صاف و هموار است از چاه کوتاه بقریه سمل ۹ کیلومتر واز آنجا تا تل توپخانه نیز ۱۲ کیلومتر و راه صاف و دشت هموار است در تل توپخانه چشمه آب موسوم به ننیزك وجود دارد و از تل توپخانه تادشت کنار دروازه ۱۸ کیلومتر و جاده صاف و هموار است و از آنجا تا چاك دربست و چاه گزی راه شیب وفراز ودارای چندین تپه است ازچاه گزی تا قریه کلمه ۱۲ کیلومتر وراه همواریست و از کلمه تاقریه خنین ٦ کیلومتر در این محل ازگردنه و تنگ زیرو گذشته ببوشکان میرسد مسافت بین خنین و بوشکان در حدود ۱۸ کیلو متر است و از بوشکان تا قصبه خرمایك ٤۲ کیلومتر و جاده صاف و هموار است دراین محل نیز چشمه آب گوارائی وجوددارد .

و از اینجا تاگردنه وتنگ پازن نیز جاده صاف است و ازاین تنگ تا پازنون و سیخی در حدود ۱۸ کیلومتر است و راه نشیب وفراز زیاد دارد در این محل نیز چشمه آبی وجود دارد و از سیخی تا قریه دهنو ٦ کیلو متر است و از آنجا تا فیروزآباد در حدود ۱۲ کیلو متر است بین قریه دهنو وفیروزآباد رودخانه موسوم به تنگ آب جریان دارد

و از فیروز آباد بشیراز جاده منقسم بدو راه میشود یکی بطرف قصبه گیلکی و جاده دیگر از طریق کوه پشمی که موسوم بدوراه است بمسافت ٦ کیلومتر به تنگ حلالو و بلوك خواجه میرسد مسافت بین کوه پشمی از طریق رودخانه تنگ آب تا تنگ حلالو در حدود ۱۲ کیلومتر است (قریه زنجیرون تا گردنه پنبهٔ و تنگ موك که جاده‌قدیم بوده بواسطهٔ مسافت زیاد اکنون متروك شده) از تنگ حلالو تا قریه جاوکان ۱۲ کیلومتر و از اینجا تا گردنه کلهٔ در حدود ۱۲ کیلومتراست واز قریه کلهٔ تا پل کوار ۱۲ کیلومتراست در این محل رودخانه‌قره‌آقاج میگذرد و سدی بنام بند بهمن ساخته شده که مزارع اطراف را مشروب میسازد و از پل کوار تا شیراز جاده شوسه و اتومبیل رو میباشد مسافت بین پل کوار تا شیراز در حدود ٥٤ کیلومتر است دهستانهای بین راه عبارت از فتح آباد (قلعه فرنگی) بیدزرد - آب جوال - گیك یاکرزین است (قراء نوروزان - دهاك - علی آباد - جعفر آباد اکنون در مسیر جاده جدید واقع نیست).

محصول این دهستانها گندم - جو - برنج - ذرت - چغندر - پنبه وتریاك است که برخی ازآب قنات یا از آب رود خانه قره آقاج مشروب میگردد - در قدیم شهر فیروزآباد موسوم بشهر گور بوده امیر عضد الدوله دیلمی این شهر را آباد نموده و فیروز آباد نام‌گذارد این شهر ازبناهای اردشیر بابکان بوده و محل شکارگاه بهرام‌گور بود فیروز آباد در قدیم دارای چهار دروازه بوده و در میان شهر سکوئی پهن وبلند وجودداشته وکاخی برآن بنا شده بود - ازآثار قدیم این‌شهریکی قلعه دختران‌ودیگر نقش شیرین ونقش رستم است که در اینجا تصاویراردشیر وهرمز با چند سوار درسنك نقر شده نیزآثارقدیم شهر گور ومناری دراینجا بنظرمیرسد

و آتشکده در آنجا وجود دارد مسافت بین بوشهر بشیراز ازراه فیروزآباد در حدود ۳۰۰ کیلو متر و کاروان مدت هشت روز این مسافت را طی میکنند اگر راه شوسه ساخته شود برای حمل و نقل کالا سهل الطریق است .

از فضلا وعرفای فیروزآبادیکی مجدالدین ابوطاهر محمدبن یعقوب مؤلف قاموس اللغةاست .

حکمرانان فیروزآباد تا زمان فتحعلی شاه از سلسله لطفعلی خان فیروز آبادی بوده اند .

تل توپخانه در سالهای پیش نقش مهمی در جنگهای بین ایران و انگلیس بازی نمود و دژ مستحکمی در جنوب بوددر سال ۱۲۵٤ قمری که محمد شاه قاجار هرات را محاصره نمود مردم هرات بدسیسه کامران میرزا و بدستور و تشویق « مکنیل » وزیر مختار انگلیس در ایران باسپاه ایران جنگ میکردند دراین وقت بمحمد شاه خبر رسید که کشتیهای جنگی انگلیس وارد خلیج فارس شده و قشون در بوشهر پیاده کردندواز این عده قشون قسمتی در کنسولخانه توقف نمود مردم بوشهر بقیادت و سرپرستی مرحوم شیخ حسن آل عصفور که ازمجتهدین بزرگ شهر بود و عده ای از چریک تنگستانی بریاست باقر خان تنگستانی کنسولخانه را محاصره و میخواستند که کنسول انگلیس را از شهر خارج کنند در این گیرودار چند نفر از طرفین کشته و زخمی شدند و نیز جزیره خارگ بتصرف انگلیسی‌ها درآمد سردار انگلیسی دربوشهر اخطارنمود که هرگاه لشکریان ایران از تسخیر هرات منصرف نشوند دوستی چندین ساله بین ایران و انگلیس بخصومت تبدیل و همهٔ کرانه های خلیج فارس بلکه ایالت فارس نیز تصرف خواهد شد ـ چون دولت ایران قشون منظمی

دربوشهر وساير بنادر خليج‌فارس‌نداشت ازمحاصره وتصرف‌هرات‌صرفنظر نمود و شاه بتهران مراجعت‌کرد بنابراین لشگریان انگلیس بندر بوشهر و جزایر خارگ و قشم را تخلیه نمودند در سال ۱۲۷۳ قمری مجدداًدر زمان ناصرالدین شاه هرات بوسیله سلطان مراد میرزا حسام السلطنه محاصره شد انگلیسها بازکشتی‌های جنگی بخلیج فارس روانه کردند چون خبر بکاپیتان « جنس »کنسول انگلیس در بوشهر رسید نامهٔ بمیرزا حسینعلی خان دریابگی حکمران بوشهر نوشت که بامر دولت‌متبوعه‌خود از بوشهر میرود پس از چند روز کشتی‌های‌جنگی در لنگر گاهواردشدند و قشون انگلیسی بسرداری ژنرال « اترام» عبارت از ۲۲۷۰ نفر سرباز و توپچی سفید پوست و ۳۴۰۰ نفر هندی و ۳۷۵۰ نفرچریك و مهندس با توپ های بزرك وکوچاك در بندرحلیله پیاده شدند ـ در این موقع سپاهیان ایران در بوشهر عبارت از سه دسته‌سرباز قراچه داغی و عدهٔ از فوج نهاوندی بسرداری سرهنك مهدیخان حاضر بودند دریابگی‌حکمران بوشهر قضایا را فوراً بمؤیدالدوله والی فارس خبردادمؤیدالدوله بدون درنگ محمد قلیخان ایلخانی و لطفعلی خان سرتیپ فوج قشقائی‌رابایك فوج سرباز و هزار سوارو چهاراراده توپ‌روانه نمودکه از راه‌فیروزآباد وارد تل توپخانه شدند و از آنطرف والی فارس محمد علی خان نوری شجاع الملك را با فوج خاصه وفوج چهارم وصد سوار با چهار توپ ویك خمپاره انداز از راه‌کازرون روانه برازجان‌کرد ژنرال « اترا م» نامه ای بدریابگی نوشت و۲٤ ساعت مهلت دادکه یا تسلیم شود و یاآماده‌جنك باشد چون دریابگی که نه اجازه جنك یا تسلیم داشت درکارخود حیران و سرگردان بود ولی‌مهدیخان‌سرهنك را باعده نفرات ساخلوی‌بندربوشهر بقلعه ریشهر دریکفرسنگی بوشهر روانه نمود درآن قلعه جزدیوارخراب

وخندقی خشك وخالی دیگر استحکاماتی وجودنداشت .

در این بین باقرخان تنگستانی باچهارصد نفر چریك بافرزند خود احمد خان تنگستانی بقلعه ریشهر وارد شدند و مهدی خان سرهنك محافظت قلعه‌را بباقرخان سپرده وخود ببرج خلعت پوشان نزدیك بوشهر مراجعت نمود ژنرال « اترام » در سپیده دم باسپاهیان انگلیسی و هندی و سی عراده توپ بقلعه ریشهر حمله کرد باقر خان و احمد خان و شیخ حسین خان چاه کوتاهی از قلت نفرات خود و زیادی دشمن نهراسیده دلیرانه مشغول جنك شدند از صبح تا بعد از ظهر زدوخورد ادامه یافت و دشمن چنان نزدیك شد که جنك تن بتن شروع گردید و کار با شمشیر وخنجر ودست بگریبان رسید ۷۴۰ سرباز هندی وانگلیسی کشته شدند و تنگستانها چنان شجاعت ودلیری وپافشاری نشان‌دادند که‌ژنرال‌انگلیسی دستور داد کشتیهای جنگی شروع به بمباران قلعه نمودند که در نتیجه ۷۲ نفر ازتنگستانیها و احمد خان کشته شدند هنگامیکه احمد خان بزمین افتاد تفنك‌خودرا دردست داشت یکی ازافسران انگلیسی بربالین‌او رسید و فرمانداد که تفنك را تسلیم کند ولی احمد خان تا آخرین نفس حاضر بتسلیم سلاح خود نشد چون قلعه بتصرف انگلیسها آمد باقر خان بانفرات چریك قلعه‌را ترك کردند نامبرده با دوفرزند خود یکی‌احمدخان ودیگری حسن خان بابرادرزاده های خود احمدشاه خان ومحمدعلیخان پیش ازشروع جنك بنا به پیشنهاد انگلیسها با دریاسالار انگلیسی ملاقات میکنندکه وعده هائی بباقرخان بابرداخت چند هزار روپیه میدهند ولی او کشته شدن‌را برذلت مغلوبیت ترجیح‌میدهد درجنك تن‌بتن حسن‌خان تنگستانی زخمی میگردد وبوسیلهٔ یکنفر ساربان اورا از میدان جنك بیرون‌میبرندو گلوله‌توپ بران احمدخان اصابت نمود که قادربحرکت‌نشد

او در همان موقع در حال زخمی و بارفتن خون زیاد چهارنفر ازافسران انگلیسی‌را باطپانچه میکشد ـ جنازه احمدخان ازطرف سردار انگلیسی به تنگستانیها تحویل میگردد وپس ازچندی حسن‌خان نیز دراثر اصابت گلوله توپ در تنگستان فوت نمود ـ باقر خان تنگستانی در ۷۹ سالگی جهانرا بدرود نمود و جسد او به نجف برده شد و در ایوان موسوم به شهدای جنك تنگستان دفن گردید.

در این بین ژنرال « اترام » بدریابگی خبر دادکه بیرق ایران را بزیرآورده وشهر راتسلیم کند اوجواب دادکه‌اجازه‌جنك نداردومهلت‌دهد تاشجاع‌الملك وارد بوشهرشود ژنرال انگلیسی باین‌جواب اعتنائی‌ننموده باقشون خود بطرف بوشهر حرکت کرد وببرج خلعت پوشان هجوم نمود در این حمله دونفر توپچی ایرانی کشته شدند و بقیه سه عراده توپ‌را گذارده وبرج را تخلیه کردند نیز محمد خان دشتی ومحمد حسن خان برازجانی و محمد رضا بیك زیارتی تاب مقاومت در خود ندیده برج خلعت پوشانرا ترك نمودند.

در این هنگام دریابگی حکمران بوشهر با اضطراب و ترس بیرق ایران‌رابزیرآوردوتسلیم گردیدومحمدخان‌دشتی ازراه کرانه‌شیف‌به‌برازجان فرارکرد ولی محمدرضابیك به تنهائی چندنفر ازسپاهیان انگلیس‌راکشته و بعد هدف ۳۵ گلوله دشمن شده و کشته گردید بعد ازتسلیم دریابگی انگلیسها اورا و مهدی خان سرهنك‌را باسارت به هندوستان روانه‌نمودند وپس از اشغال بوشهر قسمتی ازلشکریان خودرا ازراه کرانه‌شیف‌بطرف برازجان فرستادند بین راه نزدیك قریه خوشاب و سپس در برازجان جنگی بین انگلیسها و لشکریان اعزامی بسرداری شجاع‌الملك در گرفت و از قشقائیها بقیادت ایلخانی چند شبیخون زده شد که قریب ۱۵۰۰ نفر

از قشون دشمن کشته شد وتلفات ایران درحدود ۶۰۰ نفر بود عاقبت جنك دربرازجان متارکه شد وآنقصبه بتصرف انگلیسها درآمد سپس عده قشون خود را باچندکشتی بطرف خرمشهر (محمره) و اهواز روانه نمودند ازطرف ناصرالدین شاه بشاهزاده احتشام الدوله والی خوزستان امر شد که با افرادکزاز وبیات ـ بهادران ـ فراهان وسیلاخوری دفاع کند وفوج قدیم ازبروجرد وخرم آباد بسرداری امیرزاده والی خرم آباد و سرتیپ محمد مرادخان وآقاجان خان وسرتیپ محمدحسن خان ومهندس میرزامهدیخان که بدون سورسات ومهمات کافی حتی فاقد بیل و کلنك بودند وارد خرمشهر شده مشغول کندن خندق وسنگرشدند در این بین چندنفر از افسران فرانسوی پیش از حمله انگلیسها برخرمشهر وارد این بندر شده و با اجازه احتشام الدوله سنگر های لشکریان ایران را بازدید نمودند و عدم رضایت خود را از طرح سنگر بندی و دفاع حضوراً باحتشام الدوله اظهار وتذکر دادند وطرح سنگرهای مارپیچ درعمق زمین ونصب توپهارا بیان نمودند چون بنظریات افسران فرانسوی از طرف احتشام الدوله و صاحب منصبان ایرانی توجهی نشد آنها گزارشاتی بوزیر مختار دولت متبوعه در تهران فرستادند و ازخرمشهر حرکت نمودند چند روز پس از رفتن آنها پنجاه و هشت کشتی بخاری و بادی باهشت هزار قشون هندی وانگلیسی مرکب ازسوار وپیاده نظام باچندین توپ خمپاره اندازوصحرائی وارد شط العرب شده ودرجزیره سلمان غضبان پیاده وبسنگربندی مشغول شدند و کشتیهای جنگی انگلیس یکی بعد از دیگری شب هنگام وارد رودخانه کارون شده و سنگرهای لشکریان راکه درکنار رودخانه ساخته شده بود بمباران نمودند بفاصله چند ساعت قشون ایران و افسران آنها ونواب والا احتشام الدوله بدون مدافعه و استقامت رو بفرار نهادند هنوز

تمام سپاهیان دشمن به کرانه پیاده نشده سران قشون ایران خودراباخته
وباکمال هراس بطرف اهوازحرکت نمودند ولی یکی ازافسران ایـران
بنام آقا جان خان در اثر اصابت گلوله خمپاره کشته شد و جسد او را
به اهواز انتقال دادند سربازان ایران گذشته از اینکه جنگی نکردند
مهمات حتی بنه‌وآذوقه احتشام‌الدوله نواب «والا»را غارت وچپاول‌نمودند
و از اهواز راه شوشتررا پیش گرفتند.

شاهزاده احتشام الدوله و امیرزاده با افواج خود با کمال ترس
ووحشت وارد شوشتر شد وصورت‌هزینه‌حساب این‌لشکرکشی را باآب
و تاب بتهران فرستاد و بهای سورسات و جیره وعلیق و مخارج عده
معدودی‌سوار بسه هزارنفر قلمداد نموددر صورتیکه یکدینارحقوق یاجیره
بقشون اعزامی داده نشده بود از افسرانی که در این جنگ شجاعت
و دلیری نشان دادند و در مقابل ۳۰۰سوار ویك فوج پیاده نظام دشمن
دفاع نمودند یکی میرزا رضا نایب توپچی و دیگر معصوم سلطان و زین
العابدین خان شاهسون و شیخ جابر خان حکمران خرمشهر (محمره)
بودند و بقیه سران لشکر ایران از سرتیپ و یاور گرفته تااحتشام‌الدوله
وامیرزاده سنگرهارا ترك‌نموده فرار کردند.

چون در این هنگام بلوا وشورش درهندوستان شروع شد و افکار
رجال سیاسی انگلیس متوجه آن نهضت و شورش بود نمیخواستند جنگ
ایران وانگلیس دامنه پیدا کند عاقبت عهدنامه‌صلح موسوم به‌پیمان‌پاریس
درسال ۱۲٦۷ میلادی بین ایران وانگلیس بوسیله فرخ خان امین‌الملك
کاشی (کاشانی) منعقد شد و رجـال غافل دربار ناصری هرچه داشتند
در طبق اخلاص نهاده تسلیم ماموریـن سیاسی و عاقل انگلیس نمودند
و دولت ایران هرات را برای همیشه تخلیه کرد و در عوض انگلیسها

بوشهر ـ خرمشهر ـ أهواز وجزیره خارك را تخلیه نمودند .

بعد ازچند روز اقامت از تهران از راه قشلاق بعزم مشهد حرکت کردم از تهران تا مشهد ازدو راه آمد ورفت میشود یکی ازطریق قشلاق و ایوانکی که جاده خراب و ناهموار است و دیگر از راه فیروزکوه است که از بین جبال شامخ البرز میگذرد از تهران بفیروزکوه درحدود ۱٤۱ کیلومتر و از آنجا بسمنان ۸۱ کیلومتر مسافت است غروب آفتاب بقصبه ایوانکی رسیدم و از آنجا گذشته و ازگردنه و تنگه سردره خوار که محلی است خطرناك عبور نموده دو ساعت از شب گذشته وارد قشلاق شدم قصبه ایوانکی و سردره در تاریخ مشروطیت ایران شهرتی داردزیرا در این محل سپاه محمدعلیشاه مخلوع که از عشایر ترکمن تشکیل شده بود بسرداری ارشد الدوله که در صدد حمله بتهران برای بدست آوردن تاج و تخت آن پادشاه در مقابل مجاهدین دولت و نفرات بختیاری ها بسرداری یفرم خان ارمنی و بعضی خوانین بختیاری شکست خورده و منهدم شدند ارشدالدوله ازبندرگمش تپه بادو هزار نفر از افراد ترکمن پیشروی بطرف شاهرود نمود و بدون رادع ومانع وارد دامغان گردید از طرف دولت وقت دستوری محرمانه بتلگرافچی آنجا داده شده بود که از حرکت ارشدالدوله بتهران اطلاع دهد در این موقع بخشدار دامغان ازترس فرارنمودپس ازورودارشدالدوله بدامغان امر نمود که تلگرافچی را حاضر نمایند و از اوکسب اطلاع کرد و مبلغی باو عطا نمود بعد از سه روز اقامت درآنجا بسمنان رسید سپس باسرعت خودرا بهایوانکی رسانید و در جنك زخمی شد ودرهمان محل بامر یفرم خان تیرباران گردیدوجسد اورا باسرهائی چند ازافراد ترکمن بتهران آوردند ومحمدعلیشاه ازبندر گمش تپه مجدداً بطرف روسیه فرار کرد .

قصبه قشلاق خوش آب و هوا ومحلی باصفاست از تهران بقشلاق در حدود ۱۰۲ کیلومترو ازآنجا تاسرخه ۹۶ کیلومتر وتاسمنان ۲۴ کیلومتر مسافت است وجاده دست انداز زیاد و تعمیرلازم دارد .

سمنان

سمنان یکی ازشهرهای قدیم است جمعیت آنجارادرحدود سی هزار نفر میگویند محصول سمنان گندم ـ جو ـ حبوبات ـ پنبه و میوه است صادرات عمده این شهر خشکبار و پنبه میباشد اطراف سمنان باغ های زیاد است که از چند قنات مشروب میگردد اخیراً کارخانه ریسمان بافی در آنجا تأسیس شده و مشغول نخ ریسی است مردم سمنان اکثر فقیر و مستمند و بعضی کشاورزند ـ این شهر دارای دو مسجد است که یکی امیر بختیار در بین سال های ٤١٧—٤٤٦ هجری قمری بپایان رسانیده و ایوان بزرگ این مسجد را شاهرخ در سال ۸۸۰ هجری ساخته وبقیه ساختمان آن قدیمتر است و بعضی قسمت آن در زمان فتحعلی شاه تعمیر شده و منار این مسجد مربوط بدوره سلاجقه است و مسجددیگرموسوم بمسجد سلطانی است که در سال ۱۲٤۲ هجری قمری درعهد فتحعلی شاه بناشده از آثار قدیم این شهر خانقاه شیخ علاء الدوله سمنانی در دوره مغول در صوفی آباد سه فرسنگی سمنان میباشد و این بنا را منسوب بجمال الدین عبدالوهاب وزیر الجایتو میدانند ـ معدن نفت خوریان دراین ناحیه سالهاست مورد توجه خاص روسها میباشد و طبق قرار دادی که بین ایران و روسیه در پیش منعقد شده بودهر گاه تا پنج سال نفت خوریان استخراج ننماید قرارداد لغو شود در آن مدت ازطرف روسها اقدام برای استخراج نفت بعمل نیامد و در سال ۱۲۹۹ خورشیدی که قرار داد بین ایران و دولت جماهیر شوروی بسته شد دولت شوروی از امتیاز سابق

خود در خصوص نفت نواحی شرقی و شمال شرق ایران صرف‌نظر نمود
در سال ۱۳۱۵ خورشیدی امتیاز نفت این ناحیه بشرکت دلاور آمریکائی
واگذار شد و مهندسین و نمایندگان آن شرکت بایران آمدند و طبق
پیمان دیگر مقرر گردید که لوله نفت این ناحیه را تا بندر چابهار امتداد
دهند و پالشگاه و تصفیه خانه را در آن بندر تأسیس کنند ولی طولی نکشید
که شرکت نامبرده قرارداد نفت را لغو نمود و مبلغی طبق قرارداد بدولت
ایران پرداخت کرد - در سه سال پیش مجدداً نمایندگان کمپانی‌های رویال
دچ شل و استاندرداویل وسینگلر بایران آمدند و در نظر داشتند امتیاز
معدن شمال شرقی را بگیرند و کمیسیون مخصوصی با شرکت مستشاران
فنی آمریکائی طرح قرار داد را تنظیم نمود ولی چون بدون مشورت
و اطلاع دولت شوروی بود ناگهان نماینده دولت نامبرده مسیو «کافتارادزه»
معاون کمیسار یای امور خارجه شوروی وارد تهران شد و پیشنهاد امتیاز
نفت شمال شرقی را بدولت ایران نمود که عملی نشد و عاقبت باعث مقدمات
تیرگی روابط دولت شوروی گردید .

مهندسین طبقات الارضی معتقدند که معادن نفت شمال ایران بالغ
بر پنجهزار پا بالاتر قرار گرفته نسبت بمعادن نفت جنوب است و رشته‌هائی
از چشمه‌های نفت شمال بطرف جنوب جاری میباشد .

پس از چند ساعت توقف عازم دامغان شدم از سمنان بدامغان درحدود
۱۱۶ کیلومتر مسافت است .

دامغان

این شهر نسبتاً کوچك و کم جمعیت است اکثر مردمش زحمت کش
و کشاورزند محصول آنجا گندم - جو - حبوبات - پنبه وخشکبار است که
مقدار زیادی پنبه و خشکبار بخارجه صادر میگردد از آثار قدیم و تاریخی

درحوالی دامغان محلی است موسوم بصد دروازه « هتکاتوپلیس » که میگویند پای تخت قدیم اشکانیان بوده و دیگر مقبره امام زاده جعفر کتیبه بنای این مقبره بامر شاهرخ در عهد تیموریه نوشته شده ونیز مسجد و منار چهل ستون است که تاریخ بنای آنرا بین قرن سوم هجری قمری میدانند ولی ساختمان منار آن در سده پنجم بپایان رسیده و این منار بنام تاری خانه معروف بود و مسجدی داشته که اکنون ویران و مخروبه است واین مناره بنای بختیاربن محمداست که بنای مقبره پدرش پیرعلمدار رانیز ساخته است ودیگر از بناهای باستانی در حوالی دامغان برج معصوم زاده در قصبه مهمان دوست است که درزمان سلاجقه بنا شده وتاریخ ساختمان آنرا در سال ٤٩٠ هجری قمری مینویسدو دیگر مناری میباشد که درسال ٥٠٠ هجری ساخته شده و مسجدی که بعدازاین مناره بنا گردیده مقبره پیرعلمدار طبق کتیبه آن در تاریخ ٤١٧ هجری قمری بپایان رسیده در نزدیك این مقبره مسجدی است که درزمان سلطان الجایتو خدا بنده بوده و نیز مقبره چهل دختران است که تاریخ بنای آن در سال ٤٤٦ هجری قمری است ودارای گنبد و مناری بوده که اکنون خراب و ویرانه شده ـ در محلی موسوم به بتودربار معدن سرب و درکوه زر معدن طلا و در طاق آستانه معدن ذغال سنك وجود دارد آهنگران این شهر ازذغال سنك آنجا برای رفع نیازمندی خود استفاده میکنند ـ بعد ازظهر بعزم شاهرود حرکت کردم مسافت بین دامغان وشاهرود درحدود ٧٤ کیلومتر است .

شاهرود

شاهروداز توابع بسطام است اکنون بواسطه راه شوسه وآمد ورفت وکالا نسبتاً آباد شده شهریست کم سکنه ومردمش اکثر فقیر وبرخی نیز کشاورزند از لحاظ بهداشت شاهرود بسیارعقب افتاده اکنون بیمارستانی

دراین‌شهر احداث گردیده ولی ساختمان آن کامل نیست محصول اطراف این شهر عبارت از گندم ـ جو ـ حبوبات ـ تنباکو ـ میوه خشکبار وپنبه است که ازآب قنات مشروب میگردد وعمده صادرات آنجا پنبه وخشکبار است درنزدیك شاهرود در محلی موسوم بفرومد مسجد خرابهٔ وجود داردکه تاریخ بنای آن درسده هفتم قمری بوده .

در بین راه چند برج وبارو بنظر میرسدکه اثری از مأمورین امنیه درآنجا وجود نداشت ـ در قصبه عباس‌آباد لحظهٔ توقف کردم این قصبه را شاه عباس بزرك بنا نموده و مردمش ازنژاد گرجستانی هستند که شاه‌عباس آنها را بایران آورد در نزدیك عباس آباد کوهی است که اهالی ازسنگ آن تسبیح و سورمه دان و سایر اشیاء دیگرمیسازندو بمسافرین میفروشند و مردمی بد جنس و نیرنگ باز هستند ـ از شاهرود بسبزوار در حدود ۲۶۶ کیلومتر است و این طولانی ترین راه بین تهران و مشهد است که بزحمت طی گردید چون میبایست مسافت زیادی باز حرکت کنیم شب در قصبه کهك توقف نمودم‌در این قصبه حشره معروف بغریب گز وجودداشته که پس از فرو بردن نیش خون را مسموم وبلافاصله تب‌عارض میشود ولی این حشره بخود اهالی آنجا صدمه نمیزنند اکنون این جانور نسبت بسالهای پیش کمترشده ومردم ازصدمه‌آن حشره درامان هستند .

سبزوار

سبزوار جزء خراسان محسوب و نسبت بسایر شهرهای بین تهران و مشهد خوش آب و هوا تراست اطراف این شهررا باغات زیاد احاطه کرده و جمعیت آنجا درحدود ۲۲۰۰۰ نفر میگویند از لحاظ بهداشت و کسادی تجارت و ضعیت این شهر خوب نیست مردم این شهر همه

زحمتکش و کاسب پیشه‌و اکثر کشاورزند محصول آنجا غله ـ تنباکو ـ تریاك ـ میوه خشکبار و پنبه است این شهر دارای چند دستگاه پنبه پاك کنی میباشد وآب مشروب آنجا از قنات و عمده صادرات سبزوار پنبه وخشکبار است درسمت شمال این شهر مناری است که تاریخ بنای آنرا در سال ۶۰۰ قمری میگویند نیز ساختمان میل خسرو کرد است که طبق کتیبه در سال ۵۰۵ قمری بنا گردیده .

بین سبزوار و نیشابور درحدود ۱۱۹ کیلومتر مسافت است .

نیشاپور

نیشاپور یکی از شهرهای قدیم ایران است جمعیت این شهر رادر حدود ۳۲۰۰۰ نفر میگویند و دارای آب فراوان و باغات زیاد است محصول آنجا غله ـ حبوبات تریاك ـ تنباکو ـ میوه و پنبه است که از آب قنات چند مشروب میگردد و چند دستگاه پنبه پاك کنی و قالی بافی در اینشهر وجود دارد ـ عمده صادرات این شهر پنبه و خشکبار و قالی است که بسیار مرغوب وخوش بافت است .

همه قسم امراض خاصه تب مالاریا در اینجا زیاداست وضعیت این شهر از لحاظ بهداشت وکمی دارو خوب نیست مخصوصاً بازار و کوچه های آنجا بسیار کثیف است ـ در نزدیك نیشاپور قلعه و یرانهٔ موسوم بسنگبست وجود دارد نیز آثار گنبد و مناری در آنجا دیده میشود که بنای آنرا در سال ۳۸۹ قمری بارسلان جاذب فرماندار طوس نسبت میدهند و کتیبهٔ بخط کوفی در دیوار این گنبد دیده شد ـ از بناهای قدیم نیشاپور مسجد جامع است ساختمان آنرا درسال ۸۹۹ قمری پهلوان علی بن بایزید نموده و مقبره او در این مسجد میباشد و آرامگاه امامزاده محروق در

در دوره شاه طهماسب صفوی بنا شده و تاریخ ساختمان در سال ۹۸۷ قمری بوده ودیگر مقبره عمرخیام شاعر مشهور ایران که دریك فرسنگی جنوب شرقی نیشاپور واقع شده نیز آرامگاه فریدالدین محمد عطار که از عرفای نامی بوده وبنای آنرا بمیر علی شیر نوائی نسبت میدهند ـ تپه الب ارسلان و تپه آهنگران و تپه شادیاخ که دریك کیلومتری این‌شهر واقع شده ازبنا های دوره سلاجقه میباشد ـ احداث نیشاپوررا از شاپور اول میدانند وسپس درزمان شاپور دوم تجدید بنا یافته بهمین مناسبت آتشکده موسوم ببرزین مهر درقله کوه بنالود در مشرق نیشاپور ساخته شده ـ این‌شهر چندمرتبه ازطرف اعراب ومغولها و افغان‌ها مورد حمله واقع گردید وخسارت و خرابی زیاد برآن وارد آمده است ـ شهر قدیم نیشاپور یکفرسنك دریکفرسنك طول وعرض داشته .

یکی ازمساجدنیشاپور ازبناهای ابومسلم والی‌خراسان بوده سپس عمروبن لیث صفاری آن را تعمیر نمود در سال ٤٥٧ قمری طغرل بیك سلجوقی این شهر را تصرف کرد و تا چندی مقر حکمرانی جانشینان الب ارسلان بود .

نیشاپور دراثرحدوث چندمرتبه زلزله خراب وویران شده وبعدها شهر کنونی درنزدیك خرابه‌های قدیم این شهر ساخته شد درحوالی شادیاخ در تپه سبز پوشان آثار قدیم و ظروف سفالی ظریف و سکه‌های قرن پنجم‌هجری‌یافت‌شده ـ درشمال غربی نیشاپور معدن فیروزه موسوم ببار معدن وجود دارد و فیروزه های این معدن در دنیا مشهور است ـ در بین راه نیشاپور بمشهد بنای گنبد قدمگاه واقع که در سال ۱۰۹۱ قمری‌ساخته شده نیز مقبره خواجه ربیع که ازبناهای شاه عباس بزرك در

سال ۱۰۳۱ قمری باتمام رسیده و کتیبه کاشی در آنجا دیده شدکه تاریخ ۱۰۲۶ قمری برآن نوشته شده است.

مسافت بین نیشاپور بمشهد در حدود ۱۴۳ کیلومتر وجاده نسبتاً صاف وهموار است ولی تسطیح ومرمت لازم دارد وازتهران بمشهد ۹۴۰ کیلومتر مسافت دارد.

مشهد

شهرطوس درحمله مغول صدمه‌وخرابی بسیاردید سپس امیرتیمور باقیمانده مردم طوس‌را قتل عام نمودکه در نتیجه این شهر بکلی ویران و ازبین‌رفت وبقیه مردمی‌که ازدست لشگریان امیرتیمور جان بسلامت بدر برده بمشهد پناه آوردند بعد از امیر تیمور شاهرخ در صدد ترمیم خرابی های پدرش برآمد وبفراریهای شهر طوس تکلیف نمود که بشهر خود بازگردند ولی‌مردم حاضربیازگشت نشدند بنابراین شاهرخ حصاری دراطراف مشهد کشید وتدریجاً جمعیت آنجا افزایش یافت پس ازآنکه شهرطوس روبخرابی گذاشت مشهد آبادشد وشاه طهماسب صفوی حصار بزرگتری بدورمشهد کشیدکه اکنون آثارآن درقسمتی از نقاط اطراف شهر وجود دارد.

مشهد دارای عمارات مجلل و چند خیابان وسیع از جمله خیابان علیا وسفلی‌که شاه عباس بزرك آنهارا احداث نموده ـ شهر مشهد ازآب قنوات گل‌خطمی ـ دست جرد ـ تقی آباد ـ الندشت ـ رکن‌آباد ـ سلسبیل ـ منبع ـ سناباد ـ عشرت‌آباد ـ سرده ـ مستشار وچند قنات دیگر مشروب‌میگردد وبعضی‌ازقنوات‌قدیم اکنون خراب‌شده ـ مرحوم سلطان حسین میرزا نیرالدوله والی‌اسبق خراسان آب‌قنات مسجدرا بوسیله لوله

بمسجد گوهرشاد و آستان رضوی آورده است .

چشمه گلاسب « چشمه گیلاس » که دربلوك درزاب درهفت فرسنگی غربی مشهد واقع شده و تاموقعی که شهرطوس آباد بود آب این چشمه بمصرف کشت و زراعت آن شهر میرسید بعداً امیرعلی شیر نوائی در عهد سلطنت سلطان حسین تیموری نهر جدیدی احداث و آب رابمشهدآورد وشاه‌عباس آب‌چشمه گیلاس را از وسط خیابان علیا و صحن کهنه وخیابان سفلی بمشهد رسانید که قسمتی از این آب اکنون بمصرف زراعت میرسد مرحوم محمد ولی اسدی نایب التولیه در چند سال پیش نهری موسوم به گناباد در ده فرسنگی مشهد احداث کرد و بوسیله چهار رشته قنات آب بشهر رسانید و بعداً برتعداد این قنوات افزوده شد که قسمتی ازاین آب بمصرف کشت‌وزراعت میرسد وهزینه این قنوات‌را ازسرمایه‌آستان‌رضوی پرداخت گردیده است .

محصول خراسان عبارت از غله ـ حبوبات ـ پنبه ـ تنباکو ـ کتیرا ـ انغوزه ـ تریاك ـ میوه ـ خشکبار وهلووسیب خراسان در ایران‌مشهور است ـ صادرات خراسان پوست . پشم ـ پنبه ـ تریاك ـ خشکبار و قالی است ـ محصول پشم خراسان در حدود پانزده هزار خروار و فراورد تریاك هزار خروار درسال تخمین میزنند که ۱۲ در صد دارای‌مرفین‌است .

کارخانه های قالی بافی در مشهد زیاد است ومهمترین آنهادستگاه قالی‌بافی عمواغلی است که از حیث بافت و مرغوبی معروف‌است قالی‌های خراسان از جنبه تجارتی در درجه سوم نسبت بقالی های ایران میباشد ولی از نظر خوبی و بافت در درجه دوم واقع شده .

از تأسیسات دیگر در مشهد کارخانه نخ‌ریسی و برق‌خسروی‌است که روشنی برق شهر را میدهد و نیز مقدار زیادی پنبه خراسان را

تبدیل بنخ و پارچه میکند عده کارگران این کارخانه را ۸۰۰ نفر میگویند.
دز ٦ کیلومتری مشهد کارخانه قند آبکوه واقع شده و مصرف هرروزه
در حدود ۷۰۰ تن چغندر و محصول قند و شکر در سال ۱۳۲٤خورشیدی
این کارخانه ۵۰۰ خروار قند بوده - یکی از صنایع مهم مشهد تراش
فیروزه است که معدن آن در اطراف نیشاپور ودربلوك بار معدن استخراج
میگردد و پس از تراش بمصرف فروش میرسد.

چمعیت مشهد را در حدود ۱۸۰،۰۰۰نفر میگویند اکثرمردم این
شهر زحمت کش و پیشه ور هستند در بین آنها فقیر و مستمند زیاد است.
کوچه ها وحمامهای این شهر که محل اجتماع صدهاهزار زوار است کثیف
واوضاع بهداشت آنجاخوب نیست - درمشهد مریضخانه نجمیه ومریضخانه
آمریکائی که از طرف مؤسسه خیریه آمریکائی تأسیس شده و بیمارستان
شاه رضا که درسابق بدارالشفای آستانه معروف بوده میگویند زمانی که علی
شاه برادرزاده نادر شاه در خراسان حکومت داشته املاکی برای دارالشفا
وقف نمود و محل سابق آن درمقابل مسجدگوهر شاد بوده وناصرالدین
شاه دارالشفا جدیدی درخیابان علیا بنا کرد - مرحوم اسدی نیز دراراضی
الندشت بیمارستانی از بودجه موقوفات رضوی بنیاد نمود این بیمارستان
دارای سیصد تختخواب و هزینه سالیانه آن در حدود هفتصد هزارتومان
میباشد بعلاوه درآنجا زایشگاهی بنانهاده و اکنون برای توسعه آن
ساختمانی میکنند که گنجایش هشتاد تختخواب برای زنان خواهد داشت.

در اراضی الندشت دارالعجزه (نوانخانه) آستان قدس رضوی واقع
شده که درحدود ششصد نفر فقیروبینوا درآنجا غذاولباس میدهندوفقرائی
که توانائی کار دارند بکار های بنائی و قالی و پلاس بافی وادار میکنند
و دستمزد هریك درحساب آنها نگهداری و درموقع خروج از نوانخانه

برای سرمایه بصاحبان آنها میدهند ـ در خارج دروازه نوغان در مزرعه محراب خان اشخاص جذامی باهزینه آستان رضوی پرستاری می‌شوند نیز در پرورشگاه بیمارستان شاه رضا اطفال بی سرپرست و ولگرد را نگهداری مینمایند.

آستان رضوی دارای پنجهزار قطعه زمین مزروعی میباشد که درحدود دوملیون تومان درسال درآمد نقدی وجنسی دارد که مبلغ هنگفتی بمصرف مؤسسات خیریه میرسد.

مهمانخانه رضوی برای شام ونهار خدام حرم تخصیص یافته وفقرا و مستمندان ازخوان نعمت این مهمانخانه محرومند وگاهی ببعضی زوارها بنام تبرك غذا میدهند ـ این مهمانخانه طبق وقفنامه مخصوص زوار بوده که اکنون متروك مانده وبآن عمل نمیکنند وفعلا ساختمان مجللی درکنار خیابان فلکه برای مهمانخانه رضوی دردست اقدام میباشد.

درمشهد چندین مدرسه قدیمی برای تعلیم علوم دینی وسکونت طلاب در عهد صفویه بناشده ازجمله مدرسه میرزا جعفر ـ مدرسه خیرات خان ـ مدرسه ابدال خان ـ مدرسه نواب و مدارس دیگر است ـ مدرسه بالاسر میرزا ابوالقاسم بابر تیموری و مدرسه پریزادشاهرخ تیموری و مدرسه دو در خواجه یوسف غیاث الدین که یکی از امرای شاهرخ بوده بنیاد کرده اند نیز چند مدرسه دیگر بوده که درموقع احداث خیابان شمالی و جنوبی خراب شده است علاوه بر دبستان های ملی و دولتی پنج دبستان جدیدالبنا از طرف آستان رضوی ساخته وباختیار اداره فرهنك خراسان گذارده شده.

از مساجد مهم مشهد مسجد باعظمت گوهرشاد است که او همسر شاهرخ بن امیرتیمور بود این مسجد در سال ۸۲۱ هجری قمری بمعماری

زین‌الدین بن قوام الدین شیرازی ساخته شده که از چهار سمت دارای چهار ایوان و شبستان های زیاد است که با بهترین کاشی های عهد تیموری زینت یافته که مهمترین آنها ایوان مقصوره میباشد و دو مناره و گنبدی بزرك دارد و کتیبهٔ بخط ثلث با یسنقر خوشنویس باین عبارت نوشته «راجیاً الی‌الله بایسنقربن شاهرخ بن تیمور گورکانی فی ۸۲۱ قمری» دارالحفاظ و دارالسیاده که بین مسجد گوهرشاد وحرم رضوی واقع شده نیز از بناهای گوهرشاد است ـ ساختمان مسجد گوهرشاد درمدت۱۲سال بپایان رسیده وتولیت جداگانه دارد.

مسجد شاه که بانی آن ملك‌شاه یکی از امرای تیموری در سال ۸۵۵ قمری بوده و گنبد آن باکاشی هائی برنك‌فیروزه بسیار ممتازساخته شده و دارای دومناراست که اکنون بالای مناره ها خرابی پیداکرده‌این مسجددرسال۱۳۱۸ قمری مرمت‌شده ـمسجد بالاسر که‌دردوره تیموریان ساخته شده در سال ۱۲۷۷ قمری تعمیر شده است.

از بنا های دیگرمشهد مقبره شیخ محمد معروف به پیرپالان دوز که یکی از فضلای عهد صفویه‌بوده این مقبره‌در زمان‌سلطان محمدصفوی پدر شاه عباس بزرك ساخته شده ـ دیگرساختمان مصلی است که در عهد شاه عباس بناگردیده واکنون مخروبه است ـ مقبره شیخ‌استرابادی که از عرفای دوره صفوی بوده و گنبد آن معروف بگنبد سبز است و مقبره شیخ طبرسی صاحب کتاب تفسیر مجمع البیان و شیخ حرعاملی مؤلف کتاب وسائل‌الشیعه ومرقدشیخ محمد بهاءالدین که درسردابه مخروبه‌ای در کنار صحن نو بوده وادارهٔ آستانه ساختمان مجلل و آئینه کاری مفروش‌باسنگهای مرمر ممتاز درآن بنا نهاده‌است وخواجه ربیع‌بن‌خشیم ومیرزا ابوالقاسم بابرتیموری وسایرعلمای اسلامی ونیزمقبرهٔعباس میرزا

نایب‌السلطنه درمشهد واقع شده است .

آرامگاه نادرشاه در خیابان علیا بنائی است مجلل و ازسنك های مرمرساخته‌شده ومعروف بباغ‌نادری‌است وباگل کاری قشنگی تزئین یافته و محل تفرجگاه عموم میباشد.

دیوارحرم حضرت‌رضا (ع) ازچینه گلی (دای) بدستور شرف‌الدین ابوطاهرقمی ساخته شده ودرداخل حرم کاشی‌هائی‌که شبیه بچینی است تزئین یافته و روی قبر آن حضرت دوضریح قرار داردکه ضریح زیر از نقره و درطرف پا دارای درب مرصعی است و ضریح روئی ازپولاد است و معروف است که این ضریح پولادی روی قبر نادرشاه بوده چون مقبره نادر بامر آغامحمدخان خواجه خراب‌کردند این ضریح را ازآنجا انتقال درروی قبررضوی قراردادند وسابقاً دارای یك ضریح مطلا بوده وبدستور رضاشاه آنرا برداشته وسنك مرمر در روی مرقد مطهر قرار داده‌اند که چون چراغ‌برق در داخل‌آن روشن شود درخشندگی خاصی پیدا میکند درکتیبه زیرطاق‌گنبد روی زینه قرمز سورهٔ جمعه بخط علیرضای‌عباسی خوشنویس‌تزئین ونوشته شده وآینه‌کاری دیوارحرم ورواق‌های‌اطراف‌آن درزمان ناصرالدین‌شاه ساخته‌اند ـ گنبد حضرت رضا (ع) را شاه طهماسب صفوی طلاکوب نموده و بعد شاه عباس کتیبه بدستخط علی‌رضای عباسی برآن افزوده است ونیز بدستور شاه طهماسب منـاره جنب گنبد ساخته وطلاکوبی شده (مقبره شاه طهماسب در پشت حرم درصفه شاه طهماسب واقع شده)

اللّٰه‌وردیخان‌که والی‌فارس درعهد شاه‌عباس بود در نزدیك توحید خانه رواقی‌ساخته‌که مشهور بگنبد اللّٰه‌وردیخان است و مقبره او دریکی

از اطاق های این رواق واقع شده - از توحید خانه راهی‌است که بایوان طلای صحن کهنه میرود و این ایوان را امیرعلی شیر نوائی ساخته و نادر آنرا طلاکوبی نموده است ودارالسعاده وگنبد حاتمخان از بنا های دوره صفوی میباشد . صحن کهنه از بناهای شاه عباس و دارای چهار ایوان و حجره های زیاداست و ایوان شمالی این صحن دارای کاشی‌های ممتاز و ظریف میباشد و معروف بایوان عباسی است . در ایوانهای دیگر سمت شرق‌وغرب‌صحن کهنه کتیبه هائی بخط علی‌رضای خوشنویس عباسی‌بنظر میرسد ومناره پشت ایوان عباسی بامر نادرشاه طلاکوب شده است .

صحن جدید رضوی در سمت مشرق دارالسعاده وحرم آن حضرت ازبناهای فتحعلی شاه است - صحن جدیددارای چهار ایوان است وایوان متصل‌بدارالسعاده‌طلاکوب‌میباشد وعمارت موزه وکتابخانه آستانه رضوی که مدت هشت‌سال ساختمان آن خاتمه یافته این بنا دارای سه اشکوب ونمای‌آن‌باسنگهای خلج که از نقوش‌ورنگهای متنوع وقشنك زینت یافته و درحدود بیست ملیون ریال هزینه ساختمان آن بوده و از حیث ظرافت و عظمت بی نظیراست .

در کتابخانه‌رضوی درحدودشانزده هزارجلد کتب‌مختلفه‌وچند جلد قرآن مجید‌که بعضی ازآنها بخط‌کوفی نوشته شده از جمله قرآنی است بدستخط حضرت‌علی (ع)که برپوست رقم یافته وقرآن دیگر بخط‌بایسنقر ویکی دیگر بخط سلطان ابراهیم برادر بایسنقر وشاه عباس بزرك آنها را هدیه و وقف نموده وقفنامه آنهاراشیخ بهاءالدین نوشته است .

از کتب نفیسه این کتابخانه کتاب خواص الشجروالحیوان است که

شاه عباس در سال ۱۰۱۷ قمری آنرا وقف آستانه نموده مؤلف این کتاب مهران‌بن منصوربن مهران بوده که در زمان سلطنت الب اینانج قتلغ بگك از زبان سیریانی بعربی ترجمه شده ودارای ۲۸٤صفحه و ۱۱۳٦ اشکال حیوانات‌ونباتات است ـ دیگر کتابی است که مؤلف آن جابربن حیان که ازشاگردان امام صادق (ع) بوده وراجع بعلم فیزیك و شیمی نوشته نیز کتاب شیخ بهاء الدین که در علم هندسه مرقوم داشته و خطوط معاریف و خطاطین و کتب خطی و مرقعات زیاددراین کتابخانه وجوددارد .

درموزه آستان رضوی اشیاء نفیسه وقیمتی از جمله قالی های عهد صفویه وپرده های زربفت و مروارید دوز و تاجهای مرصع و جواهرات گران‌بهاء وخنجر وشمشیرهای‌قدیم جواهرنشان وفیروزه‌های بزرك قیمتی ومنبت کاری‌های بی‌نظیر واشیاء دیگر وجود دارد .

معروف است محل آرامگـاه رضوی در قدیم باغی بوده که بحمیدبن قحطبه تعلق داشته و مأمون عباسی درآنجا مدفون است ـ حرم آن‌حضرت ازبهترین کاشی کاری سه‌دوره تاریخی‌است وبنابگفته ابن‌حوقل مورخ عرب اطراف حرم در نیمه قرن چهارم هجری یك قلعه و دیواری احاطه داشته سپس بامر سلطان‌سنجر سلجوقی تعمیرشده و درسال ٦۱۲ هجری‌قمری سلطان‌الجاتیو خدابنده مجدداً آنرا مرمت نموده‌است وحرم کنونی رضوی نتیجه یك‌سلسله ساختمانها ازچندقرن میباشد وکتیبه‌هائی بخط کوفی محمدبن طلیه درقرن هفتم قمری درآنجا نوشته‌است .

درسال ٦٤۰قمری مغول‌ها مشهدرا تصرف کردند وقسمتی از حرم رضوی‌را خراب‌نمودند ـ نیز عبدالمومن خان اوزبك هنگامیکه شاه عباس بزرك‌مریض‌ودرزاویه حضرت‌عبدالعظیم‌اردوزده وبستری‌بود شهرمشهدرا پس از مدتی محاصره تسخیر و در صحن حرم رضوی مردم را قتل عام

نمود و کتابخانه آستانه را آتش زد اکنون قرآن های نیم‌سوخته بیادگار آن روز وجود دارد و خرابی اوزبکان لطمه سختی بر آبادی مشهد و بر آستانه رضوی وارد ساخت.

بالاترین صدمه ولطمهٔ که برمشهد و آستان قدس رضوی وارد آمد که در تاریخ معاصر ثبت خواهد ماند قضیه فجایع تأسف آور مسجد گوهرشاد درزمان رضاشاه پهلوی بود که علاوه برهتك مقام آستان رضوی حدوث آن سانحه مخالف احساسات بشری نیز بوده که چند هزار زوار وسکنه این شهر در مسجد نامبرده پای منبر موعظه و خطابه جمع شده بودند که ناگهان اطراف آنهارا محاصره و با شراره مسلسل آن بیچاره‌هارا بخاك و خون افکندند - میگویند تا مدت سه روز اجساد کشته گانرا از مسجد گوهرشاد بخارج حمل میکردند و صحن مسجد با خون گلگون بیگناهان رنگین بود - رضاشاه در مقابل این فجایع وکلای مجلس را در کاخ مرمر مخاطب نمود « من عقیده مند بحضرت رضا هستم و بهمین مناسبت نام خود و اولاد خودرا رضا نامیدم » درواقعه مسجد گوهرشاد چندنفر نظامی که دستور مافوق خودرا درشلیك بمردم اجرا ننموده بودند بدست افسران خود کشته شدند - واقعه جانسوز مسجد گوهر شاد کمتر از حادثه بمباران گنبد مطهر رضوی بدست نظامیان روس تزاری نبود باین فرق که آنها مسیحی تابع ارتودکس و اینها ایرانی وظاهراً مسلمان بودند -

ترسم جزای قاتل او چون رقم زنند

یکباره بر جریده رحمت قلم زنند

ملك محمود سیستانی نیز مشهد را تصرف کرد ولی نادر شاه

او را شکست داده و بقتل رسانید .

پس از مرگ نادر شاهرخ نواده نابینای او مدت چندسال درمشهد حکمرانی داشته سپس تامدتی این شهر مورد نزاع و کشمکش بین کریمخان زند واحمدشاه درانی امیر افغانستان بود .

مسجد و گنبدی در محلی موسوم بسنگان پائین واقع شده که تاریخ بنای آنرا در سال ۸۳۵ هجری قمری میگویند در ۲۲ کیلو متری مشهد بنای میل اخنجان که شاید مربوط بدورهٔ ساجوقیان یاپیش از آن باشد ودر چهار فرسنگی مشهد شهر قدیم طوس که اکنون مخروبهٔ بیش نیست و در کنار رودخانه کشف رود واقع شده وآرامگاه ابدی فردوسی شاعر نامی ایران درآنجا میباشد اخیراً مجسمهٔ او بهمت زرتشتیان ایرانی مقیم هندوستان تهیه و درمیدان خیابان فردوسی تهران نصب شده است.

درکلات نادر بنای عمارت خورشید که نادرشاه ساخته ودرقسمت مرکزی آن برجی است که تاریخ بنیاد آنرا در سده هفتم نوشته اند - در طبس مدرسه ومناریست که در دورهٔ سلاجقه ساخته شده ودراثر حدوث زلزله سال ۱۳۱۸ قمری آسیب زیادی دیده - در تربت حیدری مقبره قطب الدین حیدر واقع است که درزمان تیموریان بنا گردیده و شاه صفی مسجدی درآنجا بنا گذارده است .

تهران - مجلس شورای ملی

پس از مراجعت از مشهد به تهران آمدم در چند جلسه مجلس حضور یافتم اکنون عده نمایندگان ۱۲۰ نفر است ولی بموجب قانون انتخابات میبایست ۲۰۰ نفرباشند درطبقه فوقانی تالارمذاکرات نمایندگان درطرف راست محلی بنام نوین مخصوص تماشاچیان محترم است درسمت چپ این طالار محلی دیگر برای مدیران جراید اختصاص دارد و دروسط

این محل جای جلوس شاه است که در دو طرف آن سفرا و نمایندگان خارجه قرار میگیرند و دریك قسمت پائین تالار جای تماشاچیان میباشد رسمیت مجلس با زدن زنك شروع شد و بمذاکرات نمایندگان و رطب ویابس آنها گوش میدادم واکثر مذاکرات آنها قبل ازدستور روی مسائل فرعی بود و به اصل درد این ملت بیچاره و اوضاع کشور ستم دیده توجهی نبود و اختلاف نظر و دوئیت و غرض رانی کاملا بین نمایندگان حکمفرما بود نزدیك دو ساعت در این کعبه آمال ملت مذاکرات بطول انجامید خسته شدم وبحال ملت‌ومملکت افسوس خوردم پس‌ازختم‌جلسه با برخی از نمایندگان که افتخار شناسائی آنها را داشتم صحبت میکردم که نمایندگان مجلس شورای‌ملی مسئول‌مقدرات ملت‌هستند ومذاکراتی که درمجلس میکنند در داخله و خارجه انعکاس میبخشد وکلا که بنام ملت درمجلس هستند وزیرانی بمیل خود انتخاب میکنند و چون دولت که برگزیده این مجلس‌است ازطرف نمایندگان‌حقیقی ملت انتخاب‌نشده نمیتوانند مصالح ومنافع کشور را حفظ و حراست‌کنند و تجربیات تلخ در این چند دوره مجلس شورای ملی هویدا و آشکار است تا زمانی که درقانون انتخابات تجدید نظر نشود هیچ امید اصلاح دراوضاع مملکت نمیرود وهرنماینده خیر اندیشی که پیشنهاد تجدید قانون انتخابات را درمجلس بدهد وعملی شود خدمت بزرگی به اصلاح مملکت نموده‌است اگر برای تقدم اصول پارلمانی درجهان فضلی قائل بشویم این فضیلت ازملت انگلیس خواهد بود واین ملت حق داردکه سبقت در مشروطیت و دموکراسی را افتخار خود بداند ملت انگلیس درراه چنین منظورعالی شایستگی ولیاقت نشان داده و بادرك معنی آزادی و پرورش صحیح آن موانع ودشواریهای سخت‌را به نیروی کاردانی‌واتحاد کامل ازپیش‌پای‌خود

برداشت مقارن سال ۱۶۸۸ میلادی بود که پارلمان انگلیس پس از
چند سال جنگ وکشمکش داخلی قدرت دائمی حاصل نمود و چنان
بر پایه استواری قرار گرفت که حوادث زمانه و مخالفت های روزگار
نتوانست این بنای آزادی وقدرت پارلمانی را متزلزل سازد افتخار اصول
پارلمانی بافضیلت قانون اساسی بریتانیا تنها در سبقت و تقدم آن نیست
بلکه درروح ومعنویت آن میباشد که ازمجموع عادات قدیمه واحترامات
آنملت نسبت بحقوق تولید شده و در مواقع سخت وضروری متفقاً جان
ومال خودرا برای تأمین سعادت ملت ومملکت نثارنموده واین فضیلت
اختصاص بملت انگلیس دارد که در سایر ملل کمتر دیده شده قوانین
اساسی بریتانیا مادر قوانین اساسی کشورهای دیگرشناختهشده نمایندگان
پارلمان انگلیس از هر صد هزار نفر افراد ملت انگلیس یکنفر انتخاب
میگردد که منتخبین اقلا چندماه درحوزهٔ انتخابیه خود اقامت داشته واز
اوضاع آنمحل کاملا مسبوق و مطلع میباشند ملت انگلیس اکنون
بسه حزب و فرقه منقسم شده وهریك برای خود عقاید و نظریاتی دارند
و رئیسی برای خود انتخاب میکنند و تابع رأی و اقدامات او هستند
حزب کونسرواتور وحزب لیبرال وحزب کارگر از احزاب مهم انگلستان
هستند درپیش حزب کونسرواتور دوك وحزب لیبرال را توره مینامیدند
کونسرواتور بیشترمرام آنها جنك وغلبهواقتدار وتوسعه مستعمرات است
وبرعکس لیبرال که مرام آنها صلح جوئی و مساوات و حافظ حقوق خود
وسایر ملل میباشند وحزب کارگر طرفدار فقرا وکارگران ومرام آنها
اصلاح وتسهیل امور زندگانی کارگر ورنجبران است عقاید وآراء احزاب
نامبرده ازثمره علم وتجربه آنها پیدا شده از هر حزب که بیشتر نماینده
انتخاب شد همیشه در پارلمان اکثریت دارند و نخست وزیر ازین همان

فرقه اکثریت انتخاب میگردد و نخست وزیر میبایست دارای تحصیلات عالیه باشد از برکت نظم وصحت کار و تقسیم منظم آراء میباشد که ملت انگلیس نمایندگان پارلمان را انتخاب میکنند وپس ازاتمام انتخابات اسامی منتخبین هرحزب معلوم میگردد و انتخابات کمتر ازیك هفته انجام مییابد و منتخبین مبلغی برسم ودیعه بخزینه دولت میپردازند حزب اقلیت درپارلمان دسته مخالف دولت را تشکیل میدهد ولی درمواقع سخت و بحرانی که اهمیت وعظمت میهن خودرا در خطر میبینند بااحزاب دیگر اتفاق نموده مانندنفس واحد دررفع خطر میکوشند درپارلمان انگلیس همیشه اکثریت باحزب محافظه کار « کونسرواتور » بوده و کمتر سایر احزاب دولت را تشکیل میدهند در انتخابات ۱۹٤٥ میلادی که دولت کارگر روی کارآمد قریب ۸٥ نفر زن برای نمایندگی معرفی شدند و رأی دهندگان آنها درحدود ۲٤ ملیون نفر زن بوده و درانتخابات سالهای پیش ٦٦ نفر زن نامزد نمایندگی بود ولی نه نفر ازآنها بنمایندگی برقرار شدند درپارلمان انگلیس درحدود ٦٥٠ صندلی برای نمایندگان وجود دارد درسال ۱۹٤٥ قریب ۲۲ ملیون ازرأی دهندگان مردبوده درانگلستان مردم عقیده دارند که احترام وادب نسبت بجنس لطیف هنوز بدان پایه نرسیده که کرسیهای پارلمان را اشغال کنند .

پارلمان فرانسه در سال ۱۸۷٥ میلادی بعد از جنك آلمان وفرانسه و اسارت ناپلئون سوم در قلعه سدان تشکیل شد و مرکب ازمجلس سنا ومجلس شورای ملی میباشد و نمایندگان مجلس سنا پس از ۹ سال یك مرتبه انتخاب میشوند و سن آنها ازچهل سال کمتر نباید باشدو نمایندگان مجلس عوام پس از چهار سال یکمرتبه انتخاب میگردند و سن آنها کمتر از ۲٥ سال نیست و مردم از سن ۲۱ سالگی حق انتخاب نماینده دارند

و ۵۸۶ کرسی درمجلس برای نمایندگان وجود دارد احزاب فرانسه عبارت از رادیکال و سوسیالیست و جمهوری خواهان وحزب کمونیست که اکنون ۱۵۶ کرسی در مجلس ملی فرانسه بدست آورده اند ودرحقیقت اکثریت با آنهاست در میان نمایندگان کنونی فرانسه ۳۱ نفرزن بعضویت پارلمان قبول شده و این نخستین بار است که در تاریخ انتخابات فرانسه زنان بنمایندگی انتخاب شده اند در این موقع حزب رادیکال که همیشه اکثریت داشتند شکست خورده و در اقلیت واقع شده‌اند اکنون که این سطور را مینویسم مجلس مؤسسان فرانسه مشغول تجدید نظر در قانون انتخابات میباشد نویسنده حیرانم که روزگار چگونه ملتی را چنین موفق ومسعود و دیگری را چنان منکوب و مطرود یکی‌را بتمدن وتعالی و دیگری را درچاله وحشت وبیچارگی سرنگون میکند چرا روزگار ملتی رامینوازد ودیگری رامبتذل میسازد.

درکتابخانهٔ مجلس چند هزار کتب مختلف بفارسی و زبان های بیگانه موجود است از جمله ۱۷۵ جلد کتاب قانون بزبان فرانسه است ساختمان های جلسه و عمارات رئیس مجلس و معاونین اوکه بنام اداره تقنینیه معروف است و نیز بنای پست وتلگراف وچند ساختمان دیگردر مجلس از بناهای عالی است درحیاط مجلس مجسمه فرشته آزادی برزیبائی ومنظرهٔ این بنا یاکعبهٔ آمال ملی افزوده است.

چون شنیده بودم مجسمه فلزی ناصرالدین شاه که بر اسب سوار است در باغشاه نصب شده باکسب اجازه برای تماشای آن رفتم ولی اثری از آن مجسمه نیافتم معلوم شد که بامر رضاشاه پهلوی آنرا ازبین برده‌اند اکنون که این سطور را مینویسم چند مجسمه پهلوی را ساخته و درچند خیابان تهران و در میدان ایستگاه راه آهن تهران نصب شده اگرچه این

رسم و تقلید از اروپا بایران آمده ولی در اروپا هرزمان مرد بزرك یـا پیشوائی خدمات بزرگی بملت و مملکت خود کرده باشد پس از مرگ بمنظور قدردانی مجسمه او را ساخته و در میدانهای عمومی برای یادگار نصب مینمایند همانطور که مجسمه ناپلئون اول پادشاه دانا و توانای فرانسه را بعد از مرگش ساخته اند میگویند در زمان حیات او مجسمه او در پاریس ساخته و نصب گردید او از دیدن مجسمه خود در خشم و غضب شد و گفت در وقتی که ما نتوانیم یك قایق ماهیگیری را بساحل انگلستان بفرستیم چگونه شما عقاب فرانسه راجلوه گر میسازید آنچه راساخته اید بشکنید وماننداین دیگر بمن نشان ندهید.

یا مجسمه مردی مانند ژنرال «موند» فاتح بین النهرین درجنك بین الملل اول که اکنون در کنار رود خانه دجله مجسمه او نصب شده برای معرفی این ژنرال نامی مینویسیم که هنگامی که ژنرال «تونشن» سردار انگلیسی با ۱۲هزار نفر سپاهیان خود پس ازچند روز محاصره درکوت العمـاره نزدیك بغداد اسیر سردار ترك گردید وباسلامبول برده شد ژنرال « موند» با جنگهای سخت و پیشرفت سریع خود کوت العماره و بغدادرا تصرف نمود و قشون ترك را شکست سخت داد بواسطهٔ گرمی هوا و زحمـات طاقت فرسا مریض شد و در بغداد فوت نمود بواسطه این فتح نمایان اکنون در بغداد آرامگاه و مجسمه اونزدیك پل موند که بنام اومعروفست بنا گردیده و اینکه سرداری مانند ژنرال «رابرت » فاتح برمه و افغانستان که مجسمه اورا درهندوستان ساخته وبیادگار او باقیمانده است . درسال ۱۸۷۹ میلادی ژنرال نامبرده با سپاهیانش برافغانستان حمله کرد وقشون امیرشیرعلیخان افغانی را در معبر خیبر وکتل پیوار شکست داد شیرعلی خان پادشاه افغانستـان عهد نامه سری با دولت روسیه تزاری منعقد نمود.

و وعده کرده بود که مقدمةالجیش قشون روس در فتح هندوستان باشد و روسها متعهد شده بودند که مرز افغانستان را تا پیشاور امتداد دهند ولی با فرار او بطرف بلخ همه نقشه های خیالی او از بین رفت و امید او مبدل به یأس گردید شیرعلی خان پیش از مقابله با قشون انگلیسی پسرش یعقوب خان را بجای خود در کابل گذارد انگلیسها بعدازفرار او با یعقوب خان مکاتبه و مراوده نمودند و نماینده انگلیس موسوم «لوی کوانیاك» را در کابل بپذیرفت ولی ملت افغانستان از یعقوب خان راضی نبودند و چون سفیر انگلیس خود را مالك الرقاب افغانستان میدانست و درامور داخلی مداخله میکرد افغانها عصبانی بودند عاقبت بتحریك داودخان سردار سفیر انگلیس را در کابل کشتند و در اثر این پیش آمد انگلیسها یعقوب خان را گرفته بهندوستان فرستادند و تا زمان حیاتش در شهر لاهور تحت نظر بود.

شیر علی خان از بلخ نامهٔ بژنرال «قاومان» سردار روس نوشت و ازاو خواهش کمك ومساعدت نمود و در نظر داشت بروسیه برود ولی روسها عذرآوردند و بالاخره باحال یأس و تأثر دربلخ فوت نمود و امیر عبدالرحمن خان بجای او بپادشاهی افغانستان منصوب شد.

هنگامی که رضاشاه پهلوی زمام امور را بدست گرفت ومردم ایران نسبت باو ایمان وعقیده داشتند او هم کارهای نیك ومفیدی برای مملکت انجام داد بنای کارخانه های قند سازی و پارچه بافی و نظام وظیفه و تأسیس بانك ملی و دانشگاه و تشکیل نیروی دریائی در خلیج فارس و لغو کاپیتولاسیون و سایر اصلاحات دیگر ازکارهای اواست واما بعدها اطرافیانش پرده سیاهی بین او وملت کشیدند و او مجذوب و مغرور مال و جلال املاك و قصور عالی گردید و از عموم مردم نفرت داشت

ودرمهام‌امور مملکت بدون‌مشورت وزرای‌مسئول‌حتی‌امور سیاست‌خارجی
را خود بشخصه انجام میداد و عاقبت دربازی شطرنج سیاست بین المللی
در مقابل مهره حریف‌شاه مات شده تاج و تخت خود را باخت وانگلیسها
او را از ایران بجزیره موریس و از آنجا بشهر جهانسبورك در جنوب
افریقا بردند ودرآنجا فوت نمود بعدها تاریخ اعمال اورا قضاوت خواهد
کرد واوراچنانکه بوده معرفی خواهد نمود .

چون نام کاپیتولاسیون در بین‌آمد لازمست بطور مختصر تاریخ
چگونگی آنرا برای اطلاع خوانندگان محترم بنویسم .

کاپیتولاسیون

کاپیتولاسیون یا حق قضاوت کنسولها، قرار دادیست که بین دول
غربی با شرقی برای حفظ منافع حقوقی اتباع‌اروپائی بسته میشد درسال
۱۵۳۵ میلادی در زمان سلطان سلیمان اول پادشاه عثمانی که عین‌اقتدار
عثمانی و ضعف اروپائیان بود دولت عثمانی فریب سخنان حق بجانب
فرنگیان‌راخورده بافرانسوای‌اول امپراطورفرانسه‌عهدنامهٔ منعقد گردید که
اتباع فرانسه‌در خاك‌عثمانی وارد شده ومشغول تجارت شوند و تابع‌احکام
کنسول دولت متبوعه خود باشند و بدینطریق برای سایر ممالك شرق که
تدریجاً روبضعف میرفتند اولین سنك بنیاد راکج نهاد ونیز درسال ۱۷٤۰
میلادی قرارداد دیگری بین سلطان محمد اول و لوئی پانزدهم بسته شد
که‌رعایای فرانسه حق اقامت درخاك عثمانی و آزادی مذهب داشته‌بعلاوه
دارای حق برقراری. سفیر وکنسولهای فرانسه در قلمرو خاك عثمانی‌باشد
در سال ۱۸۲۰ میلادی‌هم دولت اطریش و روس حق قضاوت‌کنسولها در
خاك‌عثمانی برای اتباع خود دارا شدند واز این رو درسال ۱۸٤٦میلادی
محکمه هائی در اسلامبول و سایر شهرستان‌های ترکیه مرکب از دونفر

قاضی دائمی و چهار قاضی علی البدل که دو نفر از آنها تبعه عثمانی و دو نفر دیگر ازاتباع دول خارجه بودند باحضور نماینده‌سفارت و یا کنسولگری آندولت برای این‌منظور تشکیل گردید .

دولت عثمانی و سایر دول دیگر راضی نشدند محاکم کنسولگری ایران چنین حقی را دارا باشند و اعتراض داشتند که در ایران اصول محاکمات صحیح نیست لذا درزمان مرحوم محسن خان مشیرالدوله دولت ایران قبول نمود که اصول محاکمات عثمانی را در محاکم کنسولی ایران اجرا نماید تا اگر تبعه ایران مدعی علیه باشد محاکم کنسولی ایران بتوانند رسیدگی نماید ـ در عهد نامه ترکمن چای در سال ۱۲۴۳ هجری قمری که بامضای عباس میرزا نایب السلطنه و ژنرال « پاسکویچ » رسیده بود دولت روسیه تزاری حق قضاوت کنسولها را برای اتباع خود در ایران قائل شد و طبق ماده هشتم قرارداد دولت روسیه حق‌آنراداشت که هر گاه اتباع روسیه مجرم بقتل باشند مقصر را باید بروسیه اعزام و درآنجاموافق مقررات محاکم روسیه تعقیب گردد ـ در عهدنامه‌پاریس بعد از جنگ بین ایران و انگلیس در سال ۱۲۷۳ هجری قمری بین دو دولت نامبرده منعقد گردید دولت انگلیس نیز حق قضاوت کنسولها را برای اتباع خود دارا شد بدین معنی که در ماده نهم تصریح شد که رفتار طرفین نسبت بنمایندگان و اتباع کمتر از رفتاری نباشد که با دول کاملة الوداد معمول میدارند . بنابراین ماده‌هرحقی راکه روسیه درایران از لحاظ قضاوت قنسولها داشتند انگلیس ها هم حاصل کردند و بنام عهدنامه کاملة الوداد معروف بود در ماده نهم این عهدنامه چنین قید شده بود که طرفین تعهد میکنند که در نصب و استقرار کنسولها در خاک یکدیگر وضع دول کاملة‌الوداد داشته‌نسبت باتباع وتجارت‌دول کاملة‌الوداد

منظور و رفتار نمایند در سال ۱۸۹۲ میلادی دولت ترکیه هنگام تجدید عهدنامه تجاری با آلمان لغو حق قضاوت کنسولها را خواستگار شد و نیز در سال ۱۹۱۲ میلادی که قرارداد لوزان بین ترکیه و ایتالیا منعقد گردید پیشنهاد لغو این قرار داد را بایتالیا کرده بود و در سال ۱۹۱۴ میلادی دولت ترکیه کلیه امتیازاتی راکه اتباع خارجه درترکیه دارا بودند لغو نمود.

در مصر نیز سه محکمه ابتدائی در قاهره واسکندریه ومنصوریه برای حق قضاوت کنسولها وجود داشت وهریك از محاکم مرکب ازهفت نفر قاضی بودکه چهار نفرازطرف دول اروپائی و سه نفر از قضات مصری بودند در سال های پیش دولت انگلیس دو نفر انگلیسی را بعنوان قضات مصری وارد این محاکم نمود و محکمه استیناف در اسکندریه با حضور هشت نفر قضات دول اروپائی و چهارنفرمصری تشکیل ورئیس این محکمه برای اکثریت از قضات خارجی منصوب میگردید این محکمه صلاحیت هرگونه رسیدگی در مسائل حقوقی وجزائی بین اتباع خارجه ومصری‌ها دارا بود و مسائل جزائی را آنچه راجع بتقصیرات غیر مهم بود یکی از قضات اروپائی حکم میکرد ولی برای امور جنحه وجنایت اتباع خارجه مطیع محاکم کنسولهای خود بودند.

ممالکی که قانون کاپیتولاسیون در آنجا اجرا میگردید تا مدتی ژاپون ومصر وچین وایران بودندکه عاقبت درنتیجه تحولات بعدازجنگ بین المللی اول ممالك نامبرده از زیربارگران این قانون نجات یافتند.

دانشگاه تهران و کارخانه ها

چند سال است این دانشگاه تأسیس شده و اکنون بادانشگاههای معروف از جمله دانشگاه کالیفرنیا و شیکاکو و ایندیانا وکلمبیا و هاروارد

و جرج واشینگتن در آمریکا و همچنین با دانشگاههای آکسفورد و کمبریج و دانشگاه لندن و ادمبورك و برمینگهام درانگلستان ارتباط برقرار نمود و شورای دانشگاه تصویب کرده بعد ها هر ساله بچند تن استاد دانشگاه اجازه بدهند برای مدت یکسال تحت شرایط معینی بخارجه بروند و از نتیجه مطالعات وتکمیل معلومات خود بعد از مراجعت اطلاع بدهند این دانشگاه شامل شش دانشکده ودو بنگاه آموزشی ضمیمه میباشد که دانشکده ادبیات ـ دانشکده پزشکی با شعب آن ـ دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی ـ دانشکده علوم ـ دانشکده فنی ـ ودانشکده معقول و منقول که آن نیز دو رشته میباشد ـ دانشکده پزشکی مشتمل بر مدرسه عالی دندانسازی و مدرسه عالی دارو سازی و آموزشگاه پرستاری و مامائی نیز می باشد و همچنین بیمارستان های تهران ضمیمه آنست .

دانشکده فنی دارای چهار شعبه برق و مکانیك ـ راه و ساختمان معدن شناسی ـ شیمی و دانشکده علوم نیز دارای سه شعبه ریاضیات طبیعیات ـ فیزیك و شیمی و ضمناً دانشسرا و هنرکده عبارت از معماری و هنرهای زیبا که ضمیمه دانشگاه است ـ و نیز اخیراً دانشکده دامپزشکی یعنی بیطاری ضمیمه آن شده است .

دانشکده ادبیات دارای پنج رشته است و دانشکده حقوق نیز سه رشته دارد عده دانشجویان ۴۰۴۲ نفر که از جمله ۱۰۲۳ نفر دردانشکده پزشکی و ۱۶۴۲ نفر در دانشکده حقوق وبقیه درسایر قسمتها مشغول تحصیل هستند .

سایر مدارس عالی درتهران یکی دانشکده کشاورزی در کرج است وآن نیز دارای چند شعبه میباشد آبیاری وسدسازی جنگلها ـ دفع آفات نباتی

ماشینهای کشاورزی و شیار ـ بنگاه سرم سازی ـ اصلاح نباتات ـ مطالعات دامپزشکی میباشند هنر سرای عالی تهران نیز دارای دو رشته است نجاری ودرودگری ـ مکانیکی وآهنگری است .

کارخانه هائی که اخیراً درکشور تأسیس شده یکی کارخانه سیمان و کار خانه گلیسیرین و صابون و کار خانه گوگرد و جوهر نمك کارخانه کنسرو در شاهی که در جنك بین‌الملل دوم این کارخانه روزانه در حدود ده هزار قوطی ازانواع کنسرو اعم ازگوشت ومیوه برای‌مصرف قشون روس بشوروی ارسال‌میداشت و این کارخانه‌دارای استعداد محصول روزانه چهار یا پنج تن کنسرو میباشد که میتواند کمك بتهیه مواد غذائی مورد احتیاج کشور باشد ـ دیگر کارخانه کنسرو ماهی در بندر عباس وکارخانه روغن کشی در ورامین که روزانه قریب۱۲ تن موادنباتی‌روغن کشی میکند وکارخانه حریر بافی در چالوس ـ وکارخانه چیت سازی در بهشهر وکارخانه نساجی وگونی بافی درشاهی وکارخانه قندسازی‌درکرج وکارخانه قند درکهریزك ـ کارخانه قند در مرودشت فارس کارخانه قند آبکوه در مشهد ـ و کارخانه قند شاه آباد غرب کارخانه قند میان دوآب در آذربایجان و کارخانه شازند در اراك ـ بهره برداری قند و شکر این کارخانه ها بواسطه کمی محصول چغندر در سال فقط سه ماه است محصول کارخانه های قند در سال ۱۳۲۳ خورشیدی ۲٤۰۰۰ تن بود و فراورده های کارخانه چیت سازی بهشهر در حدود ۳٦۰۰۰ متر پارچه در روز وکارخانه نساجی درشاهی ٦۰۰۰متر درروز وکارخانه گونی‌بافی ۵۵۰۰ مترگونی درروز و محصول روزانه حریر بافی در چالوس ۲۰۰۰ مترپارچه‌ابریشمی‌بوده ـ هزینه و مصارف این کارخانه‌ها وادارات‌مربوطه در سال ۱۳۲۳ خورشیدی که از خزانه دولت پرداخته شده بدون آنکه

ازکارخانه ها منافعی نشان داده باشند بالغ بر صدونه مليون بوده است.
در تهران کارخانه اسلحه و مسلسل سازی چند سال است تأسیس شده
ودر جنك بين‌الملل دوم مشغول کاربوده وتفنك‌ومسلسل‌ساخته‌وبشوروی
فرستاده میشد وروس‌ها مدتی درکارآن مداخله میکردند.

موزه ایران باستان

در سالهای پیش موزه ایران در یکی از تالار های وزارت فرهنك
بود و در آنجا چند پرده نقاشی وتصاویرقلمی ودو مجسمه نیم تنه‌ناصر-
الدین شاه از گچ ریخته شده بود نیز سایر اشیاء عتیقه و ظروف سفالی
و فلزی قدیم وجود داشت اکنون ساختمان مجللی برای کتابخانه ملی
و موزه باستانی در تهران بنا شده در این‌کتابخانه چند هزار جلدکتاب
بزبان های مختلف در دسترس عموم گذارده شده و در موزه باستانی اشیاء
عتیقه و نفیسه از جمله ظروف سفالی و فلزی ادوار قدیم نیزظروف نقره
کوب قرن هفتم قمری و زراندود طلاونقره‌کوب دوره‌ساسانیان وظروف
لعابدار چینی قرن هشتم در زمان تیموریان و ظروف چینی نفیسی که از
چین برای شاه عباس بزرك هدیه آورده اند و نیز سکه های طلا و نقره
دوره ایلخانیان بعد از مغول و سکه های عهد تیموریان و آل مظفر وآل
بویه و غزنویان و سلجوقیان و سکه های دوره خلفای اسلام و صورت
فرمان ارغون خان در عهد مغول بخط ایغوری خطاب بفرماندهان
و سرداران سپاه که در سال ٦٩٠ قمری نوشته شده نیز فرمان و حکم
ابوسعید بهادر خان بخط ایغوری مربوط باملاك و اموال مسلمانان که در
سال ٧٢٠ قمری نوشته شده و نیز محرابهای گچ بری امامزاده‌کرار واقع
در قریه بوزون نزدیك اصفهان و در بهشت‌کاشی‌کاری طلائی امام زاده
علی‌بن‌جعفر بسال ٧٣٤ قمری از قم آورده اند و محراب گچ بری‌امامزاده

ربیعهٔ از اشترخان اصفهان بسال ۷۰۸ قمری و نیز محراب های کاشی کاری قرن ۱۱ قمری از مشهد و سنگ طلا کوبی قرن ۱۱ قمری از کرمان و پایه مفرغی بشکل سه مجسمه شیر بسال ۵۱۷ پیش از میلاد از تخت جمشید و مجسمه یکی از بزرگان پارت‌های اشکانی بسال ۲۵۰ قبل از میلاد که از ایزه مال میر از حفریات شوش آورده اند و گلیم های زربفت عهد سامانیان و قالی های ابریشمی زربافت قرن دهم قمری.

و نیز یک جلد قرآن مجید طلا کوب بخط نسخ که شمس الدین عبدالله بسال ۹۸۹ قمری نوشته است وصفحه‌های برنجی اسطرلاب متعلق بشاه سلطان حسین صفوی و پرده نقاشی جنگ میدان ترکمن چای بین روس و ایران در دوره فتحعلی شاه و درب های خاتم کاری و میناکاری زمان کریمخان زند و لوحهای طلا و نقره که در جعبه های سنگی گذارده شده و نیز لوح‌های طلا کوب خزینه حضرت رضا از مشهد در این موزه وجود دارد که تماشائیست - لوح های طلاونقره یا سکه ها بوسیله پروفسور «هرتسفلد» رئیس مؤسسه باستان شناسی امریکائی در تخت جمشید کشف نمود روی سکه های طلاکله شیر وسر گاوی دیده میشود وروی سکه های نقره صورت حیوان بالداری است و در لوح های طلا و نقره بخط میخی نوشته شده « داریوش شاه بزرگ شاه شاهان فرزند گشتاسب هخامنشی داریوش میگوید این پادشاهی که دارا هستم از سکائیا آنطرف سغد تا کوش از هند تا اسپارد آنچه هست اهورامزدا که بزرگترین خدایان است بمن داده اهورا مزدا مرا و خانواده مرا حفظ نماید »

درمغرب زمین رسم است که درساختمان بناهای عالی و بزرگ شرحی نوشته در شیشه نهاده زیر اولین سنگ بن عمارت دفن میکنند و بقرار معلوم این رسم در ایران قدیم بوده ولوحه های طلای تخت جمشید برای

همین مقصود دفن شده بوده - بقرار تحقیقی کـه مورخ شهیر آقای رحیم
زاده صفوی هنگام کشف آن لوحه ها درجریدهٔ ستاره جهان سال ۱۳۱۲
نموده بودند لفظ (بنیاد)که از دوکامهٔ (بن) و(یاد) ترکیب شدهاسمی
است که در قدیم بر امثال آن لوحه ها که زیر پایه های عمارت های
بزرك مینهاده اند اطلاق میشده یعنی (یادگار بن‌سازی عمارت) وبعدها
لفظ بنیاد برهرگونه بن گذاری وبنای هرچیزی استعمال گردیده است.

قـم

پس از چند روز توقف در تهران که ازاوضاع این پایتخت مملکت
چندهزارساله و عدم توجه زمامداران افسرده بودم عازم قم شدم مسافت
بین تهران وقم ۱۴۷ کیلومتر است در قصبه‌کهریزك ۲۰ کیلومتری تهران
کارخـانه قند دایر شده و اولین بانی این کارخانه مرحوم علی خان
امین الدوله طاب ثراه بودکه تا چندی مشغول قند سازی شد ولی دولت
روسیه تزاری بوسیله متنفذین و مفسدین تهران مانع اقدام نیك او شدند
و عاقبت بدست دسیسه‌کاران دیك بزرك وسایر لوازم اساسی این کارخانه
عمداً خراب و ماشین‌های آنرا ازبین بردندا کنون چند سال‌است‌اینکارخانه
مجدداً مشغول کارشده٠

دهستان‌های عمده بین راه قم عبارت از حسن‌آباد - علی آبـاد -
عسگر آباد - محصول آنجا گندم و جو میباشد و بقیه زمین های بین راه
همه بدون کشت و اکثر شوره‌زار است کویر و دریاچه سلطانی کـه آب
آن بسیار شوراست بین راه واقع گردیده٠

شب هنگام وارد قم شدم و بامداد بزیارت‌حضرت معصومه خواهر
حضرت‌رضا(ع) مشرف و سپس برای دیدن‌قبور بعضی ازسلاطین صفوی‌از
جمله شاه عباس دوم - شاه سلیمان - شاه سلطان حسین و شاه صفی ونیز

مقبره فتحعلی شاه آرامگاه محمد شاه قاجار رفتم در مقبره فتحعلی شاه یك لوح سنگی بنظر رسید که شرح زندگانی وکارهای آن پادشاه بر آن نوشته ونقش او برسنك مرمر كننده شده برخي از شاهزادگان از جمله کامران میرزا نایب السلطنه در آنجا مدفونند و در مقبره محمد شاه چند پرده نقاشي ممتاز و يك صندلی منبت کاری دیده شده و تصویر او روی سنك مرمر سفید نقش شده در آنجا بعضی ازشاهزادگان از جمله مهدعلیا مادر ناصر الدین شاه مدفون است ـ آرامگاه میرزا علی اصغر خان امین السلطان در یکی از اطاقها در حیاط بزرك حرم واقع شده و چون امین السلطان بامر ناصرالدين شاه مأموريت تعمیر و مرمت حرم حضرت معصومه را داشته دستخط فرمان شاه در این خصوص اکنون در مقبره امين السلطان نصب گردیده ونقش اونیز برسنك مرمرسفید کنده شده است. امین السلطان در زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه چند مرتبه بصدارت عظمی منصوب شد و در مسافرت های اروپا همراه وازملتزمین رکاب آنها بوده در اواخر دوره مظفری از صدارت عزل گردید و بخارجه رفت در عهد زمامداری کوتاه محمد شاه مخلوع مجدداً او بایران احضار شد وورود برشت‌مشروطه خواهان‌اوراتوقیف ومانع‌حرکت او بتهران‌شدند ولی به امر واجازه نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملي از توقیف خارج و بتهران آمد و برئیس الوزرائی منصوب‌شد چون در آن زمان اختلافات سخت و پرهیجان بین محمد علی‌شاه ومجلس‌در کار بود و همه نسبت بشاه و امین السطان در شك و تردید بودند روزی هنگام‌خروج‌ازمجلس بدست عباس آقا نام صراف تبریزی کشته شد وسپس عباس آقا خود را نیز با طپانچه مقتول نمود مردم اورا مجاهدبزرك ملی خواندند و با احترام اورا دفن‌نمودند روز چهلم او ازدحام زیادی بر سر

قبر او شد و خطابه ها ونطق های مهیج خواندند وگلها نثارقبرش نمودند ولی پس ازبمباران و تخریب مجلس بامرمحمدعلی شاه جسد اوراازقبر بیرون آورده وسوزانیدند ومزاراورا باخاك یکسان نمودند .

تاریخ بنای حرم حضرت معصومه درعهد صفویه بوده ومسجدجامع قم دردوره سلاجقه ساخته شده وتاریخ بنای آنرا درسال ۵۲۵ هجری قمری میگویند ومجدداً درسال ۱۲٤٦ قمری تعمیرشده است .

آرامگاه ابدی امام زاده علی بن جعفر که از کاشی کاری خوب و زیبا ساخته شده و تاریخ بنای آن در سال ۷٤۰ قمری بوده دیگر دو مقبره است یکی متعلق بشاهزاده ابراهیم که تاریخ بنای آن درسال ۷۲۰ قمری و دیگر در سال ۷٦۱ قمری میباشد . هوای شهر قم در تابستان گرم و چون این شهر در زمین شورزار واقع شده آب مشروب آنجا کم و شور است - در قرن دوم ابومسلم بطرفداری خلفای عباسی قیام نمود و شهر قم را تصرف کرد بعدها در عهد عباسیه بواسطه عدم تمکین مردم و ندادن مالیات هارون الرشید قشونی بآنجا فرستاد و پس ازقتل وکشتار زیاد مبلغ هنگفتی بعنوان غرامت گرفت سپس نصربن احمد سامانی به امر مقتدر عباسی این شهر را متصرف شد ودر فتنه چنگیز مغولهابرقم استیلا یافتند و عده زیادی راکشته ابنیه و خانه های این شهر را خراب کردند - امیر تیمور لنك نیز قم را محاصره وتصرف نمود ومردمش رابقتل رسانید - شاه اسمعیل صفوی در اوایل سلطنت خودبقم آمد ومورد استقبال شایانی از طرف مردم واقع گردید وشاه عباس بزرك گنبد وبارگاه حضرت معصومه را تعمیر وترمیم نمود و شمشیرمرصع خود را تقدیم آستانه کرد درحمله افغانها که در تعاقب طهماسب میرزای صفوی بودند بقم نیز آمده واموال مردم آنجا را غارت نمودند هنگامی که ازطرف امپراطورروس «ارتم لنیسکی»

عازم اصفهان بوده بقم نیز آمده شرحی در خصوص ابنیه و مساجد و اوضاع این شهر نوشته. دوره فتحعلی شاه گنبد حضرت معصومه باورق های طلا تزئین یافت و بدستور مادرش ضریح را نیز نقره کوبی کردند - احمد رازی در کتاب خود مینویسد در قم و اطراف آن قریب چهار صد امامزاده مدفونند .

جمعیت این شهر را در حدود ۴۵۰۰۰ نفر میگویند ومردمش اکثر فقیر و در عین حال بسیار طماع هستند ظروف سفالی و شیشه‌ئی وکاشی در این شهر ساخته میشود محصول قم عبارت از غله - حبوبات - و پنبه است که از آب رود خانه مشروب میگردد و آب این رود خانه در تابستان بسیار کم است که سبب کشمکش کشاورزان می شود و در بعضی مواقع در زمستان سیلابی میگردد که باعث خرابی خانه های اطراف میشود - شهرقم هنوزبطرز قدیم باقی‌مانده ولی‌اخیراً دو یاسه‌خیابان‌در آنجا احداث شده وتاکنون این شهر ترقی محسوسی نکرده است .

از قم بعزم اصفهان حرکت کردم پس از طی ۹۰ کیلومتر بقصبه دلیجان رسیدم جاده خراب و نشیب وفراز زیاد دارد این قصبه از توابع قم است وعده سکنه آنجارادر حدود ۵۰۰۰ نفر میگویند ومحصول‌آنجا گندم - جو - پنبه است که از آب سه‌رشته قنات مشروب میگرددد دلیجان نسبت بدهستانهای بین راه بزرك و پر جمعیت تر میباشد و دارای چند مزرعه است بین دلیجان و قریهٔ میمه ۷۸ کیلومتر است و جمعیت آنجا ۱۸۰۰ نفراست محصول این قریه فقط گندم و جواست که از آب قنات مشروب میگردد که هرقنات سه سنك آب‌دارد میمه از توابع کاشانست مردمش اکثر فقیر ومستمدند ازآنجا حرکت کرده پس‌ازطی ۴۷ کیلومتر بقصبه مورچه خورت رسیدم جمعیت این قریه را ۱۵۶۰ نفر میگویند

و بواسطه بیکاری و بیچارگی باطراف رفته اند محصول آنجا پنبه ـ گندم و جو است که از آب دو رشته قنات مشروب میگردد زمین این قریه بواسطه مواد آهکی قابل کشت وزرع نیست حتی درخت واشجار ندارد مردمش همه کشاورزند از مورچه خورت تا قریه گرگاب که خربوزه مشهور دارد در حدود ۲٤ کیلو متر است در نزدیکی مورچه خورت زدوخوردی بین سپاهیان نادرشاه و اشرف افغانی واقع شده بود که بشکست افغانها خاتمه یافت .

مسافت بین قم و اصفهان ۲٦۸ کیلو متر است و راه نسبتاً صاف وهموار میباشد .

کاشان

مورخین راجع بمؤسس شهر کاشان اختلاف نظر دارند بعضی کیکاوس و برخی فریدون و حمدالله مستوفی و احمد رازی مؤلف هفت اقلیم بنای این شهر را بزبیده زوجه هارون الرشید خلیفه عباسی نسبت میدهد در هرصورت کاشان یکی از شهر های قدیم ایران است در زمان استیلای مغول خرابی و خسارت زیادی باین شهر وارد شده ـ ظروف کاشی و شال و مخمل و پارچه ابریشمی و زری کاشان در ایران معروف بوده و مردمش نسبت بهنر و صنایع ظریفه علاقه مخصوصی داشتند ـ در قرن دهم هجری در تهیه ابریشم پیشرفت شایانی نمودند و درعهد صفویه صنایع کاشان خاصه صنعت قالی بافی بدرجه اعلی ترقی کرد واکثر پادشاهان صفوی از جمله شاه اسمعیل و شاه عباس بزرك و شاه صفی و شاه عباس دوم مکرر برای دیدن صنایع وظروف نفیسه بکاشان آمده اند قالی های کاشان از حیث خوبی و مرغوبی در درجه دوم فرش های ایران بشمار می رود گلاب وعطر گل که در قریه قمصر میسازند بسیار خوب ودر کشور

ایران مشهوراست .

کاشان تا زمان نادر شاه در حال ترقی و تکامل بوده ولی پس از مرك آن پادشاه هجوم افغانها وزلزله هائی که در عهدکریم خان زند در آن شهر رخ داده رو بانحطاط و تزلزل گذارده اگرچه بامر کریم خان زند مجدداً خرابیهای وارده تعمیر وترمیم گردید ولی آبادی اولیه خودرا بدست نیاورد - از آثار تاریخی این شهر مسجد جامع ومسجد میدان که از بناهای سلجوقیان است ودر دوره تیموریان تعمیر شده محراب سنگی که منقوش بگل وبوته متعلق بیکی ازشبستان‌های مسجد میدان بوده‌وتاریخ آن درسال ۶۲۳ هجری قمری است بموزه استاتلیخ برلن برده شده سایر آثارقدیم دیگر درکاشان زیادمیباشد .

هوای کاشان خشك و در تابستان بسیار گرم است و آب مشروب آنجا بوسیله قناتها از چشمه های کوه قهرود آورده شده در دوره شاه عباس دوم برای تأمین آب دستور داده بود کـه در رود خانه قهرود سدی ساخته شودکه زراعت آنجا را مشروب نماید محصول کاشان غله - حبوبات - تریاك - پنبه ومیوه است .

درکاشان اکنون عمارات زیبا و خیابان های وسیع وفلکه ساخته شده ونیز یك کارخانه نخ ریسی درآنجا تأسیس گردیده جمعیت کاشان در حدود ۵۰۰۰۰ نفر میگویند و دارای یك بیمارستان است که نه دوا ونه وسایل کافی برای بیماران دارد اکثر سکنه آنجا بنساجی وقالی بافی مشغول وبعضی کشاورزند کوچه‌های این شهر بسیار کثیف وبهداشت آنجاخوب نیست دراین چندسال اخیر درنتیجه جنك جهان‌سوز فروش قالی کاشان کم و ازرونق آن کاسته شده اکنون بسیاری از مردم این شهر بیکار و درکار خود حیرانند - بین قم و کاشان ۱۰۱ کیلومتر مسافت است .

کارخانه ریسمانریسی در روز در حدود ۶۰۰ بقچه نخ که هر بقچه چهار یا پنج کیلو وزن دارد تهیه مینماید و مقداری از این بقچه‌ها بخارج حمل میگردد این کارخانه‌در ۱۳۱۲ خورشیدی در کاشان تأسیس شده‌است. نیز چند دستگاه دست بافی در آنجا وجود دارد و مقدار زیادی ابریشم رشت برای بافتن قالی و قالیچه وارد این شهر میشود.

از ساختمان های جدید در این شهر یکی عمارت فرمانداری و دیگر شهربانی است.

دهستان های بین راه عبارت از خرم دشت - خبجن - ونطنز است این قصبه دارای هفت قریه و محلی است خوش آب و هوا و آب و میوه فراوان دارد ظروف سفالی لعابدار که در نطنز ساخته میشود در همه جا مشهور است.

اصفهان

اصفهان زمانی پایتخت ملکشاه سلجوقی بوده و پس از حمله مغول و امیر تیمور از آبادی و اهمیت افتاد ودر سال ۱۰۰۶ هجری قمری شاه عباس بزرگ این شهر را دار السلطنه خود قرار داد از حیث خوبی آب و هوا و آثار تاریخی از معروف‌ترین و بهترین شهر های ایران است پس از ورود باصفهان برای تماشای میدان شاه یا نقش جهان رفتم طول این میدان در حدود ۵۱۲ متر است مسجد شاه و مسجد شیخ لطف الله که از بناهای شاه عباس است در این میدان واقع شده مسجد شاه در سال ۱۰۲۸ هجری قمری بمعماری محمد رضا بن حسین هشت سال بعد از فوت شاه عباس باتمام رسیده ودارای منبری چهارده پله از سنگ مرمر سفید میباشد که از معدن اردستان آورده شده و درب بزرگ این مسجد نقره کوب است ودر دالان مسجد سنگی چون خمره برای آب میباشد که بخط نسخ بر آن نقش شده

در سال ۱۲۰۹ هجری قمری محمد شاه قاجار مسجد شاه را تعمیر نموده و ساختمانی برای طلاب علوم دینی در آنجا بنا کرده است کاشی کاری های این مسجد خاصه در سر درب بزرگ جلب نظر میکند و از زمرهٔ آثار تاریخی مهم ایران است ساختمان مسجد شاه ۲۶ سال بطول انجامیده است.

مسجد شیخ لطف الله نیز در دوره شاه عباس بنای آن آغاز شده و کاشی کاری که در این مسجد بکار رفته در ایران نظیر ندارد کتیبه هائی بخط و نقاشی علی رضا عباسی خوشنویس معروف در آن دیده میشود مسجد شیخ لطف الله در سال ۱۰۲۲ هجری قمری بمعماری محمدرضا بن حسین بنا گردیده و در سال ۱۰۳۸ قمری خاتمه یافته ـ مسجد جامع بامر ملکشاه سلجوقی و نظارت خواجه نظام الملك بنا شده و در دورهٔ صفویه تعمیر و مرمت گردیده و از ساختمان های قدیم اصفهان است و در قسمت شمالی این مسجد صفهٔ ایست مشهور بصفه صاحب که آنرا بصاحب ابن عباد نسبت میدهند و میگویند که او در این صفه تدریس میکرده ـ بعضی از مورخین مینویسند که مسجد جامع در سال ۱۹۳ هجری قمری در زمان منصور عباسی ساخته شده و کاشی کاری محراب آن در دوره پادشاهی الجایتو خدا بنده در سال ۷۱۰ قمری بوده و نقش و شکل دو طاوس کاشی کاری در ایوان سر درب داخلی این مسجد وجود دارد که از شاهکارهای صنایع ایران است مسجد جامع در زمان سید الدین ساوجی در عهد سلطان محمد خدابنده تعمیر شده و طبق کتیبه ای که بخط کوفی در یکی از دهلیز های این مسجد دیده میشود در سال ۵٤۰ قمری قسمتی از ساختمان این مسجد آتش گرفته بود که بعدها شاه اسمعیل صفوی آنرا تعمیر و مرمت نمود از بناهای قدیم دیگر مسجدی است در طرف غربی مسجد جامع که میگویند درزمان عمر بن عبدالعزیز ساخته شده اکنون آثار این مسجد باقی مانده

و از قدیم ترین مساجد ایران است و نیز مسجد علی است که در دوره شاه اسمعیل صفوی بنا گردیده دیگر مسجد و مدرسه چهارباغ که درزمان شاه سلطان حسین صفوی بنا شده که محل مدرسه را از باغ هشت بهشت مجزا ساخته وبازارچه و کاروانسرای جنب این مدرسه برای موقوفات مدرسه معین گردیده بنا و صحن مسجد چهارباغ درحدود ۸۵۰۰ متر مربع و دارای چهل‌وچهار حجره و اطاق برای طلاب‌علوم دینی‌میباشد ازجمله حجره‌ای بنام اطاق شاه سلطان حسین‌است ـ در سال ۱۱۱۹ هجری قمری این مسجد تمام شده و دارای موقوفات زیادی میباشد ـ کاشی کاریهای این مساجد که خود از شاهکارهای صنعت ایران است هنگامیکه درپرتوزرین آفتاب قرار میگیرد درخشندگی و زیبائی نوینی مییابد که بر جمال و قشنگی آنها میافزاید درحقیقت اصفهان هنوزهم ازمراکزصنایع ظریفه ایران بشمارمیرود .

عمارت عالی قاپو در میدان شاه نیز یکی از آثار باستانی ایران و دارای هفت اشکوب میباشد در طبقه چهارم در این ساختمان حوضی از سنگ مرمر بنظر رسید که روی آن از مس ساخته شده و در دوره صفوی آب از چشمه جوی سیاه ازقصبه فرح آباد که محل ییلاق سلاطین صفویه بوده جریان داشته و از هزار جریب عبور میکرده بوسیله لوله وارد حوض میشده طبقه هفتم این عمارت مخصوص ضیافت ومهمانی های رسمی پادشاهان صفوی بوده و بسیار بلند و مرتفع است بطوریکه‌شهر اصفهان و باغهای اطراف از آنجا مشاهده میشود ـ میگویند درب بزرگ عالی‌قاپو راشاه عباس‌بزرگ ازنجف‌آورده ـ دراین‌عمارت تصاویر ونقاشیهای قدیم و ممتاز دیده شد که اکنون بعضی از آنها از بین رفته در هنگام حمله محمود افغان بر اصفهان خرابی زیاد براین ساختمان واردشده بود

که بعد تعمیر گردید ـ عمارت چهل ستون نیز از آثار تاریخی است که
حرم‌سرای پادشاهان صفوی بوده و یك قسمت از این بنا درزمان شاه
سلطان حسین آتش گرفته و خراب‌شده بود که‌بامر او مجدداً تعمیر گردید
این ساختمان دارای حوض بزرگی است که چهار مجسمه شیردرچهار
گوشه حوض قرار دارد و آب از دهان شیرها خارج و در حوض میریزد
چهل ستون دارای حیاط وسیع و اشجار کهن سال است دومجسمه‌نیم‌تنه
که ازگچ ریخته شده بود بنظررسید که یکی مجسمه شاه اسمعیل ودر
زیر آن تاریخ ۹۳۰هجری قمری و دیگر مجسمه شاه عباس و تاریخ
۱۰۲۸ هجری قمری نوشته شده بود ـ عمارت چهل‌ستون دارای ۲۰ستون
میباشد چون این بنا درجلوحوض بزرگی قراردارد و عکس این بیست
ستون در آن‌حوض منعکس میگردد بنابراین آنراچهل ستون مینامندبنای
این عمارت در سال ۱۰٤۹ قمری بپایان رسیده ودارای ایوان وتالار های
بزرك و تصاویر و نقاشی‌بسیار عالی‌وتاریخی میباشد. روز ۱۳صفربرحسب
وقتی که تعیین شده بود برای دیدن آثار باستانی بچهل ستون رفتم اشیاء
عتیقه در آنجا که بنظر رسید سه‌جلد قرآن مجید بود بخط حضرت امام
حسن (ع) ودیگری بخط حضرت سیدسجاد (ع) و دیگر بخط‌شمس‌الدین
بن محمد سعید جیلانی بود که در سال ۱۱۱۹ قمری نوشته شده و نیز
نسخه طوماری بخط کوفی بود که درسال ٤۰ هجری قمری بدستخط
هشام بن عطبه بن ابی‌وقاص نوشته شده و این طومار صورت‌قراردادیست
که دردیرحزقیل ذی الکفل بین حضرت علی (ع) با چهل نفر از دعات
و کشیش های مسیحی رومیه بسته وتنظیم‌شده که مسیحیان هرساله‌نفری
سی‌سه‌درهم و۱۸ نخود جزیه بدهند ودر پناه حفاظت و امان هادیان
اسلام‌باشند میگویند شاه عباس‌بزرك این‌طومارارا ازخزینه حضرت‌امیر(ع)

از نجف باصفهان آورده بود دیدن این طومار که دال برعظمت دین اسلام در صدر اسلام بود نویسنده را بیاد ذلت و بیچارگی مسلمانان کنونی وعقب افتادگی امروز آنها انداخت - از آثار قدیم دیگر یکی لباده وخرقه شیخ صفی الدین اردبیلی بود بنای آرامگاه اودر اردبیل است که درزمان شاه عباس و بعد شاه طهماسب آنرا ساخته نیز مقبره شاه اسمعیل درآنجاواقع شده و یك بنای قدیم و تاریخی است این ساختمان دارای یك اطاق گنبد مانندی است که در دیوارهای اطراف آن گنجه‌هائی برای نگاهداری اشیاء عتیقه و ظروف چینی وبلور نفیس و گرانبها وجود دارد آرامگاه شیخ صفی‌الدین گذشته ازاینکه یکی ازشاهکارهای معماریست درعین‌حال مرکز مجموعهٔ ازبهترین آثار باستانی ایران است.

تصاویر و نقاشیهائیکه در کاخ چهل ستون بنظر رسید یکی تابلو نقاشی شاه عباس کبیر است که برتخت نشسته باحضور سران و افسران سپاه او وضیافتی بافتخار عبدالمهیمن امیر بخارا داده شده است دیگر تصویر شاه سلیمان صفوی که مجلس عیش‌وطرب برای شاهزاده اکبر هندی برپا نموده ومطربان ونوازندگانرا نشان میدهد که مشغول رقص‌میباشند گویند چون شاهزاده اکبر ازپدر خود اورنك زیب‌پادشاه مغول رنجیده بود باچند نفر از خاصان خود از راه دریا میخواستند از مسقط گذشته وارد مرز ایران گردند والی مسقط آنها را توقیف نمود و باورنك زیب پادشاه هند نوشت هرگاه پنج الك روپیه نقد بدهد و فرمان معافیت عوارض گمرك دربنادر هنداز کشتیهای‌مسقطی‌صادر کند درمقابل‌شاهزاده‌را تسلیم نماید - پادشاه هندوستان تقاضای والی مسقط را پذیرفت چون این خبر بشاه سلیمان رسید فورا بوالی مسقط نوشت هرگاه شاهزاده را که قصد ملاقات ما داشته بایران نفرستی منتظر سخط و تنبیه ما باش

مقارن این مراسله که شاه سلیمان بوالی مسقط نوشته بود نماینده اورنك زیب
با پنج لك روپیه بمسقط رسید ولی حکمران مسقط از پادشاه ایران ترسیده
شاهزاده اکبر را آزاد و او را به بندرعباس روانه نمود که ازراه شیراز
باصفهان رفت - در کاخ چهل ستون تصویر میدان جنك چالدران است
که شاه اسماعیل صفوی با سلطان سلیم پادشاه عثمانی مشغول زدوخورد
میباشد - تابلو دیگر تصویر شاه طهماسب اول را نشان میدهد که بافتخار
همایون شاه هندی ضیافتی داده و این مهمانی در هنگامی است که
همایون شاه برای جلب کمك و مساعدت بشاه طهماسب پناه آورده بود -
دیگر تصویر شاه عباس است که با عبدالعزیز خان پادشاه ازبك در هرات
مشغول جنك میباشد - نیز در ایوان کاخ چهل ستون تصویر ناصرالدین
بنظر رسید که دیدنی بود.

دیگر تصویر میدان جنك نادرشاه بامحمد شاه هندی است این نبرد
درمحلی موسوم بکرنال دریکی از نقاط هندوستان واقع شده ومحمدشاه
بر فیل سوار است و نادرشاه سوار براسب و مشغول زدو خورد هستند
این تصویر بعد ازدوره صفوی درعمارت چهل ستون ترسیم شده درتاریخ
هند وجنگهای نادری دیده نمیشود که محمدشاه هندی شخصاً بمیدان جنك
حاضر شده باشد چون سپاهیان هندی دردشت کرنال مهیای جنك باقشون
نادرشاه شدند خندقهای زیاد حفر کرده وتوپهای بزرك خودرا درآن سنگرها
نصب نمودند وفیل های جنگی را برای مرعوب ساختن سپاهیان نادر
وتخریب مواضع وتضعیف روحیه لشکریان ایران بکار بردند شبی که بنا بود
فردای آنروز قشون نادری برسپاهیان هندی حمله نمایند موضوع فیل های
جنگی بوسیله پلیس های مخفی بعرض نادرشاه رسید و چون ممکن بود
اسب های سواره نظام ایران ازدیدن فیل های قوی رم وفرار کنند واغتشاش

وبی‌نظمی در ارتش نادر تولیدنماید لذا نادرشاه دستورداد که سواره نظام
در سه ستون قرار گرفته و پشت سر آنها جمازه سوار و پیاده نظام
صف آرائی کنند ـ سواران قزلباش و ابدالی منتظر فرمان حمله بودند
از آنطرف سپاهیان هندی آرایش جنگی بخود گرفته فیل‌های خود را
درجلو صفوف مقدم قراردادند. منظرهٔ هولناك این‌حیوان عظیم‌الجثه‌ترس
و رعب غریبی در دل سلحشوران ایرانی افکند و اسب های آنها شروع
بسرکشی نمودند دراین هنگام نادرشاه درقلب لشکرخود براسب‌ترکمنی
سوار بود و دستور میداد در سپیده دم یکمرتبه فیل های جنگی چون
کوه بحرکت آمده و بسمت قشون ایران روانه شدند در این بین
توپها بغرش در آمد و زنبورك ها و پیاده نظام شروع بتیراندازی کردند
اسب‌های سوارنظام از دیدن فیل‌ها رم‌کرده وبی‌نظمی دراشکریان‌ایران
بظهور رسید ولی‌دفعتاً ازیك‌گوشه میدان شترهای بدون جمازه که‌آتش
ازپشت آنها شعله‌ور بود بانعره‌ها وصدای مخوف بطرف فیل‌ها رونمودند
درحالیکه شعله‌آتش ودود غلیظی ازپشت‌آنها برمیخاست وفیل‌های‌جنگی
که چنین‌منظره را ندیده بودند بوحشت افتاده وروبفرارنهادند وهزاران
نفر ازسپاهیان‌محمد شاه هندی‌راپایمال کردند ونیز فیل‌بانان‌وتفنگچیان‌را
ازپشت خود برزمین افکندند و شیرازه اردوی هندی ازهم پاشید دراین
هنگام سپاهیان نادری بردشمن تاختند وآنها را شکست سخت دادند .
در اینموقع سعادت علی‌خان فرمانده سپاهیان هندی چون وضعیت را
بدین‌منوال‌دید هراسان شده بحضورمحمدشاه گورگانی‌رسید ودرخواست
صلح ومتارکه جنك نمود ومحمدشاه را همراه خود بدرگاه نادری‌آورد
ومحمد شاه شمشیرخودرا تسلیم نادرشاه نمود ولی نادر ازگرفتن‌شمشیر
امتناع کرد و بانفاق او بقلعه دهلی‌آمد وبحضور امراء و سرداران هندی

پیمان مودت و دوستی بین آنها بسته شد و اوامر و دستور لازم در اطاعت از محمدشاه بتمام سران و بزرگان هند صادر نمود و به ایران مراجعت کرد از غنائم دهلی تخت طاوس و جواهرات نفیسه و چندراس فیل بازنجیر طلا بایران آورد - نویسنده شهر دهلی را دیده و مسجد مروارید را که از سنگ های مرمر سفید ساخته شده تماشا نمودم درهنگام قتل عام در دهلی نادرشاه در این مسجد حضور داشته و فرمان کشتار مردم این شهر را صادر نمود.

از بناهای قدیم اصفهان پل ۳۳ چشمه است که اللّهوردی خان سردار نامی شاه عباس ساخته و نیز پل ۲۸ چشمه خواجو میباشد که در دورهٔ شاه عباس دوم بناگردیده در زمان قدیم دیوار مستحکمی بفاصله سه فرسنگ و نیم در اطراف شهر اصفهان کشیده و دارای دروازه های زیادی بوده - اصفهان هم مانند سایر شهرهای ایران موردحمله مغول و تیمورلنگ واقع شده ولی خسارت زیادی برآن وارد نیامده بود - پادشاهان صفوی بیشتر ذوق و سلیقه در صنایع داشته و معماری عالی در دوره آنها کمتر در تاریخ ایران سابقه دارد نیز تزئینات و صنعت کاشی کاری و میناکاری و انواع پارچه های زری و ابریشمی درزمان آنها بحدکمال رسیددر بین آنها شاه عباس بزرگ بیش ازهمه مشوق هنر و مروج صنعت وحرفه بوده و ازبناهای این پادشاه احداث خیابان چهارباغ و میدان نقش جهان و مسجد شاه و مسجد شیخ لطف الله و کاخ های عالی قاپو وچهل ستون و پل ۳۳ چشمه و بنای عمارت عالی قاپو درقزوین وساختمان گنبد وتعمیربارگاه حضرت رضا و احداث دوخیابان شرقی و غربی درمشهد وچندجاده و کاروانسراهائی در برخی نقاط کشور میباشد و ازکار های نیك شاه اسمعیل صفوی تعمیر مسجد جامع در شهر ساوه که تاریخ بنای آنرا درسال ۵۰۴ قمری است
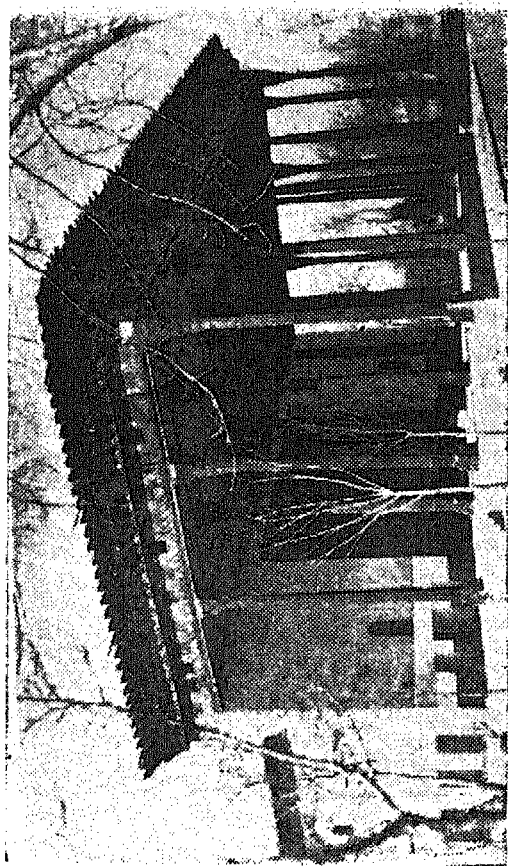
عمارت چہل ستون اصفہان

اگر چه قسمتی از بنای این مسجد اکنون از بین رفته ولی گنبد زیبای آن و کاشیهای ممتاز ومحراب گچ بری آنجاهنوز باقی مانده‌است.
و دیگر تعمیر و مرمت مسجد میدان ساوه که تاریخ ساختمان آن در سال ٤٥٣ قمری بوده و نیز تعمیر کاشی کاری مساجد جامع وعلی در اصفهان میباشد. اگرچه شاه‌طهماسب بکتاب وصنعت قالیبافی بیشتر ازمعماری اهمیت میداد ولی در دوره پادشاهی خودبعضی ساختمانهائی نموده ازجمله قسمتی از عمارت عالی قاپو ومسجد قزوین وبنای آرامگاه ابدی شیخ صفی الدین دراردبیل است پیش ازآنکه شاه عباس آنراتکمیل نماید.

از آثار قدیم وعجیب در اصفهان منار جنبان در قریه کلادان شش کیلومتری این شهر است این بنا دوایوان و دو منار دارد گویا در سیصد سال پیش این دو منار بایوانها افزوده شده و مقبره عموعبدالله بن محمود صقلابی که مسلك ومرام تصوف داشته دراین محل واقع شده و تاریخ وفات او در سال ٧١٦ قمری بوده ساختمان منارجنبان از گچ وآجر بنا شده در موقع جنباندن این دو منار گوئی زلزله حادث شده تکان میخورد سید جمال متولی این مقبره حرکت منار جنبان را از کرامات عمو عبدالله صقلابی میداند.

جمعیت اصفهان را درحدود ٢٥٠٬٠٠٠ نفر میگویند و مدرسه مرسلین و مریضخانه آن در سال ١٢٩٤ خورشیدی از وجوه خیریه انگلستان در اصفهان تأسیس شده و شعب این مؤسسه نیز در شیراز ویزد وکرمان دایر گردیده این شهر از حیث ابنیه و خیابان و عمارات عالی نسبت بچند سال پیش ترقی نموده مردمش اکثر زحمت کش و صرفه جو هستند و برعکس سایر شهرهای ایران مردم بیکاره کمتر دراصفهان دیده میشود. از فقها و عرفای مقیم اصفهان یکی مرحوم مجلسی شیخ محمدبهاء

و میر داماد و میرفندرسکی و صاحب بن عباد و خواجه نظام‌الملك بودند تاریخ وفات ابوالقاسم میرفندرسکی درسال ۱۰۵۰ قمری است و مقبرهٔ آن مرحوم در آرامگاه ابدی خوانین بختیاری درتخت فولاد واقع شده. روز دیگر برای تماشای کارخانه پارچه بافی وطن که به همت مرحوم حاج محمد حسین کازرونی در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در این شهر احداث شده درسالهای پیش این کارخانه دارای چهار مهندس اروپائی وسیصد کارگر بوده و روزانه‌درحدود یك‌خروار پشم‌برای‌بافتن‌پارچه‌بمصرف‌میرسیده وسوخت این کارخانه از روغن منداب که از خشخاش و گیاه موسوم به کیکچ بدست میآمد ودارای حرارت‌قوی بوده‌است اکنون کارخانه وطن‌درتمام شئون اداری و فنی ترقی کرده بطوریکه نسبت بمشاهدات چند سال پیش قابل مقایسه بیست و تعداد کنونی کارگران فنی و غیر فنی در حدود ۱۲۰۰ نفر است و تمام قسمت های‌این کارخانه بدست کارگران فنی‌ایرانی اداره میشود محصول کارخانه وطن در۲٤ ساعت ۳۰۰۰ متر پارچه‌پشمی ونخی میباشد وبافندگی‌این کارخانه ۱۲۰ دستگاه دارد وقوای محرك آن بقوه دو هزار اسب که درهمه وقت نصف آنها مشغول کاراست وسوخت کارخانه بانفت سیاه و روغن گازالین تأمین میگردد و مقدار مصرف پشم روزانه درحدود ده خروار و مقدار نخ پنبه درروز یکهزارکیلوگرام و مصرف سوخت روزانه این کارخانه در حدود یکهزار لیتر میباشد و رنگهای مصرفی پارچه کارخانه ازسویس وارد میشود ومحصول این کارخانه بسیار مرغوب و در تمام کشور مورد پسند و شعب آن در اکثر شهرهای ایران تأسیس شده.

در اصفهان کارخانه های بافندگی دیگر ازجمله کارخانه ریسباف کارخانه پشمباف ـ کارخانه صنایع پشم ـ کارخانه زاینده رود ـ کارخانه

نخ‌تاب ـ کارخانه نخ باف شهرضا و کارخانه ریسندگی برق که هم نخریسی وهم پارچه بافیست وجود دارد اعتصاب پیاپی کارگران کارخانه‌ها لطمهٔ بزرگی به اقتصاد این‌شهر وارد آورده صنایع دیگر از جمله نقره سازی و قلمزنی و میناکاری و قالی بافی در اصفهان مشهور است محصول آنجا غله ـ حبوبات ـ برنج ـ پنبه ـ تریاك ـ تنباکو ـ وپسته وبادام ومیوه‌خشکبار که از آب رودخانه زاینده رود که از چشمه کوه گوهرنك سرچشمه میگیرد مشروب میشود وزراعت آنجا هم دیمی وهم آبی میباشد ـ

از اصفهان بعزم شیراز حرکت کردم مسافت بین اصفهان وشاه رضا در حدود ۸۱ کیلومتر است شهر شاه رضا همان قمشه‌است اکنون آباد شده دارای خیابان وسیع و میدان فلکه میباشد اخیراً در آنجا کارخانه نخ بافی تأسیس شده محصول شاه رضا عبارت از گندم ـ جو ـ پنبه و کمی تریاك استکه از بیست رشته قنات مشروب میگردد و عمده صادرات این شهر کشمش‌استکه در داخله کشور مصرف میگردد جمعیت آنجارا در حدود ۲۵۰۰۰ نفر میگویند دارای چند قریه و دهستان استکه بواسطه فراوانی آب کشت و زراعت زیاد دارند جاده بین شاه رضا و ایزد خواست صاف و هموار است .

پس ازلحظه توقف‌ازآنجا گذشته وارد ایزدخواست‌شدم که روی صخره بزرگی بطول نیم‌کیلومتر قرار دارد و بوسیلهٔ پلی و دروازه‌ای بداخل قریه‌راه داشته ومردمش ازهجوم دزدان وراهزنان ایمن ومصون بودند وموقعیت شگفت آوری داشته که نظیر این قریه کمتر در ایران دیده شده اکنون خانه‌های ایزد خواست درجلگه ودشت مسطحی‌ساخته شده میگویند در پیش عده زیادی اطفال از آن صخره بدره افتاده و تلف میشدند درحقیقت محل‌مخوف وخطرناکی بوده ـ ازشاه‌رضابه‌ایزدخواست

در حدود ۶۰ کیلومتر و از آنجا بشهر آباده ۶۳ کیلومتر مسافت است دهستانهای بین‌راه عبارت ازجعفرآباد - مقصودبك - وامین‌آباد وچند قریه دیگر میباشد بواسطه آب فراوان محصول آنجا بسیار خوب است .

آباده

آباده اول قلمرو فارس از طرف شمال است این شهر از حیث خوبی آب و هوا قابل تمجید است بواسطه فراوانی آب زراعت آنجا خوب‌است محصول‌آنجا غله - حبوبات - تریاك - پنبه وارزن وانگوراست که ازآب قنات مشروب میگردد صنعت میناکاری و گیوه دوزی در آباده مشهور است - صادرات عمده آباده عبارت است ازکتیرا - تریاك و قالی- روغن و کشمش‌است ومقدار زمین زیر کشت‌آنجا درحدود دوهزارهکتار میباشد و از کلیه قنوات این شهر بعلت خشك سالی و کم آبی استفاده نمیشود فقط اکنون چند رشته قنات نسبتاً دارای آب کافی‌است که‌هر رشته درحدود سه سنك‌آب دارامیباشد درحدود پنجاه رشته قنات خراب شده وبواسطه عدم استطاعت صاحبان‌املاك قابل‌استفاده نیست - سکنه‌آباده را درحدود ۸۰۰۰ نفر میگویند ولی تاشعاع شش‌کیلومتری آنجا درحدود ۱۲۰۰۰ نفر میباشند اوضاع اجتماعی مردم این شهر بواسطه نفاق و دودستگی باعث تأسف است پس ازچند ساعت توقف در آباده بطرف قریه سورمق‌حرکت نمودم مسافت بین آباده تاقریه سورمق ۲۲ کیلومتر است و از سورمق تا قریه خان خره در حدود ۳۶ کیلو متر است در این قریه چشمه‌ساری وجود دارد که آب گوارائی را دارا میباشد از خان خره وتنگ کولی کش گذشته و۲۸ کیلومتر راه نشیب وفراز را طی نموده وارد ده بید شدم تنگ کولی‌کش در زمستان بواسطه برف وکولاك خطرناك است - قصبه ده بید در ارتفاع هشت هزارپا قرار دارد

و سرما و یخ بندان ده بید در فارس مشهور است محصول آنجا گندم -
جو - و حبوبات که از آب رود خـانه و چند قنات مشروب میگردد
ودارای چشمه سارهای زیاد است عده سکنه آنجارا درحدود ۸۰۰ نفر
میگویند و اکثر مردمش کشاورزند و زراعت ده بید اربابی است
وخورده مالك ندارد درآنجا تل خاکی وجود دارد که میگویند از بقایای
یکی از شکارگاه‌های بهرام گور بوده - از ده بید حرکت کرده از تنك
قادرآباد که محلی‌است مخوف وخطرناك گذشته وارد قصبه‌قادرآباد شدم
تنك قادر آباد و گردنه سعادت آباد و دزدگاه های موسوم به واجگاه
وچشمهٔ ابوالمهدی‌وآب‌باریك اکثر دزدی و راه زنی بین اصفهان وشیراز
دراین نقاط واقع میگردد و بین پاسگاه مأمورین امنیه در این راه فاصله
زیاد است وعده نفرات امنیه بسیار کم واوضاع زندگانی‌آنها خوب نیست
و چندان اهتمـامی در حفظ و امنیت راه بعمل نمی آورند - محصول
قادر آباد گندم - جو- تریاك - حبوبات‌است که ازآب رودخانه تنك حنا
وچم بنان مشروب میگردد - از ده بید تا قادرآباد درحدود ۱۶ کیلومتر
و ازآنجا بقصبه سعادت آباد ۲۹ کیلومتر مسافت است و قسمتی ازجاده
کوهستانی ودارای تپه‌های زیاداست - قصبه سعادت‌آباد بواسطه فراوانی
آب و اشجار زیاد محلی است خوش آب و هوا و محصول آنجا عبارت
ازگندم - جو - چغندر وتریاك و نیز دارای میوه وبادام و گردو است که
از آب قنات های چشمهٔ سر پنیرون مشروب میگردد . پس از لحظه
توقف بعزم سیوند حرکت کردم در ۵ کیلومتری سیوند دزدگاه گودنرم
که محلی خطرناك واقع شده است در قریه سیوند بواسطه باتلاق زیاد
مرض مالاریا و سایر امراض دیگر از جمله حصبه در آنجا شیوع دارد
ومرگ ومیر در این قریه زیاد است عده سکنه‌آنجا بسیار کم و مردمش

همه رنجور وضعیف البنیه وفاقدبهداشت ودوا ودکتر هستند ـ محصول آنجا غله ـ برنج ـ چغندر وتریاك و میوه است که از آب رودخانهٔ که ازده بید جاری است مشروب میگردد ومردم آنجا کشاورز وخورده مالك اند .

از آنجا حرکت کرده وارد زرقان شدم این قریه در دامنه کوه واقع شده و درتابستان هوایش گرم است محصول آنجا عبارت ازگندم ـ جو ـ چغندر و تریاك است که از چند رشته قنات مشروب میگردد عده سکنه آنجا را در حدود ۶۰۰۰ نفر میگویند و اکثر مردمش کشاورز وبعضی پیله ورند مسافت بین زرقان وشیراز در حدود ۳۰ کیلومتر وجاده اکثر کوهستانی و دارای تپه های زیاد است .

تخت جمشید

ازپله های بنای پرعظمت پرس پلیس بالارفته وارد محوطه تخت جمشید شدم آثار دیواری که در اطراف عمارات پرس پلیس کشیده شده درحدود یك کیلو مترونیم طول و ۱۳ متر ارتفاع داشته درسردرب سنگی بزرگ مجسمه چهارحیوان که سرآنها مانند سر انسان است و پاها مانند حیوان و دارای بال هستند ولوحه بخط میخی در اینجا بنظر رسید که روی آن نوشته شده « خشایار بزرگ شاه شاهان کشور های ملل مختلف و شاه این سرزمین پهناور بیاری اهورا مزدا من که نماینده تمام کشور های او هستم ساخته و چیزهای دیگر نیز من وپدرم بنا کردیم و هرساختمانی که دارای منظره زیباست آنرا بیاری اهورامزدا ساخته ایم » ـ درجنوب شرقی سردر تالار بزرگی که گویا محل بار عام بوده بنام آپادانا موسوم است و این تالار چهار گوشه بود که هرضلع آن بشصت متر وسقف آن برپایهای ۳۶ ستون که هریك ۱۸ متر ارتفاع داشته واطراف تالار اطاقهای کوچکی وجود داشته که طبق کتیبه های موجوده خشایارشاه و اردشیرسوم آنهارا

تعمیر کرده و بر وسعت آن افزوده است ـ درآنجا نقش داریوش بزرگ
بنظر میرسد که روی تخت نشسته و غلامان پایهای تخت‌را نگاه داشته‌اند
درجای دیگر آن پادشاه روی صندلی نشسته و پاسبانی چتر برسرش نگاهداشته
ونقش دیگر داریوش بر اسب سوار است وملتزمین رکاب درجلو وعقب او
درحرکت میباشند و خواجه سرایان کاسه هائی در دست دارند ـ دیگر
نقش حیوانی است عجیب‌الخلقه که سری مانند شیر و دم وپائی چون
چنگال عقـاب دارد و انسانی خنجری بشکم این حیوان فرو کرده است
مرحوم فرصت‌الدوله مؤلف کتاب آثار عجم مینویسد چنین حیوانی درجهان
وجود نداشته واین حیوان‌را تشبیه به نفس اماره وسرکش انسان نموده
و انسانی که خنجر بشکم این حیوان فرو برده تشبیه بعقل سلیم انسان
کرده از آثار دیگر پرس پلیس یکی سر درب بزرگ خشایار شاه و تالار
صدستون وکاخ داریوش وبعضی بناهای دیگر که بعد از آن پادشاه ساخته
شده است ـ در محوطه تخت جمشید ۱۵ ستون بنظر رسید کـه هریك
از نه پارچه سنك است که برروی هرستونی کله گاوی ازسنك نصب بوده
ولی اکنون خراب و از بین رفته است .

دردامنه کوه درمحوطه استخر دودخمه دیده شد که دردخمه‌اولی
دوتابوت ازسنك بدون در ودردخمه دوم شش تابوت بدون در که همگی
خالی از اجساد بودند ودربالای سر این دخمه‌ها نقش داریوش بنظررسید
که برتخت نشسته و تیر وکمان دردست دارد آتش مقدس درجلو او
در اشتعال است نیز نقش ملك فروهر بالای سرش ودرپائین تخت تصاویر
و نقوش غلامان و ملازمان است که پایهای تخت را بر دوش گرفته اند
وزیراین‌تصاویر نقوش شیرهائی وجود دارد وچندلوحه سنگی بخط میخی
درآنجا بنظررسید ـ بنای استخررا داریوش وپسرش خشایارشاه نموده

وبعدها پادشاهان ساسانی آنرا تعمیر کرده‌اند ـ عمارت تالار بزرك وکاخ صد ستون را اسکندر رومی آتش زده وویران نمودکه‌اکنون آثار آنها باقی مانده است .

درسال ۱۲۵٤ خورشیدی مرحوم فرهادمیرزا معتمدالدوله که‌والی فارس بود بتخت جمشید آمده و بدستور او قسمتی از آثار قدیم رااززیر خاك بیرون آوردند و شرح حفـاری را روی سنك کنده و بیادگارخود گذارده است و در چند سال پیش هیئت انجمن باستان شناسی امریکائی در پرس پلیس مشغول کشف و حفاری در آنجـا بودند و اشیاء فلـزی و سفالی و چند مجسمه کوچك سنگی وکوزه هـای بزرك محتوی اسکلت اجساد و چند لوحه نقره وطلاکه بخط میخی‌داریوش نام خود وپدرش‌را در آنها نوشته بود پیدا نموده اکنون در موزه ایران باستان در تهـران موجود است نیز چندین دیوارو پله‌ها که منقوش با تصاویر واشکال‌مختلفه ازجمله کالسکه که‌اسب باو بسته شده‌ونقش‌شتر وشیر و اقسام‌آلات و اسلحه‌ها روی سنك کنده شده درآنجا وجوددارد .

از سیاحان اروپائی که باستخر آمده و نام خودرا درآنجانوشته‌اند یکی پرفسور « مکسی مولن » آلمانی است پروفسور نامبرده بجزیره خارك در خلیج فارس نیز رفته بود و دخمه هائی درکوه آنجا دیده‌است نویسنده اورا در بندرگناوه ملاقات نمودم او معتقد بود که در هفتصدسال پیش عیسویانی در جزیرهٔ خـارك اقامت داشتند و آثاری از جملـه چند صلیب در آنجا بدست‌آورد و از نقوش درآن‌دخمه‌ها عکس برداری‌کرده بود نویسنده گمان دارد عیسوی هـا همان پرتقالی ها و هلندی ها باشند که در چند قرن پیش‌برای تجارت بخلیج فارس آمده و چندی درجزیره خارك سکونت داشته اند .

سرجان ملکم نماینده انگلیس
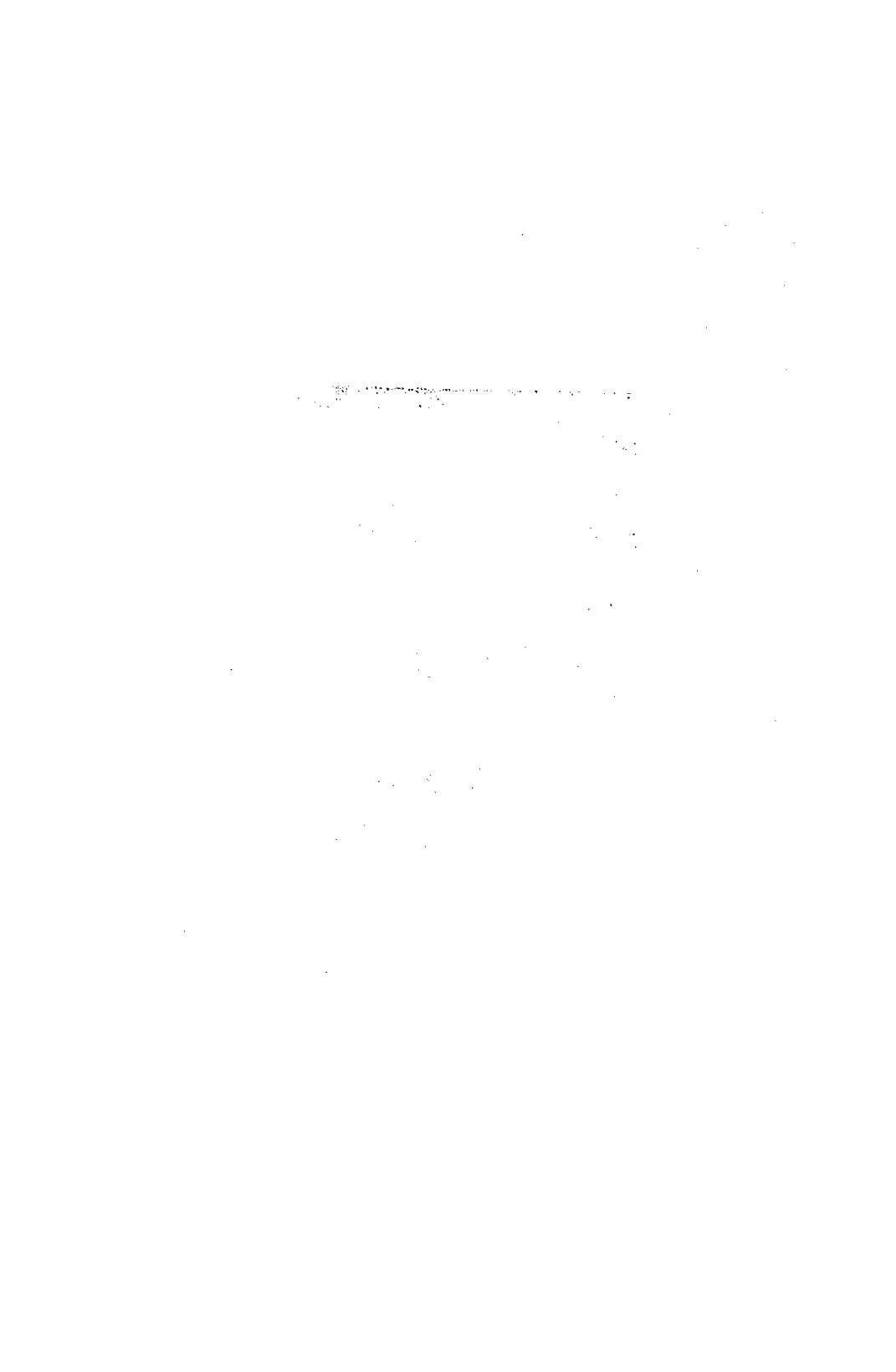
از سیاحـان دیگر « هرمن ناردن » امریکائی مؤلف کتاب زیر آسمان ایران و « سرجان ملکم» معروف بوده که انگلیس‌ها برای تحکیم موقعیت سیاسی وتجاری‌خود برای باردوم اورا بدربارفتحعلی‌شاه درسال ۱۲۲٦ هجری قمری فرستـادند و قراردادیکه « هارد فوردبریدیج » وزیرمختاردولت انگلیس منعقد نموده بود او بامضای فتحعلی شاه رسانید ودرخصوص مأموریت خود بایران مینویسد :

« مدت ده سال از تـاریخ اولین مسافرت من بایران میگـذرد در این مدت در حوادث ایران تغییرات زیادی پیدا شده روسها ازشمال‌قفقاز بکرانه رودارس پیش آمدند ـ ناپلئون نقشه کشیده بود که خرس روسیه و شیرایران‌را زنجیر کرده آنها رابه‌ارابه جنگی‌خود بسته و درجلگه‌های حـاصلخیز هندوستان بترکتازی مشغول شود »

سرجان ملکم قرار داد زیرراازطرف دولت انگلیس باایران منعقد ساخت وبعداً «سرویلیام‌کوراوزلی » آنرا تکمیل نمود .

۱ـ هرگاه‌افغانها قصد حمله بهندوستان نمایند پادشاه ایران قشونی را روانه‌افغانستان کندهزینه‌این لشگرکشی‌از طرف دولت انگلیس‌پرداخت خواهد شد .

۲ـ هرگاه افغانستان بایکی از دولتین ایران وانگلستان صلح کند دولت دیگری دراین صلح شریك خواهد بود .

۳ـ هرگاه دولت افغانستان یافرانسه باایران وارد جنك شودودولت انگلیس دراینمورد بایران کمکهای لازمه خواهد داد .

٤ـ دولت ایران‌متعهد میشود مانع توقف مأمورین فرانسه‌واقامت آنها در مرزهای ایران چه از دریا و چه درخشکی خواهدشد و اجـازه نخواهد دادکه درخاك ایران‌آزادانه رفت وآمدنمایند .

پس از امضاء این قرارداد سرجان ملکم با دریافت نشان و شمشیر و خنجر مرصع از طرف فتحعلی شاه باتفاق میرزا خلیل خان قزوینی که مأمور سفارت ایران بهندوستان بود با تحف و هدایا بسمت هندوستان حرکت نمودند فرمانفرمای هند اورا خیرمقدم گفت وعمارتی عالی باختیار او گذارد و دویست نفر نظامی هندی وچهار افسر انگلیسی درب خانه او برای احترام بر گماشت روزی ملازمان سفیر چند تیر بطرف مرغابی ها که در حوض عمارت شنا میکردند انداختند و چون سربازان هندو پیرودین برهمائی بودند ازکشتن جاندار احتراز داشتند از این عمل گماشتگان سفیر برآشفتند وکار بزدوخورد رسید میرزا خلیل خان برای خوابانیدن فتنه بین سربازان و گماشتگان خود آمد ناگهان تیری باو اصابت نمود وفوری در گذشت فرمانفرمای هندوستان دویست سربازان هندی و افسران آنها را حبس نمود و عریضه تأسف از این قضیه و معذرت بفتحعلی شاه نوشت و کنسول انگلیس مقیم بصره و چند نفر از افسران ارشد با لباس سوگواری بتهران آمدند و پادشاه ایران پوزش آنهارا بپذیرفت و محمد نبی خان را مأمور سفارت هندوستان نمود وهمراه هیئت نمایندگان انگلیس از ایران حرکت نمود روز ورود او به بمبئی فرمانفرمای هند با دویست هزار نفرازاهالی باستقبال محمد نبی خان آمده بودند وحکومت هندوستان ۵۰ هزار تومان خونبهای میرزا خلیل خان را بپسرش محمد اسمعیل خان پرداخت ونیزحقوق سالیانه برای او برقرارنمود محمدنبی خان پس از چندسال ازهندوستان بایران مراجعت کرد.

سرجان ملکم پس از انجام مأموریت دوم خود در ایران از شغل سیاسی استعفا نمود و بجای او « سرویلیام کوراوزلی » بسمت نمایندگی سیاسی انگلیس در ایران منصوب گردید او طرح قرار داد صلح بین ایران

و روسیه درسال ۱۲۲۸ هجری قمری معروف بعهدنامه گلستان ریخت که بنفع روسها خاتمه یافت و در قصبه گلستان از توابع قراباغ باحضوراواین معاهده که مشتمل بریك مقدمه ویازده ماده بود بامضای میرزا ابوالحسن خان شیرازی نماینده ایران و «نیکولاویچ» سرداررروسی رسانید.

بعداً عهد نامه ترکمن چای در سال ۱۲۴۳ قمری بوسیله «سرجان ماکدونلد» وزیر مختار انگلیس باحضوراو بسته و امضاء شد که درنتیجه تمام بلاد قفقاز و ولایات قراباغ و گنجه و خانات و ایروان و نخجوان و شکی و شیروان و قبه و دربند و باکو و سایر شهر های دیگر تا ابد بتصرف روسیه درآمد.

در شمال غربی تخت جمشید نقش رستم واقع شده و در قسمت زیر بشکل مربع مستطیل عاری از نقش ونگاراست ولی درقسمت میانه نقوش و تصاویرزیادی بنظر میرسد از جمله نقش داریوش که بر تخت نشسته و دست راست خودرا بطرف آتشکده مقدس دراز نموده و تصویر ملك فروهر بالای سرش قرار دارد درکنار این نقش خورشیدی نمایانست و تخت داریوش را ۲۸ نفر بردوش گرفته اند وکتیبه بخط میخی درآنجا دیده شد که داریوش شرح زندگانی وفتوحات خود را نوشته است ونیز نقش شاپور اول بنظر میرسد که «والرین» امپراطور روم را اسیر نموده و او زانوی خودرا بزمین زده و نقش اردشیر و اهورامزدا که هریك براسب سوار وروبروی یکدیگر ایستاده‌اند و اهورا مزدا عصائی دردست دارد وتاج پادشاهی را باردشیر میدهد و زیرپای اسب او نقش اردوان پنجم اشکانی و تصویر دو نفردیگر دیده‌میشود که مشغول زدوخوردهستند و نیز در این محل دخمه ها و قبور پادشاهان هخامنشی و حجاریهای ساسانیان است که به هفت قسمت میباشد و در جلو دخمه ها بنای چهار

ضلعی کوچکی دیده شد که در سمت غربی آن دو آتشکده مقدس وجود دارد ـ نقش رستم درشش کیلومتری تخت جمشید واقع شده است .

دردشت مرغاب آثار شهر قدیم پازارگاد پای تخت هخامنشی نیز دیده‌شد درآنجا آرامگاه ابدی کورش بوده که عبارت از دخمه با سنگهای تراش ونقش کورش روی آن نقر شده و دیوار ها و سقف آن سنك های بزرگی راتشکیل داده و بالای‌آن یك اطاق سنگی‌سرپوشیده تاریکی‌قرار دارد وروی لوحه سنگی‌بخط میخی‌نوشته شده « من کورش فرزندکامبیز مؤسس شاهنشاهی ایران و پادشاه آسیا هستم و بر قبر من حسد مبر » اکنون قسمتی از این نقوش از بین رفته است از دیدن این آثار باستانی و عظمت واقتدار پادشاهان هخامنشی‌با مقایسهٔ اوضاع کنونی افسرده‌شده وازآنجا حرکت نمودم .

بندامیر ازبناهای‌تاریخی‌امیرعضدالدوله‌دیلمی‌است‌ودر۱۲ کیلومتری قصبه زرقان واقع شده و در آن محل سدی روی رودخانه کرساخته که دارای چند چشمه است وچهارچشمه آن بادرهای آهنی‌محکمی بسته شده که اکنون‌زیرآب‌رفته وپنهان‌است این‌سد جریان‌آب‌رودخانه‌را از مجرای خود منحرف و برای زراعت بکارمیرفته . هرگاه وزارت کشاورزی و آبیاری توجهی بسد بندامیر نماید وآنرا تعمیر ومرمت کند چندین فرسنك از اراضی مرودشت قابل هرقسم‌زراعت خاصه‌چغندرکاری خواهد بود و مردم فارس ازبلای قحطی ومجاعه وبدبختی نجات‌خواهند یافت ـ کارخانه قند و شکر مرودشت در نزدیك رودخانه کر واقع شده است و سه ماه در سال که مشغول کار است مقدار ۷۰۰ تن چغندر مصرف میکند .

ازپل سنگی رودخانه کر گذشته بعد از طی چند کیلو متر از جاده

کوهستانی ونشیب وفراز تپه ها وارد دره الله‌اکبر شدم و لحظهٔ نزدیک محلی موسوم بزیرقرآن توقف نمودم در اینجا در سال‌های پیش‌طاقی بود که روی آن اطاق کوچکی بنا شده بود و در آنجا دو جلد قرآن مجید بزرك وجود داشته و مسافرین واهالی شیراز اززیر قرآن عبورمی کردند اکنون این طاق را خراب کرده و دوجلد قرآن‌مزبور در موزه‌ملی‌شیراز میباشد در نزدیك طاق قرآن محلی است موسوم بمشرقین کـه در آنجا نقش رستم است که باتیر شیری‌راکشته نیزنقش فتحعلی‌شاه که‌روی‌سنگی در دامن کوه نقر شده و یکی از شاهزادگان در عقب و خواجه سرائی درجلواوایستاده است .

شیــراز

شهر کنونی شیراز بوسیله محمد ابن حکم که از جانب حجاج بن یوسف ثقفی حکومت آنجا را داشته تجدید بنا یافته و بنای قدیم شیراز از زمان هخامنشی و ساسانیان بوده و این شهر زمانی مرکزحکمـرانی آل بویه و آل‌مظفر و اتابکان بود و قبل ازآنها در دورهٔ صفاریان بعداز غلبه‌اعراب‌خاصه‌دردوره عمروبن‌لیث‌صفاری بروسعت‌وعظمت‌شیرازافزوده شد و تا دورهٔ صفوی موقعیت خود را نگاه داشت هنگام تسلط افغانهـا و در دورهٔ نادری خرابی فراوان بشیراز رسید و مجدداً در عهد کـریم خان زند آبادگردید در زمان آن پادشاه رودخانه خشك از میـان شهر میگذشته و او مسیر آنراتغییر داده وسدی‌از قسمت باغات کفشگراحداث و مجرای آب رودخانه را از طرف شمال شهر بدریاچه نمك اتصال‌داد . در شیراز بر اثر زلزله شدیدی‌که در حدود یکصد سال پیش حادث‌شده بود بعضی از محلات و کویها ویران گردید که بعد تجدید بنا یافت ـ جمعیت شیراز را در حدود ۱۳۰۰۰۰ نفرمیگویند و مردمش اکثر زود

آشنا و باذوق و تن پرور وراحت طلب هستند ـ هوای شیراز معتدل و بواسطه مناظر طبیعی وبا صفا درایران بی مانند است ـ صنعت میناکاری و خاتم کاری شیراز در جهان معروف است نویسنده در شهر آگره پای تخت قدیم پادشاهان مغول در هندوستان صنعت حجاری وخاتم کاری آرامگاه اکبر شاه مغول را از شاهکار های عبدالحق شیرازی دیده است. ولی صنعت نقره کوبی درشیراز بهمان حال پیش مانده و ترقی محسوسی نکرده است آب مشروب شیراز ازچاه یاقنات بیرون میآید و بسیار کثیف وسوءهاضمه تولید میکند این شهر نسبت بچند سال پیش آباد شده و ابنیه و عمارات و خیابان های وسیع برصفا و طراوت شهر افزوده ولی در وسط شهر کوچه های کثیف و خانه هابطورقدیم باقیمانده است ـ از آثارقدیم شیراز یکی قصر ابوالنصر است که قبل از مغول ساخته شده و دارای چند ستون و چهار طاق است و تصاویر و نقوش زیادی در آنجا بنظر میرسد ـ در چند کیلومتری شیراز نقش بهرام گور واقع شده که براسب سوار و حلقه در دست گرفته که آنرا بسوار دیگر میدهد ـ بنای قدیم تخت ضرابی از ساختمان های قدیم این شهر است اکنون خراب وویران شده ـ باغ تخت از بنای آبش خاتون است که چندی محل حکومت اودر آنجا بوده واین بنا در دامنه کوه در سمت شمال شیراز واقع شده و دارای هفت اشکوب و نهری از آب چشمه میر در میان این هفت اشکوب میگذشته و بوسیله فواره‌ها درحوض بزرگی وارد میشده و باغات ودرخت های زیادی اطراف باغ تخت احاطه داشته که اکنون اثری ازآنها نیست ـ آثار قلعه بندر در نزدیك آرامگاه سعدی که دارای دو چاه عمیق است و قلعه مزبور پیش از ظهوراسلام ساخته شده ـ ساختمان هفت تن که مقبره هفت نفراز مریدان و پیروان پیرویس که مردی صوفی مسلك و مرتاض بوده و کریمخان زند

بنای آنرا گذارده و سنگهای مرمر سفید ممتاز در آن بکار رفته و چند تصویر ونقاشی در ایوان این بنا ترسیم شده از جمله تصویر منسوب بخواجه حافظ ودیگر تصویر شیخ سعدی وتصویر حضرت ابراهیم خلیل وفرزندش اسمعیل وتصویر موسی کلیم با چند گوسفند نیز تصویر شیخ صنعان بامریدان خود ودختر مسیحی معشوقه اودرآنجا بنظر میرسد - دربنای چهل تن نیز که مدفن چهل نفر ازدراویش و مرتاضین است ودر نزدیك آن محلی است موسوم بچهل مقام که میگویند جای صومعه چهل تن بوده وتصاویر ونقاشی آن اکنون ازبین رفته است - قلعه ارك که دارای تالاریست که کاشی کاری ممتازی درآن بکار رفته .

ازابنیه قدیم شیراز بازار وحمام وکیل که ازبناهای عالی وتاریخی عهد کریم خان زند میباشد نیز گهواره دیو (گهواره دید) که برقلهٔ کوه ساخته شده و محلی برای دیدبانی بوده درزمان عضدالدوله دیلمی بنا گردیده ودرپیش بنام گنبد عضد معروف بوده و چاه مرتاض علی نیز از آثار قدیم شیراز بشمار میرود - مسجدجامع اکنون ازهمت مردمان خیر تعمیر ومرمت شده و ایوان معروف بطاق مروارید و سایر قسمت‌های آن تعمیرش خاتمه یافته ومنبر چوبی که دارای ۱۳ پله است در شبستان این مسجد قرار دارد و صحیفه هائی بخط کوفی بدستخط برخی ائمه ونیز بخط عثمان درآنجا بوده که اکنون از بین رفته است و بنائی در وسط مسجد جامع موسوم بخدای خانه (دارالقراء) که باسنگهائی بخط کوفی درآنها نوشته شده ودرزمان عمرولیث صفاری ساخته شده و تعمیر آن بامر شاه ابواسحق اینجو صورت گرفته ودر عهد صفویه نیز مرمت گردیده - مسجد وکیل که دارای ۴۸ ستون که هر یك از دو پارچه سنك است و کاشی کاری که در این مسجد بکاررفته از شاهکارهای صنایع ایران است و منبری که دارای ۱۳ پله از

آشنا و باذوق و تن پرور وراحت طلب هستند ـ هوای شیراز معتدل و بواسطه مناظر طبیعی وبا صفا درایران بی مانند است ـ صنعت میناکاری و خاتم کاری شیراز در جهان معروف است نویسنده در شهر آگره پای تخت قدیم پادشاهان مغول در هندوستان صنعت حجاری وخاتم کاری آرامگاه اکبر شاه مغول را از شاهکار های عبدالحق شیرازی دیده است. ولی صنعت نقره کوبی درشیراز بهمان حال پیش مانده وترقی محسوسی نکرده است آب مشروب شیراز ازچاه یاقنات بیرون میآیدو بسیار کثیف وسوءهاضمه تولید میکنند این شهر نسبت بچند سال پیش آباد شده و ابنیه و عمارات و خیابان های وسیع برصفا و طراوت شهر افزوده ولی در وسط شهر کوچه های کثیف و خانه هابطورقدیم باقیمانده است ـ از آثارقدیم شیراز یکی قصر ابوالنصر است که قبل از مغول ساخته شده و دارای چند ستون و چهار طاق است و تصاویر و نقوش زیادی در آنجا بنظر میرسد ـ در چند کیلومتری شیراز نقش بهرام گور واقع شده که براسب سوار و حلقه در دست گرفته که آنرا بسوار دیگر میدهد ـ بنای قدیم تخت ضرابی از ساختمان های قدیم این شهر است اکنون خراب وویران شده ـ باغ تخت از بنای آبش خاتون است که چندی محل حکومت اودر آنجا بوده واین بنا در دامنه کوه در سمت شمال شیراز واقع شده و دارای هفت اشکوب و نهری از آب چشمه میر در میان این هفت اشکوب میگذشته و بوسیله فوارهها درحوض بزرگی وارد میشده و باغات ودرخت های زیادی اطراف باغ تخت احاطه داشته که اکنون اثری ازآنها نیست ـ آثار قلعه بندر در نزدیك آرامگاه سعدی که دارای دو چاه عمیق است و قلعه مزبور پیش از ظهوراسلام ساخته شده ـ ساختمان هفت تن که مقبره هفت نفراز مریدان و پیروان پیرویس که مردی صوفی مسلك و مرتاض بوده و کریمخان زند

بنای آنرا گذارده و سنگهای مرمر سفید ممتاز در آن بکار رفته و چند تصویر ونقاشی در ایوان این‌بنا ترسیم‌شده از جمله تصویر منسوب بخواجه حافظ ودیگر تصویر شیخ سعدی وتصویر حضرت ابراهیم خلیل وفرزندش اسمعیل وتصویر موسی کلیم با چند گوسفند نیز تصویر شیخ‌صنعان بامریدان خود ودختر مسیحی معشوقه اودر آنجابنظر میرسد - دربنای چهل تن نیز که‌مدفن چهل نفر ازدراویش و مرتاضین‌است ودر نزدیك‌آن محلی‌است موسوم بچهل مقام که‌میگویند جای صومعه چهل تن بوده وتصاویر ونقاشی آن اکنون ازبین رفته است - قلعه ارك که دارای تالاریست که کاشی کاری ممتازی درآن بکار رفته .

ازابنیه‌قدیم‌شیرازبازاروحمام‌وکیل که ازبناهای عالی وتاریخی عهد کریم‌خان‌زند میباشد نیز گهواره دیو(گهواره‌دید) که‌برقلهٔ کوه‌ساخته‌شده و محلی برای دیدبانی بوده درزمان عضدالدوله دیلمی‌بنا گردیده‌ودرپیش بنام گنبد عضد معروف بوده و چاه مرتاض علی نیز از آثار قدیم شیراز بشمارمیرود - مسجدجامع اکنون ازهمت مردمان‌خیر تعمیرومرمت‌شده و ایوان معروف بطاق مروارید و سایر قسمت‌های آن تعمیرش‌خاتمه‌یافته ومنبرچوبی که دارای ۱۳ پله است در شبستان این مسجد قرار دارد و صحیفه هائی بخط کوفی بدستخط برخی ائمه ونیز بخط عثمان‌درآنجا بوده که اکنون از بین رفته است و بنائی در وسط مسجد جامع موسوم بخدای خانه(دارالقراء) که‌باسنگهائی‌بخط کوفی‌درآنهانوشته‌شده ودرزمان عمرولیث‌صفاری ساخته شده و تعمیر آن بامر شاه ابواسحق اینجوصورت گرفته ودر عهد صفویه نیز مرمت گردیده - مسجد وکیل که دارای ۴۸ ستون که هر یك از دو پارچه سنك است وکاشی کاری که در این مسجد بکاررفته از شاهکارهای صنایع ایران است و منبری که دارای ۱۳ پله از

سنگهای مرمر است در آنجا قرار دارد. نیز مسجد نو که در عهد ابوبکر
سعد زنگی معاصر شیخ سعدی ساخته شده از آثار قدیم شیراز است
اکنون قسمتی از ایوانهای این مسجد شکاف برداشته و رو بخرابی است
مسجد نو ۳۰۰ سال بعد از احداث مسجد جامع ساخته شده ـ بارگاه
سید میراحمدبن موسی الکاظم و میرمحمد و آرامگاه محمدبن علی سید
علاء الدین و دورنمای گنبد های آنها برشکوه شیرازافزوده است ـ مقبره
شاه چراغ سید میراحمد در زمان شاه‌اسمعیل صفوی تجدید بنایافته‌است ـ
مقبره شیخ علی باباکوهی عارف ومرتاض در وسط کوه در سمت شمال
شهرواقع‌شده ودرلوحه ئی بخط کوفی‌وفاتش درسال۴۴۲قمری نوشته‌شده
چشمه آب گوارائی درآنجا نیز وجود دارد و محل باصفائیست ـ مقبره
شاه داعی الله که از مشاهیر و معاصر خواجه حافظ بوده و مقبره آبش
خاتون واقع در دروازه قصابخانه (اودختر اتابك سعد زنگی‌بوده‌وچندی
در شیراز حکومت داشته) ومقبره شیخ روزبهان درمحل بالاکفدووفاتش
در سال ۶۶۳ قمری است و مقبره قطب‌الدین‌محمدفالی‌ملقب باستادالبشر
که در سال ۶۰۰ قمری فوت‌کرده و شیخ قطب الدین ایجی در محل
مصلی وفاتش درسال۶۵۰ قمری‌است‌ومقبره خواجه کرمانی وشیخ‌عبدالله
حفیف‌الدین ومجدالدین بن‌ابراهیم ملاصدرا وشیخ ابوزرعه وشیخ اطعمه
که‌ازعلما وحکما ومشاهیر فارس‌بودند نیز آرامگاه شاه‌شجاع‌وشاه منظر
آل‌مظفر وشاه‌منصوردرشیرازاست آرامگاه خواجه‌حافظ شمس‌الدین‌محمد
معاصر آل مظفر و امیر تیمور گورکانی‌بوده در زمان کریم خان‌زندتجدید
بنا یافته در محل مصلی واقع شده تاریخ وفاتش،

چودر خاك مصلی یافت منزل　　　　بجو تاریخش ازخاك مصلی

بحساب حروف ابجد سال ۷۹۱ هجری قمری است ـ آرامگاه ابدی‌شیخ

بنای موزه شیراز
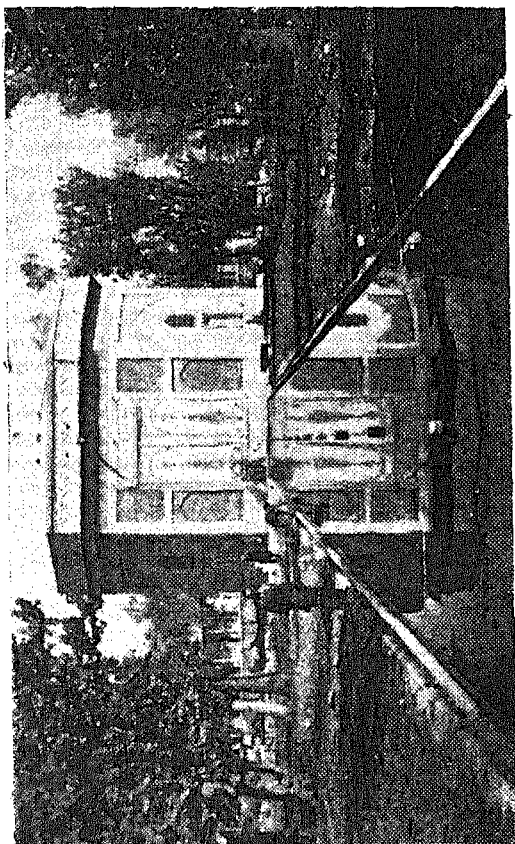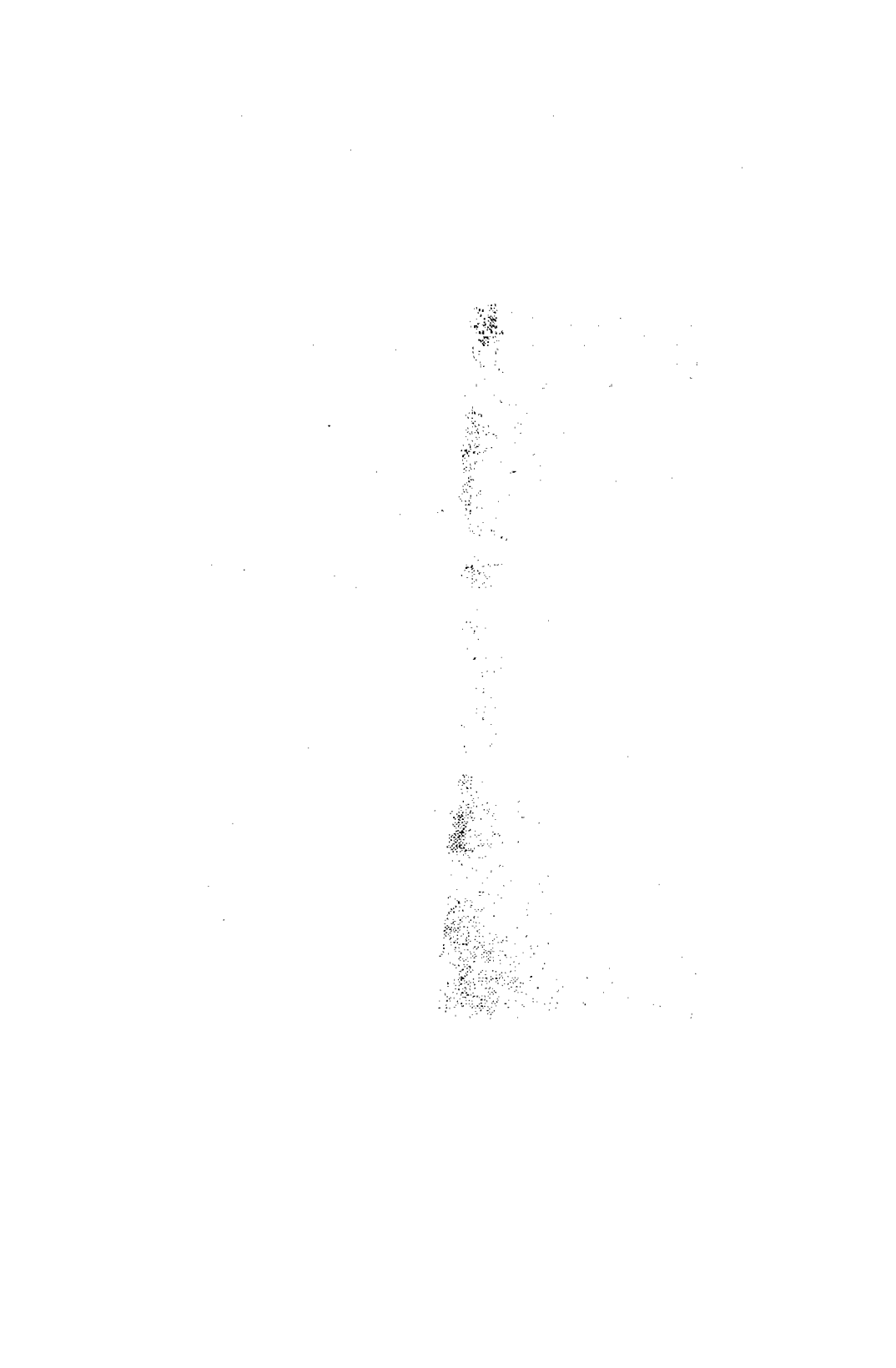
مصلح الدین سعدی در ٦ کیلومتری شیراز واقع است و بنای قدیم آن تا کنون بصورت اولیه باقی مانده واداره فرهنگ فارس توجه در تجدید بنای آن ننموده است طبق کتیبه‌ای که بخط کوفی و نیمی از این کتیبه از بین رفته تاریخ وفاتش در شب جمعه سال ٦٩١ هجری قمری بوده پروفسور « ادوارد برون » مستشرق‌مشهور انگلیسی‌تصویر شیخ سعدی را که کلاه تاتاری برسردارد و اصل نسخه آن تصویر در موزه کتابخانه لندن است تقدیم بارگاه سعدی نموده است ـ از آثار قدیم شیراز چاه قلعه بندر در وسط کوه نزدیك سعدی واقع شده و چاهیست عمیق و شگفت‌آور. موزه ملی درباغ کریمخان حاوی ظروف فلزی وسفالی عهد قدیم دوره ساسانیان‌است وچند تصویر و نقاشی از جمله تصویر کریمخان زند که قلیان میکشد و چهارتن از نزدیکان و اقوام او از جمله لطفعلی‌خان زند نزدیك او نشسته اند و چند جلد قرآن مجید که یکی در زمان ملك‌قاسم پرناك والی فارس در عهد صفویه و جلد دیگر بدستخط حضرت رضا و دو جلد قرآن بزرك که در دوره سلطان ابراهیم شاهرخ نوشته شده و جلد دیگر طلاکوب که در زمان شاه ابو اسحق بخط جمال یحیی صوفی رقم یافته و نیز تابلوهای نقاشی لطفعلی خان صورت‌گر مشهور در قرن ١٣ قمری و کتب قدیم ومرقعات‌و قلمدانهای‌طلاکوب‌وسکه های عهدساسانیان و اشکانیان وشمشیرهای نفیس‌یکی‌متعلق‌بشیخ صفی الدین ودیگری‌متعلق بکریمخان زندکه روی قبضه آن این دوبیت نوشته شده :

این تیغ که شیر فلکش نخجیر است

شمشیروکیل آن شه‌کشورگیراست

پیوسته کلید فتح دارد در دست

آن دست که برقبضه این‌شمشیراست

درشیراز دومریضخانه عمومی که دارای چند تختخواب استوجود دارد ولی دوا وپرستار کافی ندارند ـ کارخانه ریسندگی که درماه مقدار ۳۰ تن نخ نمره ۱۰ و۲۰ تهیه میکند و در حدود ۷۰۰ نفر کارگر درآنجا مشغول کارند و کارخانه ریسندگی برق نیز در ماه ۲۰ تن نخ نمره ٤۰ میریسیدونخ این‌دوکارخانه‌را بیزد میبرند ـ بعلاوه درشیراز ٦٥۰ دستگاه دست بافی وجود دارد که کمك بزرگی باوضاع اقتصادی آنجا شده ـ محصول اطراف شیراز در قسمت مشرق در محل موسوم بشیب بازارغله وبرنج است و در قسمت های دیگر اطراف این شهر گندم ـ جو ـ حبوبات ذرت ـ پنبه ـ تنباکو ـ چغندر ـ تریاك بعمل میآید ومحصول برنج نیزدر نواحی کوربار ـ رام جز ـ کامفیروز ـ ابرج و کفترك بدست‌میآیدکه ازآب رودخانه مشروب میگردد و نیز مرکبات دهستانهای خفر و سیمکان خاصه لیموو پرتقال در فارس مشهور است عمده صادرات فارس عبارت‌از برنج ، حبوبات ، پنبه ، تریاك ، کتیرا ، صمغ عربی ، زدو ، پشم ، پوست ، قالی وخشکبار است .

آب مشروب شیراز کم است و برای کشت وزراعت کافی نیست هرگاه قنوات قدیم اصلاح وتنقیه شود وآب‌نهر اعظم درجوشاك که‌اکنون چند قنات آن خشاك و بدون استفاده مانده لای روبی شودبرای آبیاری وکشاورزی مورد استفاده خواهد بود ـ نهر اعظم درجوشاك در محلی موسوم بقصر قمشه در۱۸ کیلومتری‌شیرازواقع شده که آب ازچندچشمه جاری‌شده ودر ۱۸جدول تقسیم میگردد ومقسم‌آن درمسجد بردی‌است قصر دشت که بصورت چند قنات در اطراف شیراز جریان دارد از جمله قنات محمد زایر خان است که در حدود ۱٥ سنك آب دارد و قنوات خویره ـ آب حاج شمس ـ آب سیدی ـ آب مقرب ـ آب سالاری وقنات

نصرت وچند قنات دیگر است که مزارع مسجدبردی را مشروب‌میسازند
نیز آب شش پیر «شش بئر» که ازکوه شش پیر سرچشمه میگیرد
در ۷۰ کیلومتری شیراز واقع‌است ابتدا آب چشمه شش پیر وارد جلگه
شش پیر میگردد و بعد برودخانه اردکان وارد میشود سپس برودخانه
دشمن زیاری متصل شده و برود خانه فعلیان میریزد آب شش پیربچهار
رشته تقسیم شده بنام جدول خانی بطرف قریه دالین (ده علی) و دشت
خلارکه از آنجا بوسیله قنات به دشت‌گیویم و در اطراف شیراز جریان
دارد ومزارع‌را مشروب مینماید ـ جدول قلعه سرتلی که دشت‌همایجان
و جدول خلیلی و جدول حاجی آباد مزارع اطراف را مشروب میسازد
جدول حاجی آباد درسال‌های پیش دارای ده قنات بوده واکنون از آنها
استفاده نمیشود و آب‌آن بهدر میرود اکنون قسمتی از آب جدول خانی
مزارع‌شیرازرا مشروب‌میکند.

آب پیربناب در ۱۸ کیلو متری شیراز در سمت جنوب واقع شده
و از چشمه سار های بناب جاری میگردد و دارای آب فراوان است
بوسیله چهار رشته قنات مزارع فیض آباد ومعزآباد وسایر مزارع‌دیگررا
مشروب میسازد محل سرچشمه پیر بناب بسیار با صفا و همه قسم گلها
خاصه‌گل بنفشه‌درآنجا بوجودمیآید ویکی‌ازمناظرفرح‌انگیز شیرازاست.
اکنون در شیراز شرکت آبیاری فارس تأسیس شده هرگساه مالکین
و متنفذین فارس موافقت ومساعدت‌کنندداستان مهم فارس که‌احتیاج‌مبرمی
بآب داردوآب برای‌کشت وزراعت تهیه‌شود افرادبیکاررا بزراعت‌مشغول
و نه تنها اوضاع اقتصادی و فلاحتی بهبودی خواهد یافت بلکه جنبش
بزرگی در بهداشت و زندگسی اجتماعی مردم فارس بوجود خواهد آمد
و تنقیه قنوات قدیم و احداث‌قنوات جدیدو بستن سدها و بندهاوکشیدن

جداول و انهار و ساختن تالاب ها و مخازن برای نگاهداری آب از اهم فرائض اصلاح‌طلبان این استان است که مردم از بلای بیکاری و فقر و مجاعه نجات خواهند یافت .

پس از چند روز توقف در شیراز بعزم کازرون حرکت نمودم از چنار راهدار گذشته بعداز طی ۴۸ کیلومتر وارد خانه زنیان شدم عده‌سکنه این قصبه را در حدود ۴۰۰ خانوار میگویند مردمش اکثر کشاورز و عده زیادی مبتلا بمالاریاهستند اکنون مرض حصبه در آنجاشیوع یافته و بواسطه نبودن دوا و فقدان‌طبیب مرگ و میر بین اهالی زیاد است. محصول آنجا عبارت از گندم و جو و ذرت است که از آب رودخانه قره آقاج و خطیری مشروب میگردد - پس از لحظه ازخانه زنیان و پل سنگی قره آقاج گذشته و ۲۴ کیلو متر طی نموده وارد دشت ارزن شدم قریه دشت ارزن درجلگه واقع‌شده واطراف آنرا کوههای مرتفع احاطه کرده است در فصل زمستان در اینجا بسیار سرد و پر از برف است - در دامنه کوه آب فراوان که از چشمه های زیادی جاری میگردد واردجلگه شده بدون استفاده بهدر میرود و تولید باتلاقهامیکند هرگاه کشت برنج دراین دشت هموار بنمایند محصول‌برنج زیادی بدست‌خواهدآمد اکنون‌محصول دشت‌ارزن کمی گندم‌وجواست .

کتل پیر زن که مسیر راه ما است ۴۷۰۰ پا ارتفاع دارد و جنگل و درخت های انبوه بلوط اطراف را احاطه نموده منظره طبیعی دشت ارزن و طراوت هوایش انبساطی پیدا میکند در وسط کتل پیرزن‌مصادف باکاروان احشام ایل درشولی‌شده که ازگرمسیر بطرف قشلاق در حرکت بودند منظره کاروان ایلات چادر نشین خالی از تماشا نیست آثار فقر و بیچارگی و لباس مندرس و پاره آنها باعث ملال و اندوه نویسنده شد -

ازکتل پیرزن و کتل دختر که پرپیچ وخم ومواضع خطرناکی دارد گذشته وارد دشت پل آبگینه شده دریاچه پریشان دراین دشت واقع شده ومحل شکارخوك است پس از طی چند کیلومتر وارد کازرون شدم مسافت بین دشت ارزن و کازرون درحدود ٤٨ کیلومتر است .

کازرون

کازرون یکی از شهر های قدیم ایران است و در پیش بسیار آباد بوده باغات و نارنجستان های آنجا ازجمله باغ نظر و باغ حاج سیدابوطالب و باغات دیگر که دارای نارنج ـ لیموترش ـ پرتقال و سایر مرکبات که در فارس مشهور است . اکنون این شهر ویران و مخروبه و شهری است کثیف وخانه های خراب و مردمش گرچه دارای هوش و ذکاوت وکارآمد هستند و بااینکه در تنقیه قنات مهارت زیادی دارند با این وصف آب مشروب این شهر بسیار کم است و مصرف آنها از آب چاه میباشد در سالهای پیش دارای قنوات زیادی بوده اکنون چند قنات ازجمله خیرات، قرچه ـ گنج آب ـ رضی آباد ـ قنات وادی که درسالهای کم باران اکثر خشك و یاکم آب است هرگاه نهری از آب نودان بکازرون بیاورند یاسدی در آن رودخانه بسازند باعث آبادی و افزایش کشت وزراعت آنجا میگردد ـ محصول کازرون عبارت از گندم ـ جو ـ حبوبات ـ پنبه ـ تریاك و خرما است که از قنوات مبارك آباد ـ رستم آباد ـ مرشد آباد ـ خلیل آباد وکازرکاه « کروك » مشروب میگردد ومحصول کوهستانی کازرون زدو ـ بادام کوهی ـ جفت ـ پسته کوهی (بنه) میباشد ـ یك دستگاه پنبه پاك کنی و چند کارخانه آرد و برنج پاك کنی دراینشهر دایر گردیده و روشنی برق این شهر ازقوه کارخانه گندم پاك کنی استفاده میگردد .

صادرات کازرون پنبه ـ پشم ـ زدو ـ بادام کوهی و تریاك است

که در داخله کشور بفروش میرود ـ جمعیت این شهر در حدود ۱۸۰۰۰ نفر میگویند و عده دانش آموز آنجا از ۵۰۰ نفر زیادتر نیست که نسبت بتعداد سکنه این شهر بسیار کم است ـ مردمش اکثر کشاورز یا پیله ور ند. اوضاع این شهر از لحاظ بهداشت خوب نیست . مرحوم ناصر دیوان پیشوا و رئیس انتظامات کازرون مردی میهن پرست و شجاع بود در جنگ هائی که نموده بود رشادت و دلیری ها از خود بیادگار گذارد و همواره فاتح بود ـ در چند کیلومتری کازرون محلی است موسوم بنقش تیمور در آنجا تصویر تیمور در سنگ نقر شده که بر اسب سوار وشیری جلو اسب اوخوابیده و ملازمان اطراف او درحال حرکت هستند گویا تیمور فرزند حسینعلی میرزا والی فارس باشد که چندی در کازرون حکومت داشته ـ مقبره شیخ امین الدین در محله بالا و مقبره شیخ ابواسحق در کوی گنج آباد موسوم بفخاران که ازجمله فضلا و عرفا بودند . مقبره امام زاده محمد بین التلین نیزد ر کازرون واقع شده ـ خواجه مظهرالدین عبدالله کازرونی وزیر امیر عضدالدوله دیلمی و نیز بهاری کازرونی موسوم به نوروز شاه که زمانی حکمران جزیره هرمز و بندر چرون بود که در شجاعت ودلیری معروف عصر خود بوده در کازرون بدنیا آمده است .

از کازرون پس از طی ۲٤ کیلومتر بتنك شاپور که موسوم به تنك چوگان است رفتم آثار قدیم و تاریخی بین دو کوه وجود دارد و قلعه ویرانه در دشت تنك چوگان بنظر رسید و رودخانه شاپور از این دشت میگذرد و کشت وزراعت آنجارا مشروب میسازد درتنك شاپور حجاریهای دوره ساسانیان ازجمله تصویر سوار و پیاده نظام و نقش مردمی را نشان میدهد که هدایا وتحف نزدشاهپور میآورند دیگر نقش شاهپور است که ملازمان و پاسبانان در پیش او ایستاده در جای دیگر تصویر آن

پادشاه بنظر میرسد که بر اسب سوار است و (والرین) امپراطورروم زیر پای اسب اوقراردارد ویکی از سرداران رومی در جلو اسب پادشاه زانو بزمین زده دیگر مجسمه شاپور بارتفاع ٦ ذرع قامت و دایره سینه او نیم زرع اکنون پاهای این مجسمه شکسته ونیمی ازچهره او خراب واز بین رفته‌است. نیز دو لوحه سنگی بخط پهلوی در آنجا دیده شدکه در الوحه اولی شاپور پیروزی و فتوحات خود و مغلوبیت (والرین) رانوشته و در لوحه دوم نقش آن پادشاه است که ملازمان و نظامیان در جلو او ایستاده و «سیریادیس» که مورد مراحم شاپور بوده در آنجادیده میشود در وسط کوه دخمهٔ وجود دارد که رسیدن بآن بسیار مشکل و خالی از صعوبت نیست و بوسیله طناب یا نردبان باید بالارفت این دخمه بسیار طولانی و تاریک و دارای چند دهلیز است و چشمه آب در میان این دخمه جریان دارد که درحوضی‌میریزد و محلی شگفت آوراست سیاحان خارجی نتوانستند دریابند که انتهای این دخمه در کجاست و میبایست باشمع یا چراغ در این دخمه داخل شد در چند سال پیش چند نفر از زردشتیان هندوستان باافزار و لوازم کار برای تحقیقات بتنگ چوگان آمده بودند ولی ناامنی و عدم انتظام در این ناحیه مانع کار آنها گردید و بدون نتیجه از آنجا بهندوستان باز گشتند.

از تنگ چوگان حرکت نموده پس از طی چند کیلومتر بتنگ ترکان رسیدم این تنگ درمیان دو کوه واقع شده ومحلی است مخوف وخطرناک در سال های پیش در این تنگ زدوخوردی بین ایلات ایران و سواران هندی دست داد.

بسال ۱۲۸۸ خورشیدی در نتیجه جنگهای محلی که بین عشایر قشقائی و عرب های بهارلو (ابواب جمعی قوام‌الملک شیرازی) روی دادناامنی

در فارس پدیدار گردید دولت انگلیس برای حفظ و حراست کنسولخانه
خود در شیراز ۱۵۰۰ نفر سوار نظام هندی با بنه وساز و برگ از راه
بوشهر روانه شیراز نمود از انتشار خبر اعزام این عده قشون بیگانه هیجان
شدیدی بین خوانین محلی پیدا شد از جمله خورشید خان کمارجی و محمد
علی خان کشکولی و ناصر دیوان کازرونی تصمیم جلوگیری از پیشروی
سواران هندی گرفتند و در تنگ ترکان زدوخوردی بین طرفین درگرفت
که در نتیجه ماژور « استاك » کنسول انگلیس که همراه قشون هندی بود
زخمی گردید و سواران هندی عقب نشینی نمودند واسلحه ومهمات زیادی
بدست خوانین محلی افتاد محمد علی کشکولی کنسول نامبرده را چند روز
نزد خود پرستاری نمود تا آنکه بهبودی یافت و ببوشهر مراجعت کرد.
از تنگ ترکان بسلامت گذشته وارد قصبه کمارج شدم که دردشت همواری
قرار گرفته و عده کمی سکنه دارد محصول آنجا گندم وجو وقدری تریاك
است و زراعتش دیمی است در سه کیلومتری کمارج نزدیك قریه بناف
معدن نفت و گوگرد و نمك وجود دارد و مردم آنجا از قیر و نمك آن
استفاده میکنند - بعد از کشته شدن نادر شاه اسد خان نام افغانی بکمارج
آمده و در آنجا مشغول راه زنی و شرارت بود به امر کریم خان زند
رستم خان ضابط بلوك خشت اسد خان را دستگیر واورا بشیراز فرستاد
که بعد مورد عفو آن پادشاه واقع گردید- پس از لحظه توقف از کمارج
حرکت کرده از کوه مخوف ودره رودك گذشته وارد کنار تخته شدم مسافت
بین کمارج و کنار تخته در حدود ۲۰ کیلومتر است قریه چرون و رودك
و جعفرجن در مسیر راه ما واقع شده بود - قصبه کنار تخته جای بدآب
وهوائی است محصول آنجا گندم و جو و خرماست آب مشروب این قصبه
از چاه است در سالهای پیش بوسیله چند قنات که از رودخانه چرون

جریان‌داشته‌محصول کنار تخته رامشروب‌میکرده‌اکنون‌این‌قنات‌خراب‌شده هرگاه‌این قنات از نو تعمیرشود برمحصول کنارتخته‌خواهدافزود .

ازکنار تخته حرکت‌کرده و ازکتل پرپیچ وخم ملو (ملعون) و کوه های بون‌کردی و ملافلفلی وپل‌سنگی که دارای‌شش‌چشمه است و از بنا های خیر مرحوم میرزا ابوالحسن خان مشیر الملك شیرازیست گذشته وارد قریه دالکی شدم. پست‌نمازگاه‌که محل‌دزدان است واکثر در اینجا راه زنی و اموال مردم رابسرقت میبرند در یك سمت‌جاده‌واقع شده در بین راه خاصه در این محل اثری ازمامورین امنیه بنظرنمیرسید رودخانه جمیله و فاریاب که در ۳۰ کیلو متری مشرق دالکی بهم پیوسته و در قریه درودگاه با رود خانه شاپور متصل شده ناحیه دالکی و بلوك شبانکاره و انگالی را مشروب ساخته دربندر رودحله بدریا میریزدتاچند کیلومتر درمسیرراه شوسه‌جریان‌دارد ـ هوای‌دالکی‌بسیار گرم‌و بوی‌عفن چشمه های نفت وگوگردمزید ناراحتی مسافرین میشود ـ درسال۱۸۸٤ میلادی‌در دوره‌ناصرالدین شاه شرکت «هون‌تنز» آلمانی امتیازاستخراج نفت ناحیه دالکی رابدست آورد و تا چندی مشغول حفرچاه نفت‌بودولی بنتیجه نرسید و امتیاز آن لغوگردید ـ دالکی جزء ناحیه دشتستان است طول آن از قریه بیوار تا قلعه بنه لعلی در حدود ۱۸ کیلومتر وعرض‌آن در حدود ۲ کیلومتر است و دارای هفت‌دهستان است. عده سکنه دالکی را درحدود ۳۰۰ خانوارمیگویند. مردمش اکثرکشاورز وفقیر وپریشان حالند محصول‌آنجا خرماوگندم وجو دیمی‌است وقسمتی ازکشت‌آبی از آب رودخانه مشروب میگردد و آب مشروب اهالی ازچاه است ـ مسافت بین‌کنار تخته تا برازجان ۵۰ کیلومتراست٠ جاده نشیب و فراز زیاد دارد وگاهی راه‌زنی بین دالکی وبرازجان رومیدهد .

در فارس پدیدار گردید دولت انگلیس برای حفظ و حراست کنسولخانه
خود در شیراز ۱۵۰۰ نفر سوار نظام هندی با بنه وساز و برگ از راه
بوشهر روانه شیراز نمود ازانتشار خبراعزام این عده قشون بیگانههیجان
شدیدی بین خوانین محلی پیدا شداز جمله خورشید خان کمارجی ومحمد
علی خان کشکولی و ناصر دیوان کازرونی تصمیم جلوگیری از پیشروی
سواران هندی گرفتند و در تنك ترکان زدوخوردی بین طرفین درگرفت
که در نتیجه ماژور « استاك » کنسول انگلیس که همراه قشون هندی بود
زخمی گردید و سواران هندی عقب نشینی نمودند واسلحه ومهمات زیادی
بدست خوانین محلی افتاد محمد علی کشکولی کنسول نامبرده را چند روز
نزد خود پرستاری نمود تا آنکه بهبودی یافت و ببوشهر مراجعت کرد.
از تنك ترکان بسلامت گذشته وارد قصبه کمارج شدم که دردشت هموار
قرار گرفته و عده کمی سکنه دارد محصول آنجا گندم وجو وقدری تریاك
است و زراعتش دیمی است در سه کیلومتری کمارج نزدیك قریه بناف
معدن نفت و گوگرد و نمك وجود دارد و مردم آنجا از قیر و نمك آن
استفاده میکنند - بعد از کشته شدن نادر شاه اسد خان نام افغانی بکمارج
آمده و در آنجا مشغول راه زنی و شرارت بود به امر کریم خان زند
رستم خان ضابط بلوك خشت اسد خان را دستگیر واورا بشیراز فرستاد
که بعد مورد عفو آن پادشاه واقع گردید- پس ازلحظه توقف از کمارج
حرکت کرده از کوه مخوف ودره رودك گذشته وارد کنار تخته شدم مسافت
بین کمارج و کنار تخته در حدود ۲۰ کیلومتر است قریه چرون و رودك
و جعفرجن در مسیر راه ما واقع شده بود - قصبه کنار تخته جای بدآب
وهوائی است محصول آنجا گندم و جو و خرماست آب مشروب این قصبه
از چاه است در سالهای پیش بوسیله چند قنات که از رودخانه چرون

جریان‌داشته‌محصول کنار تخته را مشروب میکرده اکنون این قنات خراب شده
هرگاه این قنات از نو تعمیر شود بر محصول کنار تخته خواهد افزود.

از کنار تخته حرکت کرده و از کتل پرپیچ وخم ملو (ملعون)
و کوه های بون کردی و ملافلفلی و پل سنگی که دارای شش چشمه است
و از بنا های خیر مرحوم میرزا ابوالحسن خان مشیر الملك شیرازیست
گذشته وارد قریه دالکی شدم. پست نمازگاه که محل دزدان است و اکثر
در اینجا راه زنی و اموال مردم را بسرقت میبرند در یك سمت جاده واقع
شده در بین راه خاصه در این محل اثری ازمامورین امنیه بنظر نمیرسید
رودخانه جمیله و فاریاب که در ۳۰ کیلو متری مشرق دالکی بهم پیوسته
و در قریه درودگاه با رود خانه شاپور متصل شده ناحیه دالکی و بلوك
شبانکاره و انگالی را مشروب ساخته دربندر رودحله بدریا میریزدتاچند
کیلومتر درمسیرراه شوسه جریان دارد - هوای دالکی بسیار گرم و بوی عفن
چشمه های نفت و گوگردمزید ناراحتی مسافرین میشود- درسال ۱۸۸٤
میلادی در دوره ناصرالدین شاه شرکت «هون تنز» آلمانی امتیاز استخراج
نفت ناحیه دالکی رابدست آورد و تا چندی مشغول حفرچاه نفت بودولی
بنتیجه نرسید و امتیاز آن لغو گردید - دالکی جزء ناحیه دشتستان است
طول آن از قریه بیوار تا قلعه بنه لعلی در حدود ۱۸ کیلومتر وعرض آن
در حدود ۲ کیلومتر است و دارای هفت دهستان است. عده سکنه دالکی
را درحدود ۳۰۰ خانوارمیگویند. مردمش اکثر کشاورز و فقیر و پریشان
حالند محصول آنجا خرما و گندم وجو دیمی است وقسمتی از کشت آبی از
آب رودخانه مشروب میگردد و آب مشروب اهالی ازچاه است-مسافت
بین کنار تخته تا برازجان ۵۰ کیلومتراست. جاده نشیب و فراز زیاد دارد
و گاهی راه‌زنی بین دالکی وبرازجان رومیدهد.

در فارس پدیدار گردید دولت انگلیس برای حفظ و حراست کنسولخانه خود در شیراز ۱۵۰۰ نفر سوار نظام هندی با بنه وساز و برگ از راه بوشهر روانه شیراز نمود ازانتشار خبر اعزام این عده قشون بیگانه هیجان شدیدی بین خوانین محلی پیدا شداز جمله خورشید خان کمارجی و محمد علی خان کشکولی و ناصر دیوان کازرونی تصمیم جلوگیری از پیشروی سواران هندی گرفتند و در تنك ترکان زدوخوردی بین طرفین درگرفت که در نتیجه ماژور « استاك »کنسول انگلیس که همراه قشون هندی بود زخمی گردید و سواران هندی عقب نشینی نمودند واسلحه ومهمات زیادی بدست خوانین محلی افتاد محمد علی کشکولی کنسول نامبرده را چند روز نزد خود پرستاری نمود تا آنکه بهبودی یافت و ببوشهر مراجعت کرد.
از تنك ترکان بسلامت گذشته وارد قصبه کمارج شدم که دردشت هموار قرار گرفته و عده کمی سکنه دارد محصول آنجا گندم وجو وقدری تریاك است و زراعتش دیمی است درسه کیلومتری کمارج نزدیك قریه بناف معدن نفت و گوگرد و نمك وجود دارد و مردم آنجا از قیر و نمك آن استفاده میکنند - بعد از کشته شدن نادر شاه اسد خان نام افغانی بکمارج آمده و در آنجا مشغول راه زنی و شرارت بود به امر کریم خان زند رستم خان ضابط بلوك خشت اسد خان را دستگیر واورا بشیراز فرستاد که بعد مورد عفو آن پادشاه واقع گردید- پس ازلحظه توقف از کمارج حرکت کرده از کوه مخوف ودره رودك گذشته وارد کنار تخته شدم مسافت بین کمارج و کنار تخته در حدود ۲۰ کیلومتر است قریه چرون و رودك و جعفرجن در مسیر راه ما واقع شده بود - قصبه کنار تخته جای بدآب وهوائی است محصول آنجا گندم و جو و خرماست آب مشروب این قصبه از چاه است در سالهای پیش بوسیله چند قنات که از رودخانه چرون

جریان‌داشته‌محصول کنار تخته رامشروب‌میکرده‌اکنون‌این‌قنات‌خراب‌شده هرگاه‌این قنات از نو تعمیرشود برمحصول کنارتخته‌خواهدافزود .

از کنار تخته حرکت کرده و از کتل پرپیچ وخم ملو (ملعون) و کوه های بون کردی و ملافلفلی وپل‌سنگی که دارای‌شش‌چشمه است و از بنا های خیر مرحوم میرزا ابوالحسن خان مشیر الملك شیرازیست گذشته وارد قریه دالکی شدم. پست‌نمازگاه که محل‌دزدان است واکثر در اینجا راه زنی و اموال مردم رابسرقت میبرند در یك سمت‌جاده‌واقع شده در بین راه خاصه در این محل اثری ازمامورین امنیه بنظر نمیرسید رودخانه جمیله و فاریاب که در ۳۰ کیلو متری مشرق دالکی بهم پیوسته و در قریه درودگاه با رود خانه شاپور متصل شده ناحیه دالکی و بلوك شبانکاره و انگالی را مشروب ساخته دربندر رودحله بدریا میریزدتاچند کیلومتر درمسیرراه شوسه‌جریان‌دارد ـ هوای‌دالکی‌بسیار گرم‌و بوی‌عفن چشمه های نفت و گوگردمزید ناراحتی مسافرین میشود. درسال۱۸۸٤ میلادی‌در دوره‌ناصرالدین شاه شرکت «هون‌تنز» آلمانی امتیازاستخراج نفت ناحیه دالکی رابدست آورد و تا چندی مشغول حفرچاه نفت‌بودولی بنتیجه نرسید و امتیاز آن لغو گردید ـ دالکی جزء ناحیه دشتستان است طول آن از قریه بیوار تا قلعه بنه لعلی در حدود ۱۸ کیلومتر وعرض‌آن در حدود ۲ کیلومتر است و دارای هفت‌دهستان است. عده سکنه دالکی را درحدود۳۰۰ خانوارمیگویند. مردمش اکثر کشاورز و فقیر وپریشان حالند محصول‌آنجا خرماو گندم وجو دیمی‌است وقسمتی از کشت‌آبی از آب رودخانه مشروب میگردد و آب مشروب اهالی ازچاه است.مسافت بین کنار تخته تا برازجان۵۰ کیلومتراست٠ جاده نشیب و فراز زیاد دارد وگاهی راه‌زنی بین دالکی وبرازجان رومیدهد .

برازجان

برازجان مرکز بخشداری دشتستان و تابع فرمانداری بندر بوشهر است. طول این ناحیه از رودخانه فاریاب تا قصبه زیارت در حدود ۷۲ کیلومتر و عرض آن ۳۷ کیلومتر است و دارای ۲۰ قریه میباشد و عده سکنه آنجارا درحدود ۱۲۰۰۰ میگویند و اکثر مردمش کشاورز و در عمران و آبادی این ناحیه توجهی ندارند ـ محصول برازجان گندم و جو دیمی است و تنباکو و سبزی و تره بار آنجا از آب چاه مشروب میگردد و نیز نخلستان فراوان دارد. در قدیم دارای چند قنات بوده که اکنون خراب و ازبین رفته، فقط از یك قنات موسوم بقنات سالم خانی استفاده میشود. تراخم وسایر امراض در این ناحیه زیاداست و اوضاع آنجا از لحاظ بهداشت و فرهنك خوب نیست.

در سه کیلومتری برازجان آثار قدیم و درکوه گیسه کان در چند کیلومتری آنجا معدن زغال سنك وجود دارد. در این قصبه کارخانه چراغ برق تأسیس شده و مرحوم میرزا ابوالحسن خان مشیر الملك شیرازی کاروانسرائی بنا نهاده که اکنون محل پادگان افراد امنیه میباشد. برازجان مرکز عبور حمل و نقل کالای قاچاق است که از قصبه چاه تل وارد کرده و بکازرون وشیراز میبرند. مأمورین امنیه وافسران آنها شریك اعمال قاچاقچیان بوده و از آنها اخاذی مینمایند.

مسافت بین برازجان و بوشهر درحدود ٦٠ کیلومتر وجاده دارای نشیب و فراز زیاد است خاصه راه باتلاقی مشیله که تعمیر و مرمت لازم دارد ـ پس از چند ساعت توقف در برازجان بعزم بوشهر حرکت کرده و از قصبه احمدی گذشته وارد قریه چغادك شدم. قصبه احمدی محل سکونت مرحوم شیخ حسین خان چاه کوتاهی بود که بسالاراسلام لقب یافت او در جنك

پلیس جنوب که‌ازطرف انگلیسیها تشکیل گردید بود کشته‌شده وخودبادو ازفرزندانش قربانی راه میهن شدند.

واسموس آلمانی

در چغادك خانه کوچکی بنظر رسید که متعلق به «واسموس» بود که چندی دربوشهر سمت کنسول دولت آلمان را داشت و نیز مدتی از طرف وزارت خارجه آلمان نماینده آن دولت در جزیره ماداگاسکار بود- او دارای قدی بلند و موهای سفید و چشمانی جذاب وبا نفوذ بود و زبان فارسی را بخوبی صحبت میکرد اکثر اوقات در نواحی بوشهر خاصه دربلوك مسافرت مینمود وچون معلوماتی درعلم طب داشت مردم دهستانها اورا احترام‌میکردند - درجنك‌بین‌الملل‌اول آلمانها درصددبودند هرگاه بتوانند از سلطان عثمانی که سمت خلیفه مسلمین داشت برضد انگلیسیها اعلان جهاد صادر نمایند ومسلمانان دنیارا برخلاف انگلیسها تحریك کنند و بنام دفاع و حمایت اسلام باانگلیسیها جنك‌نمایند بنا براین اداره جاسوسی آلمان در سال ۱۹۱۴ میلادی یك هیئت تبلیغاتی مرکب از ۳۲ نفر ازبهترین مأمورین خود را از اسلامبول بشام ویمن و مصر وایران وافغانستان برای‌این‌منظور روانه نمود که ازجمله «ینی‌یدرمایر» و «شونمن» و «بورن سدورف» و دکتر «لندرس» و «واسموس» بودند که از راه بغداد وپشت‌کوه وارد ایران شدند - ازآنطرف‌سرویس جاسوسی انگلیس «انتلجین‌سرویس» درلندن حرکت این هیئت‌اعزامی آلمانرا بتمام مأمورین سیاسی خود در خاورمیانه خبرداد. هیئت اعزامی آلمان تصمیم گرفت که «ینی‌یدر مایر» را به افغانستان و «شونمن» را بطرف غرب ایران و کرمانشاه و «بورن سدروف» و دکتر «لندرس» و «واسموس» را به جنوب ایران اعزام دارد که بعملیات ضد انگلیسی

اقدام نمایند. « واسموس » ازپشت کوه وارد نواحی دزفول گردید وبعضی ازخوانین بختیاری وسایرقبایل‌را باخود همراه نمود وبامهارت وزبردستی توانست آنهارا وادار نماید که لوله‌های‌نفتی‌را که ازمسجد سلیمان از راه درخزینه به‌آبادان کشیده شده بودسوراخ کنند و در مدت ٢٤ ساعت لوله نفت خراب و مقدار زیادی نفت خام در دشت خوزستان بهدر رفت و این نخستین پیروزی « واسموس » در ایران بود. در حوالی‌شوشتر نزدیك بودکه دستگیرشود ولی بخت واقبال او مساعدت‌کرده وازدامیکه انگلیسیها برای‌او گسترده بودند بدررفت. برای‌بدست‌آوردن‌واطلاع‌یافتن از « واسموس » دستگاه جاسوسی انگلیس در ایران کوشش‌ها نمود وسروان جوان انگلیسی « نویل » باعده‌ای درتعقیب و گرفتاری اوبودند ونتوانستند اورا پیدا کنند.

« واسموس » وارد ناحیه خیرآباد و بهبهان شد یکی از بازرگانان وسادات بهبهان که سمت نمایندگی افتخاری انگلیس را دربهبهان داشت ورودانی کاروان را درنزدیك‌بهبهان‌بجنرال کنسولگری انگلیس دربوشهر گزارش داد. مستر « چك » نایب کنسول انگلیس‌باکشتی جنگی‌ازبوشهر به بندر ریگ آمد وبا حیدرخان حیات داودی بخشدار بندرریك ملاقات نمود و با مشورت وصلاحدید او عده ای چریك مأمور گرفتاری کاروان « واسموس » شدند. تفنگچیان واردبلوك لیراوی و ناحیه شول گردیده وسرکرده آنها تقاضای‌ملاقات‌رئیس کاروان راکه تاآنموقع ازنام ونشان‌او اطلاع‌نداشت مینماید پس‌ازلحظهٔ مردی بلندقد باموهای‌سفید وچشمانی جذاب از چادر خود بیرون آمـده و از سرکردهٔ تفنگچیان میپرسد کدام خان شما را باین محل فرستـاده ـ سرکرده تفنگچیان در جواب میگوید حیدرخان مارا مأمور نموده‌که درخدمت شما تابندرریك باشیم

« واسموس » چون ازروابط دوستانه بین‌حیدرخان‌وانگلیسیها خبرداشت مطلب‌را دریافته میگوید من ازحیدرخان که مارا دعوت‌به‌بندرریك‌نموده بسیار متشکرم وچون امروزهمه‌خسته ومالهای‌ما وامانده است نمیتوانیم بمسافرت خود ادامه دهیم امشب شما مهمان ماباشید فرداصبح باتفاق‌شما به‌بندرریك‌حرکت‌خواهیم‌نموددرهمان‌شب‌واسموس‌باهمقطاران آلمانی‌خود مشورت نموده و مصمم بفرار میگردد و این بار چهارم است که موفق بفرار میشود. « واسموس » لباس و کلاه ایرانی‌پوشیده درنیمه شب‌باحال درازکش‌ازچادر بیرون آمد ودرآن تاریکی‌شب فرارمیکند ودرسپیده‌دم بقریه گوماروت رسیده و روانه بلوك شبانکاره میشود. چون روی تختخوابش پارچه سفیدی کشیده بود مانند اینکه کسی روی تختخواب در خواب است تفنگچیان را اغفال نمود ـ پس از فرار « واسموس » مأمورین‌اعزامی‌سایر آلمانی‌هاراومترجم ایرانی‌را باکاروان‌وصندوقهای‌لیره و اوراق تبلیغاتی را که بزبانهای فارسی وعربی و هندی نوشته شده بود به بندر ریك آوردند و حیدرخان آنها را در مقابل رسید تحویل کشتی جنگی انگلیس میدهد ـ چون حیدرخان ازفرار «واسموس» اطلاع یافت بیدرنك عده چریك بسرکردگی برادر خود محمد خان چاروسائی « واسموس » را تعقیب میکنند و دربلوك شبانکاره باومیرسند ولی‌مرحوم اسمعیل‌خان‌شبانکاره ازتسلیم‌واسموس‌امتناع‌میکندواورا باچهارنفر تفنگچی درشب روانه برازجان مینماید و او بژاندارمری پناه میبرد وچون اداره ژاندارمری درزیرنظر وسرپرستی افسران سوئدی بود وآنها بیشترمتمایل به آلمانها بودندبهمین‌سبب استقبال شایانی‌از «واسموس»نمودند. درملاقات محرمانه بامرحوم محمد خان غضنفرالسلطنه بخشدار برازجان وسایر خوانین جنوب اوشهرت دادکه انگلیسیها میخواهند ایران‌را اشغال کنند

و بدین وسیله شهامت و حس ملیت‌مردمان جنوب را برضد انگلیسیها
برانگیخت وباکمك مالی ضابط برازجان بطرف تنگستان رفت ودرجنوب
آتش انقلاب را برافروخت.

چون « واسموس » خبریافت که کشتی جنگی انگلیس موسوم‌به
« جنو » بندر دلوار را بمباران‌نموده و زدوخوردی بین‌انگلیسیها ورئیس
علی دلواری واقع شده وسبب جنك این بود که انگلیسیها مراسله‌بخط
رئیس علی بدست آورده بودند که او با بازرگانان آلمـانی مقیم بوشهر
مراوده ومکاتبه داشته‌وباعث سوء ظن آنها شده بود بنابراین «واسموس»
موقع را غنیمت شمرده در تنگستان باخوانین از جمله زایر خضر خـان
و شیخ حسین خان چاه کوتاهی و رئیس علی خان دلواری ملاقـات
ومذاکرات نموده وآنهارا برضد انگلیسیها تحریك کرد ومنظوراوسرگرم
نمودن قسمتی از قشون انگلیسی در پشت جبهه جنك در بین‌النهرین بود
و درنتیجه درحدود ۲۰ هزارنفرسپاهیان‌هندی‌وانگلیسی‌بامهمات‌وسازبرگ
کافی وارد بوشهر گردید و تامدت دوسال جنك های دفاعی در تنگستان
و فارس ادامه داشت و نهضت فارس در کازرون و شیراز نیز برپاگردید
وخون جوانان‌تنگستانی‌ریخته‌شد وکنسول انگلیس مقیم‌شیراز «اگونور»
ورئیس ومعاون بانك شاهنشاهی وچند تن از اتباع انگلیسی‌را از شیراز
باسارت به تنگستان آوردند. جنگهای تنگستان اکثر غیر منظم و بطور
شبیخون بود وسخت ترین جنگهای آنها در نقاط کوه‌گزی و دره تنگك
و کره انگوری و برج مقام بود در این نقاط در حدود یکهزار نفر
از نظامیان انگلیسی وهندی‌کشته وزخمی شدند و ازتنگستانیها چندنفر
ازجمله فرزند شیخ حسین خان کشته‌شدند وسی‌نفرزخمی‌وهفده نفراسیر
وبیست‌نفر ازشدت‌گرما و تشنگی تلف گردیدند. اسرای انگلیسی مدت

هشت ماه در اهرم وسپس در خورموج محبوس بودند .

مرکز جنك تنگستانیها در قریه گورك وآل چنگی و چغادك بود وکسب دستور از آنجا میکردند .

« اگونور » کنسول انگلیس درمدت اقامت واسارت خود دراهرم نقشه مصالحه و متارکه جنك باتنگستانیها ریخت و دوحریف اروپائی (اگونور و واسموس) در اهرم مشغول بازی شطرنج سیاسی شدند بالاخره « اگونور » با داشتن مهره شاه مات بر حریف زبردست خود « واسموس » فایق آمد و ازطرف انگلیسیها ترك مخاصمت شد وصلح‌نامه ذیل تنظیم و بامضاء طرفین رسید :

۱ـ استرداد اسرای تنگستانی ودشتی که درجنك گرفتارودستگیر شده که ازجمله آنها خالوحسین دشتی و حاج‌علی تنگستانی میباشند .

۲ـ آزادی اتباع آلمانی که دربنادر خلیج فارس‌بدست انگلیسیها گرفتار شده اند .

۳ـ تحویل و تسلیم صندوق‌های چاهی متعلق به اهالی تنگستان که دربحرین ضبط شده است .

٤ـ پرداخت ده هزار تومان متعلق بشیخ حسین خان چاه‌کوتاهی که دربانك شاهنشاهی ودیعه میباشد .

٥ـ آزادی‌عمل برای رفت‌وآمد عموم مردم خاصه اهالی‌تنگستان ببوشهر و عدم تعرض نسبت بعابرین در راه شاهی که راه احمدی باشد وتغییری درآن راه داده نشود وهرگاه درناحیه احمدی یاتنگستان‌سرقتی واقع شود مأمورین انگلیس حق مداخله نداشته باشند و در دستگیری سارقین کالا میبایست خوانین محلی اقدام‌کنند

تعهدنامه که خوانین دشتی وتنگستان نوشته وامضاء نمودند :

(۱) استرداد اسرای انگلیسی که هشت نفر بوده ودراهرم بدست تنگستانیها گرفتار میباشند.(دو نفر از آنها بسبب ناخوشی بعلاوه خانمهای انگلیسی که همراه اسیران بودند نظر بمقتضیات عالم انسانیت در پیش آزاد ومستخلص شده بودند که مقامات نظامی انگلیسها درنامه بنام خوانین دشتی و تنگستان اظهار تشکر از این اقدام کرده بودند)

(۲) مسئولیت راه شاهی را خوانین تنگستان ودشتی درخاك خود بعهده میگیرند وهرگاه مال التجاره بسرقت برود غرامت بدهند.

(۳) حفظ ونگاهداری خط سیم تلگراف درحدود خاك خود پس از تعمیر قبول مینمایند.

این شرایط را مرحوم زایر خضرخان امیر اسلام وشیخ حسین خان سالار اسلام امضاء نموده برای انگلیسها فرستادند ولی از طرف انگلیسها عملی نگردید شب تابستان تاریکی بود که صندوقهای چاهی و کیسه‌های پول متعلق بخوانین درسر بست چند کیلومتری بوشهر بااسیران تنگستانی تحویل گردید ودرعوض اسرای انگلیسی مستخلص وببوشهر روانه شدند طولی نکشید که انگلیسها شروع بکشیدن خط راه آهن نظامی به برازجان کردند ازطرف خوانین ازاحداث راه‌آهن وازمستخلص نشدن اتباع آلمانی طبق قرارداد صلح بمقامات نظامی انگلیسها اعتراض شد علاوه براینکه ترتیب اثر ازطرف انگلیسها داده نشد به بهانه اینکه میبایست خوانین محلی به برج مقام آمده وبا اولیای نظامی انگلیس راجع باوضاع مشورت نمایند اعلان جنك به آنها دادند.

چون مجاهدین تنگستان ودشتی بعد ازمتارکه جنك باوطان خود رفته بودند خوانین تنگستان مراسلاتی بدشتی وبرازجان نوشته وقضایارا به آنها اطلاع دادند و محمد خان غضنفر السلطنه ضابط برازجان با عده

واسموس آلمانی

سیصد نفری خود را بقریه چغادك رسانید دراین بین قشون انگلیسی نیز
بطرف چغادك پیشروی نمود و بسنگر هـای تنگستانیهـا هجوم آوردند
زیرا خضرخان باعده خود ازسنگرها بیرون آمده و ازعقب بقشون انگلیسی
حمله نمودند وسپاهیان انگلیسی همینکه سنگرهارا از وجود مجاهدین
خالی دیدند حرکت دورانی نموده سنگر ها را تصرف کردند در این بین
دسته دیگر ازلشگریان انگلیسی عرصه را برسنگریکه شیخ حسین خان
چاه کوتاهی در آن قرار گرفته بود تنك نموده سپس بطرف قریه قاید
وخائیز پیشروی کردند که منجر بشکست تنگستانیها گردید.

بعد ازشکست تنگستانیها وفرارمحمدخان غضنفرالسلطنه برازجان
نیز بتصرف انگلیسها درآمدوحکومت نظامی تحت نظرکلنل «گریکسن»
درآنجا برقرارگردید وسپس پیشروی انگلیسها بطرف کازرون و شیراز
شروع شد.

« واسموس » پس‌ازمصالحه ومتارکه جنك که برخلاف مرام‌ونقشه
او بود دیگرصلاح درماندن‌تنگستان ندانسته از راه غیر معمولی‌بکازرون
رفت در بین راه با چند نفر دهقان که اورا نمیشناختند زدوخوردی نمود
و زخمی برانش وارد آمد ازکازرون بشیراز وازآنجا بطرف اصفهان‌رفت
و بخوانین بختیاری پناه آورد در اصفهان انگلیس‌ها در صددگرفتاری او
برآمدند ولی خانم مریم موسوم به بی‌بی سردار مادر مصطفی قلیخان
رئیس ایل چهار لنگ بختیاری که خانم محترمه بود اورا محرمانه روانه
تهران نمود « واسموس » در قم از طرف مأمورین ایران دستگیر شداورا
تحت الحفظ بقزوین بردند در آنجا خودرا مریض وانمودکرد وشب
هنگام بتهران‌فرار کرد مجدداًدرقریه کن درچند کیلومتری تهران‌دستگیرشد
بعد ازشناسائی خود دو نفر مأمورین ژاندارمری اورا بتهران آورده

سیصد نفری خود را بقریه چغادك رسانید دراین بین قشون انگلیسی نیز بطرف چغادك پیشروی نمود و بسنگر های تنگستانیها هجوم آوردند زیرا خضرخان باعده خود ازسنگرها بیرون آمده و ازعقب بقشون انگلیسی حمله نمودند وسپاهیان انگلیسی همینکه سنگرهارا از وجود مجاهدین خالی دیدند حرکت دورانی نموده سنگر ها را تصرف کردند در این بین دسته دیگر ازلشگریان انگلیسی عرصه را برسنگریکه شیخ حسین خان چاه کوتاهی در آن قرار گرفته بود تنك نموده سپس بطرف قریه قایذ وخائیز پیشروی کردند که منجر بشکست تنگستانیها گردید.

بعد ازشکست تنگستانیها وفرارمحمدخان غضنفرالسلطنه برازجان نیز بتصرف انگلیسها درآمدوحکومت نظامی تحت نظر کلنل «گریکسن» درآنجا برقرار گردید وسپس پیشروی انگلیسها بطرف کازرون و شیراز شروع شد.

«واسموس» پس ازمصالحه ومتارکه جنك که برخلاف مرام ونقشه او بود دیگرصلاح درماندن تنگستان ندانسته از راه غیر معمولی بکازرون رفت در بین راه با چند نفر دهقان که اورا نمیشناختند زدوخوردی نمود و زخمی برانش وارد آمد ازکازرون بشیراز وازآنجا بطرف اصفهان رفت و بخوانین بختیاری پناه آورد در اصفهان انگلیس ها در صدد گرفتاری او برآمدند ولی خانم مریم موسوم به بی بی سردار مادر مصطفی قلیخان رئیس ایل چهار لنگ بختیاری که خانم محترمه بود اورا محرمانه روانه تهران نمود «واسموس» در قم از طرف مأمورین ایران دستگیر شداورا تحت الحفظ بقزوین بردند در آنجا خودرا مریض وانمود کرد وشب هنگام بتهران فرار کرد مجدداً درقریه کن درچند کیلومتری تهران دستگیرشد بعد ازشناسائی خود دو نفر مأمورین ژاندارمری اورا بتهران آورده

و بسفارتخانه اسپانیا بردند نویسنده او را در ۱۳۰۸ خورشیدی در تهران ملاقات کردم که پس از چند سال هنوز پای او در اثر زخم لنگ بود. بعداً دولت آلمان سه نشان افتخار یکی بنام محمد خان غضنفر السلطنه ضابط برازجان و دیگر برای ابراهیم‌خان ضرغام السلطنه فاتح اصفهان در اول نهضت مشروطیت و نشان دیگر بنام بی‌بی مریم سردار خانم بختیاری در عوض پذیرائی که نسبت به « واسموس » کرده بودند بایران فرستاد که بالاخره بدست نامبردگان نرسید .

« واسموس» بار دیگر از آلمان بایران آمد و پنج‌هزار لیره که از وزارت امورخارجه آلمان گرفته بود بطلب کاران خودداد و باچند کامیون و تراکتور در قریه چغادك بکشاورزی مشغول شد و مدت هفت سال در هوای گرم وسوزان این قریه توقف نمود ودرسال ۱۳۰۹ خورشیدی بآلمان مراجعت نمود ودرآنجا فوت کرد .

« کرستوفرسایکس » در کتاب خود مینویسد « در انگلستان « واسموس » را « لورنس » آلمانی مینامیدند هرگاه درکارهای این مرد دلیر و شجاع دقت شود درکوشش و زبردستی از « لورنس » جاسوس مشهور انگلیسی دست کمی نداشت منتهی پیروزی انگلیس‌ها در جنگ بین الملل اول « لورنس » را نیز پیروز ومعروف نمود درصورتیکه شکست آلمان برنام « واسموس» و کارهای بزرك وخطرناك او پرده فراموشی کشید « مستر کلاك » نایب کنسول انگلیس در بوشهر که بعداً نماینده سیاسی در شرکت نفت انگلیس وایران درمسجدسلیمان بود نیز ازسیاست وزبردستی ودلیری « واسموس » تمجید وتوصیف میکرد .

در جنك بین الملل دوم نیز چند نفر از مأمورین زبردست آلمان از جمله « فرانس مایر » و « رومن کاموتا » نمایندگان کارخانه مرسدس

و نیز « شولمان » نماینده کارخانه یونکرس در ایران و « برتولدشولتس » عضو کنسولگری آلمان در تبریز که او پیش‌ازتهاجم آلمانها بر خاك شوروی چند وقتی بقفقاز و نواحی باکو رفته بود و چند نفر دیگر که بعداً در خاك قشقائی آمدند وگفته شد دارای مسلسل نیز بودند و میخواستند بر ضد متفقین دست بخراب کاری بزنند قبل ازشروع بعملیات خوددستگیر شدند ونتوانستند مانند جنك بین‌الملل اول کار مهمی انجام بدهند وسازمان جاسوسی آلمان‌ها در ایران از بین رفت و پیروزی نصیب متفقین گردید .

بوشهر

ریشهر ازشهرهای قدیم ایران است ودرآثار شوش نیز نامی ازآن برده شده و میگویند از بنا های لهراسب بوده و در دوره اردشیر بابکان تجدید بنا یافته درزمان حمله اسکندر رومی که دریاسالار « نیارکوس » بریشهر آمده آنرا موزامبری نامید ودر قرون ۱٦ و ۱۷ میلادی مرکز تجارت خلیج فارس بوده « دوباروس » سیاح مینویسد درقرن ۱٦میلادی خانه های ریشهر بدوهزار میرسید ومردمش دریانورد بودند وشاپور اول آنرا تعمیر نمود ودر سال۱۸ هجری قمری عثمان بن‌ابی‌العاص این‌شهررا متصرف شده - پروفسور « اندریاس » آلمانی در سال ۱۸۷۲ میلادی و « پیزارد» عتیقه‌شناس فرانسوی درسال۱۹۱٤میلادی درخرابه های ریشهر اکتشافات مهمی نمودند که از جمله چند مجسمه فلزی و سکه‌های قدیم وچند لوحه سنگی بخط میخی و چند خمره استخوان مردگان که تاریخ فوت بعضی ازآنها در حدود سه هزار سال پیش بوده و نامشان نیز روی خمره ها نوشته شده بود وبعضی ازآثار قدیم ریشهر اکنون در موزه لور فرانسه موجود است در سال ۹٤۷ قمری حسن سلطان ریشهری حکمران دشتی ودشتستان دردوره شاه طهماسب صفوی ازفرمان‌آنپادشاه

سرپیچی و طغیان نمود و قلعه ریشهر را مستحکم کرده و بالشکریان
شاه طهماسب مشغول جنك شد چون محاصره قلعه ریشهر بطول انجامید
عاقبت بنصایح سادات و بزرگان حسن سلطان تسلیم گردید و او را
از راه شیراز به تبریز بردند و در آنجا بامر شاه طهماسب کشته‌شد ـ
نادر شاه که در صدد تأسیس نیروی دریائی افتاد فرمان داد که الوار
وتخته زیادی ازمازندران برای ساختن کشتی ببوشهر آوردند وبراهنمائی
یکنفر فنلاندی چند کشتی ساخته شد . و از هلندیهای ساکن بندر عباس
تقاضای دو کشتی نمود که مورد قبول واقع نشد ولی شرکت هند شرقی
یك کشتی موسوم به «پتینا» به نادرشاه فروخت «نیبور» سیاح درسال ۱۷۶۱
میلادی که ببوشهر آمده مینویسد چند کشتی که آب خور آنها هریك
۱۲ پا بود در بوشهر دیده است و نادر شاه مرکز نیروی دریائی خود را
در بوشهر تمرکز داده بود ـ در سال ۱۱۵۰ قمری آبادی ریشهر ببوشهر
انتقال‌یافت و همینکه شهر بوشهر احداث شد ریشهر رو بانحطاط گذارد
اکنون قلعه ویرانه موسوم بقلعه سلخ وخندق آن که جز خاك ریزی
بیش نیست در آنجا باقیمانده است. درزمان حکمرانی شیخ ناصرخان آل مذکور
ناخدا باشی کشتیهای نادر شاه فرزند شیخ مذکور که از قبیله ابو مهیو
از اعراب نجد بود بوشهر رو بعمران و آبادی نهاد وبجای حصار قدیم
دیواری با چند برج وبارو اطراف شهر کشیده و بعد از فوت او فرزندش
شیخ نصرخان در سال ۱۱۸۲ قمری حکمران بوشهر گردید وانگلیسها
قراردادی بااو بستند که تجارت خانه دربوشهر تأسیس نمایند وبا موافقت
کریم خان زند عمارت وباغ و زمینی جهت گورستان به‌انگلیسها واگذار
گردید شیخ نصرخان جزیره بحرین را نیز ضمیمه حکومت خود نمود
ولی بعداً اعراب عتوب آن جزیره راتصرف کردندو شیخ نصر درسال ۱۲۱۵ قمری

فوت کرد و پسرش شیخ عبدالرسول خان جانشین پدر گردید و ناحیه دشتی و دشتستان را ضمیمه بوشهر نمود در سال ۱۲۲۰ قمری فرمانفرما والی فارس اورا بشیراز احضار وچندی اورا توقیف نمود سپس شیخ نامبرده را مرخص و بحکومت بوشهر منصوب نمود وچون او قبلا محمد باقر خان وسالم خان را که باعث غارت و بردن مال مردم بوشهر شده بودند بقتل رسانیده بود بهمین جهت بمجرد ورود او بقریه دالکی از طرف خوانین دشتستان محاصره و پس از زدو خورد بین آنها و کشته شدن چند نفر نزدیك بود که اسیر شود باآخرین گلولهٔ که داشت خود را هلاك کرد .

میگویند یکی از کشتیهای متعلق بشیخ عبدالرسول حکمران بوشهر وارد بندر بمبئی گردید و برای احترام یك تیر توپ بسلام مبادرت نمود حکومت بمبئی باین عمل ناخدای کشتی اعتراض کرده و یکهزار روپیه بعنوان جریمه ازناخدا دریافت نمود ولی ناخدا درمقابل پرداخت این مبلغ رسید گرفت درهنگام مراجعت ببوشهر قضیه را بشیخ عبدالرسول گزارش میدهد و شیخ نامبرده بدون اینکه از کنسول انگلیس توضیح بخواهد درصدد معاوضه بالمثل برمیآید پس ازچندی کشتی انگلیسی واردبوشهر میگردد و ناخدای کشتی سه تیر توپ برای سلام مبادرت میکند شیخ عبدالرسول افسر کشتی را گرفتار و مطالبه سه هزار روپیه جریمه مینماید هرچند کنسول انگلیس اعتراض میکند جواب میدهد که طبق معمول حکومت بمبئی عمل شده وبعد از اخذ سه هزار روپیه ناخدای کشتی را رهامیکند .

چون والی فارس ازخوانین دشتستان ازاین قضیه بازخواستی ننمود پسرش شیخ نصرخان دوم برای انتقام خون پدر باچند هزارنفر از اعراب جواسم غفلتاً ببوشهر حمله کرد و نزدیك بود که ارگ را تصرف کند درآن هنگام پادگان نظامی در بوشهر در حدود ٦٥٠ نفر باعده چریك

دشتستانی بود که دلیرانه مقاومت کردند و در زدوخوردیکه بین آنها
درگرفت شیخ‌نصرخان شکست خورده بکشتی‌انگلیسی پناه برد ورضاقلی
میرزا نایب‌الایاله ببوشهر آمده و در کشتی شیخ را ملاقات و تأمین داد
در سال ۱۲۶۵ قمری بهرام میرزا معزالدوله والی فارس حکومت بوشهر
ومضافات را باو واگذار نمود ودرسال بعدکه فیروزمیرزا نصرةالدوله‌بزرك
والی فارس‌گردید شیخ نصرخان را بشیراز خواسته و روانه تهران نمود
وحکومت بوشهر وتوابع آنرا بمیرزا حسینعلیخان نصیرالملك‌واگذارکرد
شیخ نصرخان درتهران‌باکمال عسرت‌وتنگدستی بسر برد مجدداً‌بحکومت
بوشهر منصوب شد ودرسال ۱۲۷۰ قمری فوت نمود وپس ازاوحکمرانی
بوشهر ازدست این خانواده منتزع گردید وحکام وفرمانداران از طرف
والیان فارس ببوشهر اعزام میگردید.

بوشهر تا پیش ازتاسیس راه‌آهن واحداث بندرشاهپور ازمهمترین
بنادر ایران از حیث صادرات و واردات بوده و بازرگانان داخله
از اصفهان ویزد وشیراز وسایر شهرهای دیگر در این شهر مشغول کسب
وکار بودند و در آنزمان جمعیت بوشهر تا شعاع ٦ کیلومتر در حدود
۵۰۰۰۰نفربودنیزچندبنگاه وتجارتخانه‌بیگانه‌ازجمله‌بنگاه‌دکسن‌وشرکاء ـ
گری مگنزی ـ ذگلروشرکاء ـ روبرت ونکهوس‌وسایرنمایندگی‌انگلیسی
و روسی و آلمانی وبازرگانان هندی وعرب دربوشهر مشغول دادو ستد
بودند. نیز نمایندگان کشتی رانی انگلوالجریا ـ بوکنل ـ وست هارلیپول
وآندویرکمپانی وهمبرگ آمریکن‌لین وهنسالین ونمایندگان کشتی‌رانی
روسی‌وژاپونی‌وسایرملل‌دراین‌بندراقامت‌داشتند وامور‌بازرگانی‌ومعاملات
فوق‌العاده رو بترقی و تکامل گذارد وعایدات گمرك طبق آمارگمرکی
چند برابر سایر بنادر جنوب بود اکنون سکنه بوشهر به هفت هزار نفر

تقلیل یافته و اکثر مردمش در نتیجه بیکاری باطراف مهاجرت کرده اند و بنگاهها و تجارتخانه ها همه بسته شده و کسب و کار از این بندر مهم رخت بربسته خانه‌ها اکثر خراب و ویرانه شده سکنه کنونی همه‌مهجور و پریشان و با فقر و امراض و بیچارگی‌دست بگریبانند - سرعت سقوط و انحطاط بوشهر بیش از پانزده سال طول نکشید امید میرود از رسیدن آب‌مشروب ازعالی‌چنگی‌درصورت توجه ومراقبت‌ونیز با لغو وازبین‌بردن انحصارهای بیهوده که جزبضرر دولت وملت نتیجه بدست نیامده این‌شهر مجدداً روبعمران وآبادی رود وسهولتی در امور بازرگانی فراهم شود.

شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی اعتمادیه که در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در بوشهر تأسیس شده و قوای محرك این‌کارخانه بقوه ۷۰۰ اسب و در ۲۴ ساعت با ۱۲۰۰ نفرکارگر مشغول نخ ریسی وپارچه‌بافی است و در ماه ۵۰ تن پنبه مصرف میکند و محصول آن در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در حدود چهار ملیون متر پارچه بوده که در داخله کشور بمصرف رسیده و سرمایه شرکت نامبرده ۱۵ملیون ریال بوده که اکنون نفع سرشاری بسهامداران آن رسیده است. در بوشهر شرکتی به نام شرکت سهامی برق ویخ با سرمایه دوملیون ونیم ریال درشرف‌تأسیس میباشد و این‌کارخانه برق برای آبادی وعمران شهر مفید است در چند سال پیش‌کارخانه برق وکارخانه یخ سازی دربوشهر دایر شده ولی‌اکنون فرسوده و چندان قابل استفاده نیست. نیز دراین شهربیمارستان‌وبهداری وجود دارد ولی‌در بخش‌های‌بوشهر نه پزشك و نه دوادارند ومرك ومیر میان‌مردمش زیاداست. واین بیمارستان دارای ۴۰ تختخواب و از وجوه خیریه این شهر تأسیس شده.

تلگراف بی سیم ونورافکن دریائی برای راهنمائی کشتی ها چند

وازطرف مظفرالدین شاه لقب شیخ‌المشایخی با یکقبضه شمشیر مرصع بشیخ نامبرده عطا گردید (بندر بوظبی یکی از بنادر عمان و حکمران آنجا مستقل میباشد) .

پس از فرار شیخ محمد از لنگه حکومت آنجا بحاج علیرضا خان گراشی حکمران لارستان تفویض شد و پس ازفوت او بعداً حکام بندرلنگه ازطرف فرماندار بوشهر اعزام میگردید .

در سال‌های پیش داد و ستد مروارید در لنگه رونق و رواجی زیاد داشته یکی از سیاحان انگلیسی مینویسد که در سال ۱۸۱۱ میلادی چند کشتی انگلیسی ببندر لنگه آمده و معادل ٤١٠٠٠٠ لیرهٔ طلا مروارید خریداری نمودند- درزمان پرتقالیها درقریه کنگ در چند کیلومتری لنگه آنها ساختمانی برای سکونت خود بنا کرده و در آنجا مشغول امور بازرگانی بودند و تجار درجه اول در این بندر بمعاملات مروارید اشتغال داشتند این بندر دارای ۱۵۰ کشتی بزرك برای حمل و نقل مال‌التجاره بوده ودر حدود ٦۰ کشتی برای صید مروارید داشتند که اکنون اثری ازآنها باقی نمانده است - جمعیت کنونی لنگه رادرحدود ٦۰۰۰ نفر میگویند و اکثر مردمش از شدت فقر و بیکاری ببنادر عمان مهاجرت کردند واکنون جزئی معاملات مرزی در آنجا صورت میگیرد و عمده واردات این بندرازبنادر عمان است- اوضاع لنگه از لحاظ بهداشت و فرهنگ خوب نیست اکنون درآنجا یکنفر پزشك ومقداری دوا در دسترس او گذارده شده که کافی بنظر نمیرسد دراطراف لنگه معادن مس و آهن و درکوه های بستانه در ۱۸ کیلومتری این بندرمعدن بنت‌الذهب و در نزدیك دهستان گزیر معدن گوگردو درنقطه‌دیگر معدن سنك بلوری یافت‌میشود .

آب مشروب لنگه از برکه و چاه است وکشت وزراعت درآنجا

نمیشود و مواد غذائی این بندر را از خارج وارد میکنند و واردات لنگه ازبندر دوبی وسایر بنادر عمان است وصادرات آنجا قالی و گل سرخ است که ازلارمیاورند وبخارجه حمل میکنند که چندان دارای اهمیت بازرگانی نیست ـ بندرلنگه بداخله کشور ازراه لارستان ارتباط دارد وراه ساحلی که چند سال پیش بین بوشهر و لنگه ساخته شد و مبالغ هنگفتی صرف هزینه آن گردید وبرای جلوگیری ازکالای قاچاق بود اکنون بکلی خراب ومورد استفاده نیست ـ لنگه بوسیله تلگراف بی سیم باخارجه و داخله ارتباط دارد و بنادر تابع لنگه عبارتند از بندر دوان ـ کنگ ـ بندر معلم کافرخون ـ مهتابی ـ بستانه و ارتباط این بنادر باکرانه‌های عمان است .

ناحیه دشتستان

ناحیه دشتستان به پنج بخش تقسیم شده شبانکاره ـ انگالی ـ حیات‌داود ـ لیراوی ـ سعدآباد ـ وروحله وهرقسمت بخشداری (ضابط) جداگانه دارد که زیر نظر فرماندار بندر بوشهر اداره میشود ـ ناحیه دشتستان ازحیث کشاورزی بواسطه قنات وخوبی زمین و رودخانه‌ها بهترین ناحیه درجنوب ایران بشمار میرود و دارای قراء و دهستانهای زیاد است ـ سد شبانکاره درسالهای اخیرساخته شده هرگاه استفاده کامل از آن بعمل آید برمحصول آن نواحی خواهد افزود اکنون قسمتی ازنهرهای این سد خراب ولای روبی نشده بنادر دشتستان عبارت ازبندر دیلم ـ گناوه ـ بندرریگ وروحله‌است واین‌بنادردرسمت‌شمال‌خلیج‌فارس واقع شده و ارتباط آنها بابصره وبندرکویت وجزیره بحرین است .

درنزدیکی بندردیلم درقدیم بندری بنام سینیز وجود داشته که‌آباد ومعمور بوده وتجارت و دادوستد آنجا درخلیج‌فارس‌معروفیت‌داشته ودر زمان قرمطیان خراب و اموال مردمش را غارت نمودند اکنون آثار

ویرانه این بندر دریك کیلومتری بندر دیلم باقیمانده است. استخری مینویسد بندر سینیز در قرن دهم میلادی بزرگتر از بندر مهرویان بوده و مسجد و بازاری بزرك داشته ودارای کاخ حکومتی مجللی بوده - حمدالله مستوفی نیز مینویسد درقرن هشت هجری بندر سینیز شهر بزرگی بوده درآنجاانواع پارچه های کتانی بافته میشده و در ٦٠ کیلومتری جنوب شرقی آن بندر جانابا واقع بوده و خرابیهای این بندر اکنون درمغرب گناوه باقیست و بندر جانابا از مهرویان بزرگتر بوده و ابوطاهر مؤسس فرقه قرمطیان درآنجا بدنیا آمده است و بندر مهرویان در نزدیکی رودخانه هندیجان واقع بوده و مردمش اکثر دریا نورد بودند اکنون این بندر ناپدید و ممکن است زیر بستر رودخانه هندیجان فرو رفته باشد .

شهر مهرویان (ماهرویان) که از بلاد قدیمه و در ٦ کیلومتری شمال بندر دیلم واقع شده - حکیم ناصرخسرو درسال ٤٤٣ قمری ازبصره به مهرویان آمده مینویسد مهرویان شهر بزرگی است دارای بازار و مسجدی عالی وچند کاروانسرا که هریك دیواری دور آن کشیده شده و درمحراب این مسجد نام یعقوب لیث صفاری نوشته شده است .

گناوه همان شهر قدیم جانابا بوده که طایفه قرامطه درآنجا سکونت داشتند. درسال ١٨ هجری قمری عثمان بن ابی العاص آنرا تصرف کرد و مقدار زیادی زر و سیم از اهالی گناوه گرفت وبطرف ریشهر حرکت نمود. اکنون آثارمخروبه شهر جانابا درسه کیلومتری بندر گناوه باقیمانده .

بنادر شیبکوه

طول ناحیه شیبکوه ازبندر مغو تابندر مقام درحدود ١٥٠ کیلومتر وعرض آن از ابوالعسکر تابندر چیرو ٤٢ کیلومتر است وضابط آنجا

از خانواده حمادی وعبیدلی میباشند و کرانه آن ناحیه تانزدیک بندرلنگه امتداد دارد ـ بنادر شیبکوه عبارت از بندر مغو ـ حصینه ـ چارك ـ طاحونه ـ کلات عبید ـ جیزم ـ حاله ـ مقام ـ و بستانو است ـ مردم آنجا اکثر دریانورد یا ماهیگیر هستند وهمه فقیر ومستمند و ازلحاظ بهداشت وضعیت این بنادر خراب است. هرگاه پزشکهای سیار گاهی باین بنادر روانه شوند سبب ادامه حیات وامیدواری آنها نسبت بدولت متبوعه خود خواهد بود.

ناحیه تنگستان

مرکز ضابط نشین تنگستان قصبه اهرم است که ٤٨ کیلومتر تا بوشهر مسافت دارد عده سکنه این قصبه را درحدود ٦٠٠٠ نفر میگویند وجمعیت کنونی تنگستان ۲۸۰۰۰ نفر و دارای سی و یك دهستان است محصول این ناحیه گندم و جو، کمی خرما و تنباکو است و مرکبات مانند لیمو ونارنگی درقریهٔ خائیز ازآب چندچشمه مشروب میگردد. مردم تنگستان اکثر کشاورز وسلحشورند و داستان جنگهای تنگستانیها در تاریخ ایران مشهور است ـ مرحوم زایر خضرخان که در زد و خورد بین تنگستانیها و انگلیسیها پیشوا بود شهامت و شجاعت بزرگی از خود بیادگار گذارد و او را امیر اسلام لقب دادند درسال ۱۳٤۰ قمری بدست پسر زایرحسن شمخاری کشته شد. بنادر تنگستان عبـارت از دلوار ـ باشی ـ رستمی ـ بوالخیر ـ عامری ـ بونجی و کری است ارتباط این بنادر با بندر کویت و بحرین است. معدن گوگرد درشمال قصبه اهرم وجود دارد که برای امراض جلدی بسیار نافع است.

ناحیه دشتی

وسعت خاك دشتی بواسطه فلات و دشت هموار قابل مقـایسه

با تنگستان نیست مرکز ضابط نشین این ناحیه در قصبه خورموج است ناحیه دشتی به نه بلوك تقسیم شده وجمعیت آنجارا درحدود ۸۰٬۰۰۰ نفر میگویند اکثر مردمش کشاورز و برخی دریا نوردند وضعیت عمومی آنها از لحاظ بهداشت خوب نیست و بواسطه امراض گوناگون مرگ و میر میان آنها زیاد است اعزام پزشك سیار و دوا در دشتی و نیز احداث راه شوسه کمال‌ضرورت را دارد.

محصول آنجا گندم ـ جو ـ ذرت ـ کمی کنجد ـ تنباکو ـ خرماست این ناحیه دارای چند رشته قنات است و رودخانه موند از خاك دشتی عبور نموده و بدریا میریزد هرگاه سدی در این رودخانه ساخته‌شود سبب عمران و آبادی این ناحیه خواهدبود ومردمش ازبلای قحطی ومجاعه در سالهای خشکسالی نجات خواهندیافت.

وسعت خاك دشتی در طول ۳۶ فرسنك و عرض آن ۱۸ فرسنك و مسافت بین‌خورموج وبوشهر در حدود۷۲ کیلومتر است ـ درکوه‌موند معدن نفت وجود دارد و درچند سال پیش مهندسین معدن شناس شرکت نفت انگلیس و ایران در آنجا مشغول اکتشاف نفت بودند نیز درکوه بیع‌العرم معدن گوگرد ودرکوه بیرمی در شمال قصبه خورموج معدن مومیائی وجود دارد در این ناحیه چشمه سارهای زیاد است و دراطراف خورموج چند رشته قنات های مخروبه بنظر میرسد هرگاه آنها را تعمیر کنند باعث فزونی محصول آنجا خواهد بود ـ بنادر دشتی عبارت از بندر کلات ـ مره ـ هدکوه ـ لاور ـ کبگان ـ بتونه ـ ودیراست درکرانه‌دشتی در شمال‌کوه میردیوان (کوه نمك) کوهی است از شن وریك که زیرآب دریا قراردارد و ۹ کیلومتر ازکرانه دشتی‌فاصله‌داشته وتابندر برده خون ۱۲ کیلومتراست و موسوم به رأس مطاف میباشد و در انتهای رأس مطاف

عمق آب دریا به ٦ متر میرسد واین کوه از بندر تهمادو بطرف دریا کشیده شده طول راس مطاف ۳٤ کیلومتر و عرض آن از ۳ تا ۸ کیلو متر است و تا بندر بوشهر ١٦٤ کیلومتر در تحت مجرای شمال غربی واقع شده و قسمت سفلای راس مطاف بیشتر در آب فرورفتگی دارد و در وسط این نقطه جزیره شیخ کرامه که بدون سکنه است قرار گرفته در این محل عمق دریا کم است و برای عبور کشتی‌ها درهنگام شب خاصه در مواقع طوفان و انقلاب دریا بسیار خطرناکست که اکثر کشتی‌ها شکسته و کالاو مردمش از بین میرود. کوه رأس مطاف همچون زمین باتلاقی کشتی‌را بخود فرومیبرد. نصب فانوس دریائی در این محل برای حفظ جان و مال دریانوردان نهایت ضرورت دارد.

رأس مطاف ۲۸ درجه و ٤۲ دقیقه عرض شمالی و ٥۱ درجه و ۳۷ دقیقه طول شرقی واقع شده است.

بنادر ثلاث

بنادر ثلاث عبارت از بندر کنگان و طاهری و عسلو و بعضی قراء دیگر است و بندر کنگان مرکز بخشدار این ناحیه میباشد که در حدود ۲۱٦ کیلومتری جنوب بوشهر واقع شده و بندر کنگان در سمت شمال این ناحیه قرار گرفته و بین کلیه بنادر جزء آبادتر بشمار میرود.

بخش کنگان طبق تقسیمات کشوری شامل نه دهستان ثلاث ـ مالکی تمیمی ـ آل حرم ـ جم ـ گله‌دار ـ راوی ـ تراکمه ـ وعلامردشت میباشد که مرکز آنها بندر کنگان است و در آخرین نقطه شمال این بخش قریه بنگ است که در یك فرسنگی شمال کنگان واقع شده وجزء ناحیه دشتی است ـ عمران و آبادی بندر کنگان از سال ٤۰۲ قمری شروع شده و از ابنیه و آثار قدیم معلوم میشود که درسیصدسال پیش این بندر معمور بوده

و در سال ۱۲۵۹ قمری در اثر بروز طاعون عده زیادی ازسکنه آنجاتلف شده و از آن زمان دیگر بندر کنگان رو بعمران اولی خود نرفت واکثر مردمش از اعراب مهاجر بوده که در پشت کوه و باوك زیر دارای املاك وعلاقه بودند.

بندر طاهری همان شهر سیراف قدیم است که در ۳۶ کیلو متری جنوب کنگان واقع شده میگویند شخصی بنام طاهر عرب در این بندر سکونت داشته و امروزه این بندر بنام او مشهور شده ـ مردم آنجـادر سال های پیش بامور غواصی وصید مرواریداشتغال داشتنداکنون بواسطه کسادی بازار تجارت مروارید ازغواصی دست کشیده بامر کشت وزراعت مشغولندو نیزعده ماهی گیر واکثرمردم بنادرثلاث دریانوردندو بهندوستان وبصرهمسافرت مینمایند ازسه‌سال پیش که عده زیادی ازاهالی‌این‌ناحیه به سواحل‌عمان مهاجرت کرده بودند اکنون در اثر تشویق مشایخ آل‌نصور و مساعدتی که نسبت بآنها شده مجدداً باوطان خود باز گشته اند ـ در ناحیه بنادر ثلاث زمین برای کشت و زراعت بحدکافی نیست ومردم گندم و سایر مواد غذائی ازگله دار و زیر و سایر نقاط دیگر تهیه میکنند ـ در حدود چهارصد سال پیش تاکنون مشایخ آل نصور از قبیله مناصیر که از اعراب نجد هستند دراین ناحیه حکومت‌دارند وجد اعلای آنهاشیخ‌محمد آل نصور بوده او باعده از بستگان وقبیله خود ازنجد بشبه جزیره ناو بند که در ۷۸ کیلومتری جنوب غربی بندر کنگان است آمده وچون‌دارای مواشی و اغنام زیاد بودند املاکی را در ناوبند و نواحی آن از قبیله بنی مالك ونیز املاکی از نخل تقی تا بندر کنگان و بنگ ازاهالی اسیر و املاك زیررا از مردم آن حدود خریداری نمودند (بنی مالك طایفه‌از اعراب در دهستان مالکی سکونت دارند) نواده شیخ محمد آل‌نصورشیخ

جباره آل نصوراست که مرکز حکومت آن بندرکنگان بود و املاك زیر متعلق بشیخ‌خاتم فرزندشیخ جباره‌حکمران‌بحرین‌بوده‌است و نیزدرآنموقع دولت ایران حکومت بلوك جم را به شیخ جباره تفویض نمود اکنون قلعه شیخ جباره معروف به قلعه‌کهنه و محل سکونت اقوام مشایخ آل نصور میباشد.

آل نصور درقدیم دارای‌کشتی های بزرك برای‌جلوگیری‌ازدزدان دریائی‌که معروف باعراب جواسم در خلیج فارس بوده و نیزپناهگاهی در خورگرم درکرانه دشتی و در بندرکنگان و سایر نقاط ساحلی ساخته و با جدیت وکوشش خستگی ناپذیری از دزدان دریائی ممانعت میکردند اکنون آثار بعضی ازاین پناهگاهها باقیمانده‌است.

در جزیره شیخ‌شعیب که در چندکیلومتری سمت غرب بندر مقام واقع شده و از متصرفات شیخ جباره بوده پناهگاه دریائی‌برای‌این‌منظور وجود داشته ـ املاك مشایخ نامبرده ازقریه بنگ تاحدود هشنیزدرجنوب گاوبندی توسعه داشته و در آن زمان مشایخ ناحیه شیبکوه‌که اکنون از جنوب گاوبندی تا نزدیك بندر لنگه سکونت دارند در آن نواحی‌نبودند.

شیخ مذکور فرزند شیخ جباره در زمان فرهاد میرزا معتمدالدوله که والی فارس بود مورد غضب واقع گردید و پس از مدت شش‌ماه زد و خورد و محاصره قلعه کلات سرخ بالاخره ازطرف سرکرده قشون‌تأمین یافت و تسلیم گردید سپس اوراروانه شیرازنموده و در آنجا اعدام‌کردند. از آن زمان املاك مشایخ نصوری از تصرف آنها خارج گردید و شیخ حسن فرزندشیخ مذکور با خانواده خود ببحرین و مسقط مهاجرت‌نموده و پس از چند سال بمیهن خود بازگشتند و تاکنون که بازماندگان مشایخ آل نصور درگاوبندی وتا نزدیك بندرکنگان سکونت دارنداملاك

خود را در پشت کوه وسایر نقاط دیگر بازنیافتند .

در زمان حکمرانی شیخ مذکور چون برادرش شیخ حسن‌دربندر عسلویه بدست‌مشایخ‌آل حرم‌کشته شده بود شیخ مذکور بربندر نامبرده هجوم آورد و جنگی شدید بین طرفین درگرفت‌که در نتیجه چند نفر از مشایخ آل حرم‌کشته شدند وبندرعسلویه‌نیز خراب گردید وتنهاکسیکه‌از اولاد مشایخ آل‌حرم نجات یافت شیخ‌احمدحرمی بود که ازآنجافرار کرد وبدون‌اولاد فوت نمود .

اکنون مشایخ آل نصور ازبندر کنگان تاگاوبندی که در حدود ۱۳۲ کیلومتر است نفوذ و تسلط دارند و برخلاف اجداد خود به شهرت خوب و حسن خدمت خاصه در توسعه فرهنك آن حدودمعروفند وشیخ سلیمان نصوری فرزند شیخ خاتم که سمت ریاست آن خانواده را دارد از طرف دولت بخشدار بنادر ثلاث است وباعث‌آبادی وعمران‌آنجا ورفاهیت مردم آن ناحیه گردیده که موجب تحسین است .

سیراف

خرابی و سقوط سیراف از زمان عضدالدوله دیلمی بوده چون حکمران سیراف عدم اطاعت خود را نسبت بعضدالدوله نشان داد او این بندر مهم را مدت دو سال بمحاصره درآورد در این مدت مردم سیراف بتدریج شهررا تخلیه وپراکنده شدند پس ازسقوط آن شهرسکنهٔ درآنجا وجود نداشت و از آنوقت سیراف موقعیت خود را ازدست داد ـ اولـین اروپائی که راجع بسیراف نوشته مستر «کمپتون» عضو دریائی انگلیس است که خود آن‌شهررا دیده‌است و درکتاب خود می‌نویسد« بندرسیراف بمسافت کمی ازبندرطاهری درکرانه دریا واقع شده در آنجاابنیه‌وعمارات مخروبه‌و آب انبار ها بحال ویرانه باقیمانده و ظروف سفالی وقطعـات

چینی شکسته بنظر میرسد و از کلیه ابنیه مسجد خرابه‌ای که از سنك های تراش ساخته شده و در نزدیك آن قناتی خشك و چند لوحه سنك قبور که بخط کوفی در آنجا وجود دارد و یکی از این لوحه ها که تاریخ قرن دهم میلادی را داشته اکنون در موزه بریتانیا درلندن‌میباشد درسیراف‌دخمه های‌زیاد که قبور زردشتیان بوده وجوددارد میگویند شهر سیراف‌راکیکاوس‌بناکرده وازآثار خرابه‌ها میتوان‌حدس زدکه ازسال‌های متمادی پیش از احداث شهراسلامی‌سیراف درازمنه قدیم معموروسکون و در مدت چهار قرن آباد و بندر مهم فارس بوده و تا شیراز ده‌منزل‌راه مسافت داشته و کالا ومسافرین از این دهستانها گذشته بشیراز میرفتند.

ابوزید سیرافی که در قرن نهم میلادی می‌زیسته شرحی راجع‌باین شهر نوشته است - استخری در قرن دهم میلادی می نویسد « بعدازشیراز سیراف مهمترین شهرهای فارس است و از حیث وسعت تقریباً به اندازه شیراز بوده و خانه های آنجا از سنك و چوب های ضخیم ساختـه شده ودارای چندطبقه بوده وجمعیت‌آنجا زیادوآب‌مشروب گواراومیوه‌آنجارا ازکوه جام‌میآورند- واردات سیراف عبارت‌ازعودوعنبر - کافور- خیزران- عاج - تخته آبنوس - کاغذ - صندل - ادویـه - عطریات هنـدی و انواع پارچه های ابریشمی و منسوجات کتانی و نیز مروارید در این بندر داد و ستد میشده ».

مقدسی‌مورخ معروف عرب‌می‌نویسد « بندر سیراف ازحیث‌اهلیت تجارت بابصره رقابت میکند و خانه‌ها و عمارات عالی چند اشکوبه‌دارد و در سال ۳٤۷ هجری زلزله‌شدیدی که مدت هفت‌شبانه روزادامه داشته در آنجا حادث شده وخرابی زیاد باین‌شهر واردنمود».

سیراف در حدود سال ٤۲۵ هجـری پس از انقراض حکمرانی

آل بویه روبانحطاط و خرابی گذارد و ویرانی این بندر بعد از آن بحد کمال رسید سپس جزیره گیش رو بعمران و آبادی نهاد .

در سال ۳۷۲ قمری صمصام الدوله دیلمی که در قلعه پهن زندانی بود ازمحبس فرارکرده و ببندر سیراف آمد وچندی در آنجا توقف نمود که بعد برفارس استیلایافت . زمانیکه ملوك بنی قیس حکومت سیراف را داشتند خمارتکین در دو نوبت بر سیراف حمله نمود ولی پیشرفتی نکرده بشیراز برگشت .

دربارهٔ استعداد اهالی سیراف مورخین اسلام مطالب مهمی نوشته‌اند از آن جمله مقدسی میگوید دریا نوردان سیراف برتمام دریا های عالم آشنائی دارند وکشتی رانی میکنند و مسعودی اشاره بشرکت‌های کشتی رانی می‌نماید که مسافر و کالا ببنادر چین حمل میکردند منجمله شرکت محمد زند و برادرانش رانام‌میبرد ـ دریانوردان‌سیرافی‌درعمل کشتی‌رانی اختراعاتی هم کرده بودند از آن جمله چرخ و ریسمانی اختراع کرده بودند که دراثنای حرکت کشتی‌بازمیشد و بدانوسیله مسافتی‌راکه کشتی طی میکرد معلوم مینمودند .

بندر عباس

بندرعباس همان بندر کامبرون است که از نقاط تابعه چرون بوده این‌بندررا امام قلیخان پسر اللهوردی‌خان والی فارس درسال ۱۰۳۲قمری احداث نمود اکنون به پنج ناحیه تقسیم شده در زمان پرتقالیها برای دفع حمله دزدان دریائی در آنجا استحکاماتی بنا کرده و کامبرون (کامبارو) نامیدند واین‌قریه مسکن ماهیگیران‌بود پس‌ازآنکه‌جزیره‌هرمز بتصرف شاه‌عباس درآمدوبندر عباس احداث گردید به امر آن پادشاه عده ازمردم‌هرمزبه بندرعباس‌انتقال‌یافتندو تجارت آنجارونق گرفت‌ونیز بهلندیها

و انگلیسیها اجازه‌داده شد که تجارتخانه‌های خودرادر آن بندرتأسیس کنند
و هلندیها نیز قلعهٔ برای حفاظت و دفاع از حملات مهاجمین ساختند -
اولین نماینده انگلیس که به ایران آمد وبدربار شاه عباس به اصفهان رفت
« سرداد مرکاتن » بود که در بندر عباس پیاده گردید - این بندر
در چند موقع مورد حمله بلوچها واقع شده ولی موفق نشدند اموال
هلندیها را غارت نمایند و خسارت و خرابی زیادی بشهر وارد نمودند
در سال ۱۷۵۹ میلادی فرانسویها به تجارتخانه انگلیسیها حمله کرده
و کارخانه ومخازن کالای آنهارا آتش زدند در نتیجه بازرگانان انگلیسی
مرکز تجارتخانه خودرا ببوشهر انتقال دادند .

لطیف خان از طرف نادرشاه مأمور گردید به بندرعباس آمده
و با نمایندگان شرکت انگلیس راجع بفروش چندکشتی مذاکره نماید
ابتدا جواب مساعدی باو داده نشد ولی در اثر قدرت روز افزون نادر
مجبور شدند دو کشتی و چند قایق در اختیار لطیف خان بگذارند
وسپاهیان نادری توانستند برمحمد خان بلوچ غلبه و او را دستگیر کنند .

دردوره فتحعلی‌شاه وهم درزمان ناصرالدین‌شاه چندبار بندرعباس
در اجاره سید سعید والی مسقط بود و ازطرف او شیخ سیف حکمران
آن‌بندربوده چون مال‌الاجاره بندرعباس بتأخیر افتاد به‌امر ناصرالدین‌شاه
طهماسب میرزا مؤیدالدوله والی فارس مأمور تصرف آنجا گردید با عده
قشون وچهار عراده توپ عازم بندرعباس شد وپس ازچند روز زدوخورد
شیخ سیف تاب مقاومت درخود ندید وبا شیخ عبدالرحمن قشمی از آنجا
فرار کردند بعد ازهزیمت اعراب مؤیدالدوله عباس خان را با ۱۲۰۰ نفر
و دوتوپ برای حفاظت بندر عباس برگماشت وخود بشیراز مراجعت کرد
وچون هوای‌آنجا رو بگرمی رفت وافراد پادگان مریض وفرسوده‌شدند

سیدسعید موقع‌را مناسب‌دیده مجدداً فرزندخود سیدثوینی‌را باسه‌هزارنفر روانه بندرعباس‌نمود وآنجارا تصرف کرد چون این‌خبر بمؤیدالدوله‌رسید بار دیگر فرزند خود عبدالباقی میرزا را مأمور تصرف آن بندر نمود او بادوفوج پیاده نظام وچهار توپ ازراه فسا و داراب روانه بندر عباس گردید ازآنطرف محمد حسن‌خان سردار ایروانی والی کرمان بامردولت پسر خود عبدالحسین خان را باعده قشون وچریك وسه هزار خروارغله ازکرمان حرکت داده در ایسین وتازیان بعبدالباقی میرزا پیوسته باتفاق وارد بندر عباس شدند مجدداً جنگی شدید با سید ثوینی در خارج شهر درگرفت اعراب برج و بارو را ترك نموده بقلعه پناه بردند و سید ثوینی باخواص خود فرار کردند سپاهیان ایران قلعه‌را محاصره و سیصدنفر از اعراب را که در آنجا محصور بودند بقتل رسانیدند و کلیه مقتولین اعراب دراین جنك ازسه هزارنفر بیشتربود ـ چون سیدسعید والی‌مسقط دیدکه نمیتواند بوسیله زور بندر عباس را تصرف کند ازدرمسالمت‌درآمد و بوسیله حاج عبدالمحمد ملك التجار بوشهری عریضه‌ای بتوسط چندنفر ازبستگان خود بهمراهی احمد شاه کلانتر میناب بادوازده هزار تومان و چند رشته مروارید و چند رأس اسب‌عربی بدربارناصرالدین‌شاه روانه تهران نمود مجدداً بندرعباس باپرداخت شانزده هزار تومان درسال‌باجاره والی مسقط داده شد ـ که ناحیه شمیل وبندر میناب جزء اجاره او بود پس‌ازفوت سیدسعید امامت مسقط بسید سالم بن‌سید ثوینی رسیدبواسطه ظلم وآزار مردم مسقط از او ناراضی بودند بعلاوه در بندرعباس وتوابع مالیات چند برابرمال‌الاجاره ازمردم وصول مینمود ازطرف ناصرالدین‌شاه حسام‌السلطنه که والی فارس بود مأموریت یافت که بندر عباس‌را تصرف نماید او ازشیراز حرکت‌کرده وبداراب آمد ومهدیقلی میرزاسهام‌الملك

والی لارستان را مأمور تخلیه بندر عباس نمود- سهام‌الملك کدخدایان وخوانین لار وسبعه را مجرمانه به‌بندرعباس‌روانه کرد سپس خودباعده‌ای به بندرعباس رفت ومقدمات ورود والی فارس‌را مهیاساخت‌حسام‌السلطنه از فرك وطارم وسبعه گذشته وارد بندرعباس شد چون سید سالم مستظهر بحمایت انگلیسیها بود بکنسول انگلیس نامه نوشت وطلب‌مساعدت نمود ولی ازطرف سرکنسول انگلیس جواب بطول انجامید و حسام‌السلطنه بندر عباس وشمیل ومیناب را ضمیمه لارستان کرده وبسهام‌الملك تفویض نمود وبشیرازحرکت کرد - بعدازچندی‌حکمرانی‌بندرعباس‌به‌اسدالله‌میرزا نایب‌الایاله که فرماندار بوشهر نیز بود واگذار شد سپس حاج احمدخان بحکومت این شهر برقرارگردید . در دوره فرهاد میرزا معتمدالدوله حکومت لارستان و سبعه و بندرعباس بمیرزا حسینعلیخان نصیرالملك تفویض شد اکنون فرمانداران بندرعباس از تهران اعزام میگردند .

جمعیت‌کنونی بندرعباس را درحدور ۱۷،۰۰۰ نفر میگویند اکثر بازرگانان این بندر ازلنگه وسایر شهرهای دیگر درآنجا مشغول کسب و تجارت هستند و عمده واردات بندرعباس بوسیله قاچاق از بندر دوبی و سایر بنادر عمان وارد میگردد هوای این بندر در تابستان بسیار گرم وغیر قابل تحمل میباشدآب مشروب اهالی درسالهای پیش ازچاه یابرکه بود ولی بعداً آب مشروب از نای بند بوسیله قنات بشهر وارد میشود که اکنون خراب و مورد استفاده نیست وضعیت این بندر از لحاظ فرهنگ وبهداشت‌خوب نیست درآنجا یك بیمارستان بیست‌تختخوابی ویك‌پزشك وجود دارد ولی‌وسائل‌ودوای‌کافی‌دردسترس‌ندارد وحوزه فرهنگی‌میناب- چابهار - قشم و هرمز تابع بندر عباس میباشد و هزینه فرهنگی تکافوی امور معارفی آنجارا نمیدهد .

اخیراً در بندر عباس کارخـانه ریسندگی تاسیس شده ودرنای بند نیز کارخانه کنسروماهی ساخته‌شده که محصول آنها درداخله کشوروخارج بمصرف میرسد ـ در قلعه هلندی‌ها ساختمانی برای اداره گمرك بنا گردیده و در جلوی آن سدی بطول ۲۵۰ متردردریاکشیده شده که کالاومال‌التجاره بوسیله قایق درآنجا پیاده و در انبارهای گمرك نگاهداری می گردد.

صادرات بندرعباس عبارت ازقالی ـ کتیرا ـ پشم ـ پوست ـ حنـا ـ انقوزه ـ رونیاس ـ گل‌سرخ ـ خشکبار است. بلوك رودان و احمدی در سمت شمال بندر عباس واقع شده ومحصول آنجا غله ـ خرما ـ کمی برنج میباشد که قسمتی از آب رودخانه مشروب میگردد اکثر مردم این نواحی شریر وراه زنند و مسافرت درآن‌حدود خالی ازخطر نیست بنادر بستانو خمین ـ خانه سرخ ـ گچین ـ سررون تابع بندرعباس‌است ومردمش بیشتر ماهیگیریا دریانوردهستند .

پس از چند روز اقامت در بندرعباس بعزم کرمان حرکت کـردم کوه گنو در۲۷ کیلومتری این بندرواقع شده برای ییلاق و فراراز گرمای سوزان بندرعباس محل خوبی است ارتفاع کوه گنو ۷۰۰۰ پا است و در دامنه این کوه چشمه گوگرد وجود دارد که‌نهری بعرض ۳۰ذرع تشکیل میدهد و حرارت آب این چشمه به ۱۱۳ درجه میرسد و برای امـراض جلدی استحمام در آن مفید است پس‌ازطی‌چند کیلومتر درمحلی که‌جاده بچهار راه منقسم‌میشود رسیدم‌که یك‌راه بین‌تنك‌زندان ودیگرازراه‌تنگ نودان و جاده دیگر از تنك رودان بکرمان میرود که در ازمنه قدیم از طرق مهمه بوده و اکنون کمتر در این جاده آمدورفت میشود وراه‌غربی که از سیرجان میگذرد درآنجا بدو جاده منشعب میگردد یکی‌بطرف‌یزد و راه دیگر کرمان ویزد را در سمت غرب رفسنجـان از هم جدا میکند

که یکی بکرمان امتداد دارد وراه دیگر از طریق منوجات بنرماشیر و بافت و بردسیر بکرمان میرسد این جاده بی آب و علف و پرخطر میباشد.

راه شوسه که اکنون مورد استفاده است از تناك زاغ میگذرد که بسیار خراب و پستی وبلندی زیاد دارد گویا بعد از احداث تعمیر نشده در انتهای تناك زاغ دره عمیق و مخوفی وجوددارد درآنجا پاسگاه مأمورین امنیه واقع شده درخارج آن محل بواسطه درخت واشجار و آب جاری منظره بسیار با صفائی دارد - دهستان بین راه عبارت از سعادت آباد - حاجی آباد - علی آباد - سعیدآباد و چند قریه دیگر است چون راه طولانی و خسته کنندهٔ بود چند ساعت درقصبه حاجی آبادتوقف نمودم - عده سکنه این قصبه کمتر از یکهزار نفراست دارای نخلستان فراوان ومحصول آنجا غله - حبوبات - میوه وخشکبار است که از آب قنات مشروب میگردد پس از طی ۳۰ کیلو متر از قصبه علی آباد گذشته وارد سیرجان شدم مسافت بین بندر عباس و سیرجان درحدود ۳۶۹ کیلو متراست راه شوسه که مسیر ماست بسیارخراب واکثر ناامن وخطرجانی ومالی دربردارد.

سیرجان

مرکز سیرجان قصبه سعید آباد است که گویا میرزا سعید نامی آنرا بنیاد نموده محلی است حاصلخیز و دارای چند دهستان آباد از جمله قصبه زیدآباد میباشد ناحیه سیرجان وبردسیر قابل هرنوع کشت وزراعت است ولی کمی آب مانع فزونی زراعت آنجا گردیده محصول اطراف سیرجان عبارت از غله - پنبه - تریاك - پسته - خشکبار است که از آب چندرشته قنات مشروب میگردد و محصول پشم آنجا زیاد وقالی های خوب ومرغوب

در آن ناحیه میبافند وعمده صادرات سیرجان قالی وخشکبار است .

جمعیت سیرجان را درحدود ۱۰۰۰۰ نفر میگویند و اکثر مردم آنجا کشاورزند . در ۸ کیلومتری سعیدآباد که معروف بسیرجان کهنه است قلعه سنك یا بیضا اکنون خرابهٔ بیش نیست وجود دارد این قلعه در قرن هفتم هجری قمری معمور بوده و امیر تیمور آنرا فتح نمود . مرکز ناحیه بردسیر قصبه مشیز است دریك کیلومتری این قصبه آثار خرابهٔ بنظر میرسد و مقبره پیرجاسوس در آنجا واقع شده در قسمت داخلی این مقبره کتیبه بخط کوفی دیده شد که بعضی کلمات آن از بین رفته است ـ قصبه مشیز زمانی در تصرف آقاخان محلاتی معروف بوده و بعد به بم رفت و پس از مغلوبیت بطرف هندوستان فرار نمود و وارد ناحیه سند گردید ـ چون در آن موقع انگلیسها با امرا و بزرگان سند در مشاجره و نزاع بودند بوسیله آقا خان کار بمصالحه انجام یافت و آقاخان از سند ببمبئی رفت و مریدانی بنام خوجه آقاخانی بدور او جمع شدند اکنون عده زیادی از پیروان آقاخان در هندوستان و افریقا و در قصبه سده واقع بین بیرجند و قائق نیز در سیرجان طایفه عطاء اللهی وجود دارند و هرساله نذوراتی برای آقاخان میفرستند و آرامگاه ابدی او در بمبئی است که زیارتگاه خوجه ها میباشد .

اکنون نواده او سلطان محمد شاه سمت ریاست فرقه خوجه را دارد و طبق معمول هرساله روز تولد او جشن ها برپا میشود و نذوراتی تقدیم او میکنند. درسالهای پیش مقداری طلا بوزن او از طرف خوجه ها داده میشد که بالغ بر بیست هزار لیره بود که برای مصارف خیریه اختصاص داشته ولی درسال گذشته که جشن شصتمین سال او از طرف پیروانش برپا شد مقدار شش هزار قیراط الماس (۱۲۰ کیلوگرام) ببهای چهار صد هزار لیره برای این منظور تقدیم او گردید که بمصرف امور خیریه برسد .

وهزارها نفر ازاغنیاء ومتمولین پیروان آقا خان از اطراف و اکناف برای حضور در این جشن بشهر بمبئی آمده بودند .

اینکه‌بعضی عقیده دارند که پیروان آقاخان‌از فرقه اسمعیلیه‌هستند صحیح‌نیست زیرا فرقه اسمعیلیه شش‌امامی وتابع‌احکام اسلامند و بزیارت قبور شش امام میروند ولی پیروان آقاخان همان فرقه خوجه میباشند که بدستور آقاخان عمل می‌نمایند .

پس ازچند ساعت توقف از این شهر عازم کرمان شدم مسافت‌بین سیرجان وکرمان در حدود ۱۸۵ کیلومتر است و جاده خراب و نشیب وفراز زیاد دارد

کرمان

کرمان یکی‌ازشهرهای قدیم‌ایران‌است که دارای‌آب‌وهوائی‌معتدل ومخصوصاً منظره آسمان این شهر در شب ها بسیار صاف و شفاف است در قسمت جنوب غربی آنجا تپه هائی ازریگ وشن متحرك تشکیل‌شده که در هنگام وزیدن باد تولیدگرد وغبار می‌نماید ـ کرمان دربدو ظهور اسلام در تصرف اعراب درآمد و در سال ۱۰۴۲ میلادی ملك قادورنامی حکومت مستقلی در آنجا تأسیس نمود و جانشینانش تا مدت یك قرن ونیم درکرمان حکمرانی‌میکردند ـ در زمان حمله چنگیز براق حاجب نامی در آنجا حکومت داشته و پس از حمله مغول حکومت موروثی‌در کرمان از بین‌رفت درآن موقع کرانه عمان و ساحل خلیج فارس نیزجزء قلمرو کرمان بود .

« مارکوپولو » کشیش وسیاح معروف که در اواخرقرن۱۳ میلادی بکرمان آمده می‌نویسد« بعد ازحمله مغول تاتارها هرکس راکـه میل داشتند‌بحکومت کرمان‌روانه‌میکردند»درکرمان آثارقدیمی‌زیاد وجوددارد

و برخی از آن آثار بواسطه وقوع زلزله از بین رفته است ـ قلعه اردشیر در مشرق کرمان و قلعه دختر از آثار تاریخی است نیز بنای آتشکده و نقاره خانه که اکنون باقیمانده و گنبد سبز (گبر) که تاریخ بنای آن معلوم نیست در چند سال پیش بواسطه زلزله خرابی زیادی باین گنبد وارد شده دراین محل پادشاه خاتون دختر ترکان خاتون دفن گردیده میگویند پادشاه خاتون زوجه کیخاتون بود و او برادرخود موسوم بسیورغیتمش را خفه نمود درنتیجه این عمل شوهر وخواهرش برعلیه اوقیام کرده واورا کشتند ـ مدرسه گنجعلیخان اکنون معروف بکاروانسرای گنجعلیخان است در سال ۱۰۰۷ قمری در دوره صفوی ساخته شده (گنجعلیخان از طرف شاه عباس والی کرمان بوده وبعد مأمور قندهار شد ودرآنجا فوت نمود) مسجد خواجه خضر ومسجد پامنار طبق کتیبه درسال ۷۹۳ قمری بناشده اکنون قسمتی از قاعده منار آن باقیمانده میگویند این مسجد و منار در زمان عادل شاه بنیاد شده ـ مسجد جامع کرمان طبق کتیبه تاریخ بنای آن در سال ۷۵۰ قمری بوده و امیر مبارزالدین محمد مظفر آنرا ساخته و درسال ۱۱۷٦ قمری تعمیر گردیده کاشی کاری که دراین مسجد بکاررفته ازشاهکارهای صنایع ایران است اکنون قسمتی ازبنای این مسجد خراب شده . مقبره خواجه اتابك که ازبناهای دوره سلجوقیان بوده نمونه کاملی از تزئینات گچبری درقرن پنجم هجری قمری میباشد درقسمت داخلی آن بنای مربعی است که طول هریك از اضلاع آن چهار متر ونیم وشکل خارجی این بنا هشت ضلعی بوده اکنون قسمت شمالی آن خراب شده فقط دیوارهای شرقی و غربی آن باقیمانده است .

آرامگاه شاه نعمةالله ولی که مردی روحانی و صوفی مسلك بوده وزیاده ازیکصد سال درجهان زیسته وپیشگوئیهای او که بحقیقت میرسیده

در۳۶ کیلومتری جنوب شرقی کرمان درقصبه ماهان واقع‌شده طبق کتیبه بنای آنرا احمد شاه دکنی ازخاندان بهمندی که از جمله مریدان او بود نموده است .

بنیاد این ساختمان درسال ۸٤۰ قمری بوده سپس شاه عباس‌بزرگ و بعد محمد شاه قاجار ملحقات آنرا ساختند ـ درچند کیلومتر اطراف این بنارا باغات ومزارع احاطه کرده ودرقسمت غربی آن صحن وسیعی که دیوار هایش از کاشی ممتاز بکار رفته و دو منار این ساختمان را محمد اسماعیل وکیل‌الملك بنیاد نموده است ـ درچند سال پیش قسمتی ازاین بنا دراثر سیل خراب شدکه بعد تعمیر گردید ـ دو دبستان پسران ویکدبستان دختران ازعایدات موقوفات شاه نعمةالله ولی در قصبه ماهان تأسیس شده است ـ

برخی ازمورخین بنیاد شهر کرمان‌را از اردشیر مینویسند وزمانی ابوعلی بن‌الیاس ازطرف سامانیان درکرمان حکومت داشته بعد مرکز حکمرانی خودرا بسیرجان سپس به بردسیر انتقال داد که حاضر بدفع و جلوگیری از تهاجم آل بویه باشد چون ابو علی با پسرش بزدوخورد مشغول شد امیر عضدالدوله دیلمی ازموقع استفاده کرده وبه کرمان حمله نمود وآنجارا تصرف کرد ـ درقرن ششم هجری قمری طغرل‌بیك‌سلجوقی برادرزاده خودملك قاودررا بکرمان روانه نمودوآنشهررا بتصرف‌درآورد و اعقاب او تامدت یکصد و سی و هشت سال در آنجا حکومت داشتند درهنگام تسلط غزها حکمرانی آن سلسله منقرض و ازبین رفت وچندی در استان کرمان ناامنی و هرج و مرج برقرار بود تااینکه براق حاجب کرمان را تسخیر نمود وخودرا قتلغ بیگ‌نامید وخاندان او تاچند سال درکرمان حکومت میکردند سپس مبارزالدین حکمران کرمان شد

وبرادرش عمادالدین بنیاد مسجد پامنار نمود وبعد کرمان بتصرف تیموریان درآمد وشاهرخ فرزند امیر تیمور حکمران آنجا گردید وپس از انقراض تیموریان تا چندی استان کرمان در تصرف ترکمن‌ها بود و شاه اسمعیل صفوی آنجارا از دست آنها منتزع و تا اواخر صفویه آن استان در امن وآرامش بود ـ در سال ۱۱۳۱ قمری محمود افغان بر کرمان تسلط یافت ولی سپاه نادر افاغنه را از آنجا بیرون نمود پس ازمرگ نادرشاه احمدشاه درانی بکرمان حمله نمود و خسارت زیاد براین شهر وارد آورد و در هجوم آغا محمد خان خواجه تلفات وصدمات زیاد برمردم این شهر افزوده گردید که دیگر کرمان روی آسایش وآبادی بخود ندید ودچار ویرانی شد.

مدارس قدیمه ازجمله مدرسه معصومیه ـ محمودیه ـ وابراهیمیه وقیصریه وحمام و آب انبار از بناها وآثار نیك مرحوم ابراهیم خان ظهیرالدوله ومحمداسماعیل خان وکیل الملك و بعضی ابنیه دیگر آنجارا گنجعلیخان ساخته است.

جمعیت شهر کرمان را در حدود ۶۰،۰۰۰ نفر میگویند مردمش اکثر مهمان نواز و دارای هوش وذکاوت خاصی میباشند و افیون وتریاك درآنجا رواج زیاد دارد و چون عده زیادی مشغول قالی بافی هستند بواسطه عدم بهداشت و حفظ الصحه اکثر ضعیف البنیه و ناتوان و قادر بکار دیگر ازجمله کشاورزی نیستند بنابرین بیشتر آنها فقیر و امور زندگانی خودرا بزحمت و مشقت میگذرانند .

قالی و شالهای بافت کرمان بهترین متاع ایران است که دردرجه اول واقع شده ـ کارخانه قالی بافی وتصفیه پشم ارجمند وکارخانه قالی بافی آمریکائی وکارخانه ریسندگی شرکت خورشید وچنددستگاه قالی بافی دیگر در کرمان وجوددارد که درخارجه وداخل کشور قالیهای آنها معروف است ·

آب مشروب کرمان کم است وچند رشته قنات از دامنه کوه هــای ماهان و جوپار احداث شده و آب واردشهر میگردد - محصول استان کرمان عبارت ازغله - حبوبات - تریاك - کتیرا - انغوزه - خرما - حنا - رونیاس ودربخش های گرمسیر همه نوع میوه ومرکبات بعمل میآید ومحصول پشم وپنبه آنجادردرجه اول قرار دارد که بمصرف کارخانه های قالی بافی میرسد کرمان دارای چندمریضخانه است ازجمله مریضخانه مرسلین ودیگر مریضخانه نوریه که ازآثار خیرمرحوم نورالله ابراهیمی میباشد واداره بهداری دولتی وجوددارد ولی ازلحاظ بهداشت اوضاع این شهرخوب نیست .

دراستان کرمان خاصه در بخش آور وکوه بنان معادن مس فراوان که معروف ببحر آسمان است وآهن ومنگنز وسرب ونقره و پنبه کوهی وجود دارد که تاکنون استفاده ازاین معادن نشده است - این شهر دارای چندین عمارت وساختمانها وچهار خیابان وسیع میباشد ولی اکثر کوچه ها تنك وکثیف است - راه شوسه عبارت از جاده کرمان ببندر عباس کــه خراب و نشیب و فراز زیاد دارد دیگر راه کرمان بزاهدان است هرگاه این جاده ها تعمیر و مرمت شود هزاران افراد بیکار این استان مشغول کار و کمك در امور معیشت و رفع بیچارگی مردم آنجا خواهد شد .

در انتهای استان کرمان در سمت صحرای لوط قصبه کــوه بنان واقع شده معروفست هنگامی که سپاهیان آلپ ارسلان از این بیابان بی آب و علف عازم خراسان بودند از شدت تشنگی وطول مسافت نزدیك بهلاکت رسیدند و نیز زمانی ملك دینار از این صحرای خطرناك گذشته وکرمان را تسخیر نمود - ازقصبه کوه بنان تاطبس درحدود ۲۰۰ کیلومتر هیچ آبادی و آب در بین راه یافت نمیشود - در قصبه جوپار کــه اراضی ریگستانی اطراف آنرا احاطه کرده باغات زیاد وجود داود که بوسیله چندرشته قنات

مشروب میگردد ومیوه های آنجارا بکرمان میآورند ودهستانهای اسمعیل آباد وکریم آباد نیز دارای چند رشته قنات میباشد .

پس از چند روز اقامت درکرمان بعزم رفسنجان حرکت کردم و بعد ازطی ۶۰ کیلو متر مسافت وارد قصبه کبوتر خان شدم این قصبه حاصلخیز و دارای آب فراوان است . مسافت بین کرمان و رفسنجان در حدود ۱۰۸ کیلومتر است .

رفسنجان

مرکز رفسنجان قصبه بهرام آباد است محلی است آباد و حاصلخیز و جمعیت آنجا را در حدود ۹۰۰۰ نفر میگویند مردمش اکثر کشاورز و فلاح میباشند و اوضاع آنها از لحاظ بهداشت خوب نیست ـ محصول رفسنجان عبارت از غله ـ حبوبات ـ تریاك ـ کتیرا ـ انقوزه ـ رونیاس وبادام و پسته فراوان است که از آب چند رشته قنات مشروب میگردد ـ رفسنجان در مسیر سیل واقع شده بطوریکه هرگاه سیلی از کوه جاری شود اطراف آنرا فراگرفته و خسارت و تلفاتی وارد میسازد ـ دردهستان های اطراف رفسنجان چندین دستگاه دستی کرباس و جوال بافی وجود دارد که تا اندازهٔ رفع نیازمندی مردم رامیدهد .

مسافت بین رفسنجان بقصبه انار درحدود ۱۰۳ کیلومتر واز آنجا بیزد ۲۱۰ کیلومتر است .

یزد

شهر یزد از یك سمت بریگستان لم یزرع و از سه سمت دیگر کوهها آنرا احاطه کرده در تابستان هوایش خشك و گرم و در زمستان سرد و زننده و باد های موسمی شن و خاك متحرك را از نقطه بنقطه دیگر انتقال میدهد و اکثر زمین های آنجابی آب وعلف است آب مشروب

کم و بوسیله چند رشته قنات بشهر وارد میگردد و معروف ترین قنات یزد قنات سید رکن الدین است که از موقوفات یزد بشمار میرود و نیز آب انبارهای بزرگ دراین شهر ساخته شده که‌در سال کفایت آب‌مشروب مردم را میدهد.

بیشتر دهستان‌های یزددر دامنه کوه‌واقع شده که بواسطه‌فراوانی آب همیشه سبز و خرم ودارای منظره فرح انگیزی است جمعیت یزدرا در حدود ۷۰۰۰۰ نفر میگویند وزیاده از ۱۵۰۰۰نفرآنها زردشتی‌است که بعضی در شهر و برخی درقصبات سکونت دارند.

مردم یزد در تنقیه قنات نهایت ماهر وبیمانند هستندواکثرزحمت کش و متواضع و در عین حال قانع و صرفه جو و باصول مذهب‌ودیانت پابند میباشند بدین مناسبت شهر یزد را دارالعباد مینامند میگویندسلطان علاء الدوله گرشاسب از ملکشاه تقاضا نمود که شهر یزدرا باو واگذار کند تا در آنجامشغول عبادت باشد وازآن زمان یزد موسوم بدارالعباد گردید یزدیها به نساجی و دست بافی علاقه زیاد دارند ودرحدود هشتصددستگاه پارچه‌بافی‌دستی وچندکارخانه‌نساجی ازجمله‌کارخانه بافندگی‌وریسندگی پشم درخشان وکارخانه بافندگی ارمغان وکارخانه ریسندگی نخ هراتی وکارخانه ریسندگی اقبال دراین شهر تأسیس شده که همه نوع‌پارچه‌های پشمی ونخی میبافند وصنعت فلزکاری وکارد و چاقو سازی‌در قصبه‌مهریز مشهور است.

یزد در دوره ساسانیان معمور وآباد بوده و میگویند یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی پس از فرار از دست اعراب باین شهر آمد و نیز اسکندر رومی دریزد زندان خانه ساخت و محبوسین را درآنجا سکونت داد بعدازتسخیر یزد بدست‌مسلمین اکثرمردمش‌دین اسلام را قبول‌نمودند.

بنا بگفته استخری شهر یزد در قدیم موسوم به کیسه بوده ارگ
ودیوار قدیم این‌شهر درزمان پیش‌بسیار مستحکم ودارای دودروازه‌آهنی
بود اکنون حصار اطراف یزد خراب و جزء خیابان شده و عمارات
و ساختمانهائی در محل ارگ بنا گردیده است ـ چون محمود افغان
پس از نصرف کرمان برای تسخیر یزد آمد بواسطه استحکام ارگ وحصار
نتوانست آنجارا متصرف شود وبطرف‌اصفهان حرکت نمود ولی‌اشرف‌افغان
پسرعم محمود بعدها یزدرا تسخیر و مردمش را بدم تیغ گذارد ـ ارگ
و دیوار اطراف یزد را ابو جعفر سلطان علاءالدین در سال ۵۳۲ قمری
بنا نمود درنزدیکی‌آنجا گنبدی و یرانه‌ئی‌است که‌دارای کتیبه‌هائی بخط کوفی
برنگ آبی‌وزمینه سفید که‌اکنون کاشی کاری دیوارها ازبین رفته وتنهااثری
که ازآن باقیمانده بنائی است که در پیش محل مدرسه و کتابخانه وزیج
برای فهمیدن اوضاع نجومی واوقات ۲٤ ساعت شبانه روزبوده بنای گنبد
وزیج را سید رکن‌الدین در سال ۷۲٦ قمری ساخته دیگر از ابنیه قدیم
دریزد یکی مسجد ومنار میرچخماق است که از سران لشکر امیر تیمور
بوده (میگویند میرچخماق ازنژاد عرب و اصلا ازمردم شام بود ودردوره
شاهرخ حکمران‌یزد بوده) دربالای سردرب این مسجد تاریخ ۸٤۱قمری
نوشته شده است.

دیگر مسجد جامع که بنای‌آنرا درزمان‌اتابك علاءالدوله گرشاسب
در سال ۵۱۳ قمری میگویند و در سال ۷۷۷ قمری سید رکن‌الدین آنرا
تعمیر کرده و طبق کتیبه کاشی‌کاری این مسجد به‌امر میر چخماق‌انجام
یافته و کاشی ها و درب های خاتمکاری مسجد نمونهٔ از ظرافت و صنایع
بدیع ایران بشمار میرود اکنون بعضی از کاشیهای خارجی گنبد مسجد
ریخته شده ولی کاشیهای داخلی آن سالم مانده ـ مسجد جامع یکبار

پیش ازحمله امیرتیمور تعمیر شده بود ودرزمان میرچخماق مجدداً مرمت گردید- مسجددیگردریزد بنیادآنرا درسال۷۶۶قمری بخواجه‌شمس‌الدین محمد نسبت میدهند ـ یکی‌دیگرازآثار قدیمه محلی‌موسوم بمصلی است که‌میر محمد قاضی درسال ۷۲۵ ساخته ودرسال ۸۶۰ قمری در اثر سیل صحن آن خراب شد وطبق کتیبه درسال ۹۵۸ قمری تعمیرشده سپس در سال ۱۰۳۵ اسحق بیك آنرا مرمت نموده ـ دیگر از ابنیه قدیمه در یزد مقبره سید رکن‌الدین وقبورشمس الدین وشیخ تقی‌الدین معروف بشیخ‌داد که ازفقهای بزرك اسلامی بود ونیز میدان موسوم بمیر چخماق است در وسط این میدان ستونی بارتفاع نه پا ساخته شده است.

اتابکان تا دیرزمانی در یزد حکومت داشتند سپس مبارزالدین سردودمان آل‌مظفر آنجارا متصرف‌شد وکرمان وفارس را ضمیمه‌حکومت خود نمود شاه شجاع فرزند امیر مبارزالدین معاصر خواجه حافظ بوده و او در اشعار خود شاه شجاع را ستوده است ـ بعد ازانقراض تیموریان مراد بیك بایندری حکمران یزد شد که در زمان شاه اسمعیل صفوی براو غلبه یافت و ازیزد خارج گردید ـ در ابرقو مسجدی است که تاریخ بنای‌آن درسال ۷۳۰ قمری دردوره مغول بوده ومسجدجامع درشهرنائین که درقرن‌چهارم‌هجری‌قمری بناشده همچنین گنبدوبارگاه شیخ‌جنید توران است که درسال ۵۴۳ قمری ساخته شده ـ ازمؤسسات خیریه دریزد یکی پرورشگاه مارکاراست که ازهمت‌انجمن زردشتیان هندوستان تأسیس‌شده که‌عده از پسران ودختران فقیر و مستمند درآنجا تعلیم وتربیت میشوند دیگر مریضخانه «رتین تاتا» که بانی آن یکی از زردشتیان ثروتمند هندوستان است و دیگر مریضخانه مرسلین که ازطرف انجمن خیریه انگلستان بود و اکنون دیگر مریض نمیپذیرد ونیز مریضخانه دولتی‌است

که دریکی ازمدارس قدیمه تأسیس شده ولی دوا وپرستار کافی ندارد ـ شهریزد دارای چند خیابان وخانه‌های یك اشکوبه گنبد مانند و کوچه‌های کثیف میباشد وازلحاظ بهداشت اوضاع آنجاخوب نیست ـ محصول یزدعبارت از پنبه ـ تنباکو ـ تریاك وکمی غله میباشد و برای نیازمندی مردم گندم و حبوبات از اصفهان و سایر نقاط دیگر به این شهر می آورند .

مسافت بین یزد و اصفهان درحدود ۳۳۷ کیلومتر است جاده‌نشیب و فراز زیاد دارد و مسافرت در این راه طولانی و خسته‌کننده خالی از خطر نیست آب مشروب در این راه کمیاب و در بعضی نقاط بواسطه شوری قابل آشامیدن نیست حشرات موذی مانند مار ورتیل در بین راه زیاد است .

بندر میناب

از دریا کانالی باریك و پرپیچ وخم که عمق آن در نقطه‌ئی کم ودر جائی دیگر زیاد است تا حدود چهار کیلومتر ببندر تیاب میرسد وازبندر تیاب تا میناب ۲۰ کیلومتر است در اطراف میناب باغات مرکبات و نخلستان ها زیاداحاطه کرده و باعبوررودخانه از نزدیك شهرمنظره‌خاصی دارد شهر میناب در بعضی مواقع که آب‌رودخانه طغیان‌میکند درمعرض سیل واقع میگردد و خسارت‌زیادی بباغات‌وخانه‌ها وارد میآوردتاکنون اقدام اساسی برای جلوگیری از سیل بعمل نیامده و سدی درآنجاساخته نشده است در میناب بواسطه استعداد زمین همه قسم مرکبات از جمله لیمو ـ نارنج ـ پرتقال ـ موز ـ انبه بدست میآید ـ محصول آنجا غله ـ خرما ـ حنا ـ حبوبات که‌ازآب رودخانه‌مشروب میگردد وکشت‌وزراعت آنجا فارياب (آبی) است ـ

عده سکنه میناب را در حدود ۶۰۰۰ نفر میگویند واکثرمردمش

بحصیربافی ویاکرباس وبادبان‌سازی و کشاورزی مشغولند وعمده صادرات این بندر پوست - روغن - حبوبات - خرما - حنا - لیموی خشك وانبه میباشد هوای آنجادر تابستان گرم و بواسطه باتلاقها پشه وحشرات زیاددارد - اوضاع عمومی آنجا ازلحاظ بهداشت وفرهنك خوب نیست شهری است کثیف و مردمش اکثر نحیف و رنجور و بواسطه فقدان دوا وطبیب انواع امراض درآنجا شیوع دارد - این بندر محل ورود کالای قاچاق است که از بندر دوبی و سایر بنادر عمان وارد میکنند و معاملات داد وسند در میناب رضایت بخش است - پست بوسیله پیك وچاپار ببندر عباس رفت وآمد دارد مسافت بین میناب و بندر عباس در حدود ۷۸ کیلومتر است و جاده نسبتاً صاف و هموار است.

راه خشکی بداخله یکی از سمت بلوك بشاگرد و از گردنه مخوف پیچل گذشته بقصبه جاغین میرسد در نزدیك جاغین قلعه منوجات که اکنون مخروبهٔ بیش نیست واقع شده ودر سالهای پیش ازقلاع مستحکم بوده و در اواخر قرن شش هجری ملك دینار آن قلعه را تصرف نمود سپس افغانها آنرا تسخیر کردند این قلعه شاهد واقعات زیادی بوده و بین بلوك رودان و بشاگرد واقع شده است. مردم بلوك بشاگرد اکثر شریر و راه زن و مسافرت درآن ناحیه خالی ازخطر نیست.

از میناب راه ساحلی از طریق بندر کوهستك بجاسك و چاه بهار میرود و همان راه است که معبر دریاسالار اسکندر رومی « نیارکوس » بوده که از ناحیه سند بخلیج فارس آمد - امن‌ترین وسالم‌ترین راه ازمیناب ببندر جاسك وچاه بهار همان راه دریائی است که خالی از خطر راه - زنان میباشد.

مسافت بین میناب و بندر جاسك در حدود ۲۸۵ کیلومتر است.

بندر جاسك

بندر جاسك از بنادر عمده بلوچستان و هوای آنجا درتابستان گرم و غیر قابل تحمل است ـ بندر جاسك عبارت از دو ناحیه قدیم و جدید است که ۱۵ کیلومتر بایکدیگر فاصله‌دارند درجاسك جدید ساختمانهای جدید از جمله بنای‌تلگرافخانه ـ اداره گمرك ـ عمارت کشتی رانی‌وسایر ادارات دیگر واقع شده ـ جاسك قدیم روی تپه قرار دارد و دارای چند چاه آب گوارا است جمعیت جاسك قدیم را در حدود ۱۵۰۰ نفر میگویند که همه بلوچی و بین آنها مردمی معمر و سالخورده یافت میشود اکنون در این بندر یك نفر پزشك و پزشکیار وجود دارد ولی دوای کافی در دست ندارند و اوضاع آنجا از لحاظ بهداشت خوب نیست و اکثر مردم بواسطه قحطی و پریشانی به‌بنادرعمان مهاجرت کردند درجاسك قدیم‌قلعه مخروبهٔ بنظررسید که گویا درزمان نادر شاه ساخته شده که او تصمیم‌بفتح مسقط وبنادرعمان داشت.

محصول اطراف بندر جاسك عبارت‌ازگندم ـ جو ـ مرکبات و کمی خرماست و عمده صادرات آنجا حصیر ـ موی بز ـ روغن ـ پوست وماهی خشك و پرساك ماهی میباشدکه در سالهای پیش آنرا بچین و ژاپون حمل مینمودندونیزدراین بندر صیدماهی‌زیادمیکنند که پس‌ازخشك کردن آنرا ببنادر عمان‌میبرند .

درکرانه های مکران (از جاسك تا بندر گواتر) بواسطه نبودن وسائل و کمی نفوس ازحیث‌کشت وزراعت‌عقب مانده ونامساعدی‌طبیعت نیز مانع آبادی وعمران این ناحیه گردیده است ـ جاسك دو بندرگاه خوب ومناسب داردکه کشتی ها درهرموقع میتوانند درآنجالنگر اندازند نیز فرودگاه برای هوا پیمائیکه از اروپا بهندوستان رفت وآمد دارند در

آنجا ساخته شده ـ بندر جاسك ازحیث موقعیت نظامی اهمیت زیاد دارد و حمل ونقل کالا بداخله کشور بوسیله کاروان شتر انجام میگیرد وارتباط تلفون بین‌جاسك وچاه بهار برقرار ولی منظم نیست و مخابرات تلگرافی از راه خشکی باهندوستان و سایر ممالك دیگر موجود است . سیم تلگراف تحت البحری که درچند سال‌پیش بین بوشهر وجزایربنگام وقشم بجاسك و کراچی‌اتصال داشته اکنون برچیده شده است ودرچندسال‌پیش « گریوز » انگلیسی رئیس سیم کشی تلگراف در نزدیك رودخانه رابیج در چند کیلومتری جاسك بدست‌بلوچها کشته گردید از طرف دولت ایران مرحوم احمد خان دریابگی فرماندار بوشهر باکشتی پرس پلیس بجاسك آمد و پس‌از چندروز زد وخورد با بلوچهاعاقبت قاتل رئیس سیم کشی‌را گرفتار واعدام نمود ـ چندی بعد عده ای از قشون هندی که برای تعقیب اسلحه باطراف جاسك رفته بودند ازطرف بلوچها دستگیرو کشته شدند .

در سال ۱٦۱۵ میلادی « ریچارد استیل » انگلیسی به نمایندگی شرکت هند شرقی ببندر جاسك آمده و آنجا را برای مرکز تجارتخانه انتخاب‌نمود ودرسال ۱٦۱۹ میلادی انگلیس‌هاباب تجارت رادربندرجاسك وخلیج فارس مفتوح نمودند .

بعد « الکساندر چایلد » انگلیسی بجاسك آمده و شرحی راجع بموقعیت بندر جاسك نوشته است ـ در سال ۱٦۲۰ میلادی جنگ دریائی بین کشتی‌های انگلیسی و پرتقالی در لنگرگاه جاسك واقع شد که بشکست پرتقالی‌ها پایان یافت ولی « ولیرشیلی » دریادار انگلیسی دراین نبرد دریائی کشته گردید . بندر جاسك از راه خشکی ارتباط با بلوك بشاگرددارد ومسافت‌بین‌جاسك وبندرچاه بهاردرحدود۳۰۰ کیلومتراست

زمانیکه‌مرحوم میرزانصرالله خان کازرونی‌حکمران بندرجاسك‌بود

بندر جاسك

بندر جاسك از بنادر عمده بلوچستان و هوای آنجا درتابستان گرم و غیر قابل تحمل است - بندر جاسك عبارت از دو ناحیه قدیم و جدید است که ۱۵ کیلومتر بایکدیگر فاصله‌دارند درجاسك جدید ساختمانهای جدید از جمله بنای تلگرافخانه - اداره گمرك - عمارت کشتی رانی وسایر ادارات دیگر واقع شده - جاسك قدیم روی تپه قرار دارد و دارای چند چاه آب گوارا است جمعیت جاسك قدیم را در حدود ۱۵۰۰ نفرمیگویند که همه بلوچی و بین آنها مردمی معمر و سالخورده یافت میشود اکنون در این بندر یك نفر پزشك و پزشکیار وجود دارد ولی دوای کافی در دست ندارند و اوضاع آنجا از لحاظ بهداشت خوب نیست و اکثر مردم بواسطه قحطی و پریشانی به‌بنادرعمان مهاجرت کردند درجاسك قدیم‌قلعه مخروبهٔ بنظررسید که گویا درزمان نادر شاه ساخته شده که اوتصمیم‌بفتح مسقط وبنادرعمان داشت.

محصول اطراف بندر جاسك عبارت‌از گندم - جو - مرکبات و کمی خرماست و عمده صادرات آنجا حصیر- موی بز- روغن - پوست وماهی خشك و پرساك ماهی میباشدکه در سالهای پیش آنرا بچین و ژاپون حمل مینمودندونیز دراین بندر صیدماهی‌زیادمیکنند که پس‌ازخشك کردن آنرابینادر عمان‌میبرند .

درکرانه های مکران (از جاسك تا بندرگواتر) بواسطه نبودن وسائل و کمی نفوس ازحیث کشت وزراعت‌عقب مانده ونامساعدی‌طبیعت نیز مانع آبادی وعمران این ناحیه گردیده است - جاسك دو بندرگـاه خوب ومناسب داردکه کشتی ها درهرموقع میتوانند درآنجالنگر اندازند نیز فرودگاه برای هوا پیماهائیکه از اروپا بهندوستان رفت وآمد دارند در

آنجا ساخته شده ـ بندر جاسك ازحيث موقعيت نظامی اهميت زياد دارد و حمل ونقل كالا بداخله كشور بوسيله كاروان شتر انجام ميگيرد وارتباط تلفون بين جاسك وچاه بهار برقرار ولی منظم نيست و مخابرات تلگرافی از راه خشگی باهندوستان و ساير ممالك ديگر موجود است ـ سيم تلگراف تحت البحری كه درچند سال پيش بين بوشهر وجزايرهنگام وقشم بجاسك وكراچی اتصال داشته اكنون برچيده شده است ودرچندسال پيش « گريوز » انگليسی رئيس سيم كشی تلگراف در نزديك رودخانه رابيج در چند كيلومتری جاسك بدست بلوچها كشته گرديد از طرف دولت ايران مرحوم احمد خان دريابگی فرماندار بوشهر باكشتی پرس پليس بجاسك آمد و پس از چندروز زد وخورد با بلوچها عاقبت قاتل رئيس سيم كشی را گرفتار واعدام نمود ـ چندی بعد عده ای از قشون هندی كه برای تعقيب اسلحه باطراف جاسك رفته بودند ازطرف بلوچها دستگير وكشته شدند .

در سال ۱۶۱۵ ميلادی « ريچارد استيل » انگليسی به نمايندگی شركت هند شرقی ببندر جاسك آمده و آنجا را برای مركز تجارتخانه انتخاب نمود ودرسال ۱۶۱۹ ميلادی انگليس هاباب تجارت رادربندرجاسك وخليج فارس مفتوح نمودند .

بعد « الكساندر چايلد » انگليسی بجاسك آمده و شرحی راجع بموقعيت بندر جاسك نوشته است ـ در سال ۱۶۲۰ ميلادی جنگك دريائی بين كشتی های انگليسی و پرتقالی در لنگرگاه جاسك واقع شد كه بشكست پرتقالی ها پايان يافت ولی « ولبرشيلی » دريادار انگليسی دراين نبرد دريائی كشته گرديد . بندر جاسك از راه خشگی ارتباط با بلوك بشاگرددارد ومسافت بين جاسك وبندرچاه بهاردرحدود ۳۰۰ كيلومتراست.

زمانيكه مرحوم ميرزا نصرالله خان كازرونی حكمران بندرجاسك بود

میرعبدالنبی بلوچ سربعصیان زد و اطراف آن ناحیه را تهدید مینمود او بدستور مرحوم محمد مهدی ملك التجار بوشهری که فرماندار بوشهر و بنادر جنوب بود میرعبدالنبی بلوچ را از طریق مسالمت وحسن تدبیر گرفتار و ببوشهرروانه نمود وازآنجا اورابتهران فرستادند .

بواسطه این حسن خدمت در سال ۱۳۰۵ هجری قمری طبق فرمان ناصرالدین شاه وامضاء میرزا علی‌اصغرخان‌امین السلطان اوبلقب‌سرهنگی و بیك قبضه شمشیر وحمایل مفتخر گردید .

بندر چابهار

چابهار دارای بندرگاه خوب و مناسبی میباشد و موقعیت نظامی و اقتصادی این بندر شهرت بسزائی‌دارد چند سال پیش شرکت «دلاور» آمریکائی که امتیاز نفت‌ناحیه شمال شرقی‌بدست آورده بود درنظرداشت که لوله های نفت را تا چابهار امتداد دهد و تصفیه خانه نفت را در این بندر احداث کند نویسنده عقیده دارد همین نظریه را نیز دولت شوروی تعقیب خواهد نمود و پالشگاه‌نفت سمنان و ناحیه شمال شرقی‌را که‌اکنون شرکت نفت ایران وشوروی در شرف تأسیس است در بندرچابهار بنیاد خواهد نمود - رجال انگلیس ازسال‌های متمادی‌اهمیت بندر چابهار را از نظر دور نداشته و معتقدندکه چابهار کلید دروازه غربی هندوستان بشمار میرود « لرد کرزن » در کتاب خود مینویسد « موقعیت بنادر چابهار وگواتر از این جهت اهمیت دارد که روزی ایستگاه راه آهن سیستان و بلوچستان در این بنادر احداث خواهدگردید ومرکز کشتی‌رانی‌دریای هند وفلات خاور میانه‌خواهد شد» .

در حیرتم چگونه رجال ایران موقعیت و اهمیت این بندر را در نظر ندارند .

جمعیت چابهار را در حدود ٤٥٠٠ نفر میگویند که همه بلوچی و به ماهیگیری و گله‌داری مشغولند. چابهار تابع استان کرمان و در ١٩٨ کیلومتری سمت شرق چابهار مرز ایران و بلوچستان انگلیس واقع شده است مخابرات تلگرافی از راه خشکی بتمام نقاط ارتباط دارد ـ راه شوسه . بواسطه بارندگی زیاد و جریان سیل غیرقابل استفاده مانده و حمل و نقل کالا و پست بوسیله کاروان شتر انجام میگیرد و ساختمان های تلگرافخانه ـ گمرك ـ اداره کشتی رانی و سایر ادارات دولتی در طرف جنوب این بندر قرار دارد ـ محصول چابهار خرما و کمی غله و آب مشروب آنجا از چاه است صادرات این بندر پوست ـ موی بز ـ روغن ـ ماهی خشك و پر ساك ماهی است که بخارج حمل میکنند .

اکثر مردم چابهار بواسطه قحطی و مجاعه بطرف بنادر عمان مهاجرت کرده اند اوضاع آنجا از لحاظ بهداشت خوب نیست ـ در سال ١١٧١ خورشیدی عبدالعزیز برادر سید سلطان بنادر گواتر و چابهار که در اجاره حکمران مسقط بود متصرف شد سید سلطان قشونی بآنجا روانه نمود و عبدالعزیز را شکست داده و دولت ایران از زد و خورد دو برادر از موقع استفاده نمود و بنادر چابهار و گواتر را تصرف کرد .

اکثر زمین های کرانه بلوچستان خشك و لم یزرع ولی در طول ساحل چند دهستان آباد وجود دارد و رودخانه های چکین ـ کابریك ـ دشتیاری و سیدیج پس از عبور از باتلاق ها وارد دریای عمان میشود مسافت از چابهار بدشتیاری و از آنجا تا بندر گواتر در حدود ١٤٤ کیلومتر است. عده سکنه بندر گواتر در حدود ٥٠٠ نفر میگویند و ارتباط آن بندر بداخله کشور با ایران شهر (بمپور) و از راه دریا با بنادر عمان و مسقط میباشد ـ بنادر بلوچستان عبارت از کوهستك ـ کالك ـ پوندرام ـ بندر سریك

بیریز - توچك - سروگان - گیرو - یونجی ونارگی میباشد و مردمش همه فقیر و مستمند وماهیگیرند .

بحرین

مجمع الجزایر بحرین عبارت ازچند جزیره بزرك وکوچك که در کرانه جنوب باختری خلیج فارس واقع شده جزیره منامه - جزیره محرق - جزیره عراد - جزیره ام الشجر - جزیره حاله ام البیض - جزیره ام النعسان جزیره بنی صالح - جزیره جده و جزیره ام الصبیان است - جزیره منامه که مرکز حکومت بحرین و نماینده سیاسی انگلیس و سایر ادارات میباشد طول آن در حدود ٤٧ کیلومتر و عرض آن ١٢ کیلومتر و درسالهای پیش دارای ٣٦٠ دهستان بوده اکنون زیاده از ١١٧ قریه در این جزیره نیست و عده سکنه آنجا در حدود ٦٠٠٠٠ نفر است و دارای چشمه های زیاد وچند چاه ارتیزین ونخلستان فراوان است ومرکزعمده معاملات مروارید درخلیج فارس بشمار میرود .

جزیره محرق بوسیله کانال باریکی از جزیره منامه جدا شده اکنون پلی متحرك در این کانال ساخته شده که بین منامه و محرق رفت و آمد میشود طول جزیره محرق ٧ کیلومتر و عرض آن ٦ کیلومتر وجمعیت آن را ٢٠٠٠٠ نفر میگویند و محل فرودگاه و خط سیر هواپیمای انگلیسها که از اروپا بهندوستان رفت وآمد دارند واقع شده .

در سال ١٩٢٩ میلادی شرکت های نفت « تکزاس » و « استاندارد اویل کمپانی کالیفرنیا » امتیاز نفت را در جبل الدخان در بحرین بدست آورد بعداً باسرمایه این دوشرکت شرکتی بنام « بحرین پطرولم کمپانی » تشکیل دادند اکنون در آنجا مشغول استخراج و حمل نفت خام هستند و بهره برداری از سال ١٩٣٣ میلادی شروع گردید و محصول سالیانه نفت

بحرین بالغ بر سه ملیون تن میگردد و هرساله بر مقدار نفت آنجاافزوده میشود بعلاوه شرکت نامبرده در ناحیه لحسا نیز چاههای نفت حفرنموده و هنوز اقدام در استخراج و بهره برداری نکرده است . معدن نفت جبل الدخان درکرانه شمالی جزیره منامه واقع شده است .

بهترین مرواریددر خلیج فارس دریای بحرین یافت میشود ودر سالهای پیش ۲۵۰۰ کشتی برای صید مروارید ازبنادرخلیج فارس ببحرین وارد میشدهوصادرات مرواریدآنجادرحدود۲ ملیون لیره بوده اکنون تعداد کشتی ها برای صیدمروارید بسیارکم و ازعایدات این گوهر گرانبها کاسته شده است .

جزیره منامه از حیث تجارت و ابنیه ترقی زیاد نموده دارای چند خیابان وسیع وسه مریضخانه عمومی وچندآموزشگاه میباشدوعمده واردات آنجاگندم ـ برنج ـ روغن و سایر مواد غذائی که از بنادر ایران بطور قاچاق واردبحرین میگردد ودرعوض پارچه ـ قند ـ شکر وچاهی قاچاقچیان خریداری کرده بدون پرداخت عوارض گمرك وارد بنادر ایران میکنند .
بحرین در ازمنه قدیم بنام هاجر معروف بوده و در زمان اشکانیان طایفه معدبن عدنان ببحرین آمدند و در دوره اردشیر بابکان « ساتیرون » نامی حکمران بحرین بود چون اردشیر نواحی خلیج فارس رابتصرف خود درآورد سپاهی ببحرین روانه و آنجا را نیز تسخیر نمود و پسرش شاپور اول را بحکمرانی آن جزیره برقرارکرد و پس ازفوت او اعراب مهاجر بربحرین ویمامه هجوم آورده آنجا راتصرف کردند ولی شاپور دوم آنهارا شکست داد وتاقطیف واحسا آنها را عقب نشانید .

در دوره خسرو پرویز منذر نامی که رئیس قبیله عبدالقیس بود دربحرین حکومت داشت ازطرف هادیان اسلام علی بن خضرامی به بحرین آمد ومنذررا بکیش اسلام دعوت نمود و او دین اسلام را پذیرفت وتازمان

خلفای عباسی جزیره بحرین در تصرف خلفـای اسلام بود سپس قرامطه آنجارا تصرف کرده وشهر هاجررا ابوطاهرالجنانی رئیس قرامطیان بنانهاد و آنرا بنام المؤمنه موسوم نمود و بعد ازآن ابوسعید نامی که او نیز از قبیله قرامطه بود بحرین را میدان تاخت و تاز خود قرارداد و چندی حکمران بحرین‌بود دردوره سلجوقیان ابوبهلول برقرامطه شوریده وخود حکمران بحرین ولحسا گردید ولی درظاهر تابع پادشاه ایران‌بود تااینکه لشکریان هلاکو خـان بربحرین و نواحی خلیج فارس دست یافتند سپس سپاهیان امیر تیمور بحرین را تصرف کردند و تا اواخر دولت مغول این جزیره تابع والیان فارس بود وبعد از آن حکمران جزیره هرمز آنجا را تسخیر نمود ـ در زمان اتابك ابو بکربن سعد زنگی حکومت بحرین را به عصفوربن راشدبن عمرو واگـذار کرد و او مالیات بحریـن را بفارس میفرستاد .

پس ازآنکه پرتقالیها وارد خلیج فارس شده و جزیره هرمز را تصرف نمودند « البوکرك » سردار پرتقالی بحرین وقطیفـرا نیزتصرف کرد و درآنجا قلعه‌ئی بنا نمودکه اکنون آثارآن باقیمانده ولی پس از چندی اعراب بحرین برپرتقالیها شوریده عمال آنهارا کشتند وچیزی طول نکشید که مجدداً پرتقالیها بربحرین استیلا یافتند .

درسال ۱۷۱۸ میلادی سلطان بن‌سیف والی مسقط به بحرین‌حمله نمود وآنجارا تصرف‌کرد در قرن ۱۸ میلادی اعراب حوله این جزیره را تسخیر کردند وچون بین خود آنها جنك وجدال درگرفت لشکریان‌ایران آنهارا مغلوب نموده مجدداً بربحرین تسلط یافتند .

در دوره شاه عباس بـزرك خواجه معین‌الدین فالی بحرین را برای الله وردی خان که والی فارس بود فتح نمود شاه عباس در نامه خود

بشیخ عبید خان آل مذکور مینویسد « آنچه راجع بغلبه پرتقالیها نوشته بودید مستحضر شدم دانسته باشید سپاه کاملی که مجهز باتوپهای بزرگ است به آن ناحیه روانه نمودم هرگاه توپها هدف خودرا کوه قراردهند کوهرا ازجا برمیکنند باتوجه ودقت زیاد مشغول اقدام باشید» شیخ نامبرده بامر شاه عباس ببوشهر آمد وبا ده هزار نفر از چریك دشتی و تنگستانی وسایر طوایف دیگر بسرداری امام قلیخان بطرف جزیره خارك حرکت کرد وآنجارا ازپرتقالیها مستردنمود سپس بندر قطیف و جزیره بحرین را تسخیر کرد ـ بعد ازچندی « سوندك سلطان » حکمران بحرین بدربار شاه صفی آمد و شمشیر امیر تیمور را که بدست آورده بود تقدیم آن پادشاه نمود .

در اواخر دوره صفوی در نتیجه ضعف ، اقتدار و نفوذ خود را در بحرین و سایر نقاط خلیج فارس از دست دادند و شیخ جباره خود را حکومت بالاستقلال بحرین دانسته و در آنجاحکمرانی میکرد در سال ۱۱۴۸قمری محمد تقی‌خان بیگلربگی فارس از طرف نادرشاه‌مأمور تسخیر بحرین گردید چون شیخ جباره بزیارت مکه رفته بود لشکریان ایران وارد بحرین شده و بآسانی آنجا را تصرف نمودند و قلعه بحرین بدست آنهادرآمد و محمد تقی خان‌کلید درب قلعه را برای نادر فرستاد وبرای این حسن خدمت بدریافت خلعت سرفراز گردید ـ در آن‌موقع نادرشاه دارای سه کشتی بود لذا نامه بنظام حیدر آباد دکن نوشته دستور داد که بیست کشتی بزرك ساخته برای استقرار نظم و امنیت خلیج فارس روانه کند هنگامی که نادر شاه بطرف داغستان در حرکت بود کشتی‌ها از بندرصورت‌حرکت‌کرده وبخلیج فارس واردشدند ولی یکی ازآنهابواسطه طوفان درراه غرق گردید .

نادر شاه بشیخ غیث خان وشیخ ناصرخان ناخدا باشی می نویسد
« از خبر فتح بحرین و پیشرفت شما مطلع شدم آنچه در این سال برشما گذشته بی خبر نیستم و انتقامی از اعراب و جماعت اباضیه خواهم کشید همچو انتقامی که شاپور ذوالاکتاف کشید. لشگریان ما بسیراف وارد شده در آنجا نزدیك شما توقف دارند از رفتن بدان صوب تأمل کنید تا دستور بشما برسد ».

تا زمان نادر شاه بحرین در تصرف ایرانیان بود و تا دوره کریمخان زند ادامه داشت و پس از فوت کریمخان قبیله آل خلیفه از اعراب عتوبی بریاست شیخ احمد از قطر ببحرین حمله نمود و شیخ نصر بوشهری که ازطرف کریمخان حکمران بحرین بود تاب مقاومت درخود ندیده ببوشهر فرار کرد شیخ احمد بحرین را متصرف شد و پس ازچندی فوت نمود و پسرش شیخ سلمان جانشین پدر گردید در این هنگام والی مسقط مجدداً ببحرین حمله کرد و شیخ سلمان بطرف قطر فرار کرد در سال ۱۸۱۰ میلادی شیخ خلیفه فرزند شیخ سلمان که مردی شجاع و دلیر بود غفلة بقشون والی مسقط حمله نمود ولی پیشرفتی نکرد بعد از فوت او برادرش شیخ عبدالله حکمران بحرین شد ولحسا وقطیف را نیز بتصرف خوددرآورد ولی وهابیها اورا از آن نواحی خارج کردند ـ شیخ عبدالله که تاچندسال حکومت بحرین راداشت همیشه مشغول زدوخورد محلی بود درسال ۱۸۳۰ میلادی که لشگریان مصر تحت قیادت ابراهیم پاشا فرزند محمدعلی پاشا که با وهابیان در جنك بودند بر نواحی لحسا و قطیف که هم مرز بحرین بود تسلط یافت بنابراین شیخ عبدالله خودرا درتحت حمایت مصریها قرار داد بعد ازفوت او شیخ محمد بحکومت بحرین برقرار گردید.

او مردی شجاع و با تدبیر و در مدت شش سال حکومت او

در بحرین نظم و آرامش برقرار بود ولی مخالفین او خاصه پسران شیخ عبدالله که داعیه حکومت بحرین راداشتند باشیخ نامبرده ضدیت و مخالفت مینمودند ، ضمناً قبیله آل علی را با خود همراه نموده و بامساعدت امیر نجد با شیخ محمد جنك کردند ولی اوباکمك ایرانیان پسرعموهای خودرا شکست داده و آنها را تا حدودالدمام در کرانه لحسا دنبال نمود دراین قضایا و جنگهای محلی بین مشایخ بحرین انگلیسیها ازموقع استفاده کرده وقراردادی با مشایخ ساحلی عمان در جلوگیری از دزدان دریائی منعقد ساختند ولی شیخ محمد که خودراتابع ایران میدانست دراینقرارداد شرکت ننمود که بالاخره پس ازچندسال حکمرانی ازبحرین تبعید گردید .

مأمورین سیاسی انگلیس درخلیج فارس بدولت متبوعه خود پیشنهاد نمودند که جزایر بحرین تحت نظر دولت بریتانیا قرار گیرد چون دولت ایران دعاوی سیاسی نسبت ببحرین داشت انگلیسیها ازیکطرف به ایران اطمینان دادند که هر گاه دولت ایران دارای پنج کشتی جنگی باشد کـه بتواند جلوگیری از دزدان دریائی در خلیج فارس کند آنها ازمداخله در امور خلیج فارس خاصه در بحرین خودداری نمایند از طرف دیگر چنین صلاح دانستند که استقرار و ارتباط پابرجائی با شیخ بحرین پیدا کنند بنا براین با شیخ علی برادر شیخ محمد که بعداز برادرش به حکومت بحرین برقرار شده بود وباو وعده کرده بودند کـه درامور خارجی ازاو تقویت و حمایت کنند و ضمناً شیخ علی متعهد شده بود کـه در موارد شکـایت و اعتراض دولت ایران به حکمیت وقضاوت نماینده سیاسی انگلیس محول نماید ـ پس از فوت شیخ علی فرزندش شیخ عیسی حکمران بحرین گردید و او نیز متعهد شده بود که با هیچ دولتی مراوده وارتباط سیاسی نداشته باشد و قرار دادی بین او و نماینده انگلیس در خلیج فارس بسته شد که

شیخ نامبرده اراضی و متصرفات خود را بغیر از دولت انگلیس بدول دیگر اجاره یا واگذار نکند.

در سال ۱۸۹۵ میلادی قبیله آل علی از نواحی زباره و قطر به تحریك ترکها ببحرین حمله نمودند و انگلیس ها در این جنك محلی بشیخ عیسی بوسیله کشتی های جنگی خود کمك و همراهی کردند و اعراب مهاجمین قطری را شکست دادند این وقایع و چند مداخله دیگر سبب گردید که انگلیسیها نظارت کلی در اوضاع عمومی و اجتماعی و تسلط سیاسی در بحرین برقرار نمایند - درسال ۱۹۰۰ میلادی ساختمان کنسول خانه در بحرین بنا گردید و نماینده انگلیس در امور داخلی و خارجی آنجا مداخله نمود (تا پیش از ۱۹۰۰ میلادی نمایندگان سیاسی انگلیس در بحرین از اتباع ایران بودند ازجمله حاجی احمد آل صفر بوشهری و محمد امین لنگه‌ئی و حاج محمد رحیم آل صفر بوشهری.)

در سال ۱۲۲۸ قمری شیخ علی نامی از جانب حکومت بحرین با چند رشته مروارید بدربار فتحعلی شاه آمد و عرضه داشت که بعد از فوت نادر شاه اعراب عتوب بر بحرین استیلا یافته اند و بر مردم ظلم و جور روا میدارند واستدعای مساعدت از آن پادشاه نمود - درسال ۱۲۷۷ قمری در زمان ناصرالدین شاه میرزا سلیمان خان رکن الملك شیرازی که مأمور وصول مالیات در بحرین بود باین جزیره آمد و چندی در آنجا توقف نمود. در زدوخوردی که در چند سال پیش بین اعراب و ایرانیان ساکن بحرین که بتحریك علی بن احمد واقع گردید و منجر بزخمی شدن چند نفر شد بازرگانان ایرانی راجع باین قضیه بتهران شکایت نمودند و مرحوم میرزا نصرالله خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه حفاظت مال وجان اتباع ایران ساکن بحرین را از انگلیس ها خواست و آنها این درخواست را

مدرك قرار داده کشتی جنگی وارد بحرین نمودند و بشیخ عیسی اطلاع دادند که علی بن احمد را که مسبب این واقعه بوده بآنها تسلیم نماید ابتدا شیخ نامبرده از تسلیم او استنکاف نمود و چون انگلیسها درصدد بمباران بحرین برآمدند شیخ عیسی مجبور بتسلیم او گردید که بهندوستان تبعیدش نمودند و اثاثیه واسبهای اورا تصرف کرده و فروختند .

پس از این واقعه شیخ محمد یکی از فرزندان شیخ عیسی بدربار مظفرالدین شاه آمد و از مداخله انگلیس ها در بحرین شکایت نمود که بالاخره نتیجه نبخشید .

شیخ عیسی پس از چند سال از حکومت بحرین برکنار شد و پسرش شیخ احمد جانشین پدر گردید بعد ازفوت اوشیخ سلمان حکمران بحرین شد اکنون کلیه امور داخلی وخارجی آنجا با نظارت مستشار عالی انگلیس انجام میگیرد و باتباع ایران ساکن بحرین که عده آنها نصف جمعیت آنجا را تشکیل میدهد اخطار گردید که هر گاه دارای علاقه و املاکی باشند میبایست تبعیت حکومت بحرین را قبول کنند درغیر این صورت املاك خودرا فروخته ازآنجا خارج شوند و نیز مسافرین ایرانی بدون داشتن جواز و اجازه رسمی از طرف مقامات انگلیسی حق ورود به بحرین ندارندو شیخ سلمان در امور داخلی آنجا بدون اجازه نماینده سیاسی انگلیس حق مداخله ندارد ـ درسال ۱۹۳۵ میلادی پاسگاه نیروی دریائی انگلیس ازجزایر قشم و هنگام به بحرین انتقال یافت و در آنجاساختمانها و انبارها برای مهمات و سوخت کشتی های جنگی بنیادنمودند . مسافت بین بحرین و بوشهر در حدود ۱۶۰ میل دریائی است . (یك میل دریائی مطابق دو کیلومتر است)

جزیره قشم

قشم بزرگترین جزایر خلیج فارس بشمار میرود ومشهور بجزیره طویل است در کتاب نجهةالاهر نام این جزیره را بنی‌کافان نوشته طول این جزیره ۱۰۸ کیلومتر و عرض آن در حدود ۱۸ کیلومتر و مسافت بین این جزیره وبندر عباس ۱۸ کیلومتر است .

قشم در سال‌های پیش داری۳٦۰ دهستان بوده در نتیجه حادثه زلزله های شدید بعضی ازآنها خراب وویران شده اکنون دارای۸۰ قریه بیش نیست هوای این جزیره در تابستان بسیارگرم است و اکثر مردم آنجا در تابستان ببندر میناب میروند و در مواقع دیگر در معادن خاك سرخ (گلك) و نمك مشغولند ـ جمعیت قشم را اکنون در حدود۸۰۰۰۰ نفر میگویند و دارای چند دستگاه بافندگی‌دستی و نیز بادبان‌برای کشتیها میسازند ـ محصول قشم کمی گندم ـ جو ـ خرماست و آب مشروب آنجا از چاه و برکه میباشد ـ عده سکنه آنجا در پیش ۳۵۰۰۰ نفربوده است در این جزیره سه قلعه مخروبه بنظر رسیدکه میگویند در زمان شاه عباس و یا نادر شاه ساخته شده و جز دیوار و بروج ویرانه و چند لوله توپ‌که برخی از آنها زیر زمین فرورفته چیزی باقی نمانده است ـ در قشم معادن نمك وجود دارد و مقدار زیادی بخارج حمل میگردد ـ در چندسال پیش شرکت نفت ایران وانگلیس در آنجا بحفر چاه نفت مشغول شد ولی بنتیجه نرسید .

انگلیس‌ها بعداز سرکوبی دزدان دریائی در خلیج فارس ایستگاه دریائی از فتحعلی شاه درخواست نمودند. درسال۱۲۱۷قمری آن‌پادشاه نامه بوالی مسقط که در آن زمان جزیره قشم وبندر عباس دراجاره‌اوبود نوشت که قطعه زمینی‌برای این‌منظور بانگلیس‌ها درباسیعدو واگذارنماید

که در آنجا مخازن برای سوخت کشتی های خود بسازند انگلیسها علاوه از انبارها چند ساختمان دیگر در آنجا بنیاد نمودند و درباسعیدو کلنی کوچکی را تشکیل دادند و عده سرباز در آنجا برگماشتند اکنون مرکزنیروی دریائی آنهاباسعیدورا تخلیه وبجزیره بحرین انتقال یافته فقط چند مستحفظ ساختمانهای آنهارادرآنجانگاهداری میکنند. دردوره ناصرالدین شاه « کلارك » مأمور سیم کشی بقشم آمد و در قصبه شناس محلی را برای ساختمان تلگراف خانه انتخاب نمود وسیم تلگراف تحت البحری ازبوشهر بجزیره هنگام و از آنجا بقشم وبندر جاسك و تاکراچی اتصال داشت که اکنون برچیده شده.

در قشم ظروف سفالی و اشیاء عتیقه یافت میگردد نیز صدف وزنی در نزدیك این جزیره بدست میآید ولی مروارید درجوف آنهانیست وارتباط قشم بابندر عباس وبنادر عمان وسایر بنادر ایران است.

جزیره هنگام

طول جزیره هنگام ۹ کیلومتر وعرض آن درحدود ۶ کیلومتر است اطراف این جزیره قطعات بزرك از سنك چخماق که هریك چند تن وزن دارد و بواسطه فشار تحت الارضی صخره های بزرك پیداکرده قرار گرفته در چند سال پیش ایستگاه سیم تلگراف تحت البحری درآنجا برقرار بود که بمسافت ۱۳۶ میل دریائی ببندر جاسك اتصال داشت که اکنون برچیده شده و انگلیس ها دستگاه تلگراف بی سیم را از این جزیره ببحرین انتقال داده اند ـ جمعیت هنگام در سالهای پیش در حدود چهارصد خانوار بوده اکنون سکنه آنجا بیش از ۵۰ نفر نیست و اکثر بواسطه فقر و فلاکت ببنادر عمان مهاجرت کرده اند ومردم کنونی آنجا چشم براه کشتی ها برای قوت لا یموت میباشند ضابط این جزیره شیخ احمد از قبیله بنی یاس

که در چند سال پیش از عمان بهنگام آمده و اومردی بود بدجنس وظالم و ایرانیان را بهنگام راه نمیداد و با قاچاقچیان همدست بود و بتحریك او مدیر گمرك آنجا بطرز فجیعی کشتند وکسی بازخواست خون آن بیچاره را ننمود همینکه نیروی دریائی انگلیس مرکز و ایستگاه خودرا از آنجا ببحرین انتقال دادو نیروی دریائی ایران درهنگام مستقر گردید شیخ احمد از ترس آن جنایت، خود و بستگانش بطرف بنادر عمان فرار نمودند.

مردم این جزیره اکثر فقیر ومستمند وبرخی بصید ماهی مشغولند جزیره هنگام بدو منطقه تقسیم شده هنگام جدید وهنگام قدیم که اکنون خالی از سکنه میباشد دراطراف هنگام ماهی های بزرك وفراوان صید میکنند و غذای عمده مردم ماهی و خرماست. نیز کالای قاچاق ازبنادرعمان وارد میکنند ـ اوضاع مردم این جزیره ازلحاظ بهداشت وتهیه غذاخوب نیست و ارتباط بابنادر عمان دارند. نویسنده در گردش و سیاحت خودمخلوقی بینواتر وبیچاره ترازمردم جزیره هنگام ندیدم ـ این جزیره در۲ کیلومتری جنوب جزیره قشم واقع شده وتابع بندرعباس است.

جزیره کیش

طول این جزیره ۱۵ کیلومتر وعرض آن درحدود ۷ کیلومتر است از حیث خوبی آب و هوا بهترین جزیره در خلیج فارس بشمار میرود هرگاه دو متر زمین را حفر کنند آب گوارا بدست میآید در سالهای پیش جمعیت آنجا در حدود ۱۲۰۰۰ نفر و دارای شصت کشتی بزرك و ۱۵۰ کشتی کوچك بوده و بصید مروارید و حمل کالا اشتغال داشتند اکنون عده سکنه این جزیره بیش از ۴۰۰ نفر نیست ـ ضابط این جزیره شیخ محمد از قبیله آل علی است و درقصبه ماشی سکونت دارد ـ محصول این جزیره خرما وکمی گندم وجو وذرت میباشد ـ مرواریدکه دراطراف

کیش بدست میآید بهترین مروارید است و نظر بخوبی بندرگاه و آب مشروب فراوان اکثر تجار مروارید در این جزیره رفت و آمد داشتند اکنون بازار دادوستدمروارید درکیش راکد مانده ـ جزیره کیش درپیش ابواب جمعی واز املاك علی محمد خان قوام الملك شیرازی بود و او بعداً آنجا را بمحمد رضا سطوت الممالك بستکی فروخت ـ پس از آنکه جزیره دلمه اهمیت وموقعیت خود را از دستدادکیش از حیث دادوستد مروارید مقام خاصی را داراگردید در سال ٦٢٦ قمری اتابك ابوبکر بن سعد زنگی جزیره کیش را تسخیر نمود و ملك سلطان حکمران آنجا را کشته و خزانه خود را از فارس باین جزیره انتقال داد وکیش را دولت خانه نامید و چند سال در تصرف شیخ ابراهیم طیبی بوده جمال الدین ابوالفتح بن مجاور در تاریخ منتصری مینویسد « کیش شهریست بزرگ و حصاری دور آن کشیده شده و بازرگانان انواع پارچه های ابریشمی وکتانی وغله وحبوبات وارد میکنند ودرعوض مرواریدخریداری مینمایند و در آنجا نخلستان زیاد وجود دارد و خانه ها عموماً دارای چند طبقه و مردم کیش از منسوجات بافت مراکش لباس میپوشند و گوشه دستار خود را آویزان مینمایند » ـ ابن بلخی مینویسد« جزیره کیش از ازمنه قدیم معمور بوده و شهر کیش در شمال جزیره واقع شده و تپههای زیادی از آثار خانه ها و ستون های سنگی اکنون باقیمانده است و حکمران جزیره بر سواحل و کرانه های عمان و خلیج فارس فرمانروائی داشته وکشتیهای بازرگانی که بین هندوستان و خلیج فارس آمدورفت داشتند در جزیره کیش توقف میکردندو تااواخر قرن٨هجری این جزیرهشهرتی زیاد دارا بوده سپس رو بویرانی گذارد و جزیره هرمز آبادگردید.

یاقوت مینویسد « در قرن٧هجری جزیره کیش آباد بوده ودارای

خانه ها و عمارات بزرك که در اطراف آن باغها احاطه داشته و چند آب انبار بزرك برای ذخیره آب و پنج بازار معمور دارا بوده و عده سکنه آنجازیاد میباشد »

بنیامین از اهالی تولا مینویسد « بازار معاملات درکیش بسیار مهم است وتجار هندی - یمنی- ایرانی انواع پارچه های ابریشمی وریسمانی و پنبه و حبوبات و ادویه هندی در این جزیره وارد میکنند و حکمران کیش بواسطه برتری نیروی دریائی خود مورد احترام امرای هندوستان میباشد وکلیه جزایر نزدیك کیش در تحت حکومت او قرار دارد در این جزیره چند نفر را ملاقات کردم که در ادبیات و حکمت یـد طولائی داشتند .» ذکریای قزوینی مینویسد « جزیره کیش درقرن ۷هجری شهری مهم و دارای ابنیه و دروازه های بزرك و در زمان ما هیچ جائی بصفـا و قشنگی کیش نیست و کشتی های عرب و ایرانی بقصد معامله وتجارت به این جزیره میآیند »

آثار ویرانه شهر حریرا که در زمان خلفای اسلام بنا شده هنوز باقیمانده است و از مشاهده ستونها و عمارات مخروبه آنجا معلوم میشود در اثرزلزله شدید ازبین رفته‌است و قلعه ئی نزدیك کرانه وجود داردکه بوسیله‌دهلیز های‌زیرزمینی بدریاراه‌داشته ودیوارهای‌آن از سنك‌وسیمان ساخته شده است - درخرابه های کیش اشیاء عتیقه از جمله ظروف‌سفالی و چینی و سکه های قدیم یافت میشودنیز آب انبارهای بزرك وچندرشته قنات دارا بوده اکنون هفت قنات آن وجود دارد در جزیره کیش چند مسجد بنا شده در یکی از این مساجد لوحه سنگی دیده شدکه سوره تنزیل در آن نقر شده در سال های پیش عواید و مالیات این جزیره

بخلیفه عباسی داده میشد و مأموری از طرف خلیفه همه وقت در کیش توقف داشته ـ اکنون شیخ صالح از جانب برادر خود شیخ محمد ضابط این جزیره میباشد .

مردم کیش اکثر فقیر وبیچاره و ازلحاظ بهداشت وامراض گوناگون اوضاع آنها خوب نیست و بواسطه فقدان پزشك مرك و میر بین اهالی زیاد است ـ مسافت بین جزیره کیش تابندر گرزه که از توابع بنادر شیبکوه است در حدود ۱۷ کیلو متر وتابندرلنگه ۳۶میل دریائی است و ارتباط آن با بنادر ایران وعمان است. شمس الدین محمد بن احمد کیشی ازافاضل علما و عرفای عصر خود بوده ودرشیراز فوت نموده این جزیره را بمناسبت قیص فرزند قیصر سیرافی، اعراب قیس نام نهادند .

جزیره هرمز

طول این جزیره ۹کیلومتر و عرض آن ۸کیلومتر و مسافت بین هرمز و بندر عباس در حدود ۱۸ کیلومتر است عده سکنه این جزیره را ۱۶۰۰ نفر میگویند و دارای ۱۵ کشتی برای حمل کالا وصید ماهی میباشند. اکثر مردمش در معدن خاك سرخ مشغولند همه آنها فقیرو نحیف بدبختانه برخی معتاد بافیون وتریاك هستند نیز کودکان آنها غالبا بتراخم مبتلا میباشند وازلحاظ بهداشت اوضاع آنها رقت آورست در تابستان هوایش بشدت گرم وغیرقابل تحمل میباشد اکثرمردم این جزیره در تابستان ببندرمیناب میروند این جزیره دارای معادن نمك ـ گوگرد ـ خاك سرخ (گلك) آهن ـ ذاج میباشد اکنون چند سال است در یکقسمت معدن خاك سرخ مشغول استخراج هستند و از سایر معادن دیگر استفاده نشده است ازبندرگاه تا معدن خاك سرخ در حدود ۲۱ کیلومتر مسافت است و درسال مقدارزیادی از خاك سرخ بخارجه حمل میگردد که ازصادرات عمده خلیج فارس بشمار

خانه ها و عمارات بزرك که در اطراف آن باغها احاطه داشته و چند آب انبار بزرك برای ذخیره آب و پنج بازار معمور دارا بوده و عده سکنه آنجازیاد میباشد »

بنیامین از اهالی تولا مینویسد « بازار معاملات درکیش بسیار مهم است وتجارهندی - یمنی- ایرانی انواع پارچه های ابریشمی وریسمانی و پنبه و حبوبات و ادویه هندی در این جزیره وارد میکنند و حکمران کیش بواسطه برتری نیروی دریائی خود مورد احترام امرای هندوستان میباشد وکلیه جزایر نزدیك کیش در تحت حکومت او قرار دارد در این جزیره چند نفر را ملاقات کردم که در ادبیات و حکمت ید طولائی داشتند .» ذکریای قزوینی مینویسد « جزیره کیش درقرن ۷ هجری شهری مهم و دارای ابنیه و دروازه های بزرك و در زمان ما هیچ جائی بصفا و قشنگی کیش نیست و کشتی های عرب و ایرانی بقصد معامله وتجارت به این جزیره میآیند »

آثار ویرانه شهر حریرا که در زمان خلفای اسلام بنا شده هنوز باقیمانده است و از مشاهده ستونها و عمارات مخروبه آنجا معلوم میشود در اثرزلزله شدید ازبین رفته‌است و قلعه ئی نزدیك کرانه وجود داردکه بوسیله دهلیز های زیرزمینی بدریاراه داشته ودیوارهای آن از سنك وسیمان ساخته شده است - درخرابه های کیش اشیاء عتیقه از جمله ظروف سفالی و چینی و سکه های قدیم یافت میشودنیز آب انبارهای بزرك وچندرشته قنات دارا بوده اکنون هفت قنات آن وجود دارد در جزیره کیش چند مسجد بنا شده در یکی از این مساجد لوحه سنگی دیده شدکه سوره تنزیل در آن نقر شده در سال های پیش عواید و مالیات این جزیره

بخلیفه عباسی داده میشد و مأموری از طرف خلیفه همه وقت در کیش توقف داشته ـ اکنون شیخ صالح از جانب برادر خود شیخ محمد ضابط این جزیره‌میباشد .

مردم کیش اکثر فقیر وبیچاره‌و ازلحاظ بهداشت‌وامراض گوناگون اوضاع آنها خوب نیست و بواسطه فقدان پزشك مرك و میر بین اهـالی زیاد است ـ مسافت بین‌جزیره کیش تابندر گرزه که از توابع‌بنادرشیبکوه است در حدود ۱۷ کیلو متر وتابندرلنگه ۳٦میل دریائی است و ارتباط آن با بنادر ایران وعمان‌است. شمس‌الدین‌محمدبن‌احمد کیشی ازافاضل علما و عرفای عصرخود بوده ودرشیراز فوت نموده‌این جزیره را بمناسبت قیص فرزند قیصر سیرافی، اعراب قیس نام نهادند .

جزیره هرمز

طول این جزیره ۹کیلومتر و عرض آن ۸کیلومتر و مسافت بین هرمز و بندر عباس در حدود ۱۸ کیلومتر است عده سکنه این جزیره را ۱٦۰۰ نفر میگویند و دارای۱۵ کشتی‌برای‌حمل کالا وصید ماهی‌میباشند. اکثر مردمش در معدن‌خاك سرخ‌مشغولند همه آنها فقیرونحیف بدبختانه برخی معتاد بافیون وتریاك هستند نیز کودکان آنها غالباً بتراخم مبتلا میباشند وازلحاظ بهداشت اوضاع‌آنهارقت‌آورست درتابستان‌هوایش‌بشدت گرم‌وغیرقابل تحمل میباشد اکثرمردم این جزیره در تابستان ببندرمیناب میروند این جزیره دارای معادن نمك ـگوگرد ـ خاك سرخ (گلك)آهن‌ـ ذاج میباشد اکنون چند سال است در یکقسمت معدن خاك سرخ‌مشغول استخراج هستند و از سایر معادن دیگر استفاده نشده است ازبندرگـاه تا معدن‌خاك سرخ‌در حدود۲۱ کیلومترمسافت است و درسال‌مقدارزیادی از خاك سرخ بخارجه حمل میگردد که ازصادرات‌عمده خلیج‌فارس‌بشمار

میرود درسالهای پیش امتیاز استخراج خاك سرخ بمرحوم معین التجار بوشهری واگذار شده بود و بعداً در اختیار گمرك بندر عباس درآمد - بلندترین کوههای هرمز ۲۳۰۰ پا ارتفاع دارد و معروف است درازمنه قدیم آتش فشان بوده.

آثارقلعه پرتقالی‌ها موسوم بقلعه «مورنا» اکنون باقیمانده این قلعه دارای دوحیاط بزرك وچندآب انبارکه از ده ستون پنج‌متری ازسنك کوه ساخته شده نیز چند زیرزمین و مخازن مخروبه دراین قلعه‌وجود دارد.

شهر قدیم و حکومت نشین این جزیره جرون بوده و هرمز قدیم نام‌قریه‌ای‌بود که‌درکرانه‌خلیج‌فارس‌واقع وفاصله‌زیادی‌باجزیره‌هرمز نداشت- درقرن۸هجری‌این‌جزیره‌مرکز تجارت خاورو باختر بودو بنیادشهرجرون را باردشیر بابکان نسبت میدهند ودر ازمنه قدیم بندر تجارتی استان کرمان بوده و در حدود سیصد کشتی برای امور بازرگانی همه وقت درلنگرگاه بندر جرون حاضر برای حمل ونقل بود.

دراین‌جزیره غله - برنج - نیل‌بعمل میآمدوصادرات آنجامروارید و ابریشم وکالاهای دیگر بود مورخین موقعیت و اهمیت هرمز را بعد از ظهوراسلام مینویسند و توران شاه معروف بدرهم‌کوب در جزیره هرمز حکومت داشته - درچند سال پیش درکرانه های بندرعباس سکه‌های‌طلا پیدا شده که در یکطرف آن‌نام‌عادل‌شاه ودرسمت دیگراسم جرون نوشته شده بود و رکن الدین محمد دوازدهمین امیر از سلسله توران شاه در هرمز حکومت داشته و امرای هرمز تابع اتابکان فارس یا والیان استان کرمان بودند.

دراوایل سلطنت‌سلجوقیان‌قادور برادر الب ارسلان‌که فرمانفرمای کرمان بود جزیره هرمز را تصرف کرد - در زمان اتابك ابوبکر بن سعد

زنگی حکمران این جزیره شاه‌محمود مالیات را بوالی کرمان می‌پرداخت چون ازدنیا رفت شاه نصرت فرزند او بحکومت هرمز برقرارشد. سپس بدست برادرخود رکن‌الدین مسعود کشته گردید و بهاءالدین ایاز که‌ازغلامان نصرت بودبخوانخواهی آقای خود قیام کرده وقشون رکن‌الدین مسعودرا شکست داد وهرمز رامتصرف ومسعود بکرمان‌فرارکرده باکمك‌فرمان-فرمای کرمان مجدداً بهرمزبرگشت و بهاءالدین ایاز ازشیخ‌الاسلام‌ابراهیم طیبی والی جزیره کیش طلب‌مساعدت نمود نامبرده رکن‌الدین مسعودرا ازهرمزخارج کردوتاسال ۷۱۵ قمری ایازحکمران آنجا بود واولاداوتاسال ۹۱۳ قمری حکومت این جزیره بودند.

در زمان امیر بهاء الدین پانزدهمین حکمران این جزیره لشکریان مغول بهرمز حمله‌نمودند ودست بغارت وچپاول زدند امیر نامبرده ومردم هرمز ازترس شهررا ترك نموده و بجزیره کیش فرارکردند پس ازچندی بجزیره هرمزبرگشتند - دردوره امیرقطب‌الدین جزایر کیش‌وبحرین رانیز ضمیمه حکومت خود نمود «دورات‌باربوسا» سیاح پرتقالی که‌درسال ۱۵۱۸ میلادی بجزیره هرمز آمده مینویسد « هرمز شهریست قشنك دارای خانه‌های بزرك که ازسنك وسیمان ساخته شده و تجار آنجا اکثر ایرانی وعرب هستند و با سرمایه کافی بداد وستد مشغولند و کشتیهای زیادی باین جزیره آمد و رفت دارند و کالا از ممالك خارجه وارد میکنند وبا پارچه‌های‌ابریشمی وقالی‌ومروارید واسب‌های خوب معاوضه‌مینمایند»

« الفونسو البوکرك » سردار پرتقالی پس‌ازتصرف مسقط وسواحل عمان با کشتیهای حامل نفرات جنگی خود بجزیره هرمز حمله نمود و سیف‌الدین حکمران آنجا قوائی مرکب از سی هزار نفر بسرکردگی خواجه عطا که مردی دلیر و کار دیده بود برای دفاع جزیره مهیای جنك

گردید «البوکرك» پیشنهادتسلیم جزیره هرمز وقبول تابعیت پادشاه پرتقال بحکمران هرمز نمود چون مذاکرات به نتیجه نرسید جنگی شدید بین طرفین در گرفت که منجر بغلبه سردار پرتقالی گردید و سیف‌الدین پنجهزار زرافین بعنوان غرامت جنك پرداخت ومتعهد گردیدکه هرساله پانزده هزارزرافین‌بعنوان‌مالیات بپردازد نیزمال‌التجاره پرتقالیهااز پرداخت عوارض معاف باشد ضمناً سیف‌الدین متعهد شد که کشتیهای بازرگانی داخله وخارجه بدون اجازه سردار پرتقالی درخلیج فارس حق معاملات وداد وستد نداشته باشند.

« البوکرك » قلعه محکمی در محلی موسوم « بمورنا » در هرمز بنیاد نمود ومقداری کالا وارد این جزیره کرد پس ازچندی شاه اسماعیل صفوی مطالبه مالیات از حکمران هرمز نمود امیر سیف‌الدین مراتب را بسردار پرتقالی گزارش داد وکسب تکلیف کرد « البوکرك » جواب داد که‌هرمزرابجنك وغلبه‌تصرف کرده و متعلق‌بپادشاه پرتقال‌است‌ومتذکرشد ازشاه اسماعیل ترس وبیم نداشته‌باشید ضمناً مقداری گلوله توپ‌وباروت وچند قبضه تفنك‌تحویل مأمور شاه اسماعیل‌نمود وگفت‌که این اشیاء را درعوض مالیات بپادشاه ایران تقدیم داردواضافه کرد همینکه قلعه هرمز باتمام رسید بسایر نقاط خلیج فارس رفته وآنجارا بنام پادشاه پرتقال تصرف خواهم نمود ـ چون شاه اسماعیل سرگرم جنك باعثمانیها درمرز ایران بود در آنموقع نمیخواست با پرتقالیها در خلیج فارس بزدوخورد مبادرت کند وکار بمسالمت و سازش باپرتقالیها انجام یافت.

بعد از «البوکرك» یکنفرپرتقالی موسوم به «لوپوسوازر» درهرمز حکمرانی میکرد در سال ۱۰٤۰ قمری شاه عباس بزرك پس از معاهده صلح با ترکها بقصد تصرف هرمز با « جیمس » پادشاه انگلیس قراردادی

منعقد نمود که متفقاً پرتقالیهارا از جزیره هرمز خارج کنند بنابراین ابتدا شاه عباس بندر عباس را تصرف کرد وآن‌بندررا برای دفاع ازهرمز مستحکم نمود .

لشکریان ایران بکمك اعراب ابتدا پرتقالیهارا در رأس‌الخیمه‌وبعد جزیره قشم سپس در هرمز بسرداری امام قلی‌خان بامساعدت کشتیهای انگلیسیها محاصره کردند وپس ازجنگهای سخت و خونین پرتقالیهارا شکست داده وآنجارا متصرف شدند وپرچم ایران بعدازچند سال بجای پرچم پرتقالی برفراز قلعه هرمز دراهتزاز درآمد وبموجب شرایط صلح که بوسیله انگلیسیها برقرار شد اسرای پرتقالیها را بمسقط روانه‌نمودند و دست مأمورین پرتقالی‌از جزیره هرمز وبنادر خلیج‌فارس کوتاه گردید بعد ازتصرف هرمز شاه عباس بفکرتسخیرمسقط افتادکه دست‌پرتقالیهارا ازاین بندر نیزکوتاه کند ولی انگلیسیها باین امر موافقت نکردند همین قضیه سبب اختلاف بین امام‌قلیخان و انگلیسیها گردید ولی سپاهیان‌ایران صحار وخورفکان را درساحل عمان تصرف کردند درآن هنگام سرکرده پرتقالی موسوم به « روفریر » که ازجمله‌اسیران ودرحبس بود اززندان فرارکرد ومجدداً بعضی ازبنادر بین‌جاسك‌وبندرعباس‌را باعده ازپرتقالیها خراب و ویران نمود چون قوای آنها کافی نبود کاری از پیش نبردند شاه عباس میل نداشت که هرمز دوباره آباد شود وامر نمود که خانه‌های آنجارا خراب کردند و سکنه هرمز متدرجاً به بندرعباس انتقال یافت و درعوض بندرکامبرون را معمور و آباد ساخت .

جزیره هرمزبواسطه‌موقعیت نظامی‌وسوق‌الجیشی‌تالی‌بغازدارداناً است وهمیشه مورد توجه بیگانگان بوده درسال ۱۳۰٦ قمری در دوره ناصرالدین شاه مهندسین نظامی روسی بهرمز آمدند و تنگه هرمز را

بازدید نموده و پس از بازگشت خود بدولت متبوعه خود پیشنهاد کردند که چند انبار برای سوخت کشتیهای خود که درخلیج فارس رفت‌وآمد داشتند ساخته شودولی بصورت عمل درنیامد.

« لردگرزن » درکتاب خود مینوید « جزیره هرمز جز اینکه درمدخل‌خلیج فارس‌واقع شده و دوبندر مناسب ازنقطه نظرسوق‌الجیشی دارد موقعیت تجارتی ندارد »

شهر قدیم هرمز در کرانه واقع بوده و بمغوستان مشهور بود وجزیره هرمز بمسافت ۱۸ کیلومتر روبروی آن بندر قرار داشته‌است.

جزیره خارک

طول این جزیره ۸ کیلومتر وعرض آن ٤ کیلو متر است مسافت بین خارک وبندربوشهر درحدود ۳۰ میل دریائی‌است- هوای‌اینجزیره معتدل وآب مشروب فراوان دارد و در قدیم دارای‌هفت‌رشته قنات بوده هرگاه این‌قنوات‌تنقیه‌شودبر محصول‌آنجاافزون‌میگردد- عده سکنه‌آنجارا در حدود ۲۵۰ نفر میگویند و مردمش اکثر دریا نورد یا بصید مروارید مشغولند. مروارید خارك آن قدر زیاد نیست که دارای اهمیت باشد- زراعت آنجاکمی گندم و جو و ذرت میباشد ومردم مواد غذائی خود را ازخارج تهیه میکنند - اطراف جزیره‌خارکرا کوه احاطه نموده درآنجا دخمه‌هائی وجوددارد که دربعضی‌بخط میخی نوشته شده‌است درچندسال پیش پروفسور « مکسی مولن » مستشرق آلمانی این دخمه هارا بازدید نموده وخطوط میخی‌راباکاغذ مخصوص‌عکس‌برداری‌نموده اومعتقد بود که درهفتصد سال قبل عیسویانی در خارك اقامت داشتند وچندصلیب درآنجا یافته بود این دخمه ها قبور زردشتیان بوده که در خارك سکنی داشتند.

آثارقلعه‌هلندیها که‌درخارک ساخته‌اند هنوزباقیمانده ولی‌سنک‌های

آنرا شرکت نفت انگلیس و ایران برای عمارات و ساختمانهای خود به‌آبادان برده‌است ـ درسال ۱۷۵۳ میلادی «بارن نیفوزن» مدیر تجارتخانه هلندی باین جزیره آمد و قلعه‌ئی برای سکونت خود بنا کرد وچندی در آنجا مشغول امور بازرگانی بود پس ازاستقرار هلندی‌ها در خارك مناقشه و کشمکش بین آنها و میرمهنا پیدا شد او مدعی بود که هلندیها میبایست مبلغی بابت عوارض کالا وحق‌سکونت خوددرخارگ بپردازند واین مناقشه تامدتی ادامه داشت .

جد اعلای میر مهنا درسال ۱۰۵۰ هجری قمری باقبیله خود به‌امر و اجازه شاه صفی بفلاحیه آمده و چندی حکمران آن ناحیه‌بود .

پیش از آنکه کریم‌خان زندبعراق‌عرب حرکت کند میرمهنارا گرفتار وزندانی نمود ولی بشفاعت میرزا محمد بیك خرموجی دشتستانی که در جنگهای ناحیه خشت‌خدماتی کرده بودمستخلص‌شدومجدداًضابط بندرریگ گردید درغیبت کریم خان زند باز بنای تاخت‌وتاز وآزار مردم‌را گذارد صادق‌خان بیگلربیگی‌فارس امیرگونه خان افشاررا به تنبیه‌او مأمورنمود میرمهنا باکسان خود ازبندرریگ بجزیره خارگو فرارکرد وخیال‌تصرف جزیره خارك‌را داشت هلندیها ازشیخ سعدان بوشهری استمدادخواستند و او بانفنگچیان چریك بخارك آمدند و درجزیره خارگو جنگی شدید بین طرفین درگرفت و شیخ سعدان و هلندیها شکست خوردند میرمهنا بیدرنك بخارك حمله‌نمود وقلعه هلندیهارا تصرف کرد ورئیس آنهارا اسیر و مهمات و کالای هلندیها را بغارت برد ـ کریم‌خان‌زند زکیخان‌را مأمور تدمیر وسرکوبی میرمهنا نمود واو ابتدا به بندر ریگ آمد سپس‌باکشتی وتوپهای بزرك بخارك هجوم آورد .

میرمهنا مردی بود شجاع و در عین حال سفاك و شریر ومدتی راه

بین بوشهر و شیراز دستخوش غارت و چپاول او واقع شده بود و نیز از دزدان دریائی مشهور درخلیج فارس بشمار میرفت درمیان رؤسای کرانه جنوب ایران فقط میرمهنا یاغی وسرکش بود وچندموقع بکشتیهای انگلیسی حمله نمود و غنائم زیادی بدست آورد و قلعه هلندیها را در خارك باجنك وغلبه تصرف کرده اموال آنها قبضه وخود هلندیهارا ازخارك روانه بتاویا نمود و از اذیت و آزار نسبت بمردم کرانه خلیج فارس خودداری نداشت پس از اخراج هلندیها لشکریان کریمخان زند بخارك حمله نمودند میرمهنا مقابله سخت نمود و چون برج و بارو های قلعه را با توپهائیکه از هلندیها گرفته مجهز نموده بود سپاه کریم خان نتوانستند پیشرفتی کنند بنابرین امیرگونه خان‌افشار مأمور سرکوبی میرمهنا گردید باکمك شیخ سعدان بوشهری و زکی خان زند باتوپخانه و مهمات کافی مجدداً بخارگ حمله کردند و پس‌از چندروز محاصره بعضی‌ازهمراهان میرمهنا نیز براو شوریدند. چون او اوضاع‌را سخت دید هنگام شب‌اشیاء قیمتی خودرا همراه برداشته بکویت وازآنجا به بصره فرارکرد حکمران بصره اورا دستگیر و بقتل رسانید.

چون حسن سلطان پسرعموی میر مهنا درشکست و فرار میر مهنا حسن خدمت انجام داده بود زکیخان سرکرده سپاه خدمات اورا بعرض کریم خان زند رسانید و فرمان ضابطی بندرریك و جزیره خارگ برای حسن سلطان صادرشد وآنچه اموال میرمهنا وهلندیها درخارگ‌باقیمانده بود به نامبرده داده شد.

درسال ۱۸٤۲ میلادی خارگ بتصرف انگلیسیها درآمد و این قضیه درموقعی اتفاق که محمدشاه قاجار درهرات مشغول جنك بود وپس ازمتارکه جنك انگلیسیها خارگ را تخلیه کردند در سال ۱۸۵۷ میلادی

که ناصرالدین شاه هرات را محاصره نمود بار دیگر انگلیسیها خارگ را تصرف نمودند دراین بار افسران نظامی انگلیس بلندن پیشنهاد کردند که جزیره خارگ را مرکز سیاسی ونظامی انگلیس در خلیج فارس قراردهند ولی اولیاء دولت انگلیس این پیشنهاد را قبول ننمودند «سرجمیس اوترام» انگلیسی سرکرده قشون مینویسند :

«جزیره خارگ برای اقامت نماینده سیاسی انگلیس مقیم خلیج فارس محل خوب ومناسبی است هرگاه نماینده ما درخارگ باشد دیگر مجبور نخواهد بود اوقات خود را صرف مداخله در امور اتباع ایران بنماید (مقصود سرکنسول دولت انگلیس دربندر بوشهر است) برای این امر لازم نیست خارگ را از حاکمیت ایران منتزع ساخته و جزء متصرفات انگلیس قرار دهیم» .

در خارگ مقبرهٔ از سنك تراش بناگردیده و مشهور است که محمد حنفیه فرزند حضرت علی (ع) درآنجا مدفون است ولوحه کاشی بنظر رسید که بر آن نوشته شده هذالمشهد امیرالمؤمنین محمد ابن امیرالمؤمنین علی کتبیه حسین‌النجاری فی‌سنه‌اربعین وسبع مائه . جزیره خارگ تابع بخشدار بندر ریگ است وسکنه‌آنجا مالیات حاصله از صید مروارید بضابط بندر ریگ میدهند و کمی مروارید که بدست می آید به بندر کویت برده بمصرف فروش میرسد در چند سال پیش دولت ایران درصدد برآمد که بازجوئی درعمل صید مروارید درجزیره خارگ نماید ولی نتیجه بدست‌نیامد . مسافت بین خارك تا دهانه شط‌العرب ۱۱۰ میل دریائی است و درآنجا فانوسهای دریائی برای راهنمائی کشتیها نصب‌شده که شبها از فاصله زیادی نمایان است .

جزیره خارگو در ۲ کیلومتری خارک واقع شده و غیر مسکون است درآنجا لاك پشت‌های بزرك دریائی وجود دارد وسیاحان خارجه وبرخی اهالی کرانه خلیج‌فارس برای‌صید وشکاراین‌حیوان‌بخارگومیروند طول این جزیره ٤ کیلومتر وعرض آن کمتر ازیك کیلومتر است دارای چند چاه آب مشروب گوارا وچند درخت کهن‌سال است وهوای آنجا بسیار لطیف و منظره باصفائی دارد.

جزیره شیخ شعیب

طول این جزیره ۱۲ کیلومتر وعرض آن ٥ کیلومتر است و۸میل دریائی تابندرلنگه مسافت دارد عده‌سکنه این‌جزیره را درحدود ۸۰۰نفر میگویند و مردمش اکثر ماهی گیر هستند . در سالهای پیش دارای چند کشتی برای صید مروارید بودند این جزیره نزدیك بندر مقام از توابع بنادر شیبکوه است وضابط آنجا ازمشایخ آل‌حماد میباشد - درپیش یکی ازمراکز معاملات مرواریدبوده واکنون مردم‌آنجا فقیر ومستمند وبعضی ازشدت پریشانی به بنادر عمان مهاجرت کرده‌اند - در این جزیره کمی نخلستان وجود دارد و آب مشروب اهالی ازچاه است - این جزیره دارای سه دهستان میباشد ومواد غذائی آنها از خارج تهیه میگردد .

جزیره فرور

طول این‌جزیره ۷کیلومتر وعرض‌آن درحدود ٥کیلومترونزدیك بندر مغو واقع شده وتا بندرلنگه ۲٥میل دریائی مسافت‌دارد. عده سکنه این جزیره را در حدود ٦۰ نفر میگویند و چند کشتی برای صید مروارید داشته ودرمحلی موسوم به نجوا صیدمروارید میکردند ضابط آنجا ازقبیله آل مرزوق است و ارتباط مردمش بالنگه وبنادر عمان‌است آذوقه‌وخواربارآنها ازخارج تهیه میگردد . آب مشروب‌آنجا ازچاه‌است.

جزیره سری

طول این جزیره ۷ کیلومتر و عرض آن ½۴ کیلو متر است و تا بندر لنگه ۷۰ کیلومتر مسافت دارد. جمعیت آنجارا در حدود ۳۰۰ نفر میگویند و دارای بیست کشتی برای ماهیگیری و صید مروارید میباشد اکثر مردمش از شدت فقر بطرف بنادر عمان مهاجرت کرده اند ـ آب مشروب آنجا از چاه میباشد در این جزیره گمرك خانه تأسیس شده ولی عایداتی ندارد.

جزیره لارك

طول این جزیره ۱۱ کیلومتر وعرض آن ۷ کیلومتر است این جزیره از صخره های آتش فشانی تشکیل شده وتا بندرعباس در حدود ۱۸ میل دریائی است وتا رأس الجبال که محل صید مروارید است ۲۸ میل دریائی مسافت دارد عده سکنه آنجا را درحدود ۲۵۰ نفر میگویند که ازقبیله شوهیان میباشند و اکثر آنها دریا نوردند ـ دراین جزیره معادن خاك سرخ وگودرز (بنت الذهب) وجود دارد که تاکنون مورد استفاده واقع نشده است.

جزیره هندرابی

طول این جزیره ۹ کیلومتر و عرض آن ٤ کیلومتر است و تا بندر لنگه ۲۰ میل دریائی مسافت دارد. درنزدیکی بندرچیرو که ازتوابع شیبکوه است واقع شده عده سکنه آنجا درحدود ۲٦۰ نفرمیگویند واکثرمردمش ماهیگیرند ضابط این جزیره یکی ازمشایخ عبدلی است ارتباط این جزیره با بنادر عمان است وآب مشروب آنجاازچاه است ـ

جزیره تونب (نابیو)

این جزیره در ۵۰ کیلومتری جنوب شرقی بندر لنگه واقع شده عده سکنه آنجا در حدود ۲۰۰ نفر میگویند و دارای چند کشتی برای

ماهیگیری وصیدمروارید هستند در این جزیره یك‌فانوس دریائی ازطرف انگلیس‌ها برای راهنمائی کشتی ها نصب گردیده و ارتباط مردمش بابندر لنگه و بنادر عمان است وضابط آنجا شیخ راشدحکمران‌بندررأس‌الخیمه میباشد . این جزیره در نتیجه عدم توجه اولیاء ایران در تصرف مشایخ سواحل عمان درآمده است .

جزیره تمب مارو

این جزیره نزدیك تونب واقع شده و خالی از سکنه میباشد در آنجا مار های زیاد وجوددارد و کسی نمیتواند در آنجا سکنی کند دارای چند چاه آب شیرین است .

جزیره شتور نزدیك شیخ شعیب واقع شده و جزایر تهمادوشیخ کرامه ـ گرم‌از توابع‌ناحیه دشتی‌و بدون سکنه میباشند ومردمش‌بواسطه قحطی ومجاعه چندیست از آنجامهاجرت کرده اند جزیره دیره وجزیره بنه نیز بین بنادر مشور و هندیخان واقع شده و بدون سکنه میباشد در ایندو جزیره ماروموش‌زیادوجود دارد .

جزیره ابن موسی

طول این جزیره ۵۰۰ وعرض آن $\frac{1}{2}$۴ کیلومتر این جزیره بین‌بندر لنگه و بندر دوبی و شارجه واقع شده و تا بندر لنگه در حدود ۴۲ میل دریائی مسافت دارد . در سالهای پیش که مشایخ جواسم که حکمران‌لنگه بودند با رضایت و موافقت آنها این جزیره مرتع و چرا گاه مواشی و چارپایان‌شیوخ بنادر دوبی وشارجه بود وپس ازشکست وفرارشیخ‌محمد حکامی که از طرف فرمانداران بوشهر ببندر لنگه میآمدند رفت وآمدی در این جزیره نداشتند در نتیجه عدم توجه آنها شیخ بندر شارجه این جزیره را تصاحب نمود ازطرف دولت‌ایران مرحوم ملك التجار بوشهری

مأمورمذاکره‌ونصب بیرق ایران در این جزیره گردید ولی دسیسه دولت استعمار طلب که سالهاست در خلیج فارس نفوذ پیداکرده مانع این‌عمل شد در زمان مسیو « سیمون » بلژیکی‌رئیس کل گمرکات ایران او مأمور شدکه در جزیره بن‌موسی نصب بیرق وتأسیس گمرك نماید مجدداًدولت بیگانه مانع گردید.

در این جزیره معدن‌خاك سرخ وجود داردودرچند سال پیش‌ضابط آنجا قراردادی باحسن بن سمیه‌که یکی از بازرگانان بندرلنگه بودبرای استخراج خاك سرخ منعقد نمود و او کارگران و مامورینی وارد این جزیره نمود .

ضمناًبرای‌حمل‌خاك سرخ با نماینده‌کشتی رانی‌آلمانی‌وارد مذاکره گردید ولی انگلیسیها استخراج خاك سرخ این جزیره را بیك شرکت انگلیسی واگذارکردند و شرکت مزبور چندی مشغول استخراج خاك سرخ بودکه بعداً متوقف شد ـ عده سکنه آنجا را در حدود ۳۰۰نفرمی‌گویند ودارای بیست‌کشتی برای صید مروارید میباشند .

خور موسی

خورموسی یك دهانه دریائی است وتابندر معشور بداخله‌خشکی کشیده شده و این دهانه تمسافت ۳۷کیلومتر در خاور مصب رودخانه بهمن‌شیر واقع شده و بندر شاهپور بمسافت ۹۲کیلومتر در داخله دهانه این خور قرارگرفته درکرانه این خور زمین پست و باتلاقی تشکیل‌یافته است و چون ۷۰کیلومتر از خور رو بشمال رودکرانه و خشکی تنگتر شده و پنهای خور تا بندر شاهپور درحدود ۳کیلومتر میگردد ودروسط خورموسی جزیره‌کوچکی موسوم بقبرناخدا واقع شده است وعمق‌آنجا در نزدیك ساحل از ۲۵ متر ودربعضی نقاط ازسی‌متر تجاوز میکند .

در بندر شاهپور اسکله‌ای بطول ۴۱۲متر ساخته شده و کشتی‌های اوقیانوس پیما میتوانند در آنجا لنگر اندازند در این بندر چند عمارت و انبار و مخازن بزرگ و کوچك برای کالا ساخته شده وفانوسهای دریائی برای راهنمائی کشتیها دراطراف دهانه خور موسی نصب گردیده است ـ مسافت بین بندر شاهپور واهواز درحدود ۱۱۰ کیلومتراست .

در این بندر که‌ایستگاه راه آهن‌سرتاسر ایران است سدبندی شده و از نفوذ آب‌دریاجلوگیری گردیده است ودر سایر قسمت های این‌خور هنگام بالاآمدن آب دریا تا ۱۴ کیلومتر زمین پوشیده میشود وازدوطرف خط آهن بین بندر شاهپور و اهواز تا ایستگـاه سربند از میان باتلاق میگذرد. خور موسی در منتهی الیه خلیج فارس واقع شده و مسافت بین این خور تا مصب شط العرب در حدود ۸۰ کیلومتراست. طول‌خلیج فارس از بندرگواتر تا رودخانه بهمن شیر و بندر فلاحیه درحدود ۱۷۵۰ کیلو متر و عرض آن از بندر بوشهر تا بندر قطیف و لحسا درساحل‌عربستان در حدود ۳۵۰ کیلومتراست و در نقاط دیگر عرض آن زیادترمیشود ـ بندر فلاحیه (دورق) تابع استان خوزستان است و محصول آنجا اکثر کشت برنج میباشد و تابندر معشوردرحدود ٦٦ کیلومتراست . سکنه آنجا از قبیله بنی‌کعب میباشند در سال ۱۱۷۰ قمری شیخ سلمان رئیس آنها با عده‌ای از طایفه بنی‌کعب از خاك عراق به ایران مهـاجرت نموده و شیخ خزئل حکمران پیشین خرمشهر نیزازاعقاب‌همین‌طایفه بوده‌است. بنادرتابع استان خوزستان عبارتند ازفلاحیه ـ هندیجان ـ معشور . درسال های پیش سد و بند هائی از رود خانه های زیدون و جراحی در اطراف این ناحیه ساخته شده بود که زراعت آنجا را مشروب مینمود اکنون آن سد ها شکسته شده وازبین رفته‌است‌هرگاه این‌بندها تعمیر شود محصول

برنج وغله آن ناحیه افزون‌میگردد.

اهواز

از بوشهر باکشتی سریع السیر بعزم آبادان حرکت نمودم مسافت بین بوشهر و آبادان ۱٤۰ میل دریائی است وکشتی با ساعتی ۱۳ میل‌در میان امواج خروشان همچون‌کوه آهنین در شنا بود نسیم شمالی امواج نیل فام دریا را بحرکت درمیآورد وکف های سفید خود را نمایش‌میداد ناخدای کشتی با مهارت سکانرا میچرخانید و مأمور بی سیم باجدیت مشغول مخابرات تلگرافی بودوملوانان‌کشتی‌هریك مشغول کار بودندآنجا بیاد آیهٔ (ولقدکرمنا بنی‌آدم وحملناهم‌فی‌البر والبحر)افتادم‌که‌جوهرذاتی انسانی وکمال حقیقت بشری را ظاهر میسازد تاریکی شب اطراف رافرا گرفته بود نصف شب نورافکن‌های مصب شط العرب کشتی رابطرف بندر فاو راهنمائی مینمودند و فانوس های دریائی درکرانه رودخانه نور خود را جلوه‌گر میساخت چهار ساعت از نصف شب‌گذشته کشتی در آبادان لنگر انداخت چراغ های برق با الوان مختلف مناظر دلکشی داشت و صدای نفیرکارخانه های تولید برق هیجانی بوجود میآورد پس از ورود بآبادان صبح پیش از طلوع آفتاب بطرف اهواز حرکت نمودم و از پل متحرك رودخانه بهمن شیر عبور کرده وارد قریه مارد شدم در اینمحل ۱۲لوله نفتی که از نقاط مختلف میآمد تمرکز یافته و از رودخانه بهمن شیرگذشته برای تصفیه وارد پالشگاه آبادان میگردد مسافت بین آبادان و اهواز در حدود ۱٤۵ کیلومتراست ـ راه شوسه احداث نشده و دارای پست وبلندی زیاد است‌گرچه این راه مورد استفاده شرکت‌نفت انگلیس و ایران میباشد هیچگونه اهتمامی در تسطیح و شوسه نمودن آن بعمل نیامده است زمین های لم یزرع و خشك در راه ماواقع شده وهوابشدت

گرم است گوئی طبیعت قهر و خشم خود را در اینجا نمایان کرده‌است .
دهستانی که مسیر راه ما واقع است عبارت ازمارد ـ دارخوین ـ کوت عبدالله که در آنجادستگاه تجدید فشار وجریان نفت احداث شده و رشته های لوله نفتی از مسجد سلیمان بآبادان کشیده شده است .

اهواز یکی از شهرهای‌قدیم و مرکز مهم استان خوزستـان بوده وانبارومخازن زیادی‌برای کالاو مال‌التجاره احداث‌شده‌ودرروابط‌بازرگانی باکشورهای آسیا مقامی خاص دارابوده و محصول غله ونیشکرخوزستان از صادرات عمده آنجا بشمار میرفت « نیارکوس » دریا سالار اسکنـدر رومی و سایر سیاحان عرب واروپائی در سالهای پیش باهوازآمده‌و کتب و مجله هائی راجع باین شهر نوشته اند هنگامی‌که شاپوراول «والرین» امپراطور روم و سایر اسرای رومی از جمله « بزانوش» مهندس رومی‌را بایران‌آورد آنهارا‌بساختن‌سدکارون وادار نمود و هفت سد اهواز موسوم به شادروان که آب رودخانه را برای آبیاری بالا میآورده و در اطراف سد سه قنات بادریچه های مخصوصی احداث کرده بود که در موقع‌طغیان آب آن دریچه هارا باز میکردند بدین وسیله شهر از خطر خرابی سیل محفوظ بوده و نیز برای جمع آوری آب جهت آبیاری کشت و زراعت بکار میرفت .

این استان یکی از پرحاصل‌ترین نقاط ایران بود مخصوصاً بهترین نیشکر در آنجـا بعمل می‌آمده اکنون آثار چهار سد آن هنوزباقیمانده است ـ شاه شجـاع معاصر خواجه حافظ استان خوزستان را جزء قلمرو حکومت خود نمود ولی طولی نکشید که لشگریـان امیر تیمور آنجا را تسخیر نمودند در زمان شاه اسمعیل صفوی بعد ازتصرف بغداد متوجه خوزستان شده و اهواز را متصرف گردید و پس از ضعف صفویه افغانهـا

برآنجا استیلا یافتند ولی نادرشاه افغانها را ازآن استان رانده‌وفرماندار آنجا را بقتل رسانید . در دورهٔ فتحعلی شاه فرزندش محمدعلی میرزا که والی کرمانشاه بود خوزستان رانیزضمیمه حکومت‌خویش نمودوبندمیزان شوشتر را تعمیر ومرمت کرد .

از سال ۱۸۸۰ میلادی ببعد رودخانه کارون و اهواز مورد توجه انگلیس ها گردید و اهمیت آنجا در ارتباط راه ساحلی وحمل کالا بداخله ایران برآنها معلوم و مشهود شد و در سال ۱۸۸۸ میلادی ناصرالدین‌شاه اجازه کشتی‌رانی رودکارون را طبق فرمان مخصوصی به شرکت «برادران لنچ» صادر نمود « لردگرزن » درکتاب‌موسوم « بمسئله ایران »مینویسد وضعیت سیاسی و اقتصادی کارون و اهواز از لحاظ ارتباط با شهر های مرکزی و استفاده از آن شهر در توسعه تجارت با هندوستان نهایت‌لازم و قابل ملاحظه میباشد » « ژنرال سایکس » درکتاب هشت‌سال درایران» مینویسد « در مأموریت خودم بخوزستان بمقامات مربوطه ووزیر مختار انگلیس در ایران پیشنهاد نمودم که بجای نایب کنسولی درخرم شهر کنسول مستقلی برای خوزستان و لرستان که مرکز او در اهواز باشد مقرر نمایند و اهواز را از این نقطه نظر انتخاب نمودم که محل تقاطع راههای مختلف بداخله کشور میباشد ومیبایست کنسول مادرافتتاح راههای بختیاری ولرستان مساعی لازم بکاربرد . »

شهر اهواز بدو منطقه تقسیم شده اهواز قدیم که نزدیك تپه های بیرون شهر واقع شده و درآنجا عدهٔ از اعراب بومی با خانه های محقر گلی سکنی دارند و با نهایت فقر و بیچارگی امرار معاش مینماینددرحوالی اهواز قدیم در زیر خرابه و آواره ها ظروف سفالی و اشیاء بهادار یافت می شود و احداث اهواز جدید (ناصری) از همت و مساعی مرحوم

گرم است گوئی طبیعت قهر و خشم خود را در اینجا نمایان کرده‌است .
دهستانی که مسیر راه ما واقع است عبارت ازمارد ـ دارخوین ـ کوت عبدالله که در آنجادستگاه تجدید فشار وجریان نفت احداث شده و رشته های لوله نفتی از مسجد سلیمان بآبادان کشیده شده است .

اهواز یکی از شهرهای‌قدیم و مرکز مهم استان خوزستـان بوده وانبار ومخازن زیادی‌برای کالاو مال‌التجاره احداث‌شده‌ودرروابط‌بازرگانی باکشورهای آسیا مقامی خاص دارابوده و محصول غله ونیشکرخوزستان از صادرات عمده آنجا بشمار میرفت « نیارکوس » دریا سالار اسکنـدر رومی و سایر سیاحان عرب واروپائی در سالهای پیش باهوازآمده‌و کتب و مجله هائی راجع باین شهر نوشته اند هنگامی‌که شاپوراول «والرین» امپراطور روم و سایر اسرای رومی از جمله « بزانوش» مهندس رومی‌را بایران‌آورد آنهارا بساختن‌سدکارون وادار نمود و هفت سد اهواز موسوم به شادروان که آب رودخانه را برای آبیاری بالا میآورده و در اطراف سد سه قنات بادریچه های مخصوصی احداث‌کرده بود که در موقع‌طغیان آب آن دریچه هارا باز میکردند بدین وسیله شهر از خطر خرابی سیل محفوظ بوده و نیز برای جمع آوری آب جهت آبیاری کشت و زراعت بکار میرفت .

این استان یکی از پرحاصل‌ترین نقاط ایران بود مخصوصاً بهترین نیشکر در آنجـا بعمل می‌آمده اکنون آثار چهار سد آن هنوزباقیمانده است ـ شاه شجـاع معاصر خواجه حافظ استان خوزستان را جزء قلمرو حکومت خود نمود ولی طولی نکشید که لشگریـان امیر تیمور آنجا را تسخیر نمودند در زمان شاه اسمعیل صفوی بعد ازتصرف بغداد متوجه خوزستان شده و اهواز را متصرف گردید و پس از ضعف صفویه افغانهـا

برآنجا استیلا یافتند ولی نادرشاه افغانها را ازآن استان راندهوفرماندار آنجا را بقتل رسانید ـ در دورهٔ فتحعلی شاه فرزندش محمدعلی میرزا که والی کرمانشاه بود خوزستان رانیزضمیمه حکومتخویش نمودوبندمیزان شوشتر را تعمیر ومرمت کرد.

از سال ۱۸۸۰ میلادی ببعد رودخانه کارون و اهواز مورد توجه انگلیس ها گردید و اهمیت آنجا در ارتباط راه ساحلی وحمل کالابداخله ایران برآنها معلوم و مشهود شد و در سال۱۸۸۸ میلادی ناصرالدین‌شاه اجازه کشتی‌رانی رودکارون را طبق فرمان مخصوصی به شرکت«برادران لنیچ» صادر نمود « لردگرزن » درکتاب‌موسوم « بمسئله ایران »مینویسد وضعیت سیاسی و اقتصادی کارون و اهواز از لحاظ ارتباط با شهر های مرکزی و استفاده از آن شهر در توسعه تجارت با هندوستان نهایت‌لازم و قابل ملاحظه میباشد » « ژنرال سایکس » درکتاب هشت‌سال درایران» مینویسد « در مأموریت خودم بخوزستان بمقامات مربوطه ووزیر مختار انگلیس در ایران پیشنهاد نمودم که بجای نایب کنسولی درخرم شهر کنسول مستقلی برای خوزستان و لرستان که مرکز او در اهواز باشد مقرر نمایند و اهواز را از این نقطه نظر انتخاب نمودم که محل تقاطع راههای مختلف بداخله کشور میباشد ومیبایست کنسول مادرافتتاح راههای بختیاری ولرستان مساعی لازم بکاربرد. »

شهر اهواز بدو منطقه تقسیم شده اهواز قدیم که نزدیك تپه های بیرون شهر واقع شده و درآنجا عدهٔ از اعراب بومی با خانه های محقر گلی سکنی دارند و با نهایت فقر وبیچارگی‌امرار معاش مینماینددرحوالی اهواز قدیم در زیر خرابه و آواره ها ظروف سفالی و اشیاء بهادار یافت می شود و احداث اهواز جدید (ناصری) از همت و مساعی مرحوم

معین‌التجار بوشهری وحسینقلی خان نظام السلطنه در عهد ناصرالدین‌شاه میباشد میگویند در آن زمان هر قطعه زمین برای ساختمان در مقابل یك کیسه قند خریداری میگردیدولی اکنون هر ذرع زمین از سی تا پنجاه تومان خرید وفروش میشود -

در اهواز جدید خانه‌های بزرك دارای یك یا دو آشکوبه ساخته شده وباغهای عمومی در کنار رودکارون منظره با صفائی دارد . چندخیابان اسفالت شده بدون درخت در آنجا احداث گردیده و کوچه های وسیع این شهر که در دو طرف آنها جوی های پر از آب کثیف و عفن که درفصل تابستان پراز گردوخاك ودرزمستان اززیادی لای ولجن رفت وآمد باکمال صعوبت انجام میگیرد وجوددارد.

جمعیت اهواز را درحدود ۵۰،۰۰۰ نفر میگویند و اکثر مردمش از اهالی شوشتر ، دزفول وسایر شهرهای دیگر میباشند. عده زیادی از مردم آنجا بیکار ودرکارخود حیران وسرگردانند وبازرگانان وحق‌العمل‌کاران سرگرم کسب و کارند و مقاطعه‌کاران ارزاق عمومی را از جمله غله - برنج وروغن بنام شرکت نفت انگلیس وایران خریداری میکنند بهمین جهت سطح زندگانی مردم آنجا بالا رفته وخواربار گران میباشد. شرکتهای خشکبار - ریسندگی - برق - دخانیات - تجارتی - کمیسیون خواربار و انجمن تعدیل نرخ بوسیله چندنفر اشخاص بانفوذ ونفع‌پرست اداره میشود کارخانه‌های ریسندگی - برق‌ویخ - آبیاری - صابون‌پزی - روغن‌گیری - وچند دستگاه آرد وگندم پاك کنی دراین شهر وجود دارد وباغها ومزارع بوسیله چند دستگاه کوچك آبیاری میشود . چون سطح رودخانه اززمین چندمتر پائین‌تر واقع شده دستگاه آبیاری زیادتری لازم است که مزارع آنجارا بحد کافی آبیاری کند - اهواز ازلحاظ بهداشت بسیار عقب مانده است.

در آنجا یك بیمارستان بنام شاهپور وجود دارد که تکافوی بیماران فقیررا نمیدهد و اکثر مریضهای مستمند بدون دوا و غذا در کوچه‌ها بسر میبرند وجان خودرا فدای هوی وهوس متصدیان بیمارستان مینمایند.
اخیراً دراین شهر بنگاهی بنام خیریه عمومی تأسیس شده واز مردم آنجا مبالغی بعنوان خیریه گرفته میشود ولی عده کمی ازفقرارا درآنجا جاداده وبیشتر گدایان ومستمندان درکوچه‌ها سربار ناملایمتهای این شهر میباشند.
اعراب بادیه نشین اطراف اهواز ازمأمورین دولت خاصه ازنفرات ژاندارمری که‌حافظ جان ومال مردم باید باشند درعذاب وآزارند ومردم از ادارات دولتی ومقامات مسئول شکایت دارند.
کالا و مال‌التجاره بازرگانان درگمرك مانده ووسیله حمل آنها بداخله نیست ومأمورین راه آهن درمقابل اخاذی قسمتی ازمال‌التجاره‌را حمل میکنند و حمل و نقل کالا در اهواز نامنظم است ـ آب مشروب این شهر بوسیله لوله بخانه‌ها میرسد ولی آب گل‌آلود وتصفیه نشده‌است.
درآنطرف رودخانه ساختمانهای مجللی ازجمله بناهای بانك ملی ایران وسربازخانه و ایستگاه راه آهن و چند ساختمان دیگر بناشده پلی‌که بطرف بندر شاهپور احداث شده دارای ۵۱ چشمه‌است که هریك بوسعت سه متر وروی سد قدیم اهواز قراردارد وهرروز یك قطار برای حمل کالا به بندر شاهپور رفت و آمد دارد و پل فلزی دیگر که نیم پایه و بی پایه از بتون ساخته شده و روی پایه‌ها و تیرهای آهنی مانند نرده گذارده شده و تیرهای مزبور تا بلندترین سطح آب در بتون بکار رفته و دردوطرف آن‌راه پیاده روی‌ازچوب‌وتیرآهن نیز ساخته شده‌است‌این‌پل ازشاهکارهای صنعت معماری امروزه میباشد وطول آن ۱۱۰۰ متراست در اهواز و بندر شاهپور چند ساختمانهای بزرك و کوچك بنا گردیده

که اکنون مأمورین راه آهن درآنها سکونت دارند .

راه آهن ایران

اگرچه راه آهن سراسری ایران از بندر شاهپور کوتاه ترین راه بمرکز و شمال ایران است ولی خط سیر آن ناهموار و اکثر در مسیر جبال صعب العبور و دره های عمیق واقع شده ـ راه آهن شمال از بندر شاه در بحرخزرشروع شده پس ازگذشتن از جلگه های سبز و با صفای مازندران و عبور ازشهرهای ساری وشاهی وارد دره تنك تالار واقع در رشته کوههای البرز میگردد وگردنه مرتفع فیروزکوه رابوسیله تونل ها گذشته و پس از عبورازچند سلسله کوه‌داخل کویر وجلگه مسطح‌ورامین میشود سپس از جلگه های قم و اراك گذشته از دورود (رودبحرین‌سابق) مجدداً وارد نواحی کوهستانی و تنگهای آبدیز میگردد؛ در این محل کوهستانی متجاوز از یکصدکیلومتر از میان تونل های طولانی و پلهای متعدد عبور کرده نزدیك اندیمشك (صالح آباد) دوباره وارد جلگه مسطح خوزستان میشود و از اهوازگذشته ببندرشاهپورمیرسد .

طول خط آهن سراسر ایران از بندر شاه تا بندر شاهپور بالغ بر ۱۳۹٤ کیلومتر میباشد و در تمام مسیرراه‌آهن۲۲٤ تونل بزرك‌وکوچك ساخته شده‌که ۸۰ تونل‌آن در خط شمال یعنی از شاهی تا تهران‌و۱٤٤ تونل دیگر در راه جنوب واقع شده و طولانی ترین تونل معروف کدوك در شمال است‌که زیاده از دو کیلومتر ونیم طول آن میباشد و نیز پل تنك آبدیز درجنوب است و٤۷پل سنگی و ۲۰ پل آهنی درمسیرراه آهن ساخته شده‌که بزرگترین‌آنها یکی روی دره ورسك نزدیك عباس‌ـ آباد در شمال و دیگر پل‌کارون در جنوب است ـ راه آهن ایران دارای نود ایستگاه بزرك وکوچك است‌که۳۱ ایستگاه آن از بندر شاه‌تاتهران

و۹۵ ایستگاه دیگر از تهران تابندرشاهپور واقع شده .

راه آهن ایران از لحاظ تنوع مناظر طبیعی و ازحیث اشکالات فنی یکی از مشکل ترین راه آهنها و با بهترین خط آهن جهان رقابت میکند و از مناطق و نواحی گوناگون و ازمناظر طبیعی وزیبا عبورمینماید.

احداث خط آهن از سال ۱۳۰۶ خورشیدی ازطرف شمال وجنوب شروع گردیدوهزینه هر کیلومتر درحدود پنج هزارلیره بوده ومخارج کل ساختمان راه آهن بالغ برسی میلیون لیره شده که ازعواید انحصار قندوشکر و چای برداشت شده است .

راه آهن ایران از سالهای متمادی مورد نظر خودی و بیگانه بوده و اولین کسیکه از رجال ایران بفکر احداث راه آهن افتاد یکی مرحوم صنیع الدوله بود که مجله موسوم براه نجات راجع بفواید راه آهن ومحسنات آن انتشاردادو دیگر ناصر الملك قره گوزلو نایب السلطنه میباشد .

پیش از مسافرت ناصرالدین شاه بفرنك نمایندگان ومتخصصین راه آهن از اروپا بایران آمده و بوسایل عدیده کوشش در گرفتن امتیاز آن میکردند در سال ۱۸۷۳ میلادی دولت انگلیس در نظر گرفت که یکرشته خط آهن از یکی از بنادر دریای مدیترانه شروع کرده و از وادی فرات و دجله آنرا عبور داده از طریق بنادر جنوب ایران و کرانه مکران ببندر کراچی و مرزهای هندوستان اتصال دهد برای انجام این منظور کمیسیونی در لندن ازمتخصصین این فن تشکیل گردید « بارون جولیوس » انگلیسی که بعداً امتیاز تأسیس بانك شاهنشاهی را در ایران بدست آورد امتیاز راه آهن بمدت هفتاد سال در زمان صدارت مرحوم میرزا حسین خان سپه سالار تحصیل نمود چون منظور عمده این امتیاز تهدید روس ها بود همینکه آنها درمقابل تقاضای انگلیسها تعهد نمودند که دیگر درافغانستان

دخالت نکنند و بمانور سیاسی خود خاتمه دهند بنابرین امتیاز راه آهن مزبور لغو و باطل گردید - درسال ۱۸۷٤ میلادی یکی از مهندسین عالیرتبه روس «بارون فلکنهاین» بتهران آمد و میخواست امتیاز راه آهن را ازسرحد جلفا تاتبریز بدست آورد چون معلوم شد که این امتیاز را برای دولت روسیه میخواهد و منظور اینست که خط آهن تبریز تهدیدی برعلیه دولت ترکیه در مرزهای آنکشور باشد این امتیاز عملی نگردید - درسال ۱۸۷۸ میلادی «الیون» نامی بنمایندگی شرکت فرانسوی امتیاز راه آهن از رشت بتهران را تحصیل نمود که بمرحله عمل نرسید بعداً یکنفر مهندس اطریشی «هرفون شیرر» داوطلب همین امتیاز شد ولی دولت ایران قبول ننمود برای سرمایهٔ که دراین کار مصرف میشد صدی هفت تنزیل بپردازد لذا این امتیاز بجائی نرسید - سپس مأمورین رسمی انگلیس درتهران اصرار داشتند که امتیاز کشیدن راه آهن اهواز تاتهران را بدست آورند ولی بواسطه ضدیت روسها کوشش آنها عقیم ماند.

درسال ۱۸۸۲ میلادی «بواتال» بلژیکی امتیاز راه آهن ازرشت بتهران رابدست آورد و میخواست که خط آهن مزبوررا تابوشهر یابندرعباس امتداد دهد نیز امتیاز کشف معادن بین راه تا شعاع ده کیلومتر باو واگذار شد نامبرده پانصد هزارفرانك بعنوان ودیعه در بانك پاریس گذاشت ولی بواسطه مخالفت دول ذینفع این موضوع از بین رفت وبعداً «بواتال» اجازه کشیدن خط آهن از تهران بحضرت عبدالعظیم راتحصیل نمود سپس این امتیاز را بیك شرکت بلژیکی فروخت و کمپانی مزبور باسرمایه دو ملیون فرانك شروع بکار کرد دراین بین روسها باشرکت نامبرده سازش کرده و با دادن اعتبار لازم بنام آنشرکت از دولت ایران اجازه گرفتند که تامسافت ۳۰ کیلومتر دیگر خط آهن را بجنوب تهران امتداد دهد

که بالاخره عملی نشد .

در سال ۱۸۸۹ میلادی « پالشلوسکی » روسی که متخصص فنی راه آهن قفقاز بود درصدد گرفتن امتیاز راه آهن ازغازیان تارشت برآمد ودرسال ۱۸۹۰ میلادی دو نفر دیگر از اتباع روسیه بنام «نویچ» و « بپالیاکوف» بدولت ایران پیشنهاد امتیاز راه آهن ازجلفای ارس تاتهران وازآنجا بطرف یکی از بنادرجنوب درخلیج فارس را دادند ولی مذاکرات آنها بجائی نرسید بعداً آنها موفق بگرفتن امتیاز تأسیس بانك استقراضی روس گردیدند.

در موقعیکه انگلیسیها در زمان ناصرالدین شاه اجازه کشتی رانی در رودخانه کارون وساختن راه آهن خوزستان را بدست آوردنددولت روسیه جداً مخالفت نمود و دولت ایران مجبور شد رسماً تعهد نماید تا مدت پنج سال امتیاز راه آهن را بهیچ دولت دیگر ندهد بعداً این مدت تا ده سال دیگر تمدیدیافت سپس دردوره مظفرالدین شاه مجدداً بر مدت این قرار داد افزوده گردید و سفیر دولت روس اصرار نمود که شاه قرار داد دیگری امضا نماید و متعهد گردد که بدون رضایت و موافقت دولت روس اجازه ساختن خط آهن درایران بهیچ شرکت یاسندیکای خارجه ندهد و درقرارداد تصریح شده بودکه هر گاه امتیازی ازطرف شاه بدول بیگانه داده شود دولت روسیه خودرا مقید بحفظ تمامیت و استقلال ایران نخواهد دانست .

« ونتیسن » وزیر مختار دولت آمریکا و بعد « مارگان شوستر » آمریکائی خزانه دار نیز نقشه راه آهن ایران را طرح نموده ودرنظرداشتند که باکمك سرمایه داران وسندیکاهای آمریکائی اینکاررا عملی کنند ولی بسبب توقف کوتاه او در ایران اینقضیه ازبین رفت . « لردکرزن» معروف درکتاب خود مینویسد « تصور میکنم بعدها راه آهن ایران از کوههای

بلند و دره های عمیق از فلات ایران گذشته و دریای خزررا بخلیج فارس متصل سازد ».

یکی از رجال سیاسی انگلیس میگوید اینکه موضوع راه آهن ایران در اینمدت بنتیجه قطعی نرسید تقصیر طبیعت نیست که موانعی ایجاد نموده باشد بلکه مانع عمده آن حرص و آز دول ذی نفع است که محرك ومانع اصلی بوده و تاکنون از نقطه نظر رقابت سیاسی نگذاشتند راه آهن در ایران احداث گردد وحل اینمسئله تا امروز مربوط باشکالات فنی وعلمی نبوده که بتوان روی میز مهندسین این فن حل وتصفیه نمود بلکه موضوع اساساً یك مسئله بغرنج سیاسی است که باید در آرشیو وزراء و سفرای خارجه آنرا گشت و پیداکرد و تصفیه نمود - راه آهن ایران یك بازی سیاسی وبدست کسانی است که آنرا درلفافه دسیسه وتزویر پیچیده اند وصورتی بغرنج بدان داده اند هرگاه نوشته ها ومراسلات دیپلوماسی که بین سفارتخانه ها در تهران ودروزارت خانه های خارجه انگلیس و روس در خصوص راه آهن ایران ردوبدل شده ببینید مانع اصلی راخواهیدفهمید.

نویسنده در حیرتم که چگونه این راه آهن با صرف سی میلیون لیره دارائی این ملت فقیر وچند سال مشقت و رنج وزحمت زیاد عاقبت وبال جان ایرانی گردید و بمصداق « دشمن طاوس آمد پراو » ایران از فواید مادی و معنوی آن برخوردار نگردید درجنك بین الملل دوم چهار سال سی وسه هزارنفر کارگر فنی و غیرفنی ایرانی بکار های حمل ونقل مهمات ومواد غذائی درراه آهن مشغول بودند و متجاوز از پنج میلیون تن مهمات جنگی وغیره متفقین را ازخلیج فارس بکشور اتحاد جماهیرشوروی رسانیدند و درپرتو این فعالیت وحصول این موفقیت راه آهن ایران معروف به پل پیروزی شد وسران کشورهای بزرك سند رضایت و لیاقت

بایرانی سپردند اما علاوه بر اینکه چیزی ندادند بالغ برچند میلیون دلار بهای اشیاء ولوازم کار ازجمله لوکوموتیو و واگونهای فرسوده خود را براین ملت فقیر تحمیل نمودند وبرضعف بنیه اقتصادی این کشورافزودند و ایران فاقد همه‌چیزرابحال پریشانی گذاردند وراه آهنی‌خراب‌وفرسوده برای ایرانی باقی‌گذاشتند ـ و سیعلم‌الذین ظلموا ای منقاب ینقلبون .

راه آهن فرعی ایران

مرحوم حاج محمدحسن‌امین‌الضرب باشرکت جمعی ازتجارایرانی خط آهنی درمصب رودخانه هراز بطول ۱۸ کیلومتر از کرانه بحرخزر تاشهر آمل کشید و درنظر داشت آنرا به تهران امتداد دهد ولی بواسطه عدم توجه این راه آهن ازکار افتاد ونتوانست کاری انجام دهد ـ بعدها امتیاز راه آهن از جلفا تاتبریز و خط فرعی آن تاکرانه دریاچه رضائیه وکلیه معادن اطراف‌آن تا شعاع ده‌کیلومتر بروسها واگذارگردید طول این خط آهن ۱۴۷ کیلومتر است و خط دیگری نیز از صوفیان در ۳۱کیلومتری تبریز تاشرفخانه بطول ۵۳کیلومتر ساخته شد ودرنظربود آنرا براه آهن قفقاز اتصال دهند بعداً طبق عهدنامه بین ایران و روسیه سویت درسال ۱۹۲۱ میلادی بدولت ایران منتقل گردید ـ راه‌آهن‌ماکو که ازایستگاه شاه تختی‌درقفقازبوسیله پلی ازرودخانه‌ارس گذشته‌وپس از عبورازماکووارد مرزترکیه میگردید وطول‌آن۱۰۰ کیلومتر بود وپس‌از جنگ جهانگیر اول در موقع انقلاب روسیه خراب شد و از بین رفت ـ درجنگ بین‌الملل‌اول انگلیسیها از سه نقطه خاك ایران خط آهن فرعی کشیدند یکی از بغداد تاقصر شیرین ودیگری از مرز هند تا زاهدان و خط آهن دیگر از بوشهر تا قصبه برازجان بود خط آهن زاهدان دربولان از راه آهن اصلی در هندوستان جدا شده ویك شعبه‌آن تاچمن

درشمال افغانستان میرود و دوشعبه دیگر از راه نوشکی بزاهدان‌میرسد که بیشتر جنبه نظامی و سوق‌الجیشی داشته ولی در حمل ونقل کالا از هندوستان به ایران نیز بکار میرفت بعد از جنك گذشته بدولت ایران انتقال یافت و در نظر بود آنرا تا خراسان امتداد دهند که بصورت عمل در نیامد بالنتیجه از کار افتاده و از بین رفت - در سال ۱۹۱۸ میلادی راه‌آهنی‌ازبوشهر تابرازجان بطول ٦٠ کیلومتر ساخته شد و این‌خط‌آهن نیز جنبه نظامی‌داشت وبعد ازخاتمه جنك گذشته ازطرف مقامات‌نظامی انگلیس پیشنهاد فروش آن بشهرداری بوشهر شد چون بودجه شهرداری تکافوی خرید آنرا نداشت خط آهن مزبور را خراب کرده و لوازم فنی آنرا ببصره انتقال دادند - اکنون پل چوبی خط آهن مزبور در محل سور احمدی باقیمانده است گویا این پل چوبی بمنزله پاداش خسارات وتلفات‌ایرانی‌درجنك گذشته‌بوده که‌نمایندگان‌ایران‌بریاست‌مشاورالممالك انصاری درکمیسیون‌غرامات مطالبه کردند ولی « اردکرزن » مذاکرات این موضوع را منوط بعقد قرارداد بین ایران وانگلیس درسال۱۹۱۹ میلادی نمود که‌عاقبت نمایندگان ایران بدون حصول نتیجه بایران مراجعت‌کردند - بیمناسبت نیست عین قرارداد ۱۹۱۹ میلادی برای مزید اطلاع خوانندگان این کتاب نوشته شود .

در تاریخ ۹ ماه اوت ۱۹۱۹ میلادی قراردادی بین دولتین انگلیس و ایران منعقدگردید که درلندن وتهران مفاد آن منتشر شد .

ماده اول - دولت بریتانیای کبیر تعهدی راکه در گذشته مبنی براستقلال وتمامیت ایران کرده است مجدداً تأیید وتضمین مینماید .

دوم - دولت انگلستان هرقسم متخصصین فنی که لازم باشد پس از

مشورت بین دولتین متعاهدین برای ادارات مختلفه دولتی باختیار دولت ایران خواهد گذارد :

سوم ـ دولت بریتانیای کبیر افسران نظامی و مهمات واسلحه‌هائی که کمیسیون نظامی طرفین برای تشکیل قوای متحدالشکل بمنظور نگاهداری امنیت داخلی وحفظ سرحدات لازم بداند خواهد داد .

چهارم ـ دولت انگلستان ترتیب قرضه کافی را برای اجرای مقاصد فوق خواهد پرداخت .

پنجم ـ دولت بریتانیای کبیر حاضر است برای تهیه کردن راهها وجاده ها بوسیله خط آهن یا راه شوسه طبق نظریات متخصصین بادولت ایران همکاری نماید .

ششم ـ دولتین معاهدتین قبول مینمایند که کمیسیونی ازطرفین برای تجدید نظر درتعرفه گمرکی تشکیل بدهند .

بعلاوه دولت بریتانیای کبیر بموجب مراسله جداگانه قبول مینماید برای اجرای مواد زیر درصورت لزوم بادولت ایران همکاری کند .

(۱) تجدید نظر درمرزهای کنونی بین دولتین انگلیس وایران .

(۲) درمورد دعاوی دولت ایران راجع بخسارات وارده از طرف سایر دولتهای متخاصمین .

(۳) راجع به نقاط مرزی درمواردی که حکمیت طرفین موافقت نمایند دولت انگلیس تصدیق و قبول میکند .

تاریخ ۱۸ اوت ۱۹۱۹ شماره ۱۵۹۷

محل امضاء کاکس

سر « پرسی کاکس » امضاء کننده معاهده فوق مدت چند سال سر کنسول دولت انگلیس دربندر بوشهر بود پس ازسقوط بغداد درجنگ بین الملل اول بسمت

مستشار عالی (قائد عام) دربین‌النهرین برقرار گردید و بعد بوزیر مختاری دولت انگلیس در تهران منصوب شد او از رجال معروف آن دولت در خلیج فارس بود بفارسی و عربی بخوبی آشنا ودر اغلب ملاقاتها با مشایخ عرب مقیم کرانه‌های خلیج فارس وخوانین جنوب ایران بدون واسطه مترجم مذاکره و کارهای سیاسی بنفع دولت متبوعه خود انجام میداد او چند سال پیش در لندن وفات کرد .

صید مروارید

برخی از روان‌شناسان و علمای گذشته براین عقیده بودند که تولید مروارید بواسطه باد های بهاری و رشحات آب باران که در صدف وارد شده تولید مروارید مینماید این عقیده پایه و اساسی ندارد بلکه اساس مروارید از دانه ریك کوچکی ازماده آهکی و یاحشرات صغیره دریائی که بوسیله روزنه هائی داخل صدف وارد شده ودر آنجا باآغشید ولعابات صدف پوشیده میشود کم کم دانه صاف وملمع شده تولید مروارید میکند هر گاه این دانه ریگ آهکی در وسط گوشت صدف قرار گیرد مروارید آن نفیس وگرانبهاست که آنرا مروارید غلطان یاخشن مینامند و هر گاه دانه در گوشه یادرکنار گوشت صدف واقع شود مروارید آن از درجه پست و چندان قیمتی ندارد ـ مرواریدها اقسام مختلفی دارند اول مروارید غلطان موسوم بجیبون دوم مروارید خشن سوم مروارید رایکه چهارم مروارید قوله پنجم مروارید بدله ششم مروارید ناعم هفتم مروارید بوکه این دو قسم اخیر همان مروارید خاکه میباشد و بهائی ندارد ـ هردانه که کرویت کامل دارد معروف بقوله و آنچه نصف کرویست موسوم به بطن الهند است آنچه مخروطی الشکل است بنام تنبول وقسم دیگر را کاوکی مینامند بهترین و نفیس ترین مروارید که غلطان نام دارد رنك آن سفید مایل

بسرخی است دیگر مروارید که رنك آن نباتی و قسم دیگر برنك سفید مایل بسبز و نوع دیگر زجاجی قسم دیگر برنگ کبود معروف بکبیاسی میباشد بهترین مروارید در جزیره بحرین بدست میآید و تجار فرانسوی هندی عرب و بعضی بازرگانان ایرانی برای خرید ببحرین میآیند ـ محل صید مروارید موسوم به هیارات است که قسمت عمده آنها درسمت کرانه عمان و بحرین واقع شده و هیارات درکرانه های ایران زیاد نیست ـ شروع صید مروارید از خرداد ماه است وتا چهارماه امتداددارد بهترین محل صید مروارید در خلیج فارس بین دریای عمان و بحرین در حدود رأس الجبال واقع‌شده ـ کارگران وغواصان صید مروارید بدو دسته تقسیم‌میشوند آنهائیکه‌بقعردریا فرومیروند وصدف‌های محتوی مرواریدرا جمع آوری میکنند بنام‌غیص وکسانیکه درکشتی مانده ودورشته طنابرا که در دست غیص است یکسر طناب را در دست خود دارد و غیص را بسطح آب میکشد موسوم بسیب است و دو رشته طناب عبارت ازیکرشته که سرب بآن بسته شده و بواسطه سنگینی سرب غیص را فوری‌بقعردریا فرومیبردوپس از رسیدن بزیر آب آنرا رها میکند ورشته‌دیگر دردست غیص میباشد چون نفسش زیرآب تنگی‌کند این رشته دوم راتکان میدهد و سیب اورا بالا میکشد هرگاه سیب درکشیدن اوغفلت نماید احتمال خطر جانی برای غیص دارد ـ همینکه غیص بسطح آب آمد سبدمحتوی صدف ها را تسلیم سیب میکند پس از تجدید نفس مجدداً زیر آب می‌رود این کار را از صبح تا ظهر و از بعد از ظهر تا غروب آفتاب تکرار می‌نماید.

صدف‌های محتوی مروارید مانندگیاه در ته دریا ریشه داردوغیص باانگشت بند چرمی‌مخصوصی صدف ها راچیده و درسبدمیریزد ودرهنگام

شب آنها راشکافته مرواریدها را ازصدف بیرون‌میآورند وبدست ناخدای کشتی میسپارند .

صدف بردونوع است یکی بنام محار و دیگری معروف بزنی که مقدار زیادی بممالك اروپا برده برای مصرف دکمه ویادسته‌های کارد وچاقو وسایر اشیاء دیگر بکارمیبرند وازصادرات عمده خلیج‌فارس بشمارمیرود .

خطرجانی‌غیص دردریا برخورد بسنگهای‌صخره ویا غارهای‌دریائی ویاچند قسم حیوانات دریائی میباشدکه یکی را دول ودیگری سگ‌ماهی (کوسه) و نیز حیوانی است موسوم بلوسی و دیگری لحمه میباشد - سك دریائی دارای دندان های تیز وبرنده چون اره است همینکه کسی‌را درآب ببیند حمله نموده بادندان‌های تیز خود ضربت مهلکی بهدف میزند و او را نا توان نموده و تلف میکند ولی حیوان دول دندان ندارد و انسان راگاز میگیردکه درنتیجه بدن سوزش نموده قادربادامه کارنباشد چون این حیوان ازآب بیرون‌افتد بفاصله چند دقیقه‌که تحت تأثیرآفتاب قرار گیرد از حرارت آفتاب گداخته شده و اثری از آن باقی نمیماند - لوسی ولحمه وام علیمون‌که دارای‌خارهای تیزی هستندکه دربدن انسان فرو برده و او را صدمه میرسانند چه بسا از غواص‌ها بخطر جانی گرفتار وتلف‌میشوند یابرخی ازآنهاکه‌ازآب درآیند بدنشان مرتعش ولرزان‌شود و بامراض ریوی دچارگردند و یاازاطاله فرو بردن نفس بضیق‌النفس‌مبتلا شوند . نویسنده در بحرین ازبعضی غواص‌ها ازاحوال دریا داستانهاشنیدم و ازغارها و پستی و بلندی بحار و حیوانهای موذی و ماهی‌های معروف به‌آدم‌دریائی‌صحبت‌های‌شگفت‌آوردارندازجمله ماهی‌موسوم‌به‌گور گوشت جوف صدف مروارید را طعمه خودمیسازد و این گوهر را ضایع و فاسد مینمایده بعضی از مروارید های نفیس‌هردانه ۱۵۰۰۰۰ روپیه یا زیاد تر

بفروش میرسد- درسال ۱۹۱۰ میلادی شرکت فرانسوی بنام «روزانتال» تجارت مروارید را در بحرین شروع نمود و هرساله معادل ۱۰ ملیون روپیه داد وستد میکرد.

دیگر یکی از بازرگانان ایرانی ساکن بندر لنگه بود که بعد ها تجارتخانه در بمبئی و بندر جده تأسیس نمود - در سال ۱۳۰۰ هجری قمری امین‌السلطان صدر اعظم ایران در مراسله خود بیکی از تجار بندر لنگه چنین مینویسد «از قرارمعلوم در آبهائیکه در خلیج فارس متعلق بدولت ایران است صید مروارید بسیارخوب میشود تلگرافاً بحسین‌قلیخان سعد الملك حکمران بنادر جنوب اطلاع دادم که سریعاً ببندرلنگه آمده درمقام ممانعت ازصیدکنندگان مروارید اتباع خارجه برآید واگر موقع صید است برای دولت ایران صید مروارید نموده فوراً نمونه بفرستید بلکه صدفی که مروارید در جوف آن باشد بتهران روانه نمائید در این موضوع اهتمام کامل بعمل آورید وتحقیقات لازمه از داخل وخارج نموده گزارش بدهید هرگاه ممکن باشد از صید جدید با چاپار دو نمونه بفرستید یکی مروارید در جوف صدف و دیگری از صدف خارج باشد» نویسنده گوید که مروارید در جوف صدف وسط گوشت قرار دارد هرگاه بهمان طریق چندی نگاه‌دارند عفونت پیدا کرده درنتیجه مروارید راضایع وخراب مینماید.

یکی از سیاحان انگلیسی مینویسد در سال ۱۸۱۱ میلادی چند کشتی انگلیسی ببدرلنگه آمده و معادل ٤۱۰۱٦۰ لیره مروارید خریداری نمود-مرواریدهائی که دراطراف جزایر هندهلندوسیلان یادرخلیج مکزیك و رأس فوران یافت میشود بخوبی مروارید خلیج فارس نیست.

درسالهای اخیر مروارید مصنوعی که درژاپون ساخته میشده ازرونق بازار این گوهر گرانبهای حقیقی کاسته است .

خلیج فارس

از دیر زمانی خلیج فارس یکی از مهمترین دریاها ازلحاظ سیادت و اقتصاد بشمار میرفته و موقعیت آن نیز از لحاظ سوق الجیشی اهمیت زیادی داشته زیرا این خلیج سرراه و کلید دریائی اقیانوس هند قرار گرفته بنا براین مناسبات خلیج فارس در جهان عامل مهمی از نقطه نظر ارتباط اقوام مختلف وراههای بازرگانی شرق وغرب میباشد ودریانوردی در خلیج فارس از قدیم معمول بوده و اقوام آشوریها و عیلامیها و سایر اقوام دیگر در ناحیه خلیج کشتی رانی داشتند چنانچه « نیارکوس » سردار یونانی بامر اسکندر از خاك سند از راه خلیج فارس تا رود خانه کارون وشط العرب را بازدیدنمود ونیز «آلبوکرك » پرتقالی درسال ۱۵۱۵ میلادی باچند کشتی بخلیج فارس آمده وجزیره هرمز راتصرف کردسپس بسواحل خلیج دست یافت . درسال ۱۶۳۹ میلادی هلندی ها هم بامحمولات خویش وارد خلیج فارس شده و تجارتخانه خود را در بندر عباس و بعد در جزیره خارك تأسیس نمودند ـ سپس فرانسویها و انگلیسیهادرخلیج فارس راه یافتند بنابراین موقعیت جغرافیائی خلیج موجب گردید که ارتباط از خاور بباختر رادارا باشد درسال ۱۵۸۰ میلادی «جان نیوبری» انگلیسی و بعد «هوگن» هلندی برای تحقیقات راجع باوضاع اقتصادی بخلیج فارس آمدند و در سال ۱۸۹۲ میلادی « لرد کرزن » در مرتبه اول که بخلیج فارس آمده در اهمیت آن مینویسد « احداث بندرگاه درخلیج فارس از دیرزمانی جزء آمال و آرزوی روسها بوده هرگاه صورت عمل بخود گیرد آرامش وانتظامی که باصرف آنهمه مساعی و کوشش درخلیج فارس برقرار

گردیده مختل خواهد شد هر دولتی در انگلستان که بروی کار آید و اجازه احداث بندری را در خلیج فارس بروسیه بدهد بعظمت انگلستان توهین نموده و در اختلال و تولید جنگ بین ما و روس‌ها جدیت کرده من آن سفیر انگلیسی که در اینمورد تسلیم شود و اجازه احداث بندر را بروسیه بدهد گناه کار و خائن بمیهن خود میدانم » لرد نامبرده در سفر دوم خود بخلیج فارس درسال ۱۹۰۳ میلادی هنگامی که نایب السلطنه هندوستان بود بار دیگر برای جلب اطمینان و اعتماد مشایخ ساحلی عرب باهشت کشتی جنگی وارد خلیج فارس گردید و در بندر شارجه موقعیکه رؤسای قبایل عرب مقیم کرانه عمان برای ملاقات او آمده بودند رویه صریح خود را درموضوع موقعیت دولت متبوعه خود در خلیج فارس بیان نمود و نشان درجه اول « ستاره هند» را به بعضی مشایخ از جمله مبارك بن صباح حکمران بندر کویت و شیخ خزعل خان مرز دار ایران در خرمشهر عطاء نمود (هنگامیکه او وارد لنگرگاه بوشهر شد علاءالدوله والی فارس در کنار ساحل حاضر برای پذیرائی او گردید ولی لرد نامبرده مایل بود که علاء الدوله بکشتی آمده و اورا استقبال کند که بالاخره عملی نشد و لرد کرزن آزرده خاطر شده ودر بوشهر پیاده نگردید و آنهمه هزینه که برای پذیرائی او تهیه شده بود بهدر رفت) .

در سال ۱۹۱۹ میلادی « لرد هاردینگ » فرمانفرمای هندوستان بخلیج فارس آمد و اکثر بنادر خلیج را سرکشی نمود .

درسال ۱۸۰۰ میلادی « سرجان ملکم » معروف در سفر اول خود که بخلیج فارس آمده مینویسد :

« مأموریت من بایران برای این منظور بود که هندوستان را از شر تهاجم سرحدی زمان شاه امیر افغانستان نجات بدهم نیز اقدامات

و عملیات فرانسویها را در دربار فتحعلی شاه بی اثر گذارم زیرا هیئت نمایندگان فرانسه که بریاست « گاردن » بایران آمده بودند قراردادی با شاه منعقد نموده که دولت ایران روابط سیاسی و تجارتی خود را با انگلیسیها قطع نماید و نماینده ایران را ازبمبئی احضار کند و عمال انگلیسی را از ایران و خلیج فارس خارج کنند و راه ارتباط را از راه خشکی ودریا برانگلیسیها ببندند من‌دراجرای مقاصدخود پیشرفت‌نمودم و موفق شدم راجع بمسائل مربوطه بایران و خلیج فارس قراردادی با فتحعلی شاه منعقد نمایم واین قرار داد موسوم به«معاهده قطعی»بود که درنتیجه روابط تجارتی بین ایران و انگلیس که چندی روبضعف رفته‌بود بار دیگر رونق یافت ومناسبات‌سیاسی‌واقتصادی بین‌طرفین‌برقرار گردید»

« لردلانسدون » رئیس اداره سیاسی هندوستان درمجلس‌اعیان انگلیس اظهار نمود « سیاست ما در خلیج فارس در مرحله اول باید متوجه حمایت و حفاظت توسعه بازرگانی انگلیس در آبهای آنجا باشد ما باید استقرار یك تکیه‌گاه دریائی‌و بندری در خلیج‌فارس‌را بوسیله هردولتی که بخواهد احداث کند مانند یك تهدید بزرگی بمنافع انگلیس تشخیص داده و باتمام وسائلی که در اختیارخودداریم ازچنین پیش‌آمدی جلوگیری نمائیم » .

« ارنست بوین» وزیر امورخارجه انگلیس درمجلس عوام‌انگلیس درباره منافع دولت متبوعه خود درجنوب ایران وخلیج فارس بیان نمود « دولت امپراتوری انگلیس مایل است که منافع او در هرجا باشد آنرا حفظ نماید» «مکلین» نماینده حزب‌محافظه کار از وزیرخارجه سؤال کرد که نظر به پیش‌آمد وقایع اخیر در ایران خوب است تضمین گفته های سابق « آنتونی ایدن » وزیر امورخارجه سلف‌را مجدداً تأیید کند زیرا

او بیان کرده بود که ارادهٔ دولت انگلیس در حفظ منافع امپراتوری در خلیج فارس تعلق گرفته وپای بند این منافع خود میباشد و این نکته قابل انکار نیست که ایران بخصوص جنوب ایران وخلیج فارس زنجیر مهمی در دستگاه امپراتوری ماست و انگلستان نمیتواند مشاهده نماید که وضع موازنه در خلیج فارس بهم بخورد مگر اینکه حس اعتماد واطمینان در بین ملل بزرك از میان برود ما نمیتوانیم این خطر که جنوب ایران و خلیج فارس بدست دشمن ما افتد تحمل کنیم ».

درقرن هفتم پیش ازمیلاد « سناخریب » پادشاه آشور نیروی دریائی بزرگی تدارك نمود و از راه خلیج فارس به کلده و بابل حمله کرد سپس شاپوراول وبعد شاپوردوم باکشتیهای خود براعراب مهاجم تاخته وآنهارا منهزم وشکست دادند ـ درقرن ششم میلادی انوشیروان بقصد تسخیر عربستان در ابوله نزدیك بصره نیروی دریائی تهیه کرد و ازرأس الحد در ساحل عمان گذشته به بندر عدن رفت و ناحیه یمن را نیز ضمیمه ایران نمود و اقتدار سلطنت خود را در سراسر شبه جزیره عربستان برقرار ساخت و این نفوذ و اقتدار تادوره اسلام باقیماند ـ در زمان شاه عباس صفوی کوشش زیادی برای حفظ وامنیت خلیج فارس بعمل آمد آن پادشاه درنامه خود بشیخ غیث عرب مینویسد « تو محققاً اهمیت حدود و ثغور مملکت ومسئولیت حفظ وآرامش خلیج فارس وجزیره بحرین را دانسته اید مرزهای خلیج فارس باز و دشمن نزدیك میباشد بر تو لازم است برای نگاهداری آنجا اشخاص امین وعادل انتخاب نمائی وبرای حفظ وحراست آن حدود مردان شجاع وبا ایمان برگماری ودربکار بردن وسائل انتظام آنجا سفارشهای لازمه بنمائی ـ من تورا امیر بنادر وجزایر کردم وشهرهای خلیج فارس بتو واگذار نمودم برای اینکه مایل بفتح وغلبه باشی جدیت

وکوشش مبذول دار و از بزرگان قبایل عرب کمك طلب کن و درکارها مجاهد باش تامورد پسند خداوندگردی » .

نادرشاه درصدد برآمد نیروی دریائی در خلیج فارس تشکیل دهد برای این منظور چند کشتی از هلندیها و انگلیسیها خریداری‌نموده و به نظام حیدرآباد دکن دستور دادکه بیست کشتی بزرگ ساخته‌روانه خلیج فارس نماید هنگامیکه مشغول تسخیر داغستان بود کشتیهای مزبور ازبندر سورت بخلیج فارس رسیدند بعلاوه آن‌پادشاه امر کرد که از جنگل‌های مازندران تخته و الوار بکرانه خلیج فارس آورده و چند کشتی ساختند و بندر بوشهر را مرکز نیروی دریائی خود قرار داد « هارفوردجانس بریدج » انگلیسی مینویسد «در سال۱۷۸٤ میلادی که وارد بوشهر شدم سه‌کشتی ازکشتیهای نادرشاه‌که هریك ۵۰۰تن‌ظرفیت آنهابود درلنگرگاه بوشهر درخور نادری باقیمانده بود » ـ تعدادکشتیهای نادر شاه در خلیج فارس سیصد کشتی بوده و در چند سال پیش بقایائی از این‌کشتیها و لوله‌های توپ در بنادر وبعضی جزایر خلیج فارس وجود داشت ـ نادر بااین‌نیروی‌دریائی توانست بسواحل‌عربستان لشکرکشی کند وکلب علیخان افشار که سردار گرمسیرات بود مأمور تسخیر کرانه عربستان نمود ـ درنامه‌ای خطاب بشیخ نصرخان بوشهری مینویسد«سلام ورحمت وبرکت برکسانی‌بادکه مارا بادست وزبان یاری میکنندبدانکه برای جنك با دشمنان شما عده‌ای‌را که معروف بشجاعت و دلیری‌هستند بسوی شما فرستادیم ـ در موضوع سلطان مسقط و تسلیم نکردن بعضی جزایر باو یادآوری کرده‌اید بدان‌که بین‌ما و او شمشیر باید حکم کند ـ بوصول این نامه خودرا مهیای جنك با دشمنان کن زیرا امنیت آنحدود مورد تهدید است » .

ناصرالدین شاه درنظر داشت که نیروی دریائی درخلیج فارس تشکیل دهد وچهار کشتی جنگی برای مراقبت بنادرخلیج تهیه نمایدبرای این منظور ازیك شرکت کشتی سازی آلمانی کشتی « پرس پلیس » بظرفیت ۸۰۰ تن با قوه ٤٥۰ اسب که مجهز بچهار توپ کروپ ودوتوپ کوچك بود خریداری نمود کشتی نامبرده در سال ۱۳۰٤ هجری قمری بوسیله افسران دریائی آلمانی در بوشهر تسلیم مأمورین ایران گردید ـ دیگر کشتی « شوش » بودکه دررودخانه کارون رفت‌وآمد داشت‌اکنون این دو کشتی خراب و ازبین رفته است .

در دوره مظفرالدین شاه برای جلوگیر ازکالای قاچاق وسرکشی بگمرکات بنادرجنوب چندکشتی کوچك ازجمله کشتی مظفری‌خریداری گردیدکه اکنون اثری ازآن کشتیها باقی نمانده است ـ زمانیکه‌موضوع جزیره بحرین‌ازراه مذاکرات سیاسی‌درمیان‌بود انگلیسیها رسماً بوزارت امورخارجه‌ایران نوشتندکه هرگاه دولت‌ایران دارای پنج کشتی جنگی باشدکه بتواند حفظ وحراست بنادر خلیج فارس وجلوگیری ازدزدهای دریائی‌نماید دولت انگلیس ازنظارت وسیادت‌خود درخلیج فارس‌وبحرین صرفنظر خواهد نمود .

درزمان‌رضاشاه به نماینده ایران‌درجامعه بین‌الملل(رضاارفع‌الدوله) دستور رسیدکه برای خرید چندکشتی بمنظور نگهبانی بنادر خلیج‌فارس وجلوگیری ازکالای قاچاق اقدام‌کند ـ بعضی از دول‌که منافع خاصی در خلیج فارس دارا بودند نمیخواستند که ایـران دارای نیروی دریائی در خلیج فارس باشدولی‌مرحوم ارفع‌الدوله باجدیت زیاد موفق گردیدکه چندکشتی به کارخانه کشتی سازی ایتالیائی سفارش و خریداری نمـاید برای آموختن فن دریانوردی در سال ۱۳۱۲ خورشیدی دویست نفر از

افراد ارتش به ایتالیا روانه شدند. کشتی پلنگ بظرفیت ۹۵۰ تن و کشتی ببر نیز ۹۵۰ تن و کشتیهای کرکس- سیمرغ - شاهرخ- همای - شهباز هریك ۳۲۰ تن و کشتی یدك کش که ساختمان آنها خاتمه یافته بود وارد بندر بوشهر شد. هنگام ورود این کشتیها رضا شاه برای بازدید آنها ببوشهر رفت وهمراه این کشتیها بخرمشهر حرکت نمود ومرکز پادگان و فرماندهی نیروی دریائی در آنجا برقرار گردید انبارها - تعمیرگاه وبیمارستان و آموزشگاه نیروی دریائی و اداره بندر درخرمشهر تمرکز یافت و ناوهای ببر - همای - سیمرغ - شاهرخ و یدك کش در آنجا مستقر شدند و ناو پلنگ در آبادان مأمور حفاظت مؤسسات و پالشگاه شرکت نفت ایران وانگلیس بود وبعداً ناوهای کرکس وشهبازوپنج موتور دریائی در بندر شاهپور مأمور حراست و نگهبانی پنج کشتی بازرگانی آلمانی وسه کشتی ایتالیائی که بآن بندر پناه آورده بودند شدند کشتیهای ببر وپلنگ نیزمأمور سرکشی بجزایر هنگام و قشم وسایربنادر دیگر بودند. اعراب سکنه ساحلی خاصه قاچاقچیان از آمد و رفت این کشتیها در خلیج فارس خائف و بیمناك بوده بعلاوه قسمتی از نفرات نیروی دریائی درجزایر هنگام وقشم ودربندرباسعیدو برایحفظ ایستگاه دریائی استقرار یافت.

در نیمه شب سوم شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی که ملوانان ایرانی در خواب بودند غفلتاً شش ناو جنگی انگلیسی که بزرگترین آنها کشتی « کنیمیلا » ده‌هزارتنی‌بود برتأسیسات بندری‌و کشتیهای‌ایران‌حمله‌نمودند ابتدا از طرف کشتی های جنگی انگلیس در آبادان دوموشك سبزرنگ بهوا رفت که در حقیقت‌اعلان خطر بود در همان لحظه چراغهای برق مؤسسات شرکت نفت خاموش شد و تلفون های پادگان ایران درآبادان

که از سیم‌های شرکت نامبرده استفاده میشد از کار افتاد و کلیه ارتباط پادگان قطع گردید و این عمل عامل مهمی برای برهم خوردگی وعدم انتظام آنها گردید ـ در این بین سپاهیان انگلیسی ازسه طرف با مسلسل و توپهای کوچك به آبادان هجوم آوردند و غرش توپهای آنها شروع شد وبه افراد نظامی وغیرنظامی صدمه وتلفات وارد آمد وعده‌ای ازمردم بی گناه که غافلگیر شده کشته یازخمی شدند.

ناو پلنك که مأمور پاسبانی پالشگاه شرکت نفت بود درشب مورد حمله یك کشتی نفت کش که مجهز بتوپ بود واقع گردید این کشتی دوروز پیش ازواقعه سوم شهریور بلنگرگاه آبادان وارد شده ودراثر اصابت گلوله توپ بمخزن مهمات آن اعتدال خود را از دست داد ود فعتاً مشتعل و پس از چندساعت غرق گردید وافسران جوان وچندملوان آن که درخواب بودند غافلگیرو کشته شدند.

عده نفرات نیروی دریائی که دراین حادثه شوم کشته یازخمی شدند درحدود ششصد نفر میگویند.

ناوجنگی انگلیسی موسوم به «یارا» پیش ازسایرکشتی‌های دیگر وارد خرمشهر شد وناو ببر را گلوله باران نمود چون دراثر انفجار بمب که درمخزن مهمات آن روی‌داد بفاصله چند ساعت مشتعل وغرق گردید و کشتیهای همای ـ سیمرغ ـ شاهرخ و کشتی یدك کش که درآنجا لنگر انداخته بودند بتصرف انگلیسیها درآمد ـ اکنون که این‌سطوررا مینویسم کشتیهای نامبرده که سالم و بدون عیب انگلیسیها تصرف کرده بودند پس از پنج سال بوضع معیوب و فرسوده بایران مسترد داشتند.

در آن موقع سپاهیان انگلیسی بوسیله قایق های موتوری شروع بتهاجم نموده و دریا دار بایندر فرمانده نیروی دریائی دستور میدهد

که اسناد و مدارك محرمانه نیروی دریائی را جمع آوری کنند که بدست انگلیسی ها نیفتد و بالاخره این کارعملی نگردید . او برای دستورات دفاعی باتفاق یکی از افسران بطرف خط دفاعی بهمن‌شیر حرکت میکند ولی در بین راه باآتش مسلسلهای مهاجم روبرو گردیده و درنتیجه بایندر و افسر دیگر مقتول و جسدش نزدیك عمارت بی سیم دفن‌میشود..

در بندرشاهپور هنگام شب ناوجنگی ده‌هزارتنی «کنیمیلا» و کشتی «لورنس» حمله وبمباران مینمایند دراین بندرپنج کشتی بازرگانی آلمانی ازجمله «ویزن‌فلس» - «هوین فلس» - ماربن‌فلس» ودو کشتی‌دیگر آلمانی وسه کشتی‌بازرگانی ایتالیائی پناه‌آورده بودند ازصدای غرش‌توپ‌ناوجنگی «کنیمیلا» با خبرشده تصمیم‌بانفجارخود میگیرند اولین کشتی آلمانی«ویزن فلس »که فرمانده آن کاپیتان « پطر» بود موفق میگردد خود راآتش زند ابتدا مخزن نفت سوخت کشتی را باز نموده تمام نفت ها را روی‌آب‌دریا پراکنده میکند سپس منبع بنزین و روغن کشتی را خارج مینماید دراین موقع کشتی را محترق وتمام‌نفت و بنزین وروغنی که روی‌آب‌قرارگرفته بود مشتعل میگردد .

کشتی « هوین‌فلس» در حالی کـه مشغول استخراج نفت و بنزین بوسیله یکی از افسران خود بود مورد حمله انگلیس ها واقع میگـردد ویکی‌ازافسران انگلیسی ازپشت سر باافسر آلمانی که مشغول‌بیرون‌نمودن نفت سوخت کشتی بود با طپانچه حمله میکند در این بین‌یکی ازملوانان آلمانی متوجه این منظره میشود ازعقب باسرنیزه افسر انگلیسی را از پا در میاورد ولی کشتی نامبرده موفق بغرق خود نمیگردد سر انجام تمام کشتیهای‌آلمانی وایتالیائی باستثنای کشتی « ویزن فلس » وسایر کشتیهای ایران از جمیه «شهباز» و« کرکس» که دربندرشاهپورلنگر انداخته‌بودند

بدست انگلیسیها افتاد و تمام افسران دریائی خارجی و ایرانی را دستگیر و در کشتی جنگی « کنیمیلا » زندانی کردند سپس آنها را به شعیبه وبصره به‌اسارت بردند.

بعضی قسمت‌های پل‌ها وموتورهای کشتی‌های آلمانی وایتالیائی که درحال‌اشتعال بودبراثر اقدامات فوری‌انگلیسی‌ها خاموش گردیدولی کشتی « هوین‌فلس » روی یك پهلو بگل نشست ـ سپاهیان انگلیسی از کشتی جنگی « کنیمیلا » پیاده وشروع بپیشروی‌نمودند وبا مقاومت‌افراد نیروی دریائی‌ایران ویك گروه‌نظامی‌روبروشدند ـ دراین‌هنگام‌یك کشتی‌انگلیسی بسمت حوض شناور (گودی) حمله نمود وکارکنان آنرا ازپای‌درآورده هنوزهواکاملا روشن‌نشده بودکه‌کشتیهای شهباز وکرکس‌بدست‌مهاجمین افتاد و پرچم انگلیس « یونین جاك » برفراز دکل آنها به اهتزاز درآمد.

مردم غیرنظامی مصمم بتخلیه بندر شاهپور شده و باقطار راه‌آهن درهمان‌لحظه بطرف‌اهوازحرکت کردندولی‌فرمانده کشتی انگلیسی دستور شلیك بطرف‌ترن حامل‌افراد غیرنظامی میدهدکه گلوله توپ بترن اصابت ننموده وموفق بحرکت میگردد.

قبل از ظهر روز سیم شهریور ماه ۱۳۲۰ خورشیدی آفتاب نیروی دریائی جوان ایران افول نمود واثری از آن باقی نماند و ناوهای ببر و پلنك بقعرآب شط العرب فرورفتند وآن همه تأسیسات‌وتشکیلات نیروی دریائی که با هزینه هنگفت و خون دل تهیه شده بود ازمیان رفت و بمصداق «تو پنداری خیالی بود وخوابی » نام ونشانی از این تشکیلات آبرومند نیروی دریائی که بقای آن منتهی آمال ایرانیان‌بوددرصحنه‌دریای خلیج فارس بجا نماند بعد ها تاریخ این بی اعتدالی دول دموکراسی را قضاوت خواهد نمود.

پایان

غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٦	١١	چاه سرح	چاه سرخ
١٤	١٤	ازطرف ترکیه	به ترکیه
٢٣	٥	سلطان‌عبدالمجید	سلطان عبدالحمید
٤٠	١٠	فردستادن	فرستادن
٤٨	٢٠	درسال١٢٦٧ میلادی	درسال ١٨٦٧ میلادی
١٠٧	٨	آب جدول خانی در اطراف شیرازجریان‌دارد	اب جدول خانی در اطراف شیراز جریان داشته
١٠٧	٩	آب‌جدول‌حاجی‌آباد مزارع‌اطراف‌مشروب میسازد	از آب جدول حاجی آباد اکنون استفاده نمیشود
١٠٧	١٢	آب‌جدول‌خانی‌مزارع شیرازرامشروب‌میکند	آب‌جدول‌خانی‌بمزارع‌اطراف شیراز بیاورند
١٢٩	١٩	ازحیث اهلیت	ازحیث اهمیت
١٥٣	١٠	متواصع	متواضع
١٥٥	٢٠	ففیر	فقیر
١٦٣	١	افروده	افزوده
١٦٥	٢٢	بندر صورت	بندر شورت
١٦٨	٢٠	علی‌بن‌اجمد	علی بن احمد
١٨٢	٢٢	این‌قضیه‌موقعی‌اتفلق	این قضیه موقعی اتفاق‌افتاد
١٨٦	١٦	طول‌جزیره بن‌موسی ٥٠ کیلومتر	طول جزیره بن موسی ٥ کیلومتر
١٨٨	١٩	شیخ خزئل	شیخ خزعل
١٠٨	١٨	ارتفاع کتل پیر زن ٤٧٠٠ پا است	ارتفاع کتل پیرزن ٧٤٠٠ پا است
١٩٣	٣	هوی	هوا
١٩٤	٢٠	پل تنگ آبدیز در جنرب	تونل در تنگ چهارآبدیز در جنوب
١٢١	٣	زیرا خضرخان	زایر خضرخان
١٣٥	١١	٢٨ درجمه	٢٨ درجه
١٥٢	١٤	دهستان های	دهستان